

مقالات برگزیده همایش

انتظار و شهادت

کاری از بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)



بسم الله الرحمن الرحیم

مقالات برگزیده همایش انتظار و شهادت

نویسنده:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه الشریف

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مقالات برگزیده همایش انتظار و شهادت

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : مقالات برگزیده همایش انتظار و شهادت/ کاری از بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج).

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۲۸۰ص.

موضوع : مهدویت -- انتظار

موضوع : محمدبن حسن(عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - .

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/الف ۷۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

ص:۱

اشاره

ص:۳

مقالات برگزیده همایش انتظار و شهادت

اردیبهشت ۱۳۸۸

فهرست

سرآغاز

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام آنکه شهیدان در قهقهه مستانه شان و در شادی وصولشان نزد او روزی می خورند.

سلام بر او که خواهد آمد ولی بدون مکتب شـهادت بستر ظهور او مهیا نخواهد شد. سـلام بر بقیه الله، سلام بر او که خدا به او گفته است، باقی باش تا جهان باقی باشد. سـلام بر شهادت و شهیدانی که به قیمت تمام جانشان زمینه ساز ظهور شدند و سلام بر آنکه عشق او شهیدان را به شهادت مشتاق کرد.

خداوند را شاکریم که به ما توفیق برگزاری همایش بزرگ انتظار و شـهادت را همزمان با سال اصـلاح الگوی مصـرف عنایت فرمود. این همایش تلاشـی بود در جهت پیوند دو مفهوم والای «انتظار» و «شـهادت» که به همت مؤسـسه روایت سـیره شهدا و مرکز تخصصی مهدویت با حضور فضلا، محققین و پژوهشگران برجسته حوزه و دانشگاه در شهر مقدس قم برگزار گردید. از توفیقات مضاعف همایش فوق بهره مندی از بیانات ارزشـمند اسـتاد گرامی حضـرت آیت الله محمد تقی مصـباح یزدی(حفظه الله تعـالی) و حضـور عالمـانه فضـلاء و اساتیـد گرانقـدر حوزه علمیه قم بود. دبیرخـانه برگزاری همـایش مفتخر شـد تـا از بین مجموع مقالات رسیده در قالب ۴۰ موضوع متنوع تعدادی از مقالات را به عنوان مقاله برتر انتخاب و از صاحبان آثار تجلیل به عمـل آورد. همچنین کلیه آثـار برتر در قالب یک کتاب به چاپ رسـید. امیـد که حرکت حاضـر حسن مطلعی برای همایشات بعدی در راستای زمینه سازی ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

نسأل الله منازل الشهداء

معاونت پژوهش مؤسسه روایت سیره شهداء

اردیبهشت ۱۳۸۸

سخنرانی حضرت آیت الله مصباح یزدی (حفظه الله تعالی) (در همایش انتظار و شهادت)

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد الله رب العالمین و الصلاه و السلام علی سید الانبیاء والمرسلین، حبیب اله العالمین ابی القاسم محمد و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین، اللهم کن لولیک الحجه ابن الحسن ...

تقدیم به روح ملکوتی امام راحل و شهدای والا مقام اسلام صلواتی اهدا کنیم ...

فرا رسیدن ایام شهادت حضرت زهرا علیها السلام را به همه علاقمندان به اهل بیت تسلیت عرض می کنم، همچنین مصیبت رحلت مرجع عظیم الشأن حضرت آیت الله العظمی بهجت را به پیشگاه مقدس ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و همه دوستداران اهل بیت علیهم السلام تسلیت عرض می کنم و از خداوند متعال درخواست می کنیم که با فضل وکرم خودش خلاء وجود ایشان و برکاتشان را با عنایات وادعیه وجود مبارک ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جبران بفرماید.

شرکت بنده دراین جلسه ومزاحمتی که برای عزیزان فراهم می کنم معنای صحیحش فقط عرض ارادت خدمت خادمان ولایت و گروه هایی که افتخار تحقیق و پژوهش در زمینه دوتا از مفاهیم ریشه ای فرهنگ تشیّع را دارند واین ابتکار را انجام داده اندکه فعالیت های خودشان را درهم ادغام و به صورت یک حرکت به سوی نقطه واحدی ترسیم کنند. بنده هم مثل پیر زنی که کلافی برای خرید یوسف آورده بود خواستم در این محفل شریف عرض ارادتی کرده باشم؛ که ما هم دوستدار این خاندانیم. اگر دستمان نمی رسد کار بزرگی انجام بدهیم؛ کاری که بزرگان انجام داده اند(چه در جبهه های جنگ و چه در جبهه های جهاد با نفس) ولی دوستشان داریم. بنابراین نباید انتظار داشته باشید بنده چیزی عرض کنم که شما نمی دانید و چیزی بر معلوماتتان افزوده شود؛ به همین اندازه بپذیرید که خادم پیری عرض ارادتی به شما می کند.

همینطور که اشاره کردند ما در فرهنگ تشیع مفاهیم خاصی داریم گویی این مفاهیم اساساً مال اصل اسلام است ولی در مکتب تشیع برجسته شده به گونه ای که از ویژگی های این مکتب شناخته می شود؛ یکی مفهوم شهادت و شهادت طلبی و دیگری مفهوم انتظار. البته در همه ادیان بخصوص دین مقدس اسلام مسئله جهاد و شهادت جایگاه بسیار والایی دارد و همه مسلمان ها در طول زندگیشان با این مفهوم سر و کار داشته اند و ارزش آن را درک کرده اند و به آن معتقد بوده اند. اما ارزش این واژه و مفهومش وقتی به اوج رسید که داستان کربلا تحقق پیدا کرد. آن وقت مفهوم شهادت مصداق پیدا کرد و همه عالم را تحت تأثیر قرار داد و به اینصورت مفهوم شهادت در مکتب تشیع جایگاه خاص خودش را پیدا کرد. همینطور مفهوم انتظار فرج که مفهوم عامی است درعصر اسلام و همه

مسلمان ها انتظار روزی را دارنـد که حق بر باطل پیروز شود مخصوصاً با وعده هایی که در قرآن کریم داده شده « عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ . لیحق الحق بکلماته ویبطل الباطل ...» اما بعد از مطرح شدن مسئله غیبت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف و وظیفه شیعیان در عصر غیبت، مفهوم انتظار معنای بارزی پیدا کرد که سرنوشت ساز و عامل بقاء، رشد، حرکت و تکامل شیعه شد. به این صورت این دو مفهوم در مکتب تشیع برجستگی خاصی پیدا کردند. بحمد الله از برکات انقلاب اسلامی ایران اینست که دراین دو سه دهه اخیر ابتدا از طرف بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام رضوان الله علیه راجع به این دو مفهوم مطالب بسیار عمیق، ارزنده و سازنده ای بیان شد و مردم کاملاً با جایگاه این دو مفهوم در نظام ارزشی اسلام و تشیع آشنا شدند. بیانات ایشان همچون نوری که در ظلمت ها می تابید و دلها را روشن می کرد در دلهای مستعدین موجی از حرکت،نشاط و امید به وجود می آورد. بعد هم حوادثی که اتفاق افتاد بخصوص دوران دفاع مقدس این درختی که به دست ایشان غرس شده بود به یک معنا آبیاری کرد و کسانی را تربیت کرد که در طول تاریخ حیات اسلام پیدا کردن نمونه هایی از آنها بسیار دشوار است. اوایل طلبگی درتاریخ می خواندیم که در صدر اسلام جوانی به نام "حنظله" شبی که عروسی کرده بود صبحگاهش در جنگ احد شرکت کرد و به شهادت رسید، پیغمبر اکرم فرمودند: من ملائکه را می بینم که ازآسمان آب آوردند برای غسل دادنش. به این مناسبت «حنظله غسیل الملائکه» نامیده شد. ما تعجب می کردیم چطور می شود جوانی که آرزوی ازدواج و عروسی دارد صبح بعد از زفافش هنوز غسل نکرده به جبهه جنگ برود و به شهادت برسد. این چه عشقی است؟ ولی در دوران دفاع مقدس کسانی را دیدم و شنیدیم که حنظله ها باید خدمتگذار آنها باشند، داستان های آنها افسانه وار در تاریخ ثبت شد. به هر حال شرایط خاص اجتماعی، سیاسی و نظامی دهه اول انقلاب این زمینه را فراهم کرد تا این مفاهیم جایگاه خودش را در فرهنگ ما کاملاً باز یابد و نقش خودش را در سازندگی نیروهای انسانی وایجاد تحول درجوانان وسالمندان ایفا کند. در این زمینه کتابها نوشته شد، بحث های زیادی از بزرگان علماء نویسندگان، شعراء، ادبا و هر کسی به اندازه همت، ذوق، سلیقه و مواهبی که خدای متعال به او عطا فرموده بود در این زمینه خدماتی ارائه داد: اگر کسی بگوید ادبیات شهادت و انتظار در این سه دهه به حد اشباع نزدیک شده سخن گزافی نگفته. الحمدالله در این زمینه خیلی کار شد و در کنار بحث های ادبی، نظری و ذوقی، رفتارهای عاشقانه مجاهدین و رزمندگان عزیز در صحنه های مختلف جبهه ها و مردم بزرگوارمان درعرصه های مختلف این حرکت را تقویت می کنند. یک نمونه کوچک آن را در شب های جمعه و چهارشنبه در مسجد جمکران ملاحظه می کنید. این است که سخن گفتن مثل بنده ای دراین زمینه بسیار کار

نابخردانه ای است. چیز قابل عرضه ای در این زمینه ندارم. یک نکته به نظرم رسید مطرح کنم، شاید زمینه ای باشد تا پژوهشگران از این زاویه هم به مسئله شهادت وانتظار وارتباط آنها توجه فرمایند و کارهای جدیدی انجام دهند. با یک دید کلی می شود گفت: فعالیت های فرهنگی که در زمینه رواج شهادت طلبی و انتظار در طول این سه دهه انجام گرفته، (البته قبلاً- هم ما اقدامات زیادی داشتیم اصلاً انقلاب ما خودش ثمره ای از این مفاهیم است ولی خوب اوج این فعالیت ها در این دهه های بعد از انقلاب بوده) آهنگ عمده این فعالیت ها آهنگ احساسی عاطفی است. البته بسیار کار درستی است، موتور محرک وجود انسان احساس و عواطفش است. اگر انسان احساس و عاطفه نداشته باشد موجودی سرد و بی رمق است. ولی ویژگی احساسات و عاطفه اینست که اوج می گیرند، رشد می کنند، ولی تحت تأثیر شرائط طبیعی کم کم رو به کمرنگ شدن پیش می روند، همه احساسات انسانی قابل این معنا هستند، ما می توانیم تجربه کنیم هر حالت احساسی که شما داشته باشید از یک نقطه ای شروع می شود به دلایل مختلفی رشد می کند به اوج می رسد آرام آرام کمرنگ و فروکش می کند. قرآن کریم در وصف خود می فرمایید: «کتاباً متشابهاً مثانیا تقشعر له الجلود الذین آمنوا» ویژگی این قرآن این است که مؤمنین وقتی آیات قرآن را می شنوند مو بر اندامشان راست می شود پوستشان دانه دانه می شود. تقشعر؛ قشعریره؛ دان دان شدن پوست آدم است. بعد می شود «ثم الذین قلوبهم ولودهم الی ذکر الله» ولی این حالت همیشه که باقی نمی ماند، آرام آرام نرم می شود این همان تجسّم حالت احساس است، اوج می گیرد ولی آرام آرام فروکش می کند تا به حالت طبیعی برگردد اگر احساسات و عواطف بخواهد حالت پایداری در زندگی انسان داشته باشد، چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی باید از پشتوانه عقلانی برخوردار باشد؛ مثل یک دستگاه تولید انرژی است که قدرت احساس وعاطفه را تغذیه می کند. دائماً نیرو را به مرکز احساسات پمپاژ می کند. اگر آن ادراک عقلی و شناخت عقلانی قوی باشد احساسات تدریجاً و نوبه نو رشد می کند و خاموش نمی شود؛ اگر یک حالت نرمش و کمرنگ شدنی پیدا کند مجدداً از نو حرکت و رشد می کند بقاء نتایج عواطف و احساسات در جامعه مرهون پشتوانه عقلانی و شناخت آنها ست؛ اگر این پشتوانه باشد تأثیرات آنها مضاعف می شود و الا تأثیرات آنها کم و بیش موسمی خواهد بود. به همین دلیل است که شاید شما به مواردی برخورد کرده باشید یا در تاریخ شنیده باشید (به خصوص در تاریخ صدراسلام نمونه های روشنی داریم تاریخ انقلاب ما هم از این نمونه ها هست که خیلی مصلحت نیست روی آنها تکیه بشود) کسانی بودند واقعاً علاقمند به انقلاب، گاهی در اثر بیانات حضرت امام و گاهی در اثر عوامل اجتماعی دیگری تحریک می شدند، عواطف و احساساتشان تحریک می شد و حاضر می شدند در فعالیت ها و یا اجتماعاتی

شرکت کننـد حتی من کسـانی را سـراغ دارم که در مبـارزات سیاسـی و مبـارزات مسـلحانه قبل از پیروزی انقلاب شـرکت می کردند و واقعاً علاقمند به اسـلام و انقلاب بودند وعامل احساسـی و عاطفی درونشان قوی بود. اما پس از چندی یا در زندان یا در اثر معاشـرت بـا اشـخاص دیگری تـدریجاً روحیه شان را از دست دادنـد و به یک معنا بریدنـد. آن احساساتشان دروغ نبود واقعاً علاقه داشـتند به انقلاب. علاقه داشـتند به مبارزه، فداکاری می کردند. حتی حاضـر بودند زندان بروند، شکنجه شوند اما مثل یک موج بود چون پشـتوانه عقلانی نداشت. در اثر تبلیغات و شبهاتی که القا می شد کم کم آن موج می خوابید و آرام و گاهی نعوذ بالله معکوس می شد . اگر کمی تأمل کنید نمونه های زیادی را در همین دوران انقلاب می یابید. در تاریخ اسـلام هم که الی ماشاء الله؛ شـما می دانیـد همان کسانی که در جنگهای بـدر، احـد و حنین شـرکت می کردند و خیلی از آنها هنوز معلول جنگی بودند بعد از رحلت پیغمبر صـلی الله علیه و آله در ثقیفه جمع شدند و علی را تنها گذاشتند. اینها را عرض کردم برای اینکه نقش پشتیبـانی عقلانـیت برای احساسـات وعواطف یک مقـدار روشن شود.حالا می خواهم عرض کنم ما در زمینه مسائل شهادت طلبی و انتظار گاهی آنطور که باید و شاید شناختی و عقلانی کار عمیق نکردیم. تحقیقات ما، پژوهش های ما، اشـعار مـا، ذوقیـات مـا، هنرهـای ما، همه متوجه است به منعکس کردن جنبه های احساسـی عاطفی اینها. تا حتی عشق به سـید الشـهدا، عشق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همه صحبت از عشق و احساس است، چه چیز می تواند این را ثابت و مانـدگار کنـد؟ شـما کسـانی را می بینیـد که نسـبت به امام حسـین علیه السـلام خیلی علاقه دارنـد، در ایام عزاداری حاضـرند اموالشان را صـرف کننـد، زندگیشان، کارشان را تعطیل کنند و... اما همینکه ایام عزاداری تمام شد و وارد بازارکار شدند. می بینی کارهایی انجام می دهند که اصـلاً با محبت امام حسین علیه السلام سازگار نیست. تاجر دوباره دنبال ربا خواری است. در خانواده بازهمسـرآزاری می کند، همسایه آزاری می کند و... با اینکه دروغ هم نمی گوید، امام حسـین علیه السـلام را دوست دارد، حتی اسـمش را می شـنود اشـکش جاری می شود. خوب این نوع محبت خطرناک است. امام حسین علیه السلام دوست دارد دوسـت دارانش پیرو او باشـند. اصـلاً شـهید شـد برای اینکـه دسـتورات اسـلامی پیاده شـود. حتـی گـاهی دیـده می شـد علاقمنـدان سیدالشـهداء شب عاشورا تا سـحر سـینه می زننـد اما نماز صـبحشان قضا می شود، همان آقایی که در زیارتش می خوانیم:«اشـهد انک قد اقمت الصلاه» اما نماز عزادرانش قضا می شود، این یک نوع تناقض است. علت هم این است که عامل شنـاختی در آنهـا ضـعیف ولی احساسـشان قوی است. این فرد احسـاس قوی دارد امـا عنصـر شـناخت، عنصـر عقلانیت در آن ضعیف است. به همین دلیل گاهی شـبهاتی از طرف دشـمنان، شـیاطین القاء می شود، این شـبهات کم کم ناخود آگاه در آنها اثر

می گـذارد. مـا کسانی داشتیم، که الان به شـخص واسم می شـناسم(صـحیح نیست آدم کسـی را معرفی کنـد ولی می شناسـم مصـادیقی را) که سوابق تحصـیلات علوم دینی، نمره ممتـاز و سوابق مبـارزه داشـتند، زنـدان وشـکنجه داشـتند امـا درزنـدان با کسانی معاشـرت داشـتند مثلاً یک عنصـر فرهیخته و مبارز از گروه های چپ و راست با هم در یک بنـد بودند آرام آرام آنها سوالاتی مطرح کردند، اینها در اثر ضـعف شـناختی که داشـتند آن احساساتشان فروکش کرد تا به جایی رسید که تا از زندان آزاد شدنـد (دراثر پیروزی انقلاب و جریانات اول انقلاب) دیگر آن روحیه صـفا، معنویت و عبادت را از دست دادند. بعضـی شان حتی از ایران رفتند و جز گروهک ها هستند. اینها نتیجه این است که عامل شناخت ضعیف است. من می خواهم مسئله را از زاویه دیگری مطرح کنم تا انگیزه ای شود برای کار بیشتر دراین بعد. ما می گوییم شـهادت سـید الشـهداء عامل بقاء اسـلام شد. می گوییم درخت اسلام با خون شهید آبیاری می شود اما وقتی در محیطی خلوت در بند زندان یک نفر چپی، منکر خدا، منکر دین می نشـیند پهلوی شـخص، چه حرفی می زنـد؟ می گویـد با کشـته شـدن یک نفر، چطور درخت اسـلام آبیاری می شود؟ اینهـا چیزهـایی است که آخونـدها درست کردنـد تا مردم را به سـمت خودشان بکشـند و اسـتفاده کننـد وبالاخره نتایج اجتماعی و احساسـی بگیرند و الا این حرفها شعره. و چیزهایی از این قبیل. در این محیط علمی خدمت آقایان می گویم از این دسـت حرفهـا و شـبهات زیـاد اسـت کـه وقـتی در یـک محیـط آرام دور از احساسـات، دیگر سـینه زنی و گریـه کردن برای سیدالشـهدا نیست تو سـلول زندان، نشستیم، فکر می کنیم یعنی چه گفتیم که خون امام حسین علیه السلام اسلام را زنده کرد؟ چطور خون زنـده می کند؟ یا اینکه آدم اصـلاً دعا کند که خدایا شـهادت را نصـیبم من کن!! خب همه ما می دانیم در دوران دفاع مقـدس، دسته گلهایی بودنـد که آرزو می کردنـد در راه خـدا شـهید بشوند، جوانی بود از تهران شـبهای جمعه می آمد مسـجد جمکران احیاء می گرفت (از بسـتگان بود) از او پرسـیده بودنـد گفته بود: حاجتی دارم نـذر کردم چهل شب جمعه در جمکران احیـاء بگیرم. اسـرار کرده بودنـد حـاجتت چیست؟ گفته بـود حـاجتم شـهادت است. نـذر کردم چهـل شب جمعه در مسـجد جمکران احیاء بگیرم که شـهید بشوم. این یک واقعیتی ست بسـیار مقـدس، ما بایـد خاک پای این جوانها را به سـرمان بکشیم. اما دریک محیط فکری وقتی سوال می کنی آقا این هم حرف شد؟ جوانی که باید برود تحصیل کند خدمت به جامعه کند چنین و چنان باشد؛ آرزو بکند کشته شود؟ آن فرهنگ از نظر یک ارزش معنوی برای ما جا افتاده، جای شکی نیست، اما بـا بیـان احساسـی عـاطفی اینها آبیاری شـده اگر شـبهه های شـیطانی در کنارش مطرح بشود معلوم نیست همه بتواننـد درست جواب بدهنـد! حتی این ادامه پیـدا می کند به اینکه علی بن ابی طالب علیه السـلام (والله لابن ابیطالب آنس بالموت من الطفل بثدی امه) این چه حرفی است؟ یعنی آدم دست از زندگی بکشد و محروم شود

از آثار زنـدگی، این چه انسـی است که امیرالمؤمنین می گویـد: انس من به مرگ از انس طفل شـیر خواره به سـینه مادر بیشتر است. یعنی چه؟ چه انسـی؟ ما هیـچ شـکی نداریم که این مطلب درست است و همینطور است و ما هم سـعی می کنیم اثری و شباهتی به آن پیدا کنیم. اما وقتی بحث شبهات عقلانی می شود و دشمنان وشیاطین انس و جن وسوسه هایی می کنند، که این وسوسه هـا لازم زنـدگی انسـان دراین عـالم است «الـذی یوسوس فی صـدور الناس» و «نعلم ماتوسوس به نفسه»در مقابل اینها چگونه آدم مقاومت کنـد و توی دهان شـیطان بزنـد و خاموشـش کنـد که دیگر نتواند شـبهه اش را تکرا کند. چه باید گفت؟ مخصوصـاً در ارتبـاط مسـئله انتظـار بـا شـهادت، که حالامنتظرین واقعی همـانطور که برادرعزیزمـان فرمودنـد منتظرین واقعی، منتظرین شـهادت طلب هسـتند نه عافیت طلب. وقتی دعا می کننـد می گوینـد: (وجعلنا من اعوانه و انصاره و المستشـهدین بین یده) خب کسانی هسـتند انتظار دارند آقا تشـریف بیاورند حکومت عدل برقرار شود، ظلم برچیده شود، بسیار خوب. خب چرا من کشـته بشوم!؟ چرا من آرزو کنم که کشـته شوم؟ آرزو کنم زنده باشم ببینم آقاوآن دوران را. این چه خصوصیتی دارد که منتظر واقعی، منتظریست که شـهادت طلب باشد توأم شود انتظار فرج با عشق به شـهادت، چی این دو را به هم پیوند می دهد؟ این مسأله مهمی است، حالا بنـده مطالعاتم کم است و پیر هم شـدم حوصـله مطالعه و... هم زیاد ندارم. کمتربرخورد کردم این جور مقالات را در کتابها ومقالات و... بپروراننـدبه این نحو که اصـلا چرا ما بایـد عاشق شـهادت باشـیم؟ و حتی انتظار فرج ما بایـد توأم بـا آرزوی شـهادتمان باشـد؟ چه رابطه یست بین اینهـا؟ خب، این طرح سوالی است و طبعـاً هم انتظـار این نیست که جوابی بلد باشم و خدمت شـما عرض کنم. تأکیدی بود بر اینکه این موضوع مورد توجه عزیزان پژوهشگر قرار بگیرد و در این زمینه قلم فرسایی روشن انجام بگیرد و روشـنگریها برای کسانی که احیاناً در معرض شـبهات و وسوسه ها قرار می گیرند. یک اشاره ای کنم به فکر خاصـی که در این زمینه می توان مطرح کرد، شایـد سـرنخ و فتـح بابی باشد برای انجام تحقیقات در این زمینه و ما هم استفاده کنیم از نتایجش. اینهایی که عرض کردم طرح سؤال بود، پرانتزبسته، تمام شد، نقطه سر خط.

ما وقتی در این زنـدگی به آگاهی می رسـیم و می فهمیم در چه عالمی زندگی می کنیم، خدای متعال طوری ما را آفریده که انسان دائماً احساس احتیاج می کند،بچه که متولد می شود احساس گرسـنگی و تشنگی می کند می چسبد به سینه مادر، دائماً ما انواع از نیازها را در زنـدگی داریم و هر قـدر انسان کاملتر بشود نیاز بیشتری درک می کنـد. آدم خیال می کند وقتی کامل می شود نیازهـایش برطرف می شود، وقتی پولـدار می شود فقیر نیست، احتیـاجش به پول کم می شود، امااین عالم طوریست که هر چه آدمیزاد در آدمیت و انسانیت کاملتر می شود نیاز خودش را بیشتر درک

می کنـد، تا آنجایی که اولیاء خـدا همه هستی خود را نیازمی بیننـدآن هم نه یک نوع ودونوع،به هرحال مااینجورآفریـده شده ایم که احساس نیازمی کنیم ودرصددرفع نیاز برمی آئیم. خود این یعنی چی؟

مثلاًـ ما ظهر احساس گرسـنگی می کنیم و در صـدد تهیه غـذا بر می آئیم تا ناهار خوب و خشـمزه ای داشـته باشـیم و رفع نیاز گرسـنگی بشود یعنی ما طوری تربیت شـدیم. که بایـد انتظار داشـته باشـیم. وقتی نیازمان را احساس کردیم باید بدانیم این نیاز قابـل رفع است راهی برای رفع این نیـاز وجود دارد؛ ما بایـد آن راه را طی کنیم و برسـیم به آن چیزی که پاسـخ نیاز است. در خوردنی ها غذاست، در پوشـیدن لبا س است، در مسکن خانه و الی آخر و خیلی چیزهایی که شما می توانید به اندازه ظرفیت ذهنتان انواع نیازها را تصور کنیـد. یعنی اصـلاً وجود ما زنـدگی ما توأم با انتظار است، دائماًاحساس نیاز می کنیم انتظار داریم این نیـاز برطرف شود، تلاـش می کنیم زمینه ای فراهم شود تـا نیازمان را برطرف کنیم. این جور نیست؟ اگر انسان طوری شـد که احساس نیاز نکرد (مثل آدمی که به حالت «کُما» می رود، احتیاج به غذا دارد ولی درک نمی کند، خب باید دیگران مواد غـذایی را به او تزریق کننـد خودش نمی فهمـد) یا احساس نیاز کرد ولی امیـد ندارد که نیازش برطرف بشود، تن به مرگ می دهد، نیاز را دارد ولی راهی نمی داند تسـلیم شود، گاهی تسلیم زبوبانه در مقابل دشمن و گاهی تسلیم در مقابل عوامل طبیعی و تسـلیم مرگ، بالاخره نقطه مقابل انتظار تسـلیم است. دست از اسـتقامت و مقاومت و فعالیت برداشـتن. این حالت ضد انتظار است. اگر کسـی انتظار داشـته باشـد فعالیت می کنـد تا به هـدفش برسـد، وقتی دست از فعالیت بر می دارد که یا احساس نیاز نکنـد یا امیـد رسـیدن به آن مطلوب را نداشـته باشـید. گاهی هم حالات تخدیری در آدم ایجاد می شود، آدم احساس نیاز می کنـد ومی دانـد که نیاز داردومی دانـدراه علاج هم دارد، اماتخدیرشـده،آدم معتاد گرسـنه اش می شود اما همت این که از جا بلنـد شود، غـذا بخورد یا برود از بازار خریـد کنـد، فرضاً پول هم داشـته باشـد اما همت اینکه از جایش بلنـد شود نـدارد. اینها نیازهـای حیوانی مـاست،افتخـاری نیست که آدم نیازهـای جسـمانی و غرائضـش را اشـباع کنـد آنچه که مهم است، انسان نیاز معنـوی و انسـانی اش را درک کنـد، بفهمـد انسـان به چه چیز نیـاز دارد؛ خـود درک این که مـا به چه چیز نیـاز داریم جـواب بزرگی است. همه ما معتقدیم که بیشترین نیاز ما به خداست کسـی منکر این حرف نیست؛ اما ما چقدر تلاش می کنیم به خدا نزدیک شویم؟ همین اندازه که خیلی هنر کنیم گناهی مرتکب نشویم و واجباتمان را انجام بدهیم. آن کسـی که شب تا صـبح سعی می کند هزار رکعت نماز بخواند حالا هزاررکعت نه بگوییم پانصدرکعت، علی علیه السـلام را می گویم ها!! درب خانه فقراهم می رودغـذامی رسانـد ناله ها و مناجاتهایش را هم انجام می دهـد وآخرشب نزدیک سـحر می گویـد: «آه آه من قلت الزاد و بعد الطریق» او فهمش با ما خیلی فرق دارد، او یک نیازهایی را درک می کند که ما

اصـلاً بو نکردیم. او که با خدا شوخی نمی کند، آن طوراشک بریزد، بعدازآن همه عبادت بگوید: آه چقدر راه طولانی است و چقـدر توشه علی کم است، شوخی که نمی کنـد. او نیازش را بهتر درک می کنـد. ما تخـدیر شدیم، نمی فهمیم. ما نیازهای حیوانی مـان را بیشتر درک می کنیم. اینکه انسـان چه نیازی دارد به خـدا، ما درست نمی فهمیم، اگر فهمیـدیم، خود این یک کمـال بزرگی است، آن وقت بعـد از فهم، چه انـدازه موفـق به تلاـش شویم برای اینکه آن نیـاز را به صورتی بر طرف کنیم یا نزدیـک شویم به برطرف کردن آن نیـاز، به منبع بی نیازی، این می شود شـیعه علی بودن و راه علی رفتن، حسـینی شـدن و راه امام حسـین پوئیدن. ما فقط به فکر نیازهای مادی و نهایتش اینکه ظلم برداشته شود تا مردم راحت بشوند، آخرش بر می گردد به راحتی دنیـا. یادتـان هست امام فرمود: اسـلام و همه انبیاء برای برقراری عـدالت زحمت کشـیدند امابرقراری عـدالت هـدف نهـایی نبـود. یادتـان هست فرمـود هـدف نهـایی چیست؟ فرمود: هـدف معرفت الله است این را من نمی توانم بفهمم یعنی چه؟ هدف، معرفت الله است، یعنی چه؟ او می فهمید؛ او خیلی از ما کلاسش بالاتر بود، خداوند بر علو درجاتش بیفزاید.

اینکه آدم بفهمـد چه نیازهایی دارد خودش خیلی کمال است. انتظار یعنی ؛اول احساس نیاز کردن دوم اعتقاد به اینکه این نیاز قابل رفع است سوم شـناختن راهی که آن نیاز را می توانـد برطرف کند چهارم همت کردن برای پیمودن آن راه، این می شود انتظار و این می شود زندگی، اصـلاً زندگی ما مگر غیر از این است. اصلاً مفهوم انتظار از زندگی این عالم جدانیست. به زبان فلسـفی این عالم، عالم استعدادها و بالقوه هاست. باید تلاش کرد آن استعدادهایی را که خدا در وجود انسان قرار داده آنها را سعی کنیم به فعلیت برسـانیم انبیـاء آمدنـد به مـا راهش را نشـان بدهنـدکه چه کنیـد که به فعلیت برسـید. ما اگر بتوانیم اول با دلایـل عقلی و بعـد با دلایل قرآنی و بیانات اهل بیت صـلوات الله اجمعین باور کنیم که ماغیر از حوائـج مادیمان غیر از همسـر خوب داشـتن، فرزند خوب داشـتن، اتومبیل شیک داشتن و خانه مستقل داشتن، شغل آبرومند داشتن و سلامتی بدن داشتن غیر از اینهـا مـا یـک چیز دیگری نیـاز داریم اینها چیزهایی است که همه حیوانات هم دارنـد، فقط شـکلش فرق دارد اینها نیازهای حیوانی است. مـا بایـد بفهمیم یـک نیـاز دیگری داریم و راه آن را یـاد بگیریم و تلاـش کنیم تا به معـدن بی نیازی ها نزدیک بشویم. این می شود انتظـار. روح آن تلاـش هـا بنـدگی است؛ یعنی چیزی که بـاعث می شود آن نیاز انسانی انسان که قرب به خداست، برطرف بشود بندگی کردن است؛ یعنی آدم همه چیزش را در اختیار خدا بگذارد(قل ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین)

شهادت فهمیدی یعنی چی؟ یعنی آدم حاضـر بشود جانش را در اختیار خدا قرار بدهد. اگر کسـی حاضـر بشودهستی اش رادر راه خدا فدا کند؛ یعنی همین که راه رسیدن به آن کمال انسانی راکه قرب به خداست تازه یافته.

علاقه دارد این کار را بکند همان طور که علاقه دارد موقع نماز که می شود نمازش را بخواند، وقتش را صرف نماز کند، سحر بستر گرم و نرم را رها کند بلند شود و نماز شب بخواند عجل الله تعالی فرجه الشریف «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا» او چه جور حاضر است وقتش را راحتیش را صرف کند؟ پول دار حاضر است پولش را صرف کند. آنهایی که عاشق امام حسین علیه السلام هستند چه کار می کنند؟ حاضرند همه هستی شان را وقف امام حسین علیه السلام کنند؛ خب عشق است دیگر، عشق این جوری است. اگر فهمیدیم همه اینها و امام حسین علیه السلام هم یکی از بندگان آن بی نیاز مطلق است، ارزش امام حسین علیه السلام هم به خاطر این بود که ما را به طرف او دعوت می کرد. راهی بود برای اینکه ما را به او نزدیک کند و همین طور سایر ائمه اطهار. اگر این را فهمیدیم و فهمیدیم که راه رسیدن به او تقدیم، همه چیز است برای او؛ آن وقت تقدیم جان کردن برای محبوب هم مشکلی نخواهد بود بلکه آرزو خواهد بود و اینجاست که انتظار با شهادت پیوند عقلانی پیدا می کند. پروردگارا! تو رابه مقام عزیزانت، کسانی که عاشقانه در راه تو شهید شدند قسم می دهیم که شمه ای از این حقایق را به قلبهای نالایق ما هم عنایت بفرما. محبت خودت و اولیای خودت در دلهای ما زیاد بفرما. روح امام راحل و شهدای عزیز ما را با انبیاء و اولیاء محشور بفرما. توفیق ادامه راه آن بزرگواران در حد توان و ظرفیتمان به ما هم عطا بفرما. در ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تعجیل بفرما. ما را مشمول ادعیه حضرتش قرار بده. سایه مقام معظم رهبری بر سر ما مستدام بدار. خدمتگذاران به اسلام و مسلمین را موافق بدار. عاقبت امر ما ختم به خیر بفرما. والسلام علیکم و رحمه الله.

قیام عاشورا (روح الله فرجی)

اشاره

چکیده:

مقاله پژوهشی حاضر که با عنوان «بررسی و تحلیل تاثیر نهضت عاشورا و انتظار بر جنبش های اصلاحی و انقلاب اسلامی» تنظیم گردیده، به تحلیل تأثیرات نهضت عاشورا و مقوله انتظار بر جنبش های اصلاحی و قیام های اسلامی بعد از عاشورا می پردازد. در این راستا مقاله در چهار فصل تهیه و مسیر منطقی می پیماید:

۱. در فصل اول با عنوان «عاشورا» با تحلیل نهضت عاشورا در چهار گفتار:

الف- پاسخ به شبهات

ب- اهمیت بزرگداشت قیام عاشورا

ج- ریشه یابی عاشورا

د- اهداف قیام عاشورا

به بیان ابعاد زیربنایی نهضت عاشورا، بستر مناسب را جهت تحلیل رویکرد تأثیری عاشورا فراهم می نماید.

۲. در فصل دوم با عنوان «انتظار» این مقوله را در دو گفتار تبیین می کند:

۱.اهمیت و تعریف انتظار

۲. انتظار فرج و اقسام آن

۳. در فصل سوم با عنوان «کلیاتی در مبانی جنبش های اصلاحی اجتماعی»، در پنج قسمت: معنی، ارکان و راهبرد اصلاح اجتماعی، اصلاح اجتماعی در غرب و اختلاف اصلاح اجتماعی در غرب و اسلام، اصول کلی جنبش ها و قیام های اسلامی و اصلاحی را بیان می نماید.

۴. در فصل چهارم، با عنوان تحلیل تأثیر عاشورا، با ذکر خصوصیات ماهوی عاشورا که باعث ماندگاری و تأثیرگذاری آن می شود، در سه زمینه کلی این تأثیرات را بیان می دارد:

الف) نقش قیام حسینی در جلوگیری از ظهور انگیزه های ناسیونالیستی در قیام ها و جنبش های اصلاحی را در دو مدت زمان قبل و بعد از انقلاب حسینی توضیح می دهد.

ب) تأثیرات عاشورا را بر جنبش های اصلاحی در چهار بخش اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و احیاگرانه بررسی می نماید.

ج) تـأثیر عـاشورا را در دو مرحله ایجـاد و مرحله تـداوم انقلاب اسـلامی ایران بیان نموده و چنـد مورد که باعث مانـدگاری و فزونی این تأثیرات می شود، ذکر می گردد.

در بخش بعـد این فصـل به نقش و تأثیر انتظار بر انقلاب های اصـلاحی و اسـلامی نگریسـته و در آخر، تأثیر عاشورا را در سـه مورد اهداف و آرمان های انقلاب، عملکردهای رهبر انقلاب، و سمبلها و شعارهای انقلاب خلاصه می نماید.

مقدمه

تاریـخ در بستر خود، انقلاب هـا و حرکت هـای اصـلاح طلبـانه، بی شـماری را به یـاد دارد که برخی از آنها، مسیر تاریـخ را دگرگون سـاخته و نهضت فکری نوینی را پی ریزی کرده انـد. در دامـان بسیاری از این جنبش هـا، برگ هایی بر دفتر ارزش های انسانی افزوده شده است و در میان تاریکی ها، همچون مشـعلی، فراروی کاروان بشـریت درخشیده اند و خطی از هدایت را در برابر دیدگان آنها ترسیم کرده اند.

در میـان تمـامی این حرکت هـا، جـدای از حرکت هـای الهی، کمتر حرکتی را می توان یـافت که بـا گـذر زمان، در لابه لای اوراق گردگرفتهٔ تاریـخ، مـدفون نشـده باشد و به جز نام و یادی از آنها بر جای نمانده باشد، تا آن جا که گاه این نهضت ها، پس از چنـد قرن همچون افسـانه ای در اذهان، تجسم می شونـد. اما بی تردیـد، آن دسـته که دارای اصول و مبانی اسـتوارتری بوده انـد و رهبری آنهـا را، افراد آگـاه و انـدیشه های ژرف به دست داشـته انـد، بقای بیشتری یافته انـد و ارزش های حاکم و نقش احیاگرانه آنها، کمتر رنگ کهنگی به خود گرفته اند.

سراسر تاریـخ اسـلام آمیخته بـا حرکت ها و جنبش هایی است که هر یک نقشـی در رونـد نهضت بزرگ اسـلام داشـته–انـد. جنبش هـایی همچون «قیـام حجربن عُـدَی» در دوران معاویه، «حرکت توابین» و «خونخواهی مختار» در دوران امویان و سـپس دوران عباسیان که با حرکت های پراکنده و مقطعی همراه است. اما هیچ یک نتوانسته اند همچون «نهضت عظیم عاشورا» مسیر جامعهٔ اسلامی را تغییر دهند و تأثیری این چنین ژرف در سده های بعدی برجای بگذارند.

به شـهادت تاریـخ، این حماسه نه تنها کهنه نشده است، بلکه همواره منشأ بسـیاری از حرکت های حق طلبانه و آزادی خواهانه نیز بوده است. بسیاری از رهبران غیراسـلامی نیز از این قیام الهام گرفته انـد. چنانکه «گانـدی» رهبر فقیـد هنـد می گوید: «من برای مردم هند، چیز تازه ای نیاورده ام. تنها نتیجه ای را که از مطالعاتم درباره تاریخ زندگی

قهرمان کربلا به دست آورده بودم، ارمغان ملت هند کردم. اگر بخواهید هند را نجات دهید، باید همان راهی را بپیمایید که حسین بن علی پیمود.» (۱)

قیام عاشورا حیاتی تازه در کالبد نیمه جان اسلام دمید و به عبارتی دیگر، اسلام در عاشورای محرم سال ۶۱ بار دیگر متولد شد و با تزریق روح در نظام ارزش های ناب اسلامی، مسیر حق و حقیقت برای همیشه در برابر نسل ها ترسیم گردید، تا جایی که می توان تأثیر و تجلی این حقیقت بزرگ را بر انقلاب ها و جنبش های اسلامی در ادوار مختلف تاریخ لمس و حس نمود.

در کنار این مسئله، فرایند جهانی شدن (۲) و حرکت دنیا به سوی یک حکومت واحد جهانی و نیز نوید قرآن و روایات به تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، امید و دلگرمی خاصی را به میراث داران عاشورا می بخشد. «انتظار» در واقع تمنای پیروزی انقلاب بزرگ عاشورا است که منتظران را سلوک و شیوهٔ خاصی در زندگی می بخشد. «انتظار» توانسته است همانند الگوی عاشورایی، تأثیر به سزایی در فرآیند انقلاب ها و جنبش های اصلاحی داشته باشد.

در این مقاله پس از بیان مبانی کلی راجع به عاشورا، انتظار، انقلاب و جنبش های اصلاحی؛ به تأثیر دو مسئلهٔ «عاشورا» و «انتظار» بر انقلاب و جنبش های اصلاحی پرداخته می شود.

۱- . حکیمی، محمدرضا، حماسهٔ خورشید، ص ۲۳.

۲- . Globalication.

فصل اول: عاشورا

اشاره

عـاشورا از دیربـاز، مظهر عشق به خداونـد و تسـلیم محض در برابر او و سـمبل قیام در راه دین و آزادیخواهی و شـهادت طلبی بوده است. هیـچ نهضتی ماننـد نهضت امام حسـین علیه السـلام قلبها را منقلب نکرده و عواطف را همسوی خود نساخته و روح عزت را در بشـر ندمیده است. محافل عزای حسـین علیه السـلام و مجالس ذکر مصایب سیدالشهدا علیه السلام و دوستداران او در خلال سـده هـای متمادی، بارها حزن و انـدوه شـیعیان را برانگیخته و یاد این حماسه فراموش نشـدنی را در قلوب آزادگان زنده نگه داشـته است. اما در کنار این برخورد عاطفی که بی شک آثار و برکات عظیمی دارد، تحلیل عقلانی نهضت حسـینی به همان اندازه پر بها و ارزشـمند است. در رهیافت تحلیل کلاس نهضت حسـینی، پاسخ شـبهات، اهمیت، ریشه یابی و اهداف نهضت عاشورا تبیین می گردد.

گفتار اول: پاسخ به شبهات:

نهضت عاشورا مکتبی زنـده و جریانی پویاست و گـذشت زمان، از تأثیرگذاری آن بر جان های مؤمنان نکاسـته است. مشاهده مراسم هرسـاله عزاداری محرم، شـبهاتی را در ذهن جوانان مسـلمان پدیـد می آورد که در این قسـمت این شـبهات را در قالب چهار سوال، اساسی مطرح نموده و پاسخ می گوییم:

۱. چرا باید حادثه عاشورا را گرامی بداریم؟

خاطره حادثه ای را که قریب چهارده قرن پیش رخ داده است، چرا بایـد زنـده نگه داشت؟ حال آنکه زمان آن گذشـته و تمام شـده است. در پاسخ باید اذعان داشت: حوادث گذشـته هر جامعه ای می تواند در سـرنوشت و آینده آن آثار عظیمی بر جای گـذارد. اگرچه حوادث تـاریخی، عینـاً تکرار نمی شونـد، لیک در جامعه شناسـی ثابت شـده است که جهات مشترک فراوانی میان رخـدادها وجود دارد. از این روی، می توان از حوادث گذشـته به نحوی در مواجهه با رخدادهای آینده بهره برد. چنانکه قرآن کریم پس از نقل داستان های پیامبران و اقوام گذشته می فرماید «لقد کان فی قصصهم عبره لماولی الالباب؛ (۱) در قصه هـا و داسـتان هـای (گذشـتگان) برای صاحبـان خرد عـبرتی است.» یعنی احـوال پیشـینیان را بررسـی کنیـد و چنـانچه واقعه ای تاریخی در جای خود منشأ آثار و برکاتی بوده است، یادآوری آن نیز می تواند مراتبی از برکات را در پی داشته باشد.

افزون بر این، براسـاس فطرت و حس حـق شناسـی، در همه جوامع مرسوم است که از اشـخاص و بزرگـانی که در پیشـرفت و اصلاح جامعه خود موثر بوده اند و در رهایی ملت خود نقش آفریده اند، یاد کرده و آنها را ارج نهاده و

۱- . یوسف، ۱۱۱.

بزرگ بشمارند. از آن گذشته، چنانچه یاد و خاطره واقعه ای، در سعادت جامعه تأثیری مهم داشته باشد، می تواند عامل موثر دیگری باشد. از آنجایی که رویداد عظیم عاشورا، نقش بسزایی در نجات اسلام و روشن سازی راه هدایت و سعادت مسلمانان داشته است، بزرگداشت و بازخوانی یاد آن در اذهان و متن اجتماع، می تواند منبع آثار و برکات ارزشمندی باشد.

۲. چرا برای بزرگداشت عاشورا به روش بحث و گفتگو اکتفا نمی شود؟

شناخت روانشناسانه انسان فعالیت های آگاهانه او را به دو نوع عامل نیازمند و معلول می داند. نخست عامل شناختی که با آن، انسان در می یابد به چه دلیل و به چه صورت باید کاری را انجام دهد؛ و دیگری عامل انگیزه های روانی یا احساسات، تمایلات، گرایشات، میلها، غرایز و عواطف می باشد. شهید مطهری در این باره رفتار انسان را به خودرویی تشبیه می کنند که برای حرکت به دو عامل نیاز دارد: عاملی که انرژی مکانیکی را جهت حرکت خودرو تأمین می کند و علاوه بر آن، چراغی که راه را بنمایاند تا خودرو داخل گودال و پرتگاه نیفتد. بدیهی است که خودرو با توان حرکتی بالا بدون دید مناسب نمی تواند به مقصد برسد. (۱)

حال با این بیان، اگر در مورد واقعه عاشورا به گفتگو، خطابه، سمینار و... اکتفا شود، بدیهی است که در مرحله شناخت متوقف می شود. چرا که حاصل و نتیجه این عملکردها افزایش شناخت و بینش انسان است. لذا باید این موضوع به گونه ای نیز در اجتماع و در متن زندگی مردم بازسازی شود تا بتواند احساسات و عواطف را برانگیخته و نقش موثرتری در منقلب ساختن دلها و همراهی اذهان با کاروان عاشورا داشته باشد.

۳. چرا باید به یاد وقایع عاشورا فقط عزاداری کرد؟

در پاسخ به این پرسش که برای برانگیختن احساسات و عواطف مردم چرا نمی توان به جای عزاداری از جشن و سرور استفاده کرد، باید توجه داشت که احساسات و عواطف انواع مختلفی دارد و تحریک هر کدام از آنها باید به نحوی متناسب صورت گیرد. واقعه عاشورا که طی آن مسیر تاریخ اسلام تغییر کرد و شهادت حضرت اباعبدا...الحسین علیه السلام درسی برای حرکت، برای نهضت، مقاومت و استقامت به انسانها آموخت، هرگز با جشن و شادی نمی تواند تجدید خاطره شود. یاد این حادثه خونبار هنگامی که با حزن مردم همراه می شود، هر چشمی را از اشک تر می سازد و هر قلبی را متأثر و شکسته می سازد. خنده و شادی هرگز نمی تواند انسان را شهادت طلب

۱- . ر.ک:م مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ص ۳۶۸. (با تغییر و تلخیص).

سازد و او را به صحنه جهاد بکشاند، حال آنکه صحنه های شکوهمند انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس به برکت عزاداری های عاشورایی شاهد شجاعت ها، دلاوری ها و شهادت طلبی های بسیاری بود.

۴. چرا باید دشمنان امام حسین علیه السلام را لعن کرد؟

طرح این موضوع که در کنار عزاداری لعن و نفرین دشمنان امام حسین علیه السلام از جمله احساسات منفی بوده و با منش «انسان مدرن» نمی سازد، غالباً از جانب منافقان مطرح می شود. چرا که اگر دوستی با اولیاء و دوستان خدا امری بایسته است، دشمنی با دشمنان خدا نیز ضرورت دارد. این امری فطری و عامل تکامل و سعادت انسان است و اهمیت آن بقدری است که تولی و تبری از فروع دین به شمار می آید.

اگر دشمنی با دشمنان خدا مطرح نشود، به تدریج، رفتار با آنها دوستانه شد و فرد بر اثر معاشرت با آنها سخنان و رفتارشان را می پذیرد و رفته رفته به نوعی از آنها مبدل می گردد. شاهد این مدعا نیز فرمایش قرآن می باشد: کسانی که در دنیا به سبب هم نشینی با کافران منافق می شوند، در آخرت نیز همراه کافران داخل جهنم خواهند شد. (۱)

گفتار دوم: اهمیت بزرگداشت قیام عاشورا

با صرف نظر از دیدگاه شیعه، همه مورخان و آشنایان به تاریخ نیز اتفاق نظر دارند که واقعه عاشورا از جمله کم نظیرترین رویدادهای عالم است. واقعه ای که هم از نظر کیفیت وقوع، هم از نظر عظمت مصیبت و هم از نظر جاودانگی آن در یادها و آثار اجتماعی ای که در پی داشت، با هیچ ماجرای دیگری قابل مقایسه نیست.

الف. گستردگی و تأثیر عزاداری برای سیدالشهداء علیه السلام

شهادت سید الشهداء علیه السلام در روز عاشورا، زخمی است که در طول تاریخ تازه مانده و نه تنها شیعیان، بلکه مسلمانان و همه انسان ها را در غمی فراموش ناشدنی فرو برده است. با همه مخالفتی که در بزرگداشت و اهمیت آن توسط بنی امیه و بعضی از خلفای عباسی و استعمار انگلیس و دولت های خود کامه شده، مسلمانان جهان هرگز آن را فراموش نکرده اند. بلکه به تعبیر امام خمینی رحمه الله عامل وحدت و هماهنگی ملل اسلامی شده و در برخی از کشورهای اسلامی جزء تعطیلات رسمی در آمده و بسیاری از ملت های در بند با سرمشق گرفتن از عاشورای زنده قیام کرده اند و خود را از قید و بند ستمکاران و استعمارگران نجات داده اند.

۱- . نساء، ۱۴۰.

از سوی دیگر، عـاشورا خود از مهمترین عوامل گسترش شـیعه در جهان بـدون اعمال زور و فشار و تحمیل بوده است، چنانکه «فرانسیسکو گابریلی» با تحقیقات خود نشان داده که عاشورا از عوامل اصلی توسعه مذهب شیعه، به خصوص در زمان آل بویه، بـا آرامش و آزادی بوده است. به طوری که در آن عصـر، جمعیت شـیعیان بر جمعیت اهـل سـنت فزونی یـافت. از گستردگی عزاداری عاشورا برای سیدالشهداء علیه السلام می توان اشاره کرد به:

– در بغداد، معزالدوله دیلمی، عزاداری و تعطیلی رسمی روز عاشورا را برقرار ساخت.

– در بحرین، عاشورا از تعطیلات رسمی است و در این روز شیعیان در حسینیه ها به عزاداری می پردازند.

– بسـیاری از اهل سـنت افغانسـتان، ماه محرم را «ماه حسن و حسین علیها السلام» می نامند و در نقاط مختلف شهر مزار شریف عزاداری می کنند.

– در هندوسـتان، امـام بـاره هـایی با شـکوه ساخته انـد که در ایام محرم در آن به تعزیه می پردازنـد. در مراسم عزاداری، زنان النگوهای بلورین خود را می شـکنند، سـر خود را شانه نمی زننـد و جواهر به خود نمی آویزند و مراسم سوگواری را تا اربعین ادامه می دهند.

– مردم پاکسـتان تحت اسـلام و عـاشورا متحـد شدنـد، علیه باطل به مبارزه برخاسـتند و شـعارشان این بود که «عاشورای محرم یادآور وظیفه مسلمانان».

– در بنگلادش، برنـامه مراسـم عزاداری عـاشورا پر شـور و بـا احسـاس برگزار می شـود و یکی از ثمرات آن ایـن بـود که «سیددلدار علی» علمای شیعه را از پذیرفتن هرگونه القاب و عناوین و نشانه های افتخار از انگلیسها منع کرد.

– در انـدونزی، محرم را «سورا» و مـاه های محرم و صـفر را «ماه های حسن و حسـین علیها السـلام» می خواننـد و هر دو ماه را مورد تعظیم و احترام قرار می دهند.

– بیش از هفتـاد درصـد مردم جمهوری آذربایجان شـیعه هسـتند و بقای اسـلام در این کشور را در برابر سـلطه لنین و اسـتالین مرهون مراسم عاشورا می دانند.

– در مصـر، مسـجد رأس الحسـین مهمترین زیارتگـاه مصـریان است که در روز تولـد امام حسـین علیه السـلام جشن رسـمی و باشکوه، و در روز عاشورا عزاداری برگزار می نمایند.

– در الجزایر، عـاشورا جزء تعطیلات رسـمی است و دست سـفید فاطمه زهرا علیها السـلام بر بالای آرم و نشان ملی الجزایر به نشانه ارکان پنجگانه اسلام یادگاری از نفوذ شیعیان در این سرزمین است.

و نیز در بسیاری از کشورهایی که شیعیان در آن رفته اند می توان مراسم عزاداری عاشورا را مشاهده نمود. (۱)

ب- عزت جهانی در نهضت حسینی:

برترین مصادیق نهضتی که در ظاهر شکست خورد و عالمی را عزت بخشید، نهضت حسین علیه السلام است. آن حضرت خود نهضتش را پیروز معرفی کرده است، زیرا آنجا که عزت است شکست نیست و انسان عزیز شکست ناپذیر است.

امام حسین علیه السلام در نامه ای بعد از حمد و ثنای الهی، چنین نوشت: «بدانید هر که به من بپیوندد به شهادت می رسد و هر که روی گرداند به هیچ پیروزیی دست نمی یابد.» (۲) درواقع شکست ظاهری حسین علیه السلام یک پیروزی قطعی بود که حضرت امام خمینی رحمه الله نیز در این مورد می فرماید «سیدالشهدا از یزید شکست خورد، همه را کشتند، لکن همچون شکستی به رژیم معاویه داد که تا ابد دفنشان کرد.» (۳) و نیز فرمودند «سیدالشهدا هم شکست خورد در کربلا، اما شکست نبود این، کشته شد و زنده کرد عالمی را.» (۴)

نهضت حسینی حماسه بر پاداشتن عزت است و جای جای آن گویای این حقیقت است که همه شرافت آدمی به عزت اوست و کسی حق ندارد جز در برابر خدا خود را ذلیل سازد. حماسه حسینی، حماسه عزت مؤمنان است. انسان هایی که در مدرسه پیامبر آموخته اند که سعادت حقیقی همان عزت است و زندگی زیر بار ستم و در کنار ستمگران جز ذلت و ننگ نیست و سزاوار، آن است که انسان بمیرد و تن به ذلت نسپاد.

در جهان نتوان اگر مردانه زیست همچو مردان جان سپردن زندگیست (۵)

حسین علیه السلام بزرگ آموزگار این گونه زیستن و مردن است. در دوم محرم سال شصت و یک هجری بود که وارد کربلا شد و در نخستین خطبه ای که در سرزمین کربلا خواند چنین فرمود:

«ألاـ ترون ان الحّق لایعمل به، و أن الباطل لایتناهی عنه؟ لیرغب المؤمن فی لقاء الله محّقاً، فانّی لا أری الموت إلا سعاده و لاالحیاه مع الظالمین إلا برما؟ (۶) آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی شود؟ در این

۱- . علاقه مندان ر.ک.به: مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و عاشورا، مقاله «ابعاد بین المللی عاشورا» عبدالکریم بی آزار شیرازی؛ ص ۱۲۴-۱۰۵.

۲- . بحارالانوار، ج۴۲، ص ۸۱.

۳- . صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۷.

۴- . صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۱۹.

۵- . محمد اقبال لاهوری، کلیات اشعار فارسی، ص ۳۵.

۶- . ابوجعفر محمدبن جریر الطبری، تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، ۱۹۷۹، ج ۵؛ ص ۴۰۴.

صورت شایسته است که مؤمن لقای پروردگارش را خواهان شود. من مرگ را جز خوشبختی نمی دانم و زندگی با ستمکاران را جز ملالت و بدبختی نمی بینم.»

حسین علیه السلام همان کسی است که مرگ با عزت را زندگی می دید و زندگی با ذلت را مرگ و کشته شدن می یافت. به بیان «ابونصربن نباته»:

الحسین الذی رأی الموت فی العّز حیاه والعیش فی الذلّ قتلا (۱)

به این ترتیب، حسین علیه السلام ملاک خود را برای زندگی و مرگ و مدرسه تربیتی اش چنین معرفی می کند:

«أما والله لا اعطیهم بیدی اعطاء الذلیل، ولأ اقّر اقرار العبید (۲)؛ به خدا سوگند که نه مانند ذلیلان تسلیم می شوم و نه مانند بردگان گردن می نهم.» و در سختی خطاب به فریفتگان دنیا و ذلت پیشگان فرمود: «هیهات منا الذله».

ج- فرهنگ عاشورایی پشتوانه مطمئن ارزش های اسلامی:

نهضت عظیم عاشورا در وهله ای از تاریخ رخ داد که اسلام از مسیر اصلی خود خارج شد و جامعه با حذف اسلام واقعی فاصله چندانی نداشت. فضای آکنده از فساد به گونه ای بود که گروهی از بزرگان مدینه که برای تحقیق پیرامون احوال یزید به شام رفته بودند در گزارش خود چنین گفتند «ما از نزد کسی می آییم که دین ندارد، شراب می نوشد، سرگرم نوازندگی و خوشگذرانی با دختران ترانه خوان است. با سگ ها بازی می کند و همنشین دزدان و اوباش است.» (۳)

در چنین مقطع حساسی که تمامی ارزش های اسلامی، لگدمال شهوت های حاکمان جور شده و روح اسلامی از میان جامعه رخت بربسته بود، نیروی محرکه نهضت حسینی، احیاگر ارزش های برباد رفته گردید و خط بطلانی بر جهل و نادانی دوران ظلمانی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله کشید.

حضرت امام خمینی رحمه الله پیرامون تأثیر این قیام، در احیای شریعت محمدی صلی الله علیه و آله می فرماید: «اگر عاشورا و فداکاری خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نبود، بعثت و زحمات جانفرسای نبی اکرم صلی الله علیه و آله را طاغوتیان آن زمان به نابودی کشانده بودند و اگر عاشورا نبود، منطق جاهلیت ابوسفیان که می خواستند قلم سرخ بر وحی و کتاب بکشند و یزید یادگار عصر

۱- . مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۸ و شرح ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۴۵.

۲- . نقل از: مجموعه مقالات کنگره امام خمینی و عاشورا، مقاله نهضت حسینی عزت حسینی، مصطفی دلشاد تهرانی، ص ۲۸۱.

۳- . الغدیر، ج ۱۰، ص ۲۵۵.

تاریک بت پرستی که به گمان خود با کشتن و به شهادت رساندن فرزندان وحی، امید داشت اساس اسلام را برچیند و با صراحت اعلام «لاخبر جاء ولا وحی نزل» بنیاد حکومت الهی را برکند، نمی دانستیم بر سر قرآن و اسلام عزیز چه می آید.» (۱)

خلاصه، قیام امام حسین علیه السلام آیینه تمامی کمالات گردید و در برابر هر ضد ارزشی، ارزش جاودانه ای را عرضه نمود که تا ابد می تواند پشتوانه مطمئنی برای ارزش های اسلامی و شناسایی مسیر سعادت انسان ها باشد.

گفتار سوم: ریشه یابی عاشورا:

بی شک تحلیل سبب شناسی و علت یابی ریشه های ایجاد عاشورا، می تواند به عنوان یک تدبیر تدافعی در حفظ و پیشگیری از انحطاط جامعه اسلامی، مورد نظر قرار گیرد. علت ها و ریشه هایی که می توانـد در صورت کوتاهی، هر جامعه و انقلاب اسلامی را مورد تهدید قرار دهد.

الف) اسلام منحرف بزرگترین دلیل عاشورا:

با مراجعه به تاریخ و تحلیل وقایع آن، به روشنی می توان دریافت که قبیله قابیلیان تاریخ و حزب امویان، از همان روز بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که منافع خویش را در خطر می دیدند، علم مبارزه با اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را به دست گرفتند. با رویداد غم انگیز و انحرافی «سقیفه» حزب منحرف اموی کوشید به تبلیغ بپردازد و به خصوص از زمان خلافت عثمان، برنامه اش گسترش یافت و با حاکمیت معاویه شدت گرفت. امویان و در رأس آنها معاویه برای تثبیت خود به تحریف اسلام دست زدند و با جعل حدیث و رواج اندیشه جبرگرایانه و تقدیر گرایانه، پایه های حاکمیت ظالمانه خود را محکم نمودند. در ظرف بیست سال یعنی بین سال چهل تا شصت هجری آنچنان بدعت و جعل در اسلام راه یافت که حتی معاویه در جریان سفر به جنگ صفین نماز جمعه را روز چهارشنبه خواند!!؟

جان کلام اینکه تحریف کلام و ارزش ها و قوانین الهی اسلام، وارونه کردن دین و ساختن پوسته ای که محتوای حقیقی نداشته باشد، در عصر امام حسین علیه السلام بنا به پیش بینی حضرت علی علیه السلام به اوج خود رسیده بود. مولا علی علیه السلام در مورد بنی امیه پیش بینی می نمایند که «سوگند به خدا]وقتی به ریاست می رسند[تمام محرمات خدا را حلال می گردانند و تمام عهد ها و پیمان ها را زیر پا می گذارند.» (۲) حضرت امام خمینی رحمه الله نیز می فرماید: «بنی امیه

۱- . صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۶۵.

۲- . نهج البلاغه، خطبه ۹۷.

قصد داشتند که اسلام را از بین ببرند» (۱) و «رژیم منحط بنی امیه می رفت تا اسلام را رژیم طاغوتی و بنیانگذار اسلام را بر خلاف آنچه بوده معرفی کند.» (۲)

بدیهی است چنین اسلامی، انسان را در قالب سپاه کفر به سوی کربلا ـ می کشاند و حسین علیه السلام نیز شعار و هدف نخستین نهضتش را غبارزدایی و اصلاح دین جدش اعلام می دارد.

ب) انحطاط و انحراف جامعه عصر امام حسین علیه السلام :

انحطاط جامعه اسلامی که در زمان خلفای سه گانه شروع شده بود، در زمان حکومت کوتاه حضرت علی علیه السلام هم ادامه یافت و در اثر این انحرافات، حضرت در حدود چهار سال، سه جنگ عمده ناکثین، قاسطین و مارقین را داشت. درد دل های حضرت علی علیه السلام و سخنان غم انگیز آن حضرت، روحیات و صفات مردم آن جامعه را به خوبی به تصویر می کشد. (۳)

این امت منحرف تا عصر امام حسین علیه السلام هر روز از مسیر صراط مستقیم دورتر می شدند. نمونه ای از این انحطاط و انحراف مردم را علامه کراجکی در کتاب التعجب چنین ذکر می کند:«بعد از حادثه عاشورا، نعل های اسب هایی که بر پیکر شهداء تازانده بودند، به قیمت سنگین بین مردم خرید و فروش می شد. بعضی معتقد بودند که اینها نعل های با ارزش و با اهمیتی هستند. این نعل ها را عده ای بالای در خانه خود می زدند که حضور آنها در حادثه عاشورا را برسانند و این مسئله آنقدر رواج یافت که بعداً مردم نعل های بدلی می خریدند و بالای در خانه خود می زدند.» (۴)

در رابطه با ریشه یابی انحطاط جامعه اسلامی می توان علل زیر را ذکر نمود:

۱. پایین بودن سطح فرهنگی:

بسیاری از مناطق به خصوص مناطقی که تحت حاکمیت جور و ستم بود، ارتقای سطح معرفت و آگاهی مردم و تربیت اسلامی آنها تحقق نپذیرفته بود.

۱- . صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۵۵.

۲- . صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۳۱.

۳- . ر.ک به: نهج البلاغه، خطبه های ۲۲۶، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۹۶.

۴- . کنگره امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دیدگاهها، دفتر اول، ص۴۳.

۲. روح زندگی قبیله ای:

زندگی قبیله ای اقتضا می کرد که اگر رئیس قبیله در کاری پیش قدم می شد، همه افراد قبیله به راحتی به او تأسی می نمودند. و این از موارد و زمینه هایی بود که به خصوص معاویه در جهت تثبیت حکومت خویش از آن سود جست.

۳. ضعف ایمان:

امام حسین علیه السلام در حدیثی وضع دین داری جامعه آن روز را چنین ترسیم می کند «مردم بردگان دنیا هستند و دین مانند لیسه ای بر زبانشان است. مادامی که دنیا و معاششان دایر باشد، از دینداری دم می زنند و هنگامی که امتحان آنها را جدا می کند، دینداران اندک می شوند.» (۱)

معاویه که این علل را به خوبی شناخته بود، با توسل به ابزارهای زیر اهداف خود را پیش می برد:

۱-۳- تبلیغات:

با توسل به ابزارهای تبلیغاتی آن زمان، چون هنر و ادب و شعر و به خصوص با به کار گرفتن شاعران برجسته چون «اخطل نصرانی (۲)» اذهان و افکار مردم را به جهتی که می خواستند سوق می دادند. همچنین با در اختیار گرفتن افرادی چون «ابوهریره»که در جعل حدیث و حدیث سازی مهارت بسیاری داشت، مردم ساده لوح را می فریفت. سومین دسته از دستگاه تبلیغاتی معاویه را «قراء» تشکیل می دادند که غالباً حافظ قرآن بودند (۳) و قرآن را به نفع حکومت تفسیر می نمودند.

۲-۳- تطمیع:

رؤسای قبایل و کسانی که با شعر و حدیث و قرآن فریفته نمی شدند، معمولاً از طریق وعده پست و مقام و اعطای جوایز و هدایای سنگین فریفته و جذب می شدند.

۳-۳- تهدید:

۱- . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۶.

۲- . زبیربن بکار، اخبار الموفقیات، تحقیق دکتر سامی مکی الحانی، ص ۲۲۸.

۳- . ر.ك: ابن قتیبه، المعارف، ص ۵۲۸-۵۳۲.

یکی دیگر از ابزارهای کارآمد، تهدید و اذیت به خصوص در مورد طرفداران اهل بیت بود.

ج- حکومت ستمگران بر جامعه اسلامی عصر امام حسین علیه السلام :

متأسفانه در کنار دیگر انحراف های صدر اسلام، حکومت اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جامعه اسلامی تداوم نیافت و حاکمیت به صاحبان اصلی نرسید. مانند جریان حاکمیت ظالم بر جامعه اسلامی در عصر امام حسین علیه السلام بر خلاف صلحنامه امام حسن علیه السلام با معاویه. او یزید، پسر فاسقش را برای سلطنت معرفی و درخواست بیعت کرد. در اینجاست که امام حسین علیه السلام موضعگیری می کند و به معاویه می نویسد «ای معاویه! فتنه ای بزرگتر از حاکمیت تو بر این ملت مسلمان وجود ندارد.» (۱)

با مرگ معاویه زمانی که از امام حسین علیه السلام برای بیعت با یزید در خواست کردند فرمود «اینک باید فاتحه اسلام را خواند که مسلمانان به فرمان روایی چون یزیدگرفتار شده اند.» (۲)

خطرناک ترین مسئله در این مقطع تبدیل خلافت و حکومت اسلامی به سلطنت و پادشاهی بود تا در سلسله امویان باقی بماند. (۳)

به این ترتیب با قبضه عنان حکومت، توسط افراد نالایق و ناشایست، بی شک جامعه دنباله روی هواهای نفسانی این حاکمان خواهد بود. گاه آنچنان به ورطه تاریکی و هلاکت پیش می روند که اهل بیت حضرت رسول صلی الله علیه و آله را خارجی نام نهاده و در میان شهرها و کوچه های سیاه و غم آلود خویش می گردانند. به راستی که رهبران فاسد و فاسق، توده مردم را گاه به چنان مرحله ای از انسانیت می رسانند که از حیوانات نیز پست تر می شوند. (کالانعام بل هم اضل)

از جمله مهمترین دستاویزها و ابزارهایی که حکومت ستمگران از آنها استفاده نمودند عبارت بودند از:

۱- دعوت به تقلیدهای ناروا از پدران و نیاکان گمراهشان.

۲-ایجاد انحراف در طرز شناخت و گرایش مردم.

۳- آمیختن حق و باطل، جهت فراهم نمودن زمینه فتنه و شبهه.

۱- . مجموعه مقالات کنگره امام خمینی و عاشورا، دفتر دوم، ص ۶۵۵.

۲- . محمد صادق نجمی، سخنان حسین بن علی ، ص ۱۹.

۳- . مجموعه مقالات کنگره امام خمینی و عاشورا، دفتر دوم، ص ۶۵۶.

۴- تحمیل رأی خود بر قرآن.

۵- ایجاد نفاق و تفرقه.

گفتار چهارم - اهداف قیام عاشورا:

حضرت اباعبدا... الحسین علیه السلام ، در میان اهداف حرکت جاودانه خویش، همواره خدا، اسلام و پیامبر را مطرح می کند، زیرا دشمن می خواهد با همین اساس پاک، حق را منحرف را سازد.

الف- اصلاح مفاسد امت رسول خدا، هدف اصلی

حضرت سیدالشهداء علیه السلام در وصیت خویش به برادرش محمد حنفیه، می نویسد

«أنی لم أخرج اشراً و لا بطراً و لا ظالماً و لامفسداً و انّما خرجت لطلب إلاصلاح فی أمّه جدّی؛ (۱)من برای تمایلات نفسانی، طغیان و فساد و تباهی و ستم قیام نکردم، بلکه به خاطر اصلاح امت جدم رسول خدا قیام کردم.»

در جامعه اسلامی باید گناه، فساد و انحراف نباشد و برترین فرد پیشوای الهی، امام زمان، باید جلو بیفتد و باطل را براندازد. او که از همه مؤمنان با ایمان تر است، باید به پیروانش نشان دهد که حق را باید حاکم کرد، حتی با نثار جان و مال، حتی با القای پروردگار.

تعبیر «لطلب الاصلاح» قابل تأمل می باشد. زیرا امام نفرمود «انما خرجت الاصلاح»، بلکه فرمود: «انما خرجت لطلب الاصلاح» یعنی من در جست و جوی اصلاح خروج می کنم. منظور امام حسین علیه السلام ، را از بیان کلمه «طلب» می توان به این صورت تفسیر نمود که حضرت می خواهد بگوید: من نمی گویم می توانم چنین کاری انجام دهم و همه مشکلات و مفاسد را برطرف سازم، اما در این راه قدم بر می دارم و می کوشم. اگر مردم نیز به وظیفه خود عمل کردند و مرا یاری رساندند، این کار صورت خواهد گرفت و مفاسد اصلاح خواهند شد. اگر مردم کمک نکردند. من به تکلیف خود عمل کرده ام. البته باید افزود که هدف آن حضرت با ایجاد تحولی که شرق و غرب عالم را فرا گرفت به بهترین وجه تحقق یافت.

ب) احیای سنت امر به معروف و نهی از منکر:

۱- . بحار الانوار، ج ۴۴، ص۳۲۹

امام حسین علیه السلام پس از برشمردن «اصلاح امت جدش» به عنوان مهمترین هدف، یکی از فروعات دین جدش را که در اصلاح امت و زنده ساختن اسلام از جایگاه والایی برخوردار است، هدف بعدی خویش اعلان می نماید وأن آمر بالمعروف و أنهی عن المنکر (۱)؛ و اینکه امر به معروف و نهی از منکر کنم.»

به طور کلی سه مصداق می توان برای امر به معروف و نهی از منکر در نظر گرفت:

۱. تعلیم جاهل

۲. تذکر و موعظه

۳. برخورد اجتماعی با توطئه ها. (۲)

با نگاهی به عصر امام حسین علیه السلام می توان دید که جامعه آن زمان هیچ یک از این مصداق ها را در خود نمی بیند و هرکجا کورسوی امیدی به وجود می آمد، توسط دستگاه جابرانه حکومت در نطفه خفه می شد. حضرت سیدالشهداء که پرچمدار امامت و ناجی حکومت اسلامی و الهی می باشد، کاروان خویش را به راه می اندازد و با گلگون ساختن دشت کربلا با خون خدایی خویش و بهترین انسان های روی زمین، همگان را به پیروی از معروف و خط مشی الهی دعوت نموده، از آلوده شدن به نواهی و انحرافات برحذر می دارد.

ج. عدالتخواهی حسین علیه السلام :

اساس تفکر اسلامی بر توحید و عدالتخواهی استوار می باشد. رهبر قیام عاشورا، صراحتاً راه را روشن می کند و حق را در رابطه با پیشوایان نور مشخص می نماید. حضرت در نامه ای برای مردم کوفه مرقوم می فرماید «به جان خود قسم می خورم که امام و پیشوا نیست مگر کسی که مطابق کتاب خدا قضاوت کند و به عدل و داد قیام نماید، متدین به دین حق باشد و خویشتن را برای خدا به دین و عدالت مقید سازد.» (۳)

امام حسین علیه السلام در یک سخنرانی در منزل بیضه در برابر سپاهیان حر می فرمایند:«اگر کسی حاکم زورگویی را ببیند که حلال خدا را حرام می کند، عهد و پیمان الهی را می شکند، و با سنت رسول خدا مخالف است، و با بندگان

۱- . بحار الانوار، ج ۴۴، ص۳۲۹

۲- . آیت الله مصباح یزدی، آذرخش کربلا، ص ۲۲۱.

۳- . اعیان الشیعه، ج۱، ص ۵۸۹.

خدا به ستم و بیدادگری رفتار می کند و در برابرش نایستد، برخداست که این فرد را با همان سلطان ستمکار محشور کند.» (۱)

این احادیث، خط مشی «پیشوایی» را در اسلام مشخص می کند و همین عدالتخواهی است که رهبر قیام عاشورا را تا قیامت زنده نگه می دارد و مصباح الهدی می سازد.

د. آزادی و آزاد مردی در تعالیم عاشورا

مصعب بن زبیر که خود را رقیب امام حسین علیه السلام برای خلافت می دانست درباره آن حضرت چنین شعر می گوید:

«وإنّ الاولی بالّطف من آل هاشم تأسّوا فسّنوا لکرام التأسیا» (۲)

مردان بزرگواری از آل هاشم در برابر ستم مقاومتی به خرج دادند که برای بزرگان تاریخ سنت و نمونه است.

همین آزادگی و عزت نفس بود که حسین را از پذیرفتن بیعت با نامردان بازداشت و آن حضرت را الگو و اسوه آزاد مردان تاریخ ساخت.

ه. عاشورا و نوسازی حکومت

از دیگر اهداف نهضت عاشورا نوسازی حکومت است که با رویکردی جامعه شناختی و از دیدگاه نوسازی اجتماعی قابل تبیین است. حضرت امام حسین علیه السلام از مکه معظمه در نامه ای به مردم بصره می نویسد «ما خاندان اولیاء و اوصیاء و وارثان وی (پیامبر) و شایسته ترین افراد نسبت به مقام او از میان تمام امت بودیم ولی گروهی، بر ما سبقت جسته و این حق را از ما گرفتند.»

لذا می بایست با قیام و نهضتی دوباره حق به حقدار برسد و امام حسین بر مسند حکومت اسلامی تکیه بزند تا جامعه اصلاح گردد و دین اقامه شود.

حضرت امام خمینی رحمه الله می فرمایند «آنهایی که خیال می کنند حضرت سیدالشهداء برای حکومت نیامده خیر، اینها برای حکومت آمدند، برای اینکه باید حکومت در دست مثل سیدالشهداء باشد.» (۳)

۱- . اعیان الشیعه، ج۱، ص ۵۹۶.

۲- . حسین نفس مطمئنه، ص ۳۵، نقل از: مجموعه مقالات کنگره امام خمینی و عاشورا، دفتر دوم، ص ۴۲۱.

۳- . مجموعه مقالات کنگره امام خمینی و عاشورا، دفتر دوم، ص ۳۹۸.

بدیهی است که در متن این نوسازی حکومت، «نوسازی اجتماعی» و «نوسازی دین» و «نوسازی جامعه» نیز مطرح می باشد.

فصل دوم: انتظار

اشاره

گفت پیغمبر رسول انس و جان گر نماند یک روز از عمر جهان

حق کند طولانی آن یک روز را تا بیاید مهدی صاحب زمان

بی شک ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، نقطه عطفی است برای تمام بشریت، که با طلوع خورشید عدالتش در پهنه گیتی، راز سر به مهر خلقت انسان، آشکار خواهد شد و انسان خسته و درمانده از بیدادگری و فساد، حیاتی دیگر را تجربه خواهد نمود. حیاتی که به یمن قدوم مبارک آن امام بزرگوار، هیمنه دروغین بت های استکباری و قدرتمندان زورگو شکسته خواهد شد و جهان تحت لوای پرعظمت و همیشه جاوید «کلمه توحید» لبریز از عشق و مهربانی خواهد شد. عصری که انسان حقیقت «إنّی أعلم مالا تعلمون» (۱) را بر ملائک آسمان ثابت می نماید و دولت کریمه «أن ألارض یرثها عبادی الصالحون» (۲) با حضور آن حقیقت مطلق و موعود حق، متجلی می گردد.

ای دل بشارت می دهم خوش روزگاری می رسد یا درد و غم طی می شود، یا شهر یاری می رسد.

گفتار اول: اهمیت و تعریف انتظار:

انتظار، بررسی و محک زدن ایمان در راه این باور است. در احادیث متعددی از معصومین علیهم السلام ، انتظار ظهور قیام کننده ای از اهل بیت حتی واجب معرفی شده، به طوری که با نداشتن این حالت نقصانی در دین شخص پیدا می شود. حضرت جواد الائمه علیه السلام می فرماید «إن القائم منّاهوالمهدی الذی یجب أن ینتظر فی غیبته؛ (۳) همانا قیام کننده از ما همان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که انتظار او در زمان غیبتش واجب است.»

اصولاً مقدماتی که جهت ایجاد حال انتظار در فرد مهم می باشد، در چهار عامل زیر خلاصه می شود:

اول: یقین داشتن به وقوع چیزی.

دوم: نزدیک دانستن وقوع آن چیز.

سوم: دوست داشتن آن وضعیتی که به وقوع آن علم دارد.

۱- . بقره، ۳۰

۲- . انبیا، ۱۰۵.

۳- . کمال الدین، ج۲، ص ۳۷۷، باب ۳۶، ج۱.

چهارم: دوست داشتن آن کسی که خبر از آمدنش داده اند.

با وجود این چهار عامل، انتظار نسبت به ظهور امام علیه السلام خود به خود به وجود می آید. با پیدایش این حس در فرد، در خواهیم یافت که «انتظار» یک امر کاملاً وجدانی است و اگر کسی واقعیت آن را درک نکرده باشد، هرگز با توصیفات ذهنی، حقیقت آن را نمی فهمد. انتظار یک معنای پایه و بسیط است. پایه است چون قابل «تحویل» به مفاهیم دیگر نیست، و بسیط است چون قابل تجزیه و «تحلیل» به مفاهیم ساده تر نمی باشد. تنها راه درک آن، وجدان حقیقت آن می باشد.

در مکیال تعریف انتظار چنین آمده است: «معنای انتظار عبارت است از یک حالت قلبی و روحی که از آن آماده شدن برای چیزی که در انتظارش هستی، بر می آید. پس هرقدر انتظار شدیدتر باشد، آماده شدن هم بیشتر می شود. آیا نمی بینی که وقتی مسافری داشته باشی که منتظر آمدنش هستی، هرچه زمان آمدنش نزدیکتر شود، آمادگی تو برای این امر بیشتر می شود.» (۱)

لازمه انتظار، یافتن «آمادگی» می باشد که این آمادگی در مورد انتظار فرج «اتصاف ساختن خویش به حدود شرعی» می باشد. شاید به خاطر پرداختن به خود و یافتن آمادگی می باشد که انتظار فرج بالاترین عبادت مؤمنان معرفی شده است. (۲)

گفتار دوم: انتظار فرج و اقسام آن:

زندگی یک مؤمن فقط با ظهور امامش به حالت ایده آل و خداپسندانه می رسد و قبل از آن، ایمان انسان ها به کمال مطلوب خود نمی رسد و مؤمنان نخواهند توانست مسیر بندگی خود را آنچنان که شایسته است طی کنند. بندگان خدا تا وقتی به رشد عقلانی کامل نرسیده اند، همواره مزاحمت های اساسی در راه ترقیات معنوی خود دارند. این مانع با رشد عقلانی بندگان به دست با کفایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برطرف می گردد.

بنابراین کسی که کامل ترین درجه ایمان را دارد، در روی زمین شدیدترین و کامل ترین درجه انتظار را دارد. با توجه به این امر که کاملترین درجه ایمان را وجود مبارک حضرت ولی عصر دارد، لذا حضرتش بیشتر از همه انسان ها انتظار فرج را می کشند. در احادیث اهل بیت علیهم السلام علاوه بر اینکه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «منتظر» نامیده شده

۱- . مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۵۲، باب ۸.

۲- . أفضل عباده المؤمن انتظار فرج الله (بحار، ج ۵۲، ص ۱۳۱، ج ۳۲) .

انـد، عنوان «منتظر» نیز برای ایشان به کار رفته است. یکی از این موارد دعایی است که در روز عیـد فطر، هنگام خروج از منزل برای ادای نماز عید، خوانده می شود:

«اللهم صـل علی ولیّک المنتظر أمرک، المنتظر لفرج أولیائک؛ (۱) خـدایا، درود بفرست بر ولی خودت که در انتظـار امر تو و در انتظار فرج دوستان تو است.»

در این دعا، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف منتظر دو چیز معرفی شده اند، یکی امر خداوند که همان اذن ظهور ایشان می باشد و دوم فرج و گشایش دوسـتان خدا که همان مؤمنان هسـتند. این دو امر با هم تحقق پیدا می کنند، چون فرج دوستان خداونـد (به طور فراگیر و عمومی، نه به صورت خـاص و موردی) فقـط بـا اذن خداونـد به قیام امام زمان (که فرج کلی است) تحقق پیـدا می کنـد. امام خود در انتظار این زمان هسـتند تا هم رفع گرفتاری از شـیعیان بشود (که بخش عمده ای از گرفتاری های خود ایشان است) و هم رفع گرفتاری از خودشان.

ظهور امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف فرج همه مومنان در عالم است، اما اینکه منتظر با چه زمینه فکری و برای فرج چه کسی انتظار می کشد، مراتب مختلفی از انتظار فرج را به وجود می آورد که عبارتند از: (۲)

۱. اولین رتبه این است که مؤمنی از گرفتاری های شخصـی خود به سـتوه آمده و به خاطر مشـکلات خوش در انتظار فرج امام عصر است.

۲. دومین رتبه این است که مؤمن به خاطر رفع گرفتاری از همه مؤمنان در روی کره زمین، حضور بقیه الله را انتظار می کشد.

۳. رتبه سوم این است که مؤمن نه فقط به مشـکلات و گرفتاری های اهل ایمان توجه داشته باشد، بلکه به فکر همه مظلومان و مستضعفان عالم باشد و رهایی آن ها را با فرج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از خداوند طلب کند.

۴. رتبه چهارم این است که مؤمن فقط به رهایی انسان های مظلوم عالم نیندیشـد، بلکه ظهور حضـرت را برای رفع گرفتاری از همه مخلوقـات اهلی اعم از انسـان و غیرانسان (شامل فرشـتگان، جنیان، حیوانات، نباتات و جمادات) بخواهـد. که اعتقاد قطعی شیعه این است که ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرج همه اینهاست.

۵. مرتبه پنجم که بالاـتر از آنهـاست و همه آنهـا را نیز شامـل می شود، از آن کسـی است که فرج امـام عصـر را به خاطر خود ایشان از خداوند طلب می کند و در انتظار رفع گرفتاری از خود امام عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.

۱- . اقبال الاعمال، باب ۳۷، ص ۲۸۴.

۲- . دکتر سید محمد بنی هاشم، سلوک منتظران، ص ۱۱۷-۱۲۱(بصورت خیلی چکیده و خلاصه).

به هر حـال بایـد توجه داشت که فرج وجود مقـدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف فی الواقع فرج همه مستضـعفان و آسـمانیان و زمینیان است و آنچه مهم است طرز رسـیدن به این رتبه از انتظار فرج می باشـد. به طور کلی آنچه می توانـد یک مؤمن را به بالاترین رتبه انتظار ارتقاء دهد، دست یابی به بالاترین درجه «معرفت» و شدت «محبت» او به امام زمانش است.

فصل سوم: کلیاتی در مبانی جنبش های اصلاحی اجتماعی

۱- معنای عام واژه «اصلاح اجتماعی» و نقش و اهمیت جهت گیری آگاهانه در حرکت های اصلاحی:

به طور کلی اصـلاح، یک تغییر و حرکت است، حرکتی رو به تکامل، اصـلاحات، حرکتی است تدریجی از بستر وضع موجود در جهت وضـعیت مطلوب و جهت گیری. هر حرکت اصـلاحی بستگی به مکتبی دارد که متکفل ترسیم وضعیت مطلوب یک جامعه است. بنابراین تعریف خاص اصـلاحات به خصوص جهت گیری اصـلاحات براساس مکاتب فکری- اجتماعی مختلف، متفـاوت است. به طوری که گـاه ممکن است اصـلاح در یـک مکتب، افساد باشـد در مکتب دیگر و این در صورتی است که جهت گیری آن دو مکتب با هم متناقض باشد.

پس عاقلانه نیست که برای رسـیدن به اهداف یک مکتب (دچار التقاط شده) از برنامه اصـلاحی مکتبی دیگر اسـتفاده نمود و چه زیباست این تعبیر امام معصوم که «العامل بلا بصـیره کالسائر فی غیرالطریق لا یزیـده سـرعه السـیرإلا بُعـدا». بنابراین روایت، کسـی که بدون بصیرت و آگاهی های لازم (شناخت جهت گیری صحیح) قصد حرکت اصلاحی داشته باشد، هرچه حرکتش سریعتر می شود، از اهدافش دورتر می افتد.

پس حرکت اصلاحی، حرکتی است آگاهانه و تکاملی از بستر وضع موجود در جهت مطلوب.

۲.ارکان راهبرد «اصلاح اجتماعی» مطلوب

هر راهبرد اصلاحی برای توفیق خود به دو عامل نیازمند است:

الف) به لحـاظ نظری بایـد مبنای تئوریک قوی داشـته باشـد که اولاً در کلیات از ناحیه عقل و منطق قابل اثبات باشـد، ثانیاً در جزئیات توانایی توجیه و کنترل مراحل مختلف حرکت را دارا باشد.

ب) به لحاظ عملی باید در درون خود قوای محرکه لازم برای حرکت دادن اجتماع از وضع موجود تا سر منزل مقصود را پیش بینی کرده باشد.

بنابراین حرکت اصلاحی باید مبتنی بر مکتبی باشد که این دو عامل (نظری و عملی) را به بهترین وجه تأمین نماید.

۳.راهبرد توحیدی اسلام؛ متکامل ترین راهبرد «اصلاح اجتماعی»

از آنجایی که زیربنای یک مکتب، جهان بینی آن است، شهید مطهری ابتدا معیارهای خوبی یک جهان بینی را چنین بیان می کند «قابل اثبات و استدلال بودن، معنا دادن به زندگی (پرهیز از پوچ گرایی)، آرمان ساز و شوق انگیز و آرزو خیز بودن، دارای قدرت تقدس بخشیدن به هدف های انسانی و اجتماعی (ضمانت اجرایی)، تعهد آور و مسئولیت ساز بودن.» (۱)

سپس بر آن مبنا، جهان بینی توحیدی اسلام را چنین توصیف می نماید «جهان بینی توحیدی، تمامی خصلت های یک جهان بینی خوب را دارا است.» (۲)

«جهان بینی اسلامی، جهان بینی توحیدی است. توحید در اسلام به خالص ترین شکل و پاک ترین طرز بیان شده است. اراده و مشیت الهی بصورت «سنت» یعنی به صورت قانون و اصول کلی، در جهان جریان دارد. سنت های الهی تغییر نمی کند و آنچه تغییر می کند براساس سنت های الهی است. خوبی و بدی دنیا برای انسان بستگی دارد به نوع رفتار انسان در جهات و طرز برخورد و عمل او.» (۳)

پس، بنابر جهان بینی توحیدی اسلام، انسان باید در مسیر سنن الهی به اصلاح و تکامل خویش در ابعاد فردی و اجتماعی اهتمام ورزد.

۴.جهان بینی ماتریالیستی و نظام اجتماعی لیبرالیسم زیربنای «اصلاح اجتماعی» در غرب

در مقابل جهان بینی توحیدی اسلام که شهید مطهری از آن به عنوان نظریه رئالیستی (۴) تعبیر می کند، دو نظریه عمده دیگر وجود دارد که یکی ماتریالیستی و دیگری ایده آلیستی است (۵). در این بین جهان بینی مبتنی بر ماتریالیسم حرف اول را در جهان غرب می زند.

۵.اختلاف نظام اجتماعی در اسلام و لیبرالیسم

۱- . مجموعه آثار، ج۲، ص ۸۲ (با تلخیص).

۲- . مجموعه آثار، ج۲، صص ۸۳ و ۸۴.

۳- . مجموعه آثار، ج۲، ص ۸۵.

۴- . مجموعه آثار، ج۲، ص ۱۱۰.

۵- . مجموعه آثار، ج۲، صص ۱۰۷ تا ۱۱۷.

الف) اختلاف تئوریک:

بـه اعـتراف متفکریـن غربی جهـان بینی ماتریـالیستی و سامـان لیـبرالیسم مخـالف فطرت انسـانی- الهی اسـت. اگر فطرت را رویکردی حق گرایانه به دین بـدانیم، آن بینش، مخالف این دین توحیـدی است. لـذا در تعابیر متفکرین غربی نوعی سـعی در گریز از فطرت بلکه نفی و طرد آن را مشاهده می کنیم.

به علاوه این که سیستم های غالب فلسفی در غرب و به تبع نظامات تئوریک سیاسی- اجتماعی آن سامان، براساس قالب های پیش سـاخته و تقسـیمات انتزاعی، قبایلی از پیش دوخته برای نظامات دیگر در نظر گرفته، به داوری درباره آنها می پردازنـد و طبیعی است که نظـام فکری- اجتماعی اسـلام را هم بـدین گونه نظر کرده، نسـبت به آن داوری نماینـد. شـهید مطهری در این باب چنین بیان می کند «فلسـفه مادی واقعاً فلسـفه نیست و هر فردی که عمیقاً فلسفه الهی را درک کند و بفهمد، تمام تفکرات و اندیشه های مادی را نقش بر آب می بیند.» (۱)

به عبـارت دیگر، جنبش هـای اصـلاحی غرب پس از رنسـانس در بعـد اجتمـاعی خود، بیشـتر مـاهیت پوپولیستی داشته است. توضـیح اینکه، پوپولیسم در فرهنگ سیاسـی غرب به معنای بستری اجتماعی است که منشأ پیدایش نظام های سلطه گری چون نازیسم و غیره می باشد. زمانی که در کشوری به دلایل مختلف از جمله: جنگ و فقر، عقلانیت مردم کاسته می شود و در این میان افرادی فرصت طلب با طرح مباحثی بی اساس و احساسـی چون تبعیض نژادی به قـدرت می رسـند، این زمینه اجتماعی را پوپولیسم می گویند.

ب.اختلاف در نظام های عملیاتی (سیستم هدایت اجتماعی):

یک حرکت اصلاحی موفق علاوه بر استحکام تئوریک، باید به لحاظ عملی و اجرایی، توانایی و استعداد ایجاد حرکت لازم و مداوم برای رسیدن به مطلوب را در خود ذخیره داشته باشد تا با استفاده از فرصت ها، ظرفیت های بالقوه را به فعلیت رساند.

در جهان بینی اسـلام که مبنای تئوریک آن بر اصل فطری توحید اسـتوار است، باید نظام هدایت اجتماعی آن نیز وحدت گرا، عـام و شامـل، مسـاوات طلـب و عادلانـه و بر محـور شایسـته سالاری در نظـام پـاداش و جزا باشـد و نهادهـای حرکت دهنـده اصـلاحات نیز باید عمومی باشند. این برخلاف نظام های لیبرالیستی غربی است که براساس مبنای تئوریک خود (اصالت تکثیر و نسبیت در اعتقادات عمومی) (۲) در عمل نیز نظام هدایت اجتماعی را آن گونه ترسیم

۱- . علل گرایش به مادی گری، ص ۱۱.

۲- . لیبرالیسم و منتقدان آن، مقاله «دو مفهوم آزادی» صص ۵۳ تا ۵۵.

می کننـد که بتوانـد آزادی فردی و تکثر را در ابعـاد و شؤون مختلف جـامعه نهادینه سازد. نظامی که بتوانـد با اصل قرار دادن اختلاف افراد، برابری و مساوات را به حداقل برساند (۱) و عدم امکان شایسته را در نظام پاداش و جزا اذعان نماید. (۲) تا حد امکان تمرکز زدایی از قدرت سیاسی نماید (۳) و عدالت توزیعی (۴) و هماهنگی کامل انسان ها باهم (۵) را عملی ندانسته و اصل را بر رقابت دائم اقتصادی- سیاسی قرار دهد.

۶.التقاط، خطرناک ترین آسیب مربوط به جنبش های اصلاح اجتماعی

آفت هایی که می توانـد جنبش های اصـلاحی را تهدیـد نمایـد، در سه ناحیه تئوریک، عملی و نظارتی رخ می نماید. به طور اجمـال آسـیب هـای تئوریـک می توانـد شامـل عـدم توان نظری (نقص تئوریـک)، التقاط و تحجر و ضـعف برنامه ریزی (بی توجهی به بستر وضع موجود، عدم تشخیص صحیح اهداف، اولویت بندی غیرصحیح و ...) باشد.

آسیب هایی که جنبش های اجتماعی در میدان عمل با آن مواجهند. مواردی است از قبیل: منافات عملکرد با نظریه اصلاحی، عدم توانایی جنبشـی در ایجاد تحرک اجتماعی، ایجاد موانع یا نبود مقتضـیات در حرکت اصـلاحی، تندروی ها، کندروی ها، جهش نامعقول یا انجام مراحل زائددر برنامه اصلاحی و ... .

آسیب های مربوط به بعد نظارتی در ابعاد نظری و عملی می تواند از قبیل: نداشتن معیار کنترل مراحل حرکت اصلاحی، عدم حساسیت مردم نسبت به انحراف حرکت و ... باشد.

آسیب های فوق الذکر هر کدام می تواند چالشـی جدی را فرا روی حرکت اصلاحی قرار دهد، ولی خطر هیچ کدام به اندازه خطر التقـاط نیست. مـادی گری خواه در چهره لیبرالیسم یـا مارکسیسم و مکـاتب الحـادی دیگر، تـا زمانی که به صورت یک انـدیشه مطرحند نه تنها خطری برای بینش اسـلامی ندارند، بلکه طرح روشن و شـفاف آن ها در حوزه تخصصـی و به صورت مسـتدل، حقانیت مکتب اسـلام را نمایان تر می سازد. ولی اشـکال زمانی پیش می آید که به اسم اسلام، تفکر مادی را ترویج کنند و تفکر الحادی را در پوسته ای از اسـلام عرضه کنند؛ مشابه کاری که گروه های مارکسیستی و ملی گرا بر سر فرهنگ اسلامی در این کشور آوردند.

۱- . لیبرالیسم و منتقدان آن، مقاله «ارزش»، برابری و شایستگی» ص ۱۳۳ تا ۱۳۶.

۲- . لیبرالیسم و منتقدان آن، مقاله «ارزش»، برابری و شایستگی» ص ۱۵۰ تا ۱۵۵.

۳- . بر گزیدگان و جامعه، ص ۱۳۷.

۴- . لیبرالیسم و منتقدان آن، مقاله«ارزش، برابری و شایستگی» ص ۱۵۵ و ۱۵۶.

۵- . لیبرالیسم و منتقدان آن، مقاله «دو مفهوم آزادی» ص ۸۴.

فصل چهارم: تحلیل تأثیر عاشورا بر انقلاب ایران و جنبش های اصلاحی اجتماعی

نهضت فکری و اجتماعی اسلام، تمام بنیادهای فرهنگی و ارزش های فردی و اجتماعی را دگرگون می کند و آنها را در جهت کمال و سعادت واقعی بشر قرار می دهد. در این میان نهضت اعتقادی، اخلاقی، عرفانی، تاریخی، سیاسی و احیاگری عاشورا، با دارا بودن دو خصوصیت زیر، توانسته است تأثیرات عمده ای بر جنبش های اصلاحی، قیام ها و انقلاب های بعد از خود داشته باشد:

۱- به لحاظ نظری دارای مبنای تئوریک قوی می باشد به گونه ای که: اولاً ـ در کلیات از ناحیه عقل و منطق قابل اثبات می باشد و ثانیاً در جزئیات توانایی توجیه و کنترل مراحل مختلف حرکت را دارا ست.

۲- به لحاظ عملی نیز در درون خود، قوای محرکه لازم را برای حرکت دادن اجتماع از وضع موجود تا سر منزل مقصود، پیش بینی نموده است.

دو مولفه مذکور در واقع عوامل اصلی می باشند که جایگاه نهضت عاشورا را در بین سایر نهضتها و انقلاب ها به گونه ای متمایز می سازد که همواره درطول تاریخ به عنوان «الگو» و «راهبرد موثر پیشبرد» اهداف انقلاب های اسلامی(که همواره به وجهی در پی احیاگری فطرت انسانی و اصلاح اجتماعی بوده اند) مطرح شده است. در میان ابعاد گسترده و گوناگون این رخداد بزرگ، بعد عاطفی آن، مورد توجه و عنایت بیشتری از سوی شیفتگان حسین علیه السلام قرار گرفته است. محافل عزای حسینی و مجالس ذکر مصایب سیدالشهداء علیه السلام و دوستداران او در خلال سده های متمادی بارها حزن و اندوه را در سرتاسر جهان برانگیخته و یاد این حماسه فراموش نشدنی را در قلبها زنده نگه داشته است.

اما در کنار این برخورد عاطفی، با رویکرد تحلیلی به سایر ابعاد و زوایای آن، می توان تأثیرات حرکت برانگیز و پویاساز عاشورا را بر جنبش ها و انقلاب های اصلاحی جامع تر و عمیق تر لمس کرد که در ذیل تا حد توان به این مهم پرداخته می شود.

الف) نقش قیام حسینی در جلوگیری از ظهور انگیزه های ناسیونالیستی در قیام ها و جنبش های اصلاحی:

الف-۱: زمینه های انگیزه ناسیونالیستی و پیدایش آن، پیش از انقلاب حسینی:

مسئله نژادپرستی، مشکلی است که خطر پیدایش آن برای ملت ها جدی است و اندکی تسامح در مبارزه با آن، ممکن است به ظهور و بروز این مشکل اجتماعی بیانجامد. تا چه رسد به اینکه رهبران یک جامعه، به گونه ای آن را به رسمیت بشناسند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله براین اساس، تمام توان خود را برای مبارزه با این پدیده و زمینه های آن به کار گرفت و در نتیجه به طور معجزه آسایی، توانست در بسیاری از عرصه های اجتماعی به ویژه در جنگ ها، انگیزه های قومیت گرایانه را از بین ببرد.

بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این مبارزه به شکل قاطع و تمام عیار آن، ادامه نیافت، بلکه با در پیش گرفتن این سیاست که: «عرب برعجم مقدم است» (۱)، به عنوان نخستین حرکتی بود که تفکر قومیت گرایی را سامان بخشید. حرکت دیگری که به تقویت قومیت گرایی انجامید، عکس العمل نشان ندادن دولت مرکزی]خلافت[در قبال مواضع ناسیونالیستی معاویه در سمت ولایت شام بود. این مواضع به قدری آشکار بود که در همان زمان به معاویه، عنوان «کسرای عرب» اطلاق می شد. (۲)

در رابطه با ترویج تفکرات ناسیونالیستی معاویه و اینکه او چگونه توانست تأثیرات عمیق در سوق دادن جامعه آن روز به سوی قومیت گرایی بر جای گذارد، توجه به سه نکته لازم است:

نکته اول: مردم شام نسبت به اسلام، جدیدالعهد بودند و معاویه از اول در جهت شکل دادن به افکار و روحیات آنان، اقدامات حساب شده ای به عمل آورد. از این رهگذر در آنان افکار قومیت گرایانه ای را ایجاد و تقویت کرد، به گونه ای که بعد از مدتی مردم شام چنان شدند که احساس هویت قومی خاصی کردند. امام علی علیه السلام این موضوع را چنین توصیف فرموده اند «گروه بسیاری از مردم را هلاک کردی. آنان را به گمراهی خود فریب دادی و در موج دریای خویش افکندی... . پس از راه راست خود دور شدند و به اعقاب خویش برگشتند و پشت نمودند و بر«حسب» هایشان تکیه کردند.» (۳)

۱- . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۱۱۱.

۲- . تاریخ الخلفاء، ص ۱۹۵.

۳- . نهج البلاغه، نامه ۳۲.

نکته دوم: شامیان در سایه برنامه ریزی ها و سرمایه گذاری های معاویه، توانستند جایگاهی موثر در عرصه سیاسی و نظامی پیدا کنند و به عنوان یک «قدرت» مطرح شوند.

نکته سوم: به صحنه آمدن شامیان به عنوان یک قومیت، نمی توانست باعث ایجاد تنش نباشد و به عبارت دیگر، نمی توانست واکنش هایی را از سوی اقوام دیگر از جمله مردم کوفه در پی نداشته باشد. از اینجا رقابت کوفه و شام شکل گرفت و بدین ترتیب، نه فقط شامیان، که کوفیان نیز دچار افکار قوم گرایانه شدند.

الف-۲: خطر فعال شدن انگیزه های قومیت گرایانه در جامعه اسلامی:

روند رو به رشد و تصاعدی افکار قوم گرایانه خطرهایی را در برداشت که اهم آن عبارتند از:

۱- اگر بپذیریم که کوفه از یکسو، به ورطه قوم گرایی افتاد و از سوی دیگر به خاطر موقعیتی که داشت، کانون بسیاری از حوادث سیاسی و فکری بود، در می یابیم که چگونه جریان شکل گیری حوادث سرنوشت ساز در مقطعی حساس از اسلام، با تأثیر از انگیزه ها و اندیشه های غلط در این منطقه صورت گرفت. برای نمونه پیدایش خوارج به همین علت می باشد.

۲- برخوردهای دوگانه مردم کوفه با اهل بیت عصمت و طهارت، به خصوص امام حسین علیه السلام در این امر ریشه دارد که آنان، اهل بیت را نه به خاطر وابستگی به خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله بلکه برای خویش و با هدف ارضای احساسات قومیت گرایانه خود می خواستند.

لازم به ذکر است که اگر انگیزه های ناسیونالیستی روند رو به رشد خود را ادامه می داد، اسلام در دو بعد با خطر جدی مواجه می شد:

- در بعد داخلی: پیروان اسلام، فقط عرب نبودند، بلکه بر اثر گسترش اسلام و اصالت این دین الهی، عجم نیز به آن گرایش یافته بود. اگر امام حسین علیه السلام با قیام خود به این روند رو به رشد انگیزه ناسیونالیستی پایان نمی داد، اوضاع به سمتی پیش می رفت که اسلام از درون تهدید به زوال می شد و جنگ های عرب و عجم دیر یا زود شروع می شد.

- در بعد خارجی: واضح است با داشتن افکار نژاد پرستانه، اسلام نمی توانست تا مرحله جهانی شدن پیش برود.

الف-۳: قطع روند رو به رشد انگیزه های قومیت گرایی توسط انقلاب حسینی:

پیرامون این موضوع دو بحث قابل طرح است:

- دلیل تحقق این نقش از سوی نهضت حسینی

- مکانیزم ایفای این نقش

در ارتباط با دلیل آن، می توان نهضت های بعد از عاشورا را ذکر کرد، چه آنکه بعد از این حادثه، چهره حرکت ها، نهضت ها، درگیریها و تنش ها، به صورت کلی دگرگون شده، رنگ معنوی و ظلم ستیزی و اصلاح به خود گرفت. از این زمان به بعد، از حرکت ها و درگیری ها، بوی قومیت گرایی بر نمی خاست و نشانه های آن، دیگر دیده نمی شد. بلکه آنچه به چشم می خورد شهادت طلبی و ارادات و اخلاص کامل نسبت به اهل بیت بود، که هیچ یک از این دو، آب از سرچشمه قومیت گرایی نمی خوردند، بلکه در آغوش انگیزه های الهی پرورش می یابند.

در ارتباط با مکانیزم ایفای نقش توسط نهضت حسینی، پاسخ این است که قیام حسینی، به خاطر عناصر و ویژگی های خود، توانست همزمان به سه موقعیت دست یابد که مجموعه این سه، مکانیزمی را تشکیل می داد که با آن، انگیزه ناسیونالیستی قیام ها از بین رفت و باعث شد نهضت ها و جنبش ها به صورت الهی و اصلاحی جلوه گر شوند. این سه موقعیت عبارت بودند از:

۱. جلوه گر شدن نهضت به شکل حادثه ای فراقومی:

نهضتی که می خواهد ریشه قومیت گرایی را برکند، باید بتواند خود را فاقد چنین خصلتی نشان دهد. در نهضت حسینی نه تنها انگیزه های قومیت گرایانه نبود، بلکه هنر قیام حسینی، آن بود که توانست ماهیت فراقومی خود را به مردم نشان دهد و این موقعیت بسیار بزرگی بود.

قیام حسینی به گونه ای بود که به هیچ روی، منطبق بر ملاک های حاکم بر سایر کشمکش ها نبود و این موفقیت بزرگی بود که نهضت توانست در ذهنیت بسته مردم آن زمان، نفوذ یابد و آنها را به انجام تفسیرهای تازه در برابر خود، وادار کند.

۲. ظاهر شدن نهضت به عنوان سرفصلی تازه در تحولات اجتماعی:

قیام حسینی به خاطر ابعاد تکان دهنده خود، آنچه را که تا آن زمان مردم را به خود مشغول کرده بود، تحت الشعاع قرار داد. زیرا این نهضت، توجه آنان را کاملاً به خود جلب کرده بود. ابعاد این تأثیرگذاری به زمان کوتاهی محدود نمی شد؛ زیرا امام علیه السلام نهضت را به گونه ای شکل داده بود که قابلیت دوام و بالندگی داشته باشد، با حفظ همه خصوصیات و ابعاد تأثیرگذاری آن.

۳. توانمندی نهضت در احیای انگیزه های الهی:

نهضت امام حسین براساس موقعیت اول، توانست زمینه یک نگاه و تفسیر مستقل را نسبت به خود و مردم برانگیزند و در سایه موقعیت دوم، توانست روح و ذهن مردم را تسخیر کند. تلفیق نتیجه این دو موقعیت به معنای فراهم آوردن یک فرصت استثنایی برای نهضت بود که پیام های اصلی خود را منتقل کند و آن را در جامعه عملی سازد، که از جمله این پیام ها گرایش به انگیزه های الهی و فعال کردن این انگیزه ها در متن زندگی بود.

موقعیت سوم، عهده دار انجام این رسالت بود. در حقیقت، سخنرانی های امام در قبل و روز عاشورا، مقاومت های استثنایی امام و اصحاب در این روز، شعارهای امام ، رجزهای اصحاب و یاران، در مجموع انگیزه جهت گیری الهی در این نهضت بود. از سوی دیگر، زمان و مکان وقوع حادثه، رقت بار و دلخراش بودن حادثه در روز عاشورا و در یک کلام همه تدابیری که امام علیه السلام چیده بود که حادثه تکان دهنده باشد، مجموعه عناصری را فراهم می آورد تا عاشورا در انتقال پیام الهی خود، به توانمندی برسد و مقصود ما از موقعیت سوم، همین توانمندی است.

یکی از نکات بسیار مهم، توجه به این مطلب است که در پی فعال شدن انگیزه الهی، قیام ها و انقلاب ها در جامعه بعد از نهضت حسینی، دیگر نمی توانست از همان جهت گیری برخوردار باشد که پیش از انقلاب حسینی جریان داشت.

جهت گیری در یک قیام، ارتباط تنگاتنگ با انگیزه هایی دارد که در آن موجود است و از این رو، بعد از این انقلاب، جهت گیری هایی مثل ظلم ستیزی، اقامه عدل و قسط، خدمت به اهل بیت و کشتن قاتلان حسین و یارانش پدید آمد.

اگر به عمق این انقلاب ها در تاریخ اسلام توجه کنیم، در می یابیم که انقلاب حسینی از این رهگذر چه خدمات عمیق و بزرگی به اسلام و تاریخ اسلامی نموده است. دانشمندان علوم سیاسی برای جنگ، نقش «بازدارندگی» قایلند. حقیقت این است که اگر انقلاب های متأثر از انقلاب حسینی روی نمی داد، حکام جائر دست خود را برای انجام هر جنایتی باز می دیدند. آنچه که خواب را از چشم اینان می ربود و از «فعال مایشاء» شدن آنها جلوگیری می کرد و در نتیجه راه را برای بسیاری از اقدامات اصلاح طلبانه فرهنگی باز می نمود، همین انقلاب ها بود.

ب) بررسی تأثیرات عاشورا بر جنبش های اصلاحی بعد از قیام

معمولاً دینامیسم و درون پویایی یک قیام و جنبش اصلاح اجتماعی، وابسته به پویایی و قدرت مولفه های اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، عرفانی و احیاگری آن جنبش (که معمولاً پیام و هدف قیام را تشکیل می دهند)، می

باشند. قیام بزرگ امام حسین علیه السلام ازآنجایی که در همه این ابعاد دارای معیار ارزشی و دستاوردهای غنی بود، لیک برای همه انقلاب های اسلامی والهی بعد از خود، خط مشی و جهت بخشید و از این باب بر همه آنها تأثیرات کلی و زیربنایی نهاد. به مواردی از این تأثیرات اشاره می گردد.

ب-۱: تأثیرات اعتقادی:

۱- القاء عقیده توحیدی و جهت بخشی الهی قیام ها: حضرت امام حسین علیه السلام با وجود اینکه پیشاپیش از شهادت خویش و یارانش با خبر بود، اما این آگاهی نه تنها اراده و باور آن حضرت را سست ننمود، بلکه ایمان و شهادت طلبی اش را بیشتر ساخت و در اشعاری منسوب به حضرتش فرمود:

ترکتُ الخالق طرّا فی هوا کا وأیتمت العیال لکی اراکا (۱)

همچنین وقتی ابن عباس از امام علیه السلام درخواست امتناع از سفر نمود، حضرت ضمن تبیین اهداف فرمود: «انی ماض فی امر رسول الله صلی الله علیه و آله حیث امرنی و انا لله و انا الیه راجعون» (۲) و تصمیم خود را در پایبندی به فرمان حضرت رسول و بازگشت به جوار رحمت خدای هستی آفرین باز گفت؛ چرا که به حقانیت راه و درستی وعده های خدا باور داشت.

این فرمایش در منطق امام حسین علیه السلام ، یادآور فلسفه بلندهستی و حیات و سرنوشت «از اویی به سوی اویی» است که بارها امام در طول راه آن را بر زبان آورد، تا این عقیده هم جهت نهضت را روشن سازد و هم جهت دهنده تصمیم ها و عملکردهای قیام ها و جنبش های اصلاحی باشد.

حضرت برای جنبش های الهی این خط مشی را عملی ساختند که در هر خیزش و اقدامی، باید فقط و فقط توحید را انگیزه و تکیه گاه قرار داد. چنانکه حضرتش نیز به نامه ها و شعارهای انبوه کوفیان وقعی ننهاده و توحید در نصرت خواهی را راهبرد نهضت خویش ساخته بود: «سیغنی الله عنکم» (۳) و «حسبی الله و نعم الوکیل» (۴).

۲. قیام ها در جهت دفع شبهه از مبانی اعتقادی اسلام: یادآوری مبانی اعتقادی اسلام در کربلا، از زبان امام حسین و یاران او، اولاً نوعی خلع سلاح و زیر سوال بردن هجوم دشمنی بود که با هیچ منطق و آیین و مرامی

۱- . پیام های عاشورا، ص ۲۷.

۲- . موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۲۱، به نقل از: پیام های عاشورا، ص ۲۸.

۳- . از فرمایشات امام حسین در مقابل سپاه حر (موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۷۸-۳۷۷).

۴- . از فرمایشات امام حسین در مقابل سپاه حر (موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۷۸-۳۷۷).

سازگاری نـداشت و ثانیاً، باعث گردیـد تا قیامهای بعدی نیز، در جهت دفع شـبهه از جامعه اسـلامی و احیای مبانی اعتقادی به پاخیزند. در منطق عاشورا، نشستن و نگریستن به زایل شدن حدود و قوانین الهی همخوانی ندارد.

ب.۲: تأثیرات اخلاقی:

۱. آزادگی:

وقتی کمـال و ارزش انسـان به روح بلنـد و همت عـالی و خصـال نیکوست، خود را به دنیـا و شـهوات فروختن، نوعی پـذیرش حقـارت است. نهضت عـاشورا جلوه بـارزی از آزادگی حسـین ، خانـدان و یارانش بود که شـهادت آزادانه را بر بیعت ذلیلانه ترجیح دادند:

الموت أولی من رکوب العار و العار أولی من دخول النار (۱)

آزادی خواهان و آزادگان جهان، در راه اسـتقلال و رهایی از سـتم طاغوت ها، قیام هایی به راه انداختند و با تأسـی به قهرمانی ها، هر زمان احساس نمودند که ذلت بر آزادگی تقدم یافته، بپا خاسته و مرگ سرخ را برگزیده اند.

۲. دفاع از حریم و کیان تا ایثار آخرین قطره خون:

قیـام ها و جنبش های اصـلاحی، به خاطر گام نهادن در مبارزه دشوار و پرخطر، اگر آمادگی برای ایثار و فـداکاری را نداشـته باشـند، نهضت ناکام می مانـد وحق، مظلوم و بی یاور. قیام هایی که انقلاب کربلا را الگو ساختند، بی شک خصـلت و صـفت هـای عاشورایی را برگزیدنـد. لیک تاریـخ نمونه های فراوانی از این قیام ها را به یاد دارد که برخلاف انقلاب های غیرالهی و غیراسـلامی، تـک تـک رزمنـدگان آن بـا ایثـار و فـدا کردن خویش راه را برای پیشبرد انقلاب و پیشـرفت اهـداف قیام هموار نمودند.

۳. قیام در جهت تکریم انسان:

به گفته واذعـان بسـیاری از رهبران نهضت هـای اصـلاحی همچون گانـدی،آنهـا تنهـا باور احترام به شخصـیت انسان را که از حسین علیه السلام آموخته اند، برای مردم ارمغان آورده و ره آوردشان چیز تازه ای نبوده است.

۴. انقلاب های اسلامی، وارثان فرهنگ جهاد و شهادت:

۱- – کشف الغمه، اربلی، ج۲، ص ۳۳.

صحنه عاشورا، شـهادت طلبی یاران با ایمان امام حسـین علیه السـلام در عمل تجلی یافت. خود آن حضرت نیز پیشتاز و الگوی این میدان بود. وقتی امام می خواست از مکه حرکت کند، از افراد شـهادت طلب برای همراهی دعوت فرمودند: «من کان باذلاً فینا مهجته فلیرحل معنا» (۱).

شهـادت طلبی و مرگ سـرخ نـوع کمـال یـافته تری از حیـات است که می تـوان این روحیه را در تـک تـک افراد عـاشورایی مشاهده نمود. همچنین این فرهنگ و روحیه ابزار قدرتمند انقلابهای اسـلامی است که بر علیه نظام های طاغوتی زمان خود در جهت اصلاح امور به پا خاسته اند و توانسته اند در مراحل بسیار سخت و دشوار مراحل قیام را پیش ببرند.

۵. صبر و استقامت در برابر ناملایمات و سختی ها:

واضـح است که هر انقلابی جهت نیل به اهـداف خود، آمیخته به سـختی ها و ناملایمات فراوان می باشـد. آنچه ابزار و توشـه لازم را در این مسیر مهیا می سازد، صبر و استقامت بر ناملایمات و سختی های درونی و برونی است.

در عاشورا نیز با این جلوه عظیم روحی رو به رو هستیم و آنچه حماسه کربلا را به اوج مانـدگاری و تأثیرگذاری و فتح معنوی رسانـد، روحیه مقاومت امام حسـین علیه السـلام و یارانش، و صبر اهل بیت علیهم السـلام بود. حادثه کربلا، آموزگار مقاومت بود و قهرمانان عاشورا الهام دهنـدگان صـبوری و شـکیبایی، خانواده های شـهداء نیز از صبر زینب کبری صـبوری آموختنـد و پدران و مادران و همسران، داغ جوانان خویش را با الهام از کربلا تحمل کردند.

۶. روحیه عزت مداری، روحیه قیامهای اصلاحی:

روحیه عزت مندی به عنوان خصـلت فردی یا روحیه جمعی، به معنای مقهور نشدن در مقابل عوامل بیرونی، شـکست ناپذیری، صلابت نفس، کرامت و والایی روح انسانی است که خانـدان سیدالشـهداء علیه السـلام ، چه در صـحنه نـبرد و چه در قـالب اسـارت آن را حفـظ کردنـد. این میراث را برای انقلاب های بعـد از خود به جا گذاشـتند که نهضت ها را برای حفظ عزت و مبارزه با ذلت سامان دهند، چرا که داشتن این خصیصه برای فرد و جامعه احساس پیروزی می آورد.

۷. عمل به تکلیف زیربنای تفکر قیام های اصلاحی:

۱- . بحارالانوار، ج ۴۴،ص ۳۶۶.

تأثیر عاشورا بر قیام های اصلاحی اجتماعی، القای این طرز تفکر بود که در بین انسان ها، هر کس به نوبه خود و در هر مقام و موقعیتی، می بایست تکلیف و وظیفه خود را در رابطه با اصلاح اجتماع بشناسد و به آن عمل نماید. هر چند این عمل منوط به دشواری ها و ناملایمات فراوان باشد و یا نتواند نتیجه مطلوب را داشته باشد آنچه مهم است مأموریت به تکلیف است نه مأموریت به نتیجه آن.

ب-۳: تأثیرات سیاسی:

با توجه به فلسفه سیاسی مکتب مدیریت جامعه در اسلام، عاشورا را حرکتی انقلابی بر ضد انحراف سیاسی و دینی حکام مستبد می توان تصویر نمود. اسارت مردم در چنگ حکومت ظالمانه و تلاش برای رهایی آنان و سپردن زمامداری به «امام صالح» به قصد گسترش حق و عدل در جامعه، گوشه ای از این بعد را نشان می دهد. حرکت امام حسین علیه السلام و خاندان و یارانش جهت آگاهی بخشی به توده های مردم و ترسیم سیمای رهبر شایسته و افشای چهره والیان بی دین و ستمگر، گوشه ای دیگر را روشن می سازد.

به شهادت تاریخ، بنیان بسیاری از نهضت های ضد ظلم و مقاوم در برابر تجاوز، و در راستای تشکیل حکومت اسلامی، متأثر از همین پیام سیاسی عاشورا می باشد. از جمله مهمترین این اصول تأثیرگذار عبارتند از:

۱. نهضت در جهت پذیرش ولایت و رهبری پیشوای الهی در جامعه:

عقیده به این ولایت، انسان موالی را در خط رهبری «ولی خدا» قرار می دهد. از سرمایه های مهم عاشورا که برای انقلاب های بعد از خود داشته است، معرفی چهره رهبری صالح می باشد. هرگاه عهده دار رهبری جامعه در دست افراد غیرصالح افتاده، به تبعیت از عاشورا نهضت را جهت اصلاح امور و برگرداندن شرایط به وضعیت آرمانی به راه انداخته اند.

به بیانی دیگر نهضت عاشورا این تأثیر را بر انقلاب های اسلامی داشته است که خط فکری و سیاسی خود را در جامعه و نسبت به حق و باطل مشخص نموده که پیرو جناح حق و مطیع «ولی خدا» باشند و با دشمنان دین و امامت و رهبری صالح، ستیز و دشمنی داشته باشند نه آنکه بی طرف بمانند.

۲. قیام های الهی، تبلور امر به معروف و نهی از منکر در عمل:

از آنجائی که حیات جامعه اسلامی به حساسیت مردم نسبت به احکام خدا و نظارت عمومی در امور والیان بسته است، لذا امام حسین قیام بر ضد حکومت ستم و تلاش برای اصلاح ساختار سیاسی جامعه و تشکیل حکومتی بر

اساس حق و قرآن را، از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر معرفی نموده و حماسه عاشورایی خود را عبارت از همان دانست بلکه بارها در تبیین فلسفه قیام خویش به این امر اشاره فرمودند تا رنگ مکتبی آن در هیاهوی تبلیغات دشمن گم و کمرنگ نشود.

پس، حماسه عاشورا نبض پرحرکت جامعه انقلابی را به راه انداخت و راه «انتقاد از حکومت جور» و «اعتراض علیه ستم» و قیام بر ضد طاغوت را گشود و از آن پس، بسیاری از نهضت ها از خون شهدای کربلا الهام گرفتند و مبارزات خود را مبتنی و مستند به نهضت حسینی کردند.

۳. عدالتخواهی انقلاب های اصلاحی:

از رسالت های عاشورا، دعوت از انسانها برای تلاش در راه اقامه عدل و قسط است که بدون حیات اجتماعی مبتنی بر عدل، همه ارزش ها تباه می شود و زمینه مرگ دستورهای دینی و آیین الهی فراهم می آید. به تعبیر حضرت امیر علیه السلام «العدل حیاه الأحکام؛ (۱) عدالت، مایه حیات احکام اسلام است.»

ظلم بر محو عدالت سخت می کوشد هنوز ظالم از خون دل مظلوم، می نوشد هنوز

تا عدالت را کند جاوید در عالم، حسین خون پاکش بر بساط ظلم، می جوشد هنوز

۴. باطل ستیزی در جهت براندازی دستگاه جور:

تلاش برای بازگرداندن خلافت اسلامی و حاکمیت مسلمین به مجرای حق و اصیل خود و از بین بردن سلطه جابرانه باطل، صفحه دیگری از مبارزات باطل ستیزانه عاشورا است. امام حسین علیه السلام در اشاره به این امر می فرماید «ما خاندان، برای سرپرستی این امر (و حکومت)بر شما، سزاوارتر از این مدعیانی هستیم که به ناحق، ادعای خلافت دارند و در میان شما به ستم و تجاوز رفتار می کنند.» (۲)

۱- . غررالحکم و درر الحکم، ص ۹۹

۲- . وقعه الطف، ص ۱۷۰.

امام حسین علیه السلام در منزل بیضه در نطق خود «من رای سلطاناً جائراً مستحّلاً لحرام الله...» (۱) با بازگویی کلام حضرت رسول، تکلیف مقابله و مبارزه با سلطه های جائر و آنان را که پیمان الهی را شکسته و با سنت پیامبر مخالف نموده و رفتاری تبهکارانه و ظالمانه دارند، برای نهضت های بعدی بیان می دارد.

۵. اصلاح، هدف مهم قیام های اصلاحی:

جامعه ای که از معیارهای اصیل دین و ملاک های ارزشی فاصله بگیرد، «فساد» در پیکره آن ریشه می دواند و روابط انسانی و ارتباطات اجتماعی و آنچه میان حاکم و ملت پیش می آید، دچار انحراف از صراط مستقیم می شود. گسترش بی بند و باری، رواج ظلم، حاکمیت پول، حیف و میل بیت المال مسلمین، تعرض بی مورد نسبت به زندگی و مال و جان مسلمانان و نبودن امنیت و عدالت، گوشه ای از این «فساد اجتماعی» است. راه فساد زدایی نیز اقدام های اصلاحی در جهت اجرا و عمل به کتاب و سنت است.

قیام اصلاحی اباعبدالله الحسین علیه السلام ریشه در نهضت های اصلاحی انبیا داشت و او وارث خط صلاح و اصلاح پیامبران بود که در این راه نیز شهید شد تا مفاسد برچیده شود. حضرت امام خمینی رحمه الله در بیان این مسأله فرمود: «تمام انبیاء برای اصلاح جامعه آمده اند. سید الشهداء علیه السلام روی همین میزان خودش و اصحاب و انصار خویش را فدا کرد، که فرد باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح شود.» (۲)

۶. عاشورا، الگوی قیام های اصلاحی:

تأثیر گذاری یک حادثه یا الگوی رفتاری بر اندیشه ها و عمل های مردم، بیشتر از گفتار است. در میان حوادث تاریخ، «عاشورا» و «شهدای کربلا» از ویژگی خاصی برخوردارند و صحنه صحنه این حماسه ماندگار و تک تک حماسه آفرینان عاشورا، الگوی انسان های حق طلب و ظلم ستیز، و نیز جنبش های اصلاحی بوده است.

۱- . موسوعه کلمات الامام الحسین،ص ۳۶۰.

۲- . صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۴۸.

نهضت عاشورا، چنانچه امام حسین علیه السلام موقع خروج از مدینه با اشاره به خروج خائفانه حضرت موسی از شهر، الهام گرفته از راه انبیاء و مبارزات حق جویان تاریخ و در همان راستا معرفی می نماید. (۱) در ضمن برای بسیاری از قیام های ضد ستم و نهضت های آزادی بخش، الهام آفرین شده است. حتی قائد اعظم پاکستان، محمد علی جناح نیز گفته است:

«هیچ نمونه ای از شجاعت، بهتر از آنکه امام حسین علیه السلام از لحاظ فداکاری و ... داد، در عالم پیدا نمی شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربان کرد، پیروی نمایند.» (۲)

ماهیت کربلا در گستره زمین و زمان جاری است و همه جا با الهام از این مکتب، برضد ستم و در راه آزادی و عزت فداکاری نموده اند، جمله «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» حتی اگر حدیث هم نباشد، حقیقتی است که از متن دین و روح عاشورایی بر می آید. شعاری است، نشان دهنده تداوم و پیوستگی خط درگیری حق و باطل در همه جا و همیشه، که عاشورای سال ۶۱ یکی از بارزترین حلقه های این زنجیره طولانی است. حضرت امام در این مورد می فرماید: «این کلمه کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا، یک کلمه بزرگی است. همه روز باید ملت ما این معنی را داشته باشد که امروز روز عاشورا است و ما باید مقابل ظلم بایستیم و همین جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم، انحصار به یک زمین ندارد. انحصار به یک افراد نمی شود، قضیه کربلا منحصر به یک جمعیت هفتاد و چند نفری و یک سرزمین کربلا نبوده، همه زمین ها باید این نقش را ایفا کنند.» (۳)

الهامی که همه مبارزان راه آزادی از کربلا گرفته اند و قیام های عدالت خواهانه و احیاگرانه دین که در تاریخ اسلام بوده است، حلقه های دیگری از این مبارزه است. حادثه عاشورا، از یک سو بیدارگر وجدان ها و برانگیزاننده انسان ها برای مبارزه با ستم و زور بود و از سویی رسوا کننده حاکمانی که از جهل و غفلت مردم بهره می گرفتند و با نام دین، سلطه جابرانه و ضد دینی داشتند.

ب-۴- تأثیرات احیاگرانه:

زندگی درصورتی جلوه از کمال و حقیقت دارد که براساس معتقدات راستین و صحیح باشد، چنانچه در عاشورا این تأثیرگذاری «عقیده در عمل» در جبهه امام حسین علیه السلام دیده می شود. در نقطه مقابل، تلون مزاج، رنگ عوض

۱- . اعیان الشیعه، ج۱، ص ۵۸۸.

۲- . فرهنگ عاشورا، ص ۲۷۹.

۳- . صحیف نور، ج ۹، ص ۲۰۲.

کردن، پیمان شکستن و به جنگ امام حق آمدن که در جبهه کوفیان دیده می شد، نتیجه ضعف عقیده یا قوت دنیا طلبی آنان بود.

۱. ملت زنده دارای جنبش های اصلاحی پویا و اجتماعی:

بی تفاوتی یک ملت نسبت به مفاسد و ستم ها، نشان مرگ آن جامعه است. چنانچه عصب های یک عضو قطع شود، نه درد را می فهمد و نه حساسیتی از خود نشان می دهد. جامعه ای هم که غیرت دینی و حمیت انسانی را از دست داده باشد و نسبت به خوب و بد اوضاع، بی تفاوت باشد، مرده است.

عاشورا تزریق خون به پیکر جامعه و وارد کردن شوک و برانگیختن حساسیت های دینی و انسانی بود. و نیز محرک توانمندی برای قیام های اسلامی که حیات جوامع بسته به پویایی آنها می باشد.

۲. قیام برای خدا:

فدا شدن در راه خدا، عزت و عظمت و ارزش دین، تا حدی است که برای بقای آن، عزیزترین انسان های پاک و حجت های الهی فدا می شوند و این فدا شدن را ادای حق الهی می شمارند.

دین خدا عزیزتر است از وجود ما این دست و پا و چشم و سرو جان فدای دوست

در دوره ای که دین خدا در معرض زوال بود و جهالت و غفلت مردم، زمینه اضمحلال مکتب شده بود، امام حسین حاضر شد برای بیداری و آگاهی مردم و احیای دین، خویش را فدا نماید. در زیارت اربعین می خوانیم «او خون خویش را در راه تو نثار کرد، تا بندگانت را از نادانی، سرگشتگی و گمراهی نجات دهد.» (۱)

برای ملت ها هم قربانی شدن و هم قربانی دادن، رمز عزت و پیروزی است. پیام حرکت برانگیز عاشورا این است: ملتی که در راه «آزادی» گام برداشته و بر می دارد، باید قربانیان بسیاری تقدیم آستان حریت کند و اگر جامعه ای حاضر به فدا کردن عزیزانش در راه عزیزترانش (آرمان، مکتب، آزادی و استقلال) نباشد، هرگز از ذلت به عزت نمی رسد. حضرت امام خمینی رحمه الله می فرماید: «سیدالشهداء نهضت عاشورا را برپا نمود و با فداکاری و خون خود و عزیزان خود، اسلام و عدالت را نجات داد.» (۲) و نیز فرمود: «اسلام، آنچنان عزیز است که فرزندان پیغمبر، جان خودشان را فدای اسلام کردند.» (۳)

۱- . «وبذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهاله و جیره الضلاله»

۲- . صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۰۰.

۳- . صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۳۰.

خود امـام نیز این شـهادت طلـبی و آمـادگی برای فـدا شـدن برای دین را از کربلاـ آموخته بود و می فرمود: «من خون و جـان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم.» (۱)

وقتی قیام برای خـدا باشـد، هرگز احساس باختن و خسارت در کار نیست و در عوض مانـدگار و پایـدار می باشد. عاشورا هم چون رنگ خدایی داشت، ابدی و بی شـکست شد. به تعبیر حضرت امام رحمه الله «شکست نبود کشته شدن سیدالشهداء چون قیام لله بود، قیام لله شکست ندارد.» (۲)

ج) تأثیر عاشورا در ایجاد و تداوم انقلاب اسلامی:

ج-۱- ولایت عاشورایی امام خمینی در ایجاد انقلاب اسلامی

در مطالعه تاریخی نهضت عاشورا. به عواملی برخورد می کنیم که عیناً در نهضت انقلاب اسـلامی ایران دوباره تکرار شـده اند و یا به عبارت دیگر رهبری انقلاب عیناً آن عوامل را از نهضت حسینی اقتباس نموده اند که عبارتند از:

۱- آگاهانه به سراغ دشمن رفتن.

۲- ذکر دلایل مخالفت با دشمن.

۳- امر به معروف و نهی از منکر.

۴- اجرای تکلیف شرعی در نهایت آزادی عمل.

نهضت اسـلامی حضـرت امام رحمه الله که از فرهنگ عاشورایی حسـینی تغـذیه می شـد و حـداقل بر تجربه یکصـد ساله ملت ایران از مبـارزه مسـتقیم بـا اسـتبداد و اسـتعمار اسـتوار بود، طی سه دوره مختلف بـا نظـام شاهنشـاهی مبارزه کرد که در نهایت موجب متلاشی شدن آن گردید.

همان طور که سیدالشهداء، اساس حکومت بنی امیه را غصبی و نامشروع می دانست و دلایل این مخالفت را برای امت مسلمان ذکر می کرد، حضـرت امام هم هـدف اصـلی را نشانه گرفته بودنـد و شاه را مقصـر اصـلی می دانسـتند. در عامل سوم نهضـت سیدالشـهداء ، تاریـخ بیان می دارد، زمانی که آن حضـرت از مدینه به قصد کوفه حرکت می نمایند، با شـعار امر به معروف و نهی از منکر نهضت خود را شروع می کنند. حضرت امام نیز بنا به وظیفه اجتهادی خود،

۱- . صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۳.

۲- . صحیفه نور، ج ۷، ص ۳۷.

یعنی مرجع تقلید مسلمین بودن، خود را موظف به این امر می دانستند و در دوره اول رهبری خود نصایح و ارشادات خود را به نظام و ارتش ابراز می داشتند «ای آقای شاه! من به تو نصیحت می کنم، دست بردار از این کارها. من میل ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی همه شکر بکنند، اینقدر با ملت بازی نکن، اینقدر با روحانیت مخالفت نکن.» (۱)

همچنین حضرت سیدالشهداء، زمانی که دیدند یزید و طرفداران او هیچ گونه توجهی به رعایت اصول دین ندارند و از منکرات رویگردان نیستند، حالت تهاجمی به خود گرفتند و حکومت وقت را، عملاً به مبارزه رویارو دعوت کردند. حضرت امام هم در مورد تکلیف مسلمانان می فرمایند «باید در مقابل ظلم و ستم بایستید، کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا، کلمه بزرگی است که از آن اشتباه می فهمند. آنها خیال می کنند که به این معناست که هر روز باید گریه کرد... ملت ما باید این معنا را که امروز عاشوراست و ما باید مقابل ظلم بایستیم و همین جا کربلاست و ما باید نقش کربلا را پیاده کنیم، بر همه ما تکلیف است که با دستگاه های ظالم، خصوصاً با دستگاه هایی که با اساس مخالفند مقابله کنیم.» (۲)

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی و به شیوه نهضت های انبیا و به شکل الهی انجام گرفته، و با هدف اصلاح امور بندگان و اجرای قوانین الهی و بر پا داشتن احکام خدا نشأت گرفته از قیام ابی عبدالله الحسین بوده است. به عبارتی دیگر، انقلاب اسلامی زلالی است از اقیانوس ولایت حسینی که از مجرای نهر خروشان ولایت امام خمینی، بر پهندشت تاریخ بشریت جاری گشته است. بارقه هایی از این روح عاشورایی را در ولایت حضرت امام می توان چنین نام برد:

۱. دارا بودن روحیه شهادت طلبی:

حضرت امام رحمه الله می فرمود «من امیدوارم به فوز (احدی الحسنیین) نائل شوم، یا پیشرفت مقصود و اقامه عدل و حق، یا شهادت در راه آن که حق است.» (۳)

۲. جهاد در راه عمل به اعتقاد:

۱- . حکایت های تلخ و شیرین، شرح ۳۱۴ از زبان ح علیه السلام علیه السلام ضرت امام خمینی، ص ۶.

۲- . صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۸.

۳- . صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۷۸.

در رابطه با دامنه قیام انقلاب اسلامی حضرت امام می فرمود: انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است (۱) و جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی شناسد و ما باید در جنگ اعتقادیمان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.» (۲)

۳. الگوگیری عملکردی:

حضرت امام با اشاره به اینکه عاشورا قوی ترین دستمایه الگوی جهاد مردم بر ضد طاغوت به شمار می رفت، فرمود: «ملت عظیم الشأن، با الهام از عاشورا آن قیام کوبنده را به بار آورد. اگر عاشورا و دلگرمی و شور انفجاری آن نبود، معلوم نبود چنین قیامی واقع می شد. واقعه عظیم عاشورا از ۶۱ هجری تا قیام عالمی بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف در هر مقطع انقلاب ساز است.» (۳)

۴. احیای کتاب و سنت، حمایت از دین و شعائر

۵. توکل به خدا:

روح عاشورایی حضرت امام باعث شده بود تا ایشان پشتیبان و پشتوانه خود را فقط خدا بداند، نه گروه های سیاسی یا ذخایر زیرزمینی یا سلاح های موجود. حضرت امام رحمه الله منادی این توکل خالصانه بر خدا و زبان امت متوکل بود که می فرمود: «اگر ما یک روز اتکای خودمان را از خدا برداشتیم و روی نفت گذاشتیم، یا روی سلاح گذاشتیم، بدانید که آن روز، روزی است که ما رو به شکست خواهیم رفت.» (۴)

۶. ولایت عاشورایی امام و دفاع مقدس:

باید اذعان نمود که دوران هشت سال دفاع مقدس، در تمام مراحل خود از رهبری تا جهاد و شهادت، همه و همه تجلی عملی دوباره مفاهیم عاشورایی بود. به بیانی دیگر تقریباً تمامی ارزش ها و مفاهیم والایی که در نهضت عاشورا مطرح بود، در جبهه های حق علیه باطل در هشت سال دفاع مقدس عیان و بازسازی گردید. آزادگی، ایثار، توکل، جهاد با نفس، شجاعت، شهادت طلبی، صبر و استقامت، عزت، غیرت، عمل به تکلیف، مواسات عقیده و عمل در زندگی، آزمایش و ابتلاء، شرافت مرگ سرخ، رضا و تسلیم، اخلاص، جهاد در راه خدا، ولایت و رهبری،

۱- . صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۲.

۲- . صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۶.

۳- . صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۱۹.

۴- . صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱.

امر به معروف و نهی از منکر، اصـلاح طلبی، اصول انسانی، احیاگری، حمایت از حق و دین و شـعائر و ... درسهایی برگرفته از نهضت عـاشورا بود که در دوران هشت سـال رزمنـدگان عاشورایی دوباره به آنها لباس عمل پوشاندنـد. چنانچه حضـرت امام رحمه الله دربـاره این پیونـد در سـال هـای دفـاع مقـدس فرمود: «امروز، روز عـاشورای حسـینی است، امروز، ایران کربلاـست، حسینیان آماده باشید.» (۱)

ج-۲- ولایت عاشورایی و تداوم انقلاب:

تداوم انقلاب به معنای استمرار حرکت و تصمیم عوامل ضد باطل و طاغوت، مستلزم تداوم چند حرکت زیربنایی است:

۱. تکوین اوضاع نفسانی طیبه.

۲. اعمال صالحه.

۳. تفقه در دین، یا مکتب شناسی و تعلیم و تعلم آنها.

۴. امر به معروف:

الف. فرهنگ دهی و روحیه بخشی

ب. فرهنگ پذیری و روحیه گیری

ج. حق پذیری و آمادگی برای قبول نصایح

۵. نهی از منکر:

الف. تولی و تبری

ب. مقاومت در برابر انحراف و ارتجاع

ج. فساد زدایی (۲)

بی شک، چنانچه علت العلل پیـدایش انقلاب اسـلامی ایران، سـریان ولایت عاشورایی امام خمینی بود، اینک نیز تداوم آن در گرو حفظ و سریان آن به نسل جدید و نسل های آینده است. در عصر تاریک و غم گرفته کنونی، عاشورا می تواند با معارف و زلال خود راه های سعادت را به انسان ها بنمایاند. لیک باید در کنار کلیه مسائل عاشورا، در شناخت مسائل عاشورا اندیشید و سعی نمود تا جهت انقلاب به سمتی باشد که با اهداف عاشورا مغایر

۱- . صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۵.

۲- . فلسفه ا نقلاب اسلامی، ص ۴۲۷، نقل از: مجموعه مقالات دومین کنگره امام خمینی و عاشورا، ص ۹۸.

نباشد. قیام عاشورا در هر قطره اش می تواند برای انقلاب اسلامی. یک شعور ناب قوی، یک محتوای ژرف غنی، یک مکتب آموزنده انسانی، یک ترتیل خونبار آیات قرآنی، یک سجده مترنم نورانی، یک سیال حیات آفرین اخلاقی و یک حماسه پویا در صیرورتهای آهنگ بشری باشد.

ناپلئون بناپارت فاتح بزرگ فرانسوی که گوشه ای از اثرات نهضت عاشورا را دیده است، می گوید:«ما اگر وقتی امر اجتماعی و یا سیاسی داشته باشیم، باید ده ها هزار کارت چاپ کنیم و با چه زحماتی توسط نفراتی، آن کارت ها را به اشخاص برسانیم، تازه ازده هزارنفرشان هزار نفر حاضر می شوند و امر ناتمام می ماند، لکن این مسلمانان و شیعیان، با نصب یک پرچم سیاه، بر سر در یک خانه می گویند، می خواهیم برای حسین عزیزمان گریه کنیم. ده ها هزار نفرشان در ظرف دو ساعت در مجلس جمع می شوند و تمام مسائل اجتماعی، سیاسی و مذهبی خود را در آن مجلس حل و فصل می نمایند و این یکی از فواید قیام حضرت امام حسین است.» (۱)

قیام عاشورا، همچون سلاحی نیرومند و کارآمد در دست ماست که به سوی دشمنان این انقلاب و دشمنان دین الهی نشانه رفته است. همچون نیروی ذخیره شده ای است، که بارها کارآمدی آن را نیز تجربه کرده ایم.

چند نتیجه:

در این قسمت جهت استفاده بیشتر از فرهنگ عاشورا و همنوایی بیشتر جامعه اسلامی با اهداف این ارزش های مقدس، موارد زیر متذکر می گردد:

الف- چنانکه گفته شد، نهضت عاشورا می تواند جامعه را در پرتو انوار خود هدایت کند. اما افسوس که گاهی بیشتر بر مصایب عاشورا گریسته می شود و هدف و انگیزه فراموش می شود. البته گاه نیز به تبیین اهداف و انگیزه قیام امام حسین علیه السلام نیز پرداخته می شود، اما این تلاش به خاطر اقدام نکردن برای تطبیق آنها با شرایط جاری جامعه و جهان، کارآیی چندانی نداشته است.

از سوی دیگر، شیعه قیام عاشورا و درس های آن را همواره در محدودهٔ قلمرو خود تعبیر کرده است و کمتر کوشیده است به آن رنگ جهانی بدهد. در حالی که این قیام در دل خود، درس هایی دارد که می تواند نوع انسانیت را به سرمنزل کمال برساند.

ب- نهضت عاشورا با توجه به ویژگی هایی که دارد، می تواند برای گسترش ارزش های اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانگان مورد استفاده قرار گیرد. چرا که اولاً محبوبیت این قیام، آن چنان در میان توده مردم زیاد

۱- . حق شناس، قیام مقدس، ص ۱۵۴.

است که با آغوش باز از آن استقبال می کنند و ثانیاً: ارزش های حاکم بر آن، انعطاف پذیری بسیاری دارند که به سادگی می توانند هماهنگ با شیوه های جدید عرضه شوند. اما شکی نیست که این طرح مسلتزم تحول و تغییر در روش های عرضه و شیوه های استفاده از این اقیانوس بیکران است و قالب های سنتی نمی توانند نیل به چنین آرمانی را میسر سازند. به عبارت دیگر، تصورات ذهنی و تحقیقات علمی که در طول سالیان متمادی و با زحمات جانفرسای اندیشمندان اسلامی، پیرامون این قیام صورت گرفته است، باید به واقعیت های خارجی مبدل شود و به صورت کاربردی و علمی عرضه گردد.

ج- نخستین گام در بهره برداری از قیام عاشورا، تطبیق شرایط زمان و مکان، با ارزش های حاکم بر این قیام است. به عبارت دیگر ارزش های این قیام باید به گونه ای عرضه شود که بتواند پاسخگوی نیازهای روز جامعه باشد. اگر نتوانستیم ارزش ها را هماهنگ با شرایط زمان و مکان عرضه کنیم، بدون شک نخواهیم توانست میان این نهضت و جامعه ارتباط و پیوند تنگاتنگی ایجاد کنیم زیرا اولاً: تفاوت زمانی زیاد، موجب دگرگونی شرایط می شود و ثانیاً: پیاده کردن دستاوردهای عاشورا، در همان لباس سنتی در جهان امروز مشکل است.

د- برخی از شیوه های بهره برداری از قیام عاشورا، برای احیای ارزش ها عبارتند از:

۱- الگوسازی:

از مهمترین ویژگیهای حماسه مقدس عاشورا، این است که برای تمامی اقشار و مقاطع سنی و فکری الگویی را عرضه می کند. یعنی در کنار نمونه کامل شجاعت و وفاداری حضرت ابوالفضل علیه السلام ،زینب علیها السلام بعد اجتماعی زن را به خوبی تفسیر می نماید و توانمندی های یک زن مسلمان را تمام و کمال به نمایش می گذارد. در کنار همه اینها، شخصیتی همانند حسین علیهم السلام جامع تمامی کمالات و حماسه هایی است که در روز عاشورا آفریده شد.

۲- یافتن قالب های نوین برای عرضه ارزش ها:

ارزش ها باید به گونه ای در قالب های فرهنگی ریخته شود که قابل عرضه به سراسر جهان باشد و خوشبختانه قیام عاشورا انعطاف پذیری بسیاری دارد و قابلیت های آن برای قالب های متداول روز بسیار است. برای مثال: اگر صحنه ای از عاشورا، در قالب اثری هنری بگنجد، در حالی که حاوی پیام های آموزنده و زیبا نیز باشد، تأثیر بسیاری بر جامعه خواهد داشت.

۳- هدایت عزاداری های و بهره برداری از آنها:

شیعه در دامان عزاداری توانسته است معارف خود را گسترش دهد و رهبران خود را به جهان بشناساند. در طول تاریخ نیز همواره این سوگواری ها زیر بنای حرکت های آزادی خواهانه و انقلاب های شیعی بوده است. اما آنچه مهم و قابل توجه می باشد، این است که این اهرم باید همچنان قدرتمند و پر تپش باقی بماند و تمامی اهداف در پس مراسم کلیشه ای و سنتی فراموش نگردد. حضرت امام پیرامون فلسفه عزاداری می فرماید:«مهم جنبه سیاسی آن است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه اش را کشیده اند که تا آخر باشد و آن، این اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع یک ایده است و هیچ چیز نمی تواند این کار را به مقداری که عزای حضرت سیدالشهداء در او تأثیر دارد، تأثیر بکند.» (۱)

انتظار و انقلاب های اصلاحی و اسلامی

نقش محوری معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتظار فرج، از ارکان معرفتی و اعتقادی شیعه می باشد که توانسته است آثار بسیاری نیز بر زندگانی و عملکردهای آنها داشته باشد. منتظران فرج، با مکتب غنی انتظار همواره توانسته اند در میان افکار و اندیشه های مختلف، سلامت روح و قلب را از خطر تهدید در امان نگه داشته و از مکاتب غیرالهی که انتساب به منبع وحی ندارند، برحذر باشند.

مسئله انتظار، همچنین از فاکتورهایی است که توانسته است بر پیدایش و روند انقلاب های الهی و اسلامی تأثیرگذار باشد. انقلاب های اصلاحی و الهی بنا به ماهیت درونی و ساختاری خود، فضای بیشتری برای پذیرش و تأثیرگذاری نسبت به این مسئله دارند. البته این تأثیرگذاری نسبت به درجه فهم و معرفت عمیق، نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رابطه ای مستقیم دارد. ولی درحالت کلی انتظار همواره می تواند مجاری تأثیرگذاری متعددی داشته باشد که به چند مورد از آنها اشاره می نماییم.

۱- انقلاب اسلامی، پیش زمینه انقلاب جهانی:

در شرایطی که گروه های بسیاری آینده بشریت را به سوی فساد و شر می دانند، طرفداران ادیان، مسئله آینده جهان را روشن می بینند و با اندیشه پیروزی نهایی و تشکیل مدینه فاضله و یک حکومت جهانی، براساس قسط و عدل می کوشند زمینه را برای این مهم آماده سازند. در این راستا، حکومت ها و انقلاب های اسلامی و الهی با صدور مبانی و معارف حکومت مهدوی بستر و زمینه را مهیاتر و آماده تر می نمایند.

۱- . صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۱۸.

۲- انتظار و اصلاح امور جامعه:

از دیگر تأثیرات فرهنگی انتظار بر جوامع و انقلاب های اصلاحی، مساعدسازی زمینه از طریق اصلاح امور جامعه می باشد. بدیهی است سعی و تلاش برای اصلاح جامعه، از طریق امر به معروف و نهی از منکر، با کج رویهای درونی همسو نخواهد بود. پس منتظران، تربیت خویش را در اولویت اول و تربیت جامعه را در مرحله بعد از ضرورت های مهم می دانند.

۳- پایداری و مقاومت در برابر حکومت های غیرالهی:

دوران غیبت و انتظار اتصال به حکومت حضرت، دورانی بسیار سخت می باشد و رفته رفته نیز بر وخامت و سختی دوران توسط حکومت های خودکامه و جابرانه افزوده می گردد. در این شرایط، انقلاب های اسلامی با پایداری و شجاعت در برابر هجمه های ویرانگر ایستاده و با ترویج برنامه های جهان شمول اسلام، در تمام ابعاد و تبیین جذابیت ها و حقانیت های آن، به مقابله، این حکومت ها بر می خیزند.

۴- پایبندی به ولایت:

انقلاب های اسلامی برای اینکه مسیر انقلاب را از صراط صحیح هدایت نموده و به دور از کج روی در مسیر انتظار پیش بروند، خویش را ملزم بر اطاعت از رهنمودهای مقام ولایت به عنوان جانشین حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانند.

۵- اتحاد و انسجام بین انقلاب های اسلامی و اصلاحی:

لازمه برتری و تفوق انقلاب های اسلامی، اتحاد در برابر دشمنان مشترک می باشد. لذا جهت دست یابی به حکومت جهانی حضرت و توانایی همراهی آن حضرت، داشتن اتحاد و قدرت لازم که مسیر حرکت حکومت را یاری نماید، اجتناب ناپذیر است. از این رو انقلاب های اسلامی می کوشند خویش را با داشتن تجهیزات لازم و اتحاد بین هم برای این مهم آماده سازند.

نتیجه:

هـدف مشترک قیام های انبیاء و معصومان ، تقویت و حفظ کلمه توحیـد، احیای ارزش های الهی و انسانی، تعالی بشـر و اقامه قسـط و عـدل در جامعه است. اگر از این ابعاد به نهضت حسـینی بنگریم، بی تردیـد بهترین و والاترین تأثیر آن بر انقلاب های اصلاحی و اسلامی می باشد. تأثیرگذاری قیام کربلا بر انقلاب اسلامی ایران را با عنایت به موارد زیر می توان بیان نمود:

الف) اهـداف و آرمـان هـای انقلاب اسـلامی و شـباهت آنهـا بـا قیام عاشورا، از جمله آزادگی، احیای دین، برقراری عـدالت اجتماعی، پیوند دیانت و سیاست و ... .

ب) عملکرد رهبر انقلاب اسلامی در بسیج توده ها، با توجه به اهداف حرکت احیاگرانه حضرت حسین بن علی علیه السلام .

ج) سمبلها و شعارهای مردم به هنگام انقلاب و اوج گیری قیام آنها در زمان ویژه ای مانند تاسوعا و عاشورا.

ص:۶۳

کتابنامه:

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه

۳. مجموعه مقالات «دومین کنگره بین المللی امام خمینی رحمه الله و فرهنگ عاشورا» موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی رحمه الله، دفتر اول و سوم، چاپ اول، بهار ۱۳۷۶.

۴. جواد محدثی، پیام های عاشورا، پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه، چاپ زیتون، تابستان ۱۳۸۱.

۵. آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، آذرخش کربلا، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، مرکز انتشارات، ۱۳۸۴.

۶. نماز و دانشگاه، ستاد اقامه نماز، جلد اول، مجموعه مقالات برگزیده، تابستان ۱۳۸۰.

۷. دکتر سید محمد بنی هاشمی، معرفت امام عصر،انتشارات نیک، معارف، چاپ سوم، ۱۳۸۳.

۸. دکتر سید محمد بنی هاشمی، سلوک منتظران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ زنبق، چاپ دوم، ۱۳۸۳.

۹. مجموعه مقالات برگزیده همایش «مهدویت»، مقاله «مهدویت و جهانی شدن» از همین قلم.

۱۰. محمدرضا حکیمی، حماسه خورشید.

۱۱. مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی.

۱۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار الجامع کدررالأخبار.

۱۳. صحیفه نور، امام خمینی

۱۴. علامه امینی، الغدیر.

۱۵. مناقب ابن کشهر آشوب.

۱۶. ابو جعفر محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل و الملوک، چاپ ۱۹۷۹.

۱۷. ابن قتبه، المعارف.

۱۸. زبیر بن بکار ، الموفقیات، تحقیق دکتر سامی قلی الحانی.

۱۹. محمد صادق نجمی، سخنان حسین بن علی علیه السلام .

۲۰. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام التعمه،

۲۱. اصفهانی، محمدباقر، مکیال المکارم،

۲۲. سید بن طاووس، اقبال الأعمال.

۲۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه.

۲۴. تاریخ الخلفاء.

۲۵. ادبلی، کشف الغمه

۲۶. غرر الحکم و درر الکلم.

۲۷. وقعه الطف.

۲۸. عاملی، محسن امینی، اعیان الشیعه.

۲۹. حق شناس، قیام مقدس.

نقش و جایگاه جهاد و شهادت در زمینه سازی جهانی برای ظهور (زهرا شریعتی)

چکیده

ای مدنی برقع و مکّی نقاب سایه نشین چند بود آفتاب

منتظران را به لب آمد نفس ای زتو فریاد! به فریاد رس

بندگان شایسته خدا در انتظار به ارث بردن زمین اند.چنان که خدای تعالی در قرآن کریم بدیشان وعده داده است: «ولقَد کتَبنا فی الزبور مِن بعد الـذکر إنّ الُارضَ یَرثها عبادی الصّا لحون»؛ « و در حقیقت ، در زبور پس از آن یاد کرد،نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بدین وعده پای فشرده و فرموده است:

« اُبشّرکم بِا لمهـدی یَبعثُ فی اُ مّتی علی إختلاف مِنَ النّاس وَ زلازل،فیملأ الارض قسطاً و عـدلاً بعدَ ما مَلئت ظلماً و جوراً»؛ « شما را به ظهور مهـدی بشارت می دهم که در هنگامه اختلاف و کوبش های] سـخت[،در امتم پدیـدارشود و زمین را پس از ظلم جور ،از عدل و داد آکنده سازد.»

برخی دوست دارند،«انتظار» را حالت فرار از واقعیت های تلخ و رویکرد آینده ای شـیرین بدانند که در آن زمین از عدل و داد پر شـده است.بی گمـان چنین آینـده ای همان گونه که خـدای تعالی وعـده داده- فراخواهـد رسـید و در این موضوع اختلافی نیست،بلکه اختلاف در طبیعت انتظار نمود می یابـد. انتظار حالت گریز از رویارویی با واقعیتهای گرانبار و سـختی هاو رویکرد به شـیرینی تغییر و اکتفا بـدان نیست،بلکه انتظار ارتباط تنگاتنگی با حرکت در راسـتای تفسـیر و تلاش در جهت تحقق وراثت بندگان شایسته خدا در زمین دارد.

به راستی چه کسـی منتظر دیگری است،ما یا امام عصر؟ آن حضرت حرکت و مقاومت و جهاد ما را انتظار می کشد،نه انکه ما منتظر قیام او باشیم.چنین عقیده ای درباره انتظار،ارزش زیادی بدان می بخشد.

از ایـن رو قرآن کریـم امتحـان ویژه ای بـه مسـأله جنبش و حرکـت و جهـاد مـا مبـذول داشـته است.قرآن مسـلمانان را به تغییر واقعیتهای اجتماعی و جایگزین ساختن توحید در محل شـرک و برداشتن موانع از سر دعوت به سوی خدا و ارزش های انسانی فرا می خوانـد. چنین مسأله ای اقتضا دارد که انسان نیز خود را به اسـباب و وسایل متعـدد،از سـقوط بازدارد.این وسایل عبارت است از: استعانت از صبر و صلاه،همبستگی،انتظار و امید و ... .

در مقـاله ای که پیش رو داریـد ابتـدا پیرامون انتظـار واقعی و پویا و علل تأخیر در فرج صـحبت شـده است.سـپس به اهمیت و جایگـاه حرکـت،جهـاد و شـهادت در اسـلام و نقش آن در زمینه سـازی ظهور جهـانی حضـرت ولیعصـر عجـل الله تعالی فرجه الشریف

پرداخته شده است.درخلال مقاله از آیات و احادیث بهره جسته و اشاراتی به گروه زمینه سازان ظهور حضرت در نقاط مختلف جهان و گروه انصار که از یاوران آن حضرت هنگام قیام جهانی ایشان هستند،داشته ایم.

مقدمه

اعتقاد به «مهدی» نه تنها یک باور اسلامی است،که عنوانی می باشد برای خواسته ها و آرزوهای همه انسانهای دردمند و ستمدیده،با کیش و مذاهب گوناگون و همچنین بازده الهام فطری مردم است،و با همه اختلافاتی که درعقیده و مذهب دارند دریافته اند که برای انسانیت در روی زمین،روز موعودی و انسان موعودی خواهد بود،که با ظهورش هدف نهایی ادیان الهی تحقق یافته و مسیر آن به دنبال رنجی بسیار،همواری و استواری لازم را می یابد.

تجلی باورمهدی درباری اوست.یاری مهدی،زمینه های قیام او را فراهم کردن و خود را مهیای پذیرش اوکردن است.حقیقت انتظار نیز همین است« أفضلُ الاعمال إنتظار الفرج» انتظار،عمل است و آن هم بهترین عمل.

امام خمینی رحمه اللهدر صحیفه نورمی فرمایند: «ما باید در این طور روزها و در این طورایام الله،توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم ازبرای آمدن آن حضرت...،ما باید خودمان رامهیا کنیم از برای اینکه اگر چنان چه موفق شدیم- إن شاءالله- به زیارت ایشان،طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان... .»

منتظر با امید زندگی می کند.در نتیجه سدهای مانع را درهم می شکند،راه را هموار می کند و با ظالمان و ستمگران می ستیزد و به امید مشاهده دولت کریمه«امام منتظر» امیدوار می باشد.

آنچه در پی می آید، برگ سبزی است به ساحت مقدس آن امام موعود و منتظر،پیرامون جایگاه و نقش جهاد و شهادت در زمینه سازی جهانی برای ظهور که در حد بضاعت این مقاله ارائه گردیده است. امید است مقبول امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مفهوم انتظار:

انتظار،مفهومی اسلامی و ارزشی، فرهنگی است که در آن،رفتار فرهنگی معینی سرچشمه می گیرد.مردم گاهی از انتظار،برداشت منفی می کنند که دراین صورت به مفهومی برای تحذیرومانعی برای حرکت تبدیل می شودوگاهی نیز از آن برداشت مثبت دارند که در این صورت،عاملی برای حرکت،قیام و انگیزش در زندگی مردم خواهد بود.

بنابراین اگر از مسأله انتظار تصور شفاف و دقیقی داشته باشیم نقش و جایگاه جهاد و شهادت را در زمینه سازی جهانی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بهتر درک خواهیم کرد.انتظار مفهومی فرهنگی است که در ساختار ذهنی،اسلوب اندیشه،شیوه زندگی و چگونگی نگرش ما به آینده،دخالت مؤثر و فعالی دارد و در ترسیم خط سیاسی ما برای حال و آینده تأثیرگذار است.

نزدیک به هزاروصـد سال است که انتظار ،در زنـدگی ما ریشه فرهنگی خود را گسترده و در طول این مـدت به گونه ای مؤثر در ساختار اندیشه انقلابی و سیاسی ما دخالت داشته است.

انواع انتظار

انتظار نجات بردوگونه است:

یکم.انتظار نجاتی که در توان انسان نیست،آن را جلو و عقب بیندازد؛همانند انتظاری که شـخص غریق در رسیدن گروه نجات مسـتقر در ساحـل به سوی خود دارد.در این حـال وی آنـان را می نگرد که برای نجـات او به راه افتـاده انـد.بی گمان،غریق را یارای آن نیست که زمان رسـیدن گروه نجات را به خود نزدیک کنـد.البته این انتظار،امید به نجات را درون او تقویت کرده و نور امید را بر تیرگی های یأس و ناامیدی- که از هر سو احاطه اش کرده- خواهد تابانید.

دوم.انتظاری که انسان می توانـد آن را نزدیک گرداند و طلب کند؛مانند بهبود یافتن از بیماری،اجرای طرحی عمرانی،علمی و تجاری،پیروزی بر دشـمن و رهایی از فقر.همه اینها ریشه در انتظار دارند و امر سـرعت بخشیدن یا تأخیر انداختن آنها به دست خود انسان است.

پس ایـن امکـان برای انسـان وجـود دارد کـه در بهبـود یـافتن و شـفا تعجیـل کنـد،یـا آن را به تعویـق انـدازد و یـا حـتی منتفی گرداند.چنان که امکان آن هست در اجرای پروژه ای تجاری،عمرانی و علمی عجله کند،یا اجرای آن را به وقتی دیگر موکول کنـد و یا آن را رها سازد.همچنین این امکان برای وی هست که به سوی پیروزی بر دشـمن و بی نیازی مالی بشـتابد،یا سـستی ورزد و تأخیر کند و یا از خیر آن بگذرد.

با این بیان،انتظار از نوع دوم باانتظار از نوع اوّلی که از آن سـخن گفتیم،تفاوت دارد و در محدوده قدرت و اختیار انسان است که در تحقق آنچه که انتظارش را می کشد،شتاب ورزد،یا درنگ و سستی روا دارد و عطایش را به لقایش بخشد.

از این رو انتظار از نوع دوم ،علاوه بر«امیـد» و «مقاومت» ، به انسان«حرکت» نیز می بخشـد و حرکت،مخصوص انتظار است.بی گمان اگر انسان بداند که نجات و رهایی اش به حرکت،عمل و تلاشـش وابسـته است؛ آن چنان حرکت و تلاشی برای رهایی و نجات خویش به خرج می دهد که در گذشته،توان انجام دادن آن را نداشته است.

بنـابراین اگر انتظـار از نوع اول به انسان،تنها«امیـد» و«مقاومت» می بخشـد،انتظار از نوع دوم به وی حرکت و پویایی نیز خواهد بخشید.

امیـد این قدرت را به انسان می دهد تا پرده حال را بدرد و آینده را ببیند،و چه قدر فاصـله است میان کسـی که«خدا» ،«هستی» و«انسان» را ازخلال درد و رنج حاضـر می بیند و میان کسـی که این سه را از خلال حال و گذشته و آینده می نگرد. بی گمان تیرگی،ظلمت و ابهام و اشکالی که دیدگاه نخست را احاطه کرده،در دیدگاه دوم وجود ندارد.

امید، انسان را در پایداری و مقاومت در برابر سقوط و نابودی تا رسیدن نیروهای کمکی،توانمند می سازد و تا زمانی که چراغ امید به رسیدن کمک در دل و جان انسان ندرخشد،مقاومتی نخواهد داشت.

امیـد انسان را در نیل به نجات،رهایی،نیرومنـدی و توانگری قادر خواهد ساخت.چنین انتظاری،همان «انتظار پویا» و برترین نوع انتظاراست.

تأخیر در « فرج »

فهم درست معنای انتظار- که آیا به معنای مترصد بودن است یا حرکت- به جواب درست سبب تأخیر در فرج وابسته است. در اینجا دو دیدگاه مطرح است:

دیـدگاه نخست: اگر سـبب تـأخیر در فرج و ظهورامـام عصـر عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف و انقلاب جهانی فراگیر او را این بـدانیم که زمین تـا از ظلم و جور پر نشـده است،آن حضـرت ظهور نخواهـد کرد؛به ناچـار«انتظـار» می بایـد به معنای «مترصـد بودن» باشد! از طرفی به روشنی می دانیم که دامن زدن به ظلم و جور و گسترش دامنه آن،از دیدگاه اسلام جایز نیست.

بر اسـاس این برداشت،درست نیست که به مقـابله بـا ظلم برخیزیم؛ زیرا چنین مقابله ای دوره غیبت را طولانی تر می سازد!پس به ناچـار بایـد منتظر بمـانیم تا ظلم و جور در زنـدگی سیاسـی،اقتصادی،نظامی و قضایی ما به حـد کمال برسـد و کره زمین از ظلمت ستم پر شود تا امام ظهور کند و انقلاب خود را علیه ستمگران و در حمایت از مظلومان،علنی سازد.

دیدگاه دوم: اگر سبب تأخیر در فرج،عدم وجود یارانی باشد که جامعه و] درگستره ای وسیع تر[دنیا را برای ظهور امام و قیام فراگیراو ،آماده سازند و پشتیبان و تکیه گاه انقلاب امام تلقی شوند،مسأله فرق می کند.

در اینجا چاره ای جز اقدام و تجهیز و آمادگی و امر به معروف و نهی از منکر،به منظور برپایی اقتدار حق بر روی زمین و حصول فرج به سبب ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست.در نتیجه،انتظار به معنای «مترصد» بودن نخواهد بود؛بلکه به معنای حرکت،اقدام و جهاد برای برپایی اقتدار حق است؛یعنی،مفهومی که مهیّا سازی زمین برای ظهور امام و قیام جهانی او را طلب می کند.

بنابر چنین برداشتی از ظهور امام و تحقق فرج به دست او،معنای انتظار نیزاز جهت مثبت و منفی،میان«مترصد بودن» و «حرکت» در نوسان خواهد بود.هم اکنون برای رسیدن به جواب صحیح،به بررسی این دو دیدگاه خواهیم پرداخت:

بررسی نظریه نخست

۱.«پر شدن زمین از ظلم و جور»، به معنای خشکیدن چشمه توحید و عدل درزمین یا باقی نماندن مکانی برای پرستش خدا نیست!چنین چیزی محال و خلاف سنّت های الهی است؛بلکه معنای آن،طغیان و سرکشی قدرت باطل،بر ضدّ حق در نبرد دایمی میان حق و باطل است.

۲.ظلم و ستمی که امروز در گستره عظیمی از زمین بر مستضعفان و بینوایان می رود و تهاجم وسیعی که علیه ارزش های الهی می شود،شاید در تاریخ کم نظیر باشد!!

آنچه در منطقه بالکان توسط صرب ها بر ضد مسلمانان بوسنی و هرزگوین گذشت،در تاریخ ظلم و کشتار کمتر نظیر بوده است.صرب ها بارها شکم زنان آبستن را پاره کردند وجنین ها را بیرون کشیدند!! کودکان را به قتل رساندند وسر بریدند و با سرهای بریده،پیش چشم پدران و مادرانشان توپ بازی می کردند!!

در «چچن» کودکان راسربریدندوگوشت تنشان را طعمه خوکان ساختند! ستمی که کمونیست ها در دوره حکومت کمونیستی،بر مسلمانان آسیای میانه روا داشته اند،چنان است که لرزه بر اندام انسان می اندازد! شکنجه های وحشیانه ای که برمسلمانان درزندان های اسرائیل اعمال می شود ونسل کشی فلسطینیان در غزه به دست صهیونیستها، ازمحدوده بیان بیرون است!برتر وبالاتر از همه اینها،شکنجه ها،زندانی کردن ها وستم هایی است که در عراق بر مؤمنان به دست پلیس بعثی صدامی درجریان بوده وهیچ تعبیری ازعهده توصیف آن برنمی آید و...!

آنچه در گوشه گوشه دنیای اسلام بر مسلمانان می رود،بسیار وحشتناک و فراتر از ظلم و ستم و«پر شدن زمین از ظلم وجور» است؛ ولی کمتر دیده شده که افکار عمومی جهان نسبت به این ستم های وحشتناک اعتراضی داشته باشند! این بی تفاوتی از همه بدتر، زشت تر و نشانه انحطاط وجدان اخلاقی در جامعه جهانی و فرهنگ مادی بشر معاصر است.

انحطاط وجدان اخلاقی،نمود خطری است که پیوسته سقوط فرهنگی را درپی دارد وقرآن ازآن به «نابودی امت ها» تعبیرمی کند.

«وجدان» نیاز اصلی و اساسی انسان است؛ همان گونه که انسان بدون«امنیت» ،«بهداشت و درمان»،«غذا» ،«نظام سیاسی» و «علم] و فن آوری[» قادر به ادامه زندگی نیست،به همان سان بدون وجدان، قادر به ادامه حیات نیست وهرگاه سرچشمه های وجدان بخشکد،سقوط فرهنگی نتیجه طبیعی این حالت خواهد بود.به تعبیر قرآن پس از سقوط نیز قانون«استبدال»، «تبدیل» و «وراثت» بر زندگی بشر حاکم خواهد بود و این،همان حالت قیام جهانی امام عصر و برپای دولت جهانی و فراگیر او ست.

۳.برخلاف انتظار برخی،گرایش دنیای امروز به سمت سقوط نظام های سیاسی،نظامی و اقتصادی ستمگر است.همه ما چگونگی سقوط اتحاد شوروی را درظرف چند ماه شاهد بوده ایم. مثل چنین کشورهایی، مانند ساختمانی است که از درون پوسیده شده وکسی قادربه نگهداری آن از ویرانی نیست.

طوفان تغییر، هم اکنون در امریکا- یعنی ابرقدرت دنیا- وزیدن گرفته و این کشور را در بعد اقتصادی،امنیتی،اخلاقی و مقبولیت،دچار زلزله های سخت و درهم کوبنده ای کرده است. (۱) نظام جاهلی امروز،شمارش معکوس سقوط و فروپاشی خود را شروع کرده است؛چگونه انتظار جنگ و وحشیگری بیشتری نداشته باشیم؟!

۴. آنچه در قرآن و روایات دیده می شود، این است که :«] امام عصر[زمین را از عدل و داد پر می کند،همان گونه که از ظلم و جور پر شده است»؛ (۲) نه بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد!

۱- . انفجارهای ۱۱ سپتامبر سال(۲۰۰۱م) در برج های ۱۱۰ طبقه سازمان تجارت جهانی و وزارت دفاع امریکا(پنتاگون)در نیویورک،نمونه آشکار این زلزله های سخت است.

۲- .« یملأ الارض عدلاً کما مُلِئَت ظلماً و جوراً».

معنـای آن، این نیست که امام منتظر بمانـد تا ظلم و فساد بیشتر بشود! بلکه معنای روایت این است که آن حضـرت هنگامی که ظهور می کنـد، زمین را ازعـدل و داد آکنـده می سازد و با ظلم وفساد درجامعه مبارزه می کند، تا جایی که جامعه بشـری، از ظلم و فساد پاک شود؛ همان گونه که در گذشته از ظلم وفساد پر بوده است.

اعمش از ابی وائل روایت کرده که امیرمؤمنان درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده است:

« در هنگامه غفلت مردم،نابودی حق و آشـکاری ظلم،] مهدی[خروج می کند.به سـبب این خروج، اهل آسـمان و ساکنان آن شادمان می شوند و زمین را از عدل و داد آکنده می سازد؛چنان که از ظلم و جور پر شده باشد » (۱).

به نظر می رسـد معنـای جمله«پرشـدن زمین از ظلم و جـور»، این است که ظلم و جور چنـان زیـاد شود که مردم از آن،فریـاد و فغان بردارنـد. ظلم، نقاب تبلیغاتی خود را – که نزد مردم خوب جلوه می کرد- فروافکند و چهره حقیقی اش را آشـکار سازد! این تشکیلات و نظام های در تحقق آنچه مردم را بدان وعده می دادند- رفاه،آسایش و امنیت – شکست می خورند و پس از این شـکست های گسترده، مردم در جست و جوی نظامی الهی که آنان را از این ناکامی ها برهانـد، به حرکت در می آینـد و رهبری را می جویند که دستشان را بگیرد و به سوی خدای تعالی رهنمونشان سازد.

این شـکست های پی در پی، هم اکنون در زندگی مردم یکی پس از دیگری رخ نموده است. بزرگ ترین آن با سقوط اتحاد جمـاهیر شوروی بوده و در سال های اخیرآشوب های تنـدی امریکا را به لرزه درآورده است. هر کـدام ازاین ناکامی ها، مردم رابسوی نظام الهی و رهبر ربّانی نجات بخش سوق می دهد.

بررسی نظریه دوم

این نظریه در فهم علـل تـأخیر فرج و ظهورامـام ، به علـل واقعی تکیه کرده است که نخستین آنهـا، عـدم وجود یاوران کافی از جهت کمیت و کیفیت، در میان شیعیان و انصار آن حضرت است.

بی گمـان که امـام رهبری آن را به عهـده خواهـد داشت، انقلابی جهـانی و همگانی است که مستضـعفان و محرومان در آن، امامت و سرپرستی جامعه بشری را عهده دار خواهند بود:

« و نُریـدُ ان نَمُنّ علی الذین استضـعفوا فی الارض و نجعلهم ائمهً و نجعلهم الوارثین» (۲) ؛« مـا می خواهیم بر آنان که در زمین خوارشان شمرده اند ، منت نهیم و آنان را پیشوایان] مردم[گردانیم و ایشان را وارث زمین کنیم».

۱- . بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۲- . قصص (۲۸) آیه ۵.

و مؤمنان مستضعف در این مرحله، تمام آنچه را که طاغوت ها از قدرت و ثروت در دست دارند، به ارث می برند: « و نجعلهم الوارثین»؛ « و آنـان را میراث بران قراردهیم» و « أنّ الارض یرثها عبادی الصالحون» (۱)؛ « بندگان شایسته ام میراث بران زمین خواهند شد».

و سلطه بر گستره زمین، نصیب آنان خواهد بود: « وَ نُمکّنَ لهم فی الارض» (۲) ؛ « و در زمین، قدرتشان دهیم».

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این مرحله، تمام زمین را از لوث شرک و ظلم پاک خواهد کرد: « یملأ الارض عدلاً کما مُلِئتْ ظلماً و جوراً »؛ « زمین را از عدل و داد آکنده می سازد؛ چنان که از ظلم و جور پر شده است».

در برخی از روایات، تصریح شده، در شرق و غرب عالم جایی که در آن ندای « لا اله الّا الله » طنین انداز نشود، یافت نخواهد شد. محور این انقلاب فراگیر، جز «توحید» و« عدل» نخواهد بود. چنین انقلابی، به ناچار زمینه سازی های زیادی را در سطح عالی- هم از جهت کمیت و هم از جهت کیفیت (نیروها و امکانات)- می طلبد.اگر این آمادگی ایجاد نشود، چنین انقلاب فراگیری در سنت های الهی، در تاریخ بشری به تحقق نخواهد پیوست.

جهاد و مبارزه لازمه تغییر

انتظار مردم از خداوند است که کارهایشان را از بد به خوب، از نیازمندی به بی نیازی، از ناتوانی به توانایی و از شکست به پیروزی تغییر دهد. چنین انتظاری درست و عقلانی است؛ زیرا انسان، توده ای از ضعف، عجز، فقر، نادانی و زشتی است و از خدای تعالی، انتظار می رود که همه اینها را تغییر داده و به نیرو، توان، بی نیازی و ... تبدیل کند. ایرادی نیست که انسان از خدا چنین توقع و انتظاری داشته باشد. به شرط آنکه برای تحقق آن، نظام معقولی را- که خدای تعالی برای چنین تغییری مقرر کرده- در پیش گیرد.

تا زمانی که انسان چنین نظامی را به کار نگیرد، درست نیست که توقع و انتظار تغییر از جانب خدا را داشته باشد.این نظام آن است که انسان، ابتدا در خودش تغییر ایجاد کند تا خدای تعالی شرایط را به نفع او تغییر دهد.

« إنَّ الله لا یُغیّرُ ما بِقومٍ حَتّی یُغیّرُوا ما بانفُسهِمْ » (۳)؛« خداوند وضع حاکم و مستولی بر قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آن چه در خلق و خوی و رفتار خود دارند تغییر دهند.».

۱- . انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۵.

۲- . قصص (۲۸) آیه ۶.

۳- . رعد - آیه ۱۱

انتظار تغییر از سوی خدای تعالی، حقیقتی است قطعی؛ البته در صورتی که این انتظار با حرکت و عمل انسان همراه گردد. این همان انتظار انقلابی است که همراه با اقدام انقلابی می باشد. درچنین انتظاری، هم فعالیت و حرکت و امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد و هم دعوت به سوی خدا وجهاد. این از زمینه های اساسی ظهور امام عصر است. زیرا ظهور او با زنجیره ای از سنت های الهی درجامعه وتاریخ ارتباط دارد و این سنت ها جز با فعالیت و حرکت،تحقق نمی یابد.

اقدام انقلابی

اقدام انقلابی آمیزه ای از تخریب و ساختن است؛ از این رو باچالش، مقاومت وسختی همراه است. اگر انقلاب، فقط ساختن بود- بی هیچ انهدامی- نیاز به این همه زحمت وتلاش نبود.چون انهدام بر رژیم سیاسی فاسد موجود وارد می شود؛ درنتیجه باسختی های فراوانی همراه است. زیرا هر رژیمی، بهره بردارانی دارد که ار آن نفع می برند و دفاع می کنند.

دعوت به توحید، یک دعوت انقلابی است؛ از این رو چنین دعوتی با جهاد و جنگ ، همراه است:

« وَ قاتلوهُم حتی لا تکونَ فتنه و یکون الدّینُ لِله» (۱) ؛ «و با آنان بجنگید تا فتنه ای بر جای نماند و دین یکسره ار آن خدای گردد».

بدون از میان برداشتن فتنه ها وموانع بزرگی که بهره وران رژیم سیاسی شرک آلود ایجاد کرده اند امکان ندارد دعوت به توحید راهی به زندگی مردم بگشاید. ازطرف دیگر؛ ازمیان برداشتن فتنه نیز بدون جهادومبارزه، امکان پذیر نیست؛ زیرا توحید (نظام توحیدی) در خلأ سیاسی واجتماعی استقرار نمی یابد؛ بلکه جایگزین شرک می شود و دعوت به خدا، جز با نابودی شرک صورت نمی پذیرد.

بهای اقدام انقلابی

بر پا دارندگان شرک و رهبران آن، از تمام توان خود برای مبارزه با حرکت توحیدی و برانگیختن فتنه ها و ایجاد موانع در مسیر دعوتگران به خدا، بهره می برند. دعوت به توحید نیازمند از بین بردن تمام این فتنه ها و رویارویی با همه این موانع و مبارزه با رژیم شرک است.

۱- . انفال- آیه ۳۹.

رویارویی با موانع و مبارزه با کیان شرک، هزینه جانی و مالی زیادی به دعوتگران به سوی خدای تعالی و نزدیکان آنان تحمیل می کند و خسارت های سنگینی را در پی دارد.

تکلیف به حرکت و جهاد در قرآن

قرآن با توجه به این عوامل، در تکلیف مردم به حرکت و جهاد، اهتمام ویژه ای نشان داده است.اگر این رنج ها و مشقت ها در حرکت توحیدی نبود، این همه تأکید وجهی نداشت:

« قوموا لِلّه قانتین» (۱)؛ « خاضعانه برای خدا بپا خیزید».

« وَ أمُربالمعروف وَانْهَ عن المنکر واصْبِر علی ما اصابکَ» (۲)؛ « به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار و بر آسیبی که بر تو وارد می آید شکیبا باش».

« فَاسْتَقِمْ کَما اُمِرتَ » (۳)؛ « پس همان گونه که دستور یافته ای ایستادگی کن».

« اُدع الی سبیلِ ربّکَ » (۴)؛ « به راه پروردگارت دعوت کن».

« اِقْرأ بأسم ربّکَ» (۵)؛ « به نام پروردگارت بخوان».

« جاهد الکفّار والمنافقین» (۶)؛ « با کافران و منافقان جهاد کن».

« وَ جاهِدُوا فی سبیل اللهِ» (۷)؛ « و در راه خدا جهاد کنید».

« وَقتلوهم حیث ثقفتموهم» (۸)؛ « و هر کجا به ایشان دست یافتید، آنان را بکشید».

« وَ قاتلوا فی سبیلِ اللهِ الذینَ یُقاتلونکم» (۹)؛ « و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند، بجنگید».

« و قاتلوهم حتّی لا تکون فتنهٌ» (۱۰)؛ « و با آنان بجنگید تا فتنه ای بر جای نماند».

۱- . بقره (۲) آیه ۲۳۸.

۲- . لقمان (۳۱) آیه ۱۷.

۳- . هود (۱۱) آیه ۱۱۲.

۴- . نحل (۱۶) آیه ۱۲۵.

۵- . علق (۹۶) آیه ۱.

۶- . توبه (۹) آیه ۷۳.

۷- . بقره (۲) آیه ۲۱۸.

۸- . بقره (۲) آیه ۱۹۱.

۹- . بقره (۲) آیه ۱۹۰.

۱۰- . انفال (۸) آیه ۳۹.

اهمیت جهاد و شهادت در اسلام

در اسلام، آنچه منجر به شهادت، یعنی مرگ آگاهانه در راه هدف مقدس می گردد به صورت یک اصل درآمده و نام آن جهاد است. در یکی از خطبه های نهج البلاغه، حضرت علی علیه السلام می فرماید:

« اِنّ الْجهادَ بابٌ مِنْ ابوابِ الجنهِ فتحهُ اللهِ لِخاصّهِ اَولیائِه»؛ « همانا جهاد دری از درهای بهشت است، دری است که خداوند این در بهشتی را به روی همه کس نگشوده است».

هر فردی لیاقت ندارد که باب الجهاد به رویش گشوده شود. مجاهدین بالاترند از اینکه بگوئیم مساوی با اولیاءالله هستند. مجاهدین مساوی با « خاصّه اولیاء الله» می باشند.

دری که مجاهدین و شهدا از آن در وارد می شوند، و در حقیقت بهشتی که برای آنها آماده است، دری است که خواص اولیاءالله از آن در به جوار قرب الهی نائل می گردند.

در قسمت دوم این خطبه فرموده اند: « وَ هُو لِباس التّقوی» ؛ « جهاد جامه تقوا است». قرآن در سوره مبارکه اعراف سخن از جامه تقوا آورده است. علی علیه السلام می فرماید: جامه تقوا، جهاد است. تقوا یعنی پاکی راستین، پاکی از چه؟ از آلودگی ها، ریشه آلودگی های روحی و اخلاقی چیست؟ خودخواهی ها و خودپسندی ها و خودگرائیها و به همین دلیل مجاهد واقعی، با تقواترین باتقواهاست.

در اسلام از جهاد با نفس به نام جهاد اکبر نام برده است.کسی که با نفس خود جهاد کرده است و پا روی هستی خود گذاشته است، مجاهد، پاک باخته است بنابراین دری که به روی پاکباخته ها بازمی شود با دری که به روی سایر پاکی ها گشوده می شود متفاوت است.

این مطلب که تقوا درجات و مراتب دارد از قرآن مجید به خوبی استفاده می شود. می فرماید :

«لیسَ علی الذین آمنوا و عملوا الصالحاتِ جناحٌ فی ما طعِمُوا اذا ما اتّقوْا و آمَنُوا و عَملوُ الصالحات ثم اتقوا و آمنوا ثُمّ اتّقوا و اَحسنُوا والله یحبّ الْمُحْسِنین»؛ « بر آنان که ایمان آورده و شایسته عمل کرده اند، در مورد آنچه از نعمتهای دنیا مصرف کنند، باکی نیست (حلالشان باد) هر گاه تقوا و ایمان و عمل صالح را تؤام داشته باشند و بعد ازآن « ایمان و تقوا» و بار دیگر تقوا و احسان».

این آیه کریمه متضمن دو نکته عالی از معارف قرآنی است.یکی درجات و مراتب ایمان و تقوا که مورد بحث ماست و دیگر فلسفه حیات و حقوق انسان ها. می خواهد بفرماید نعمتها برای انسان است و انسان برای ایمان و تقوا و عمل. انسان آن گاه مجاز است از نعمتهای الهی بهره مند گردد که خود انسان در مسیر تکاملی خودش که

خلقت، او را در آن مسیرقرار داده، حرکت کند، یعنی مسیرایمان و تقوا و عمل شایسته. روح و شخصیت شهید چنان پاک و وارسته شده که در بدنش و در خونش وحتی در جامه اش اثر گذاشته است بطوریکه نیاز به، غسل و شستشو و کفن ندارد.

خون شهیدان آنقدر پاک است که هر قطره اش تبدیل به هزارها قطره شده و دریایی از خون هایی گردد که در پیکر اجتماع وارد می شود و لهذا پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ قطره ای در مقیاس حقیقت در نزد خدا ازقطره خونی که در راه خدا ریخته شود، بهتر نیست.»

شهیدان تمام مایملک خودرادرطبق اخلاص گذاشته و به حضرت حق تسلیم کرده اند، آنان این جامه از جامه های تقوا رابرتن کرده اند.

در قسمت سوم این خطبه آمده است: « وَ دِرعُ الله الحَصینیه و جُنّتهُ اوَثیقه»؛ « جهاد زره نفوذ ناپذیر خدا و سپر مطمئن خداست».

اگر ملتی مسلمان، روحش روح جهاد باشد مُدَّرَعْ باشند به این دِرْع الهی و اگر این سپر الهی را همواره در دست داشته باشند دیگر ضربتی بر آنها کارگر نخواهد افتاد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خیرو برکت در شمشیر و زیر سایه شمشیر است. و همچنین فرموده اند: خداوند مرا بوسیله سم اسب ها و فروگاه نیزه ها عزیز ساخت. یعنی امت اسلام مساوی است با امت قوت و امت قدرت. اسلام دین قدرت و قوت و دین مجاهد ساز است.

ویل دورانت در تاریخ تمدن بشر می گوید: هیچ دینی به اندازه اسلام امت خویش را به سوی قوت و قدرت نخوانده است.

آثار ترک جهاد در جامعه

در قسمت چهارم خطبه فوق، حضرت علی علیه السلام می فرماید: « من ترکَ رغبةً البسهُ الله لباس الذل و شَملَهَ البلاء و دُیّثَ بالصفار و القماء و ضرب علی قلبه بالاسداد و ادیلَ الحقُّ مِنهُ بالتضیحِ الجهاد و سِیمَ الخسفَ و مُنِعَ النِصفُ»؛ «آنکه ازجهاد به دلیل بی میلی و بی رغبتی،(نه به دلیل خاص شرایط و احوال) رو بگرداند خداوند جامه ذلت و روپوش بلا بر تن او می پوشاند و او را لگد کوب حقارت می گرداند و حجابها و پرده ها روی بصیرت دل او قرار می دهد و بینش را از او سلب می کند، دولت حق به جریمه ضایع ساختن جهاد از او برگردانده می شود و به سختیها و شداید گرفتار می گردد و از رعایت انصاف درباره اش محروم می شود».

این قسمت برخلاف سه قسمت پیشین که آثار مثبت جهاد را ذکر می کرد، آثار منفی آن را، یعنی آثار ترک جهاد را بیان می فرماید: آثار منفی که در این جمله ها تذکر داده شده، چنانکه ازمضمون آنها پیداست آثار جمعی است نه فردی، یعنی مربوط به جامعه است نه فرد.

ملتی که این درجه را از دست بدهد قطعا خوار و زبون می گردد و به شداید و گرفتاری های فراوان مبتلا می شود و دولت حق از آنها گرفته می شود.

انواع جهاد

جهاد اکبر یا جهاد با نفس : منشاء عشق به شهادت، روی گردانی ازدنیا و توجه به خدای تعالی می باشد که در وجود انسان است. اگر انسان با دوستی دنیا در دلش مقابله کند و خود را از بند آن رها سازد و فریبش را نخورد، بی گمان گام نخست را دراین راه که دشوارترین گام می باشد برداشته است.گام دیگر آن است که دل به محبت خدا دهد و شیفته یاد و عشق او باشد و صاحب چنین دلی با تمام وجود به سوی خدا باز می گردد. رزمنده بی باکی که می تواند خود را از بند دنیا آزاد سازد چنان عزم و اراده و نیرویی در خود می یابد که دیگران از آن بی نصیب اند.

جهاد فکری : در جبهه « جهاد فکری» از سویی جامعیت اسلام و حقانیت دین مبین حق و چهره ناب و اصیل تعالیم و معارف و قوانین الهی نمایانده می شود و تمام آرایه ها و پیرایه ها که به صورت «بدعت» و«تحریف» اصل دین خدا را به شدت تهدید می نمایند نفی می کردند و اسلام آن گونه که هست تبیین می گردد و برای مردم جامعه تبلیغ و ترویج می شود.و از سویی دیگر ماهیت دشمنان چه آنان که دارای کفر آشکار می باشند و جبهه کافران و مشرکان را تشکیل می دهند و چه آن ها که دارای کفر پنهان هستند و جبهه منافقان را به وجود می آورند نمایانده می گردد و برای مردم « بینش آفرینی های معرفتی» و « آگاهی بخشی های سیاسی» نسبت به اهل کفر و نفاق ایجاد می شود.

جهاد عملی : در جبهه « جهاد عملی» مواجهه و رویارویی فیزیکی و نظامی به ظهور و بروز در می آید و قانون بزرگ و رهایی بخش و استقلال آفرین « جنگ و جهاد با جامعیت کفر و شرک و نفاق» محقق می گردد. در این نوع جهاد، جبهه حق و باطل در مقابل هم قرار می گیرند و جهادگران اسلام با تکیه بر قدرت لایزال حضرت پروردگار به جبهه باطل یورش می برند و با ایثار عزیزترین متاع خویش یعنی جان خود از دین مبین حق پاسداری و صیانت

می کنند و دشمنان متعدی و متجاوز را از دست یابی به اهداف پلید خویش در از بین بردن دین و ملت و تصاحب سرزمین اسلامی و محو تعالیم و قوانین و ارزش های الهی باز می دارند.

حضرت امام حسین علیه السلام در هر دو جبهه مقابله با دشمنان دین تلاشی وافر و تحرکی چشمگیر و ایثاری بی نظیر و جهادی بی بدیل داشت به گونه ای که برای تمام عصر ها و نسل ها اسوه و الگوی جاودانه گشت و همه دین باوران و دلسوختگان اسلام در عرصه های فعالیت های فکری و علمی و عینی و عملی راه و روش پاسداری از دین را در عالی ترین مراتب آن که همراه با تقدیم همه هستی خود و به مسلخ عشق بردن همه عزیزان و وابستگان به خویش است از آن حضرت می آموزند.

حضرت امام حسین علیه السلام از طرفی در جهاد فکری خویش با جبهه کفر پنهان و به نفاق و دورویی گرائیده (بنی امیه) چه پیش از آغاز نهضت مقدس کربلا و چه پس از آغاز این نهضت تا مرحله پایانی آن به معرفت آفرینی های دینی درباره اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و حقیقت تعالیم و احکام و قوانین دینی و حقانیت اهل بیت علیهم السلام می پرداخت و در موارد مختلف مردم جامعه را به تعمق و تفکر وامیداشت تا از جهل و نادانی خارج شوند و به بینش و شناخت های اصیل دینی دست یابند.و از سویی دیگر عزم خویش را جزم نمود و همت و اراده خویش را استوار ساخت تا با امتناع از بیعت با یزید و در مرحله بعد حرکت به سوی کوفه برای تشکیل حکومت اسلامی اساس و بنیان حکومت باطل و غاصبانه بنی امیه را براندازد و زمینه های لازم و پشتوانه های عملی و ابزار و اهرام ها و امکانات مختلف برای استقرار نظام سیاسی و حکومتی اسلام را به نحو مطلوب و مطابق با سیره و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام آماده و مهیا کند.

حضرت امام حسین علیه السلام هم در جبهه جهاد فکری و نظری و هم در جبهه جهاد عملی و نظامی ایثار و فداکاری و عشق و صدق و اخلاص و شهادت طلبی را به حد اعلا و مرتبه والا رسانده و « پاسداری از دین» را به زیباترین و جامع و کامل ترین شکل آن متجلی نمود.

امام حسین علیه السلام مکتبی را در« جهاد و شهادت» بنیان نهاد که نه تنها برای جهان اسلام در همه اعصار و زمان ها الگویی عظیم و مقصد رسان می باشد و تمام مشتاقان مرزبانی و پاسداری از دین و استقلال و شرف و آزادی را راه می گشاید و به سر منزل مقصود می رساند که برای همه ملل آزاده و غیر مسلمان نیز الگوی عزت و اعتلا و ایثار و مجاهدت و آزادگی و استقامت و استقلال طلبی می باشد.

حضرت امام حسین علیه السلام در هر دو جبهه فکری و عملی با دشمنان دین تلاشی وافر و تحرکی چشمگیر و ایثاری بی نظیر و جهادی بی بدیل داشت به گونه ای که برای تمام عصرها و نسل ها اسوه و الگوی جاودانه گشت و همه دین باوران و دلسوختگان اسلام در عرصه های فعالیت های فکری و عملی راه و روش «پاسداری از دین» را در عالی ترین مراتب از آن حضرت می آموزند.

تمام اینها آموزه های انقلابی در راستای تغییر وضع موجود و نشاندن توحید به جای شرك و از بین بردن فتنه ها و رفع موانع از مسیر دعوت به سوی خداوند و زمینه سازی جهت ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.اما از آنجایی که انسان در انجام چنین مسئولیت دشواری، احساس ناتوانی می کند و در وجود خود ، قدرتی برای رویارویی با تمام این مشکلات و موانع نمی یابد ، باید از اسباب و عواملی که ما را در طی این مسیر، از سقوط حفظ می کند و از وسوسه های شیطانی و ضعف درونی خودمان باز می دارد کمك بگیریم مهم ترین این عوامل که در قرآن کریم از آنها یاد کرده است:

۱. استعانت از صبر و نماز: « یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصّلوه» (۱)؛ « ای مومنان! از شکیبایی و نماز یاری جوئید».

۲. ولا: « والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض» (۲)؛ « و مردان و زنان با ایمان ،دوستان یکدیگرند».

۳. میراث: « اَلَم تَرَ کیف ضرب اللهُ مثلاً کلمهً طیّبه کشجره طیّبه اصلها ثابت و فرعها فی السّماءِ تُؤتی اُ کُلها کلّ حینٍ باذن ربّها و یضرب اللهُ الامثال للنّاس لعلّهم یتذکرون» (۳)؛ « آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخن پاك مانند درختی پاك است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است؛ میوه اش را هردم به اذن پروردگارش می دهد و خدا مثل ها را برای مردم می زند، شاید که آنان پند گیرند».

۴. انتظار: « ولقد کتبنا فی الزّبور من بَعد ان الارض یرثها عبادی الصّالحون» (۴)؛ « در حقیقت، در زبور پس از آن یاد کرد، نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».

به سبب اهمیت این حقیقت و بایستگی تأکید بر آن و بنای اندیشه اسلامی برآن، خدای متعال آن را در «ذکر» و« زبور» یادآوری کرده است. خداوند امامت مستضعفان و سرپرستی آنان را درسیر تمدن انسانی، تثبیت فرموده و این

۱- . بقره (۲) آیه ۵۳.

۲- . توبه (۹) آیه ۷۱.

۳- . ابراهیم (۱۴) آیه ۲۴ و ۲۵.

۴- . اعراف (۷) آیه ۱۲۸.

وعـده پروردگار و اراده حتمی او است که پس از فراخواندنشان به ایمان و عمل صالح در خواسـتشان را پذیرفت. « و خواستیم بر کسانی که در آن سـرزمین فرودست شـده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان مردم گردانیم و ایشان را وارث زمین کنیم و درزمین قدرتشان دهیم» (۱).

سنت های الهی و امدادهای غیبی

این انقلاب در رویارویی با متکبران، طاغوت ها، نظام ها و نهادهای جاهلی حاکم بر مردم،به یقین بدون امداد غیبی و پشتیبانی و تأیید الهی، به پیروزی نخواهد رسید.

در منابع اسـلامی وجود چنین امدادی تأیید و چگونگی آن بیان شده است؛ البته این امداد الهی یکی از دو طرف قضیه است و طرف دیگر آن نقش سـنت های الهی در تاریخ و جامعه در تحقق این نهضت جهانی و گسترش وکمال بخشی بدان است. این سنت ها نیز بی هیچ تغییر و تبدیلی، جاری خواهند بود:

« سنَّه اللهِ فی الّذینَ خَلَوْ ا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُـنّهِ اللهِ تَبْدیلاً» (۲)؛ «درباره کسانی که پیش تر بوده اند]همین[سـنت خدا جاری بوده است؛ و در سنت الهی هرگز تغییر نخواهی یافت».

این سـنت ها، تعارضـی با امـداد و تأییـد الهی ندارنـد. این انقلاب در امتـداد دعوت رسول خـدا برای تحقق توحید در زندگی مردم است. خـدای تعـالی به واسـطه فرشـتگان نشان دار و بادها و لشـکری که قابل رؤیت نبود، و نیز به سـبب رعبی که در دل دشـمنانش انـداخت، رسولش را یاری کرد. از طرف دیگر رسولش را به فراهم کردن تجهیزات برای این جنگ سـرنوشت ساز فرمان داد:

« وَاَ عِدُّوا لَهُمْ مَا استطعتم مِنْ قُوّهٍ ...» (۳)؛ « و هر چه در توان دارید در مقابل دشمنان بسیج کنید...».

مراحـل این نبرد نیز به موجب سـنت هـای خـدای تعالی در تاریـخ و جامعه، تحقق می یافت و گاهی رسول خـدا بر دشـمنانش پیروز می شد و گاه این پیروزی به دست نمی امد.

آن حضرت در این نبردها، از نیروهای نظامی، امکانات مالی و سلاح های جنگی بهره می گرفت. نقشه جنگ تدارک می دید ودشـمن را با وسایل مختلف و شـیوه های جدیـد، در زمان و مکان نبرد غافلگیر می کرد و هیـچ یک از این امور با امداد غیبی الهی نسبت به رسول خدا – که شکّی در آن نیست- منافاتی ندارد.

۱- . قصص (۲۸) آیه ۵ و ۶.

۲- . احزاب (۳۳) آیه ۶۲.

۳- . انفال (۸) آیه ۶۰.

انقلاب جهانی به رهبری فرزند پیامبر خدا، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از دعوت و نهضتی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله رهبری آن را به دوش داشته، به امر الهی، منحرف نخواهد شد.

از سنت های بایسته در این انقلاب جهانی،«آمادگی» و « زمینه سازی» قبل از ظهور امام و«یاری» و « یاوران» در هنگام ظهور است. بدون این آمادگی و زمینه سازی و یاری، امکان ندارد انقلابی با این عظمت، در تاریخ انسان به ثمر برسد.

در این رابطه دو گونه روایات وجود دارد:

گروه نخست،روایاتی است که به « زمینه سازان» (مُوَطّئان) تعلق دارد. اینان جامعه انسانی و کره زمین را، برای ظهور و انقلاب جهانی همگانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می سازند و به طور طبیعی قبل از ظهور امام پیدا می شوند.

گروه دوم از روایات، به «انصار» اختصاص دارد. انصار امام، آن حضرت را درقیام بر ضد ظالمان همراهی می کنند و امام رهبری آنان را در این قیام بر عهده می گیرد. پس این دو گروه عبارت است از:

«زمینه سازان» که زمین را برای ظهور و قیام امام مهیا می سازند.

۲. «انصار» که امام با پشتیبانی آنان بر ضد ظالمان قیام می کند.

گروه زمینه سازان

در روایات شیعه وسنی،درباره گروه زمینه سازان مطالبی بیان شده است. این نصوص برخی مناطق اسلامی را- که این گروه از آنجا برخواهند خاست- مشخص کرده اند. مهم ترین این مناطق عبارت است از: خراسان(مشرق، قم، ری و یمن. در روایات زیرگروه زمینه سازان به مناطق یاد شده منتسب شده اند:

زمینه سازان از مشرق(خراسان)

« حاکم» در مستدرک صحیحین از عبدالله بن مسعود نقل کرده است:

« آتانا رسول الله صلی الله علیه و آله فخرج الینا مستبشراً السّرور فی وجههف فما سألنا ه عن شیءٍ الّا اخبرنا بی ولا سکتنا اَلّا ابتدآنا حتّی مَرّ فتیةٌ مِنْ بنی هاشم منهم الحسن و الحسین، فلمّا زاهم التزمهم وانهملت عیناه، فقلنا: یا رسول الله، ما نزال نری فی وجهک شیئاً نکرهه؟ فقال: اِنّا اهل بیتٍ اختار الله لنا الآخره علی الدّنیاف و انّه سیقلی اهل بیتی من بعدی تطریداً و تشریداً فی البلاد حتّی ترتفع رایاتٌ سودٌ فی المشرق، فیسألون الحقّ لا یعطونه، ثمّ یسألون فلا

یعطونه،ثمّ یسألونه فلا یعطونه- فیقاتلون- فینصرون. فمن ادرکه منکم و مِنْ اعقابکم فَلْیَأْتِ اِمامَ اهل بیتی، ولو حَبواً علی الثّلج، فانّها رایات هُدی، یدفعونها الی رجلٍ مِنْ اهل بیتی» (۱)؛

«]روزی[رسول خدا صلی الله علیه و آله با شادمانی تمام به سوی ما آمد، به گونه ای که برق شادی در نگاهش می درخشید. هر چه می پرسیدیم، پاسخ می گفت و هرگاه سکوت می کردیم، خود شروع می فرمود؛ تا آنکه گروهی از جوانان بنی هاشم- که امام حسن و امام حسین- در میانشان بودند، آمدند که از مقابل ما بگذرند. حضرت همین که انان را دید، در آغوششان کشید و اشک از دیدگان مبارکش جاری شد. گفتیم: ای فرستاده خدا! آن چیست که پیوسته در چهره شما چیزی می بینیم که خوش نداریم. فرمود: ما خاندانی هستیم که خدای تعالی آخرت را در مقابل دنیا برای ما برگزیده است. پس از من خاندانم رانده و آواره شهرها گردند تا آنکه پرچم هایی سیاه در مشرق سربلند می کنند. آنان حق را می طلبند و بدیشان نمی دهند، در برهه ای دیگر حق را طلب می کنند و بدیشان نمی دهند، و باز نیز چنین شود؛ پس آن گاه نبرد می کنند و پیروز می شوند.]سپس فرمود:[هر که از شما یا فرزندان تان، چنین روزی را درک کرد؛ نزد امامی که از خاندانم است، حاضر شود- اگرچه جامه به خود پیچد و بر برف گام نهد- زیرا این پرچم ها، پرچم های هدایتند که آنها را به مردی از خاندانم تقدیم می کنند».

ابی خالد کابلی از امام صادق روایت می کند:

« کَأَنّی بقومٍ قد خرجوا بالمشرق یطلبون الحقّ فَلا یُعَطْونَهُ ثُمَّ یطلبونه، فاذا رَأوْا ذلِکَ وَضَعُوا سُیُوفَهُمْ عَلی عَواتِقِهِمْ فیعطون ما شاؤُوا فلاـ یقبلونه حتّی یقرمو ولاـ یدفعونها الّا اِلی صاحبکم قَتْلاـهُمْ شُهَداءُ، اَمااِنّی لَوْ اَدْرَکْتُ ذلِکَ لَاَ بقیتُ نَفْسی لصاحب هذاالامر» (۲)؛

« گویا می بینم مردمی را که در مشرق قیام کرده اند و حق را می طلبند و بدیشان داده نمی شود؛ ولی از پای نمی نشینند. از این رو سلاح در دست می گیرند، در نتیجه آنچه می خواستند بدیشان داده می شود. اما نمی پذیرند تا آنکه قیام می کنند و حکومت را به کسی جز صاحب شما (امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) تحویل نمی دهند. کشته شدگان از آنان، شهیدند. آگاه باشید که اگر من در آن زمان حضور داشتم، وجودم را وقف صاحب این امر می کردم».

زمینه سازان خراسان

۱- . حاکم نیشابوری، مستدرک الصحیحین، صص ۴۶۴و۵۳۳.

۲- . بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۴۳،(دار احیاء التراث العربی و مؤسسه اتاریخ العربی، لبنان)؛ غیبت نعمانی، (انتشارات صدوق)، باب ۱۴، ح ۵۰.

محمد بن حنیفه، در روایتی از امام علی نقل کرده است:

« ثُمّ تخرج رایه خُراسانَ یهزمون اصحاب السّفیانی حتّی تنزل ببیت المقدس توطیء للمهدی سلطانه» (۱)؛

« پرچمی از خراسان بیرون می آید،]حاملان این پرچم[اصحاب سفیانی را شکست می دهند تا اینکه به بیت المقدس می رسند و زمینه حکومت]حضرت[مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم می سازند».

زمینه سازان از قم و ری

علامه مجلسی روایت کرده است:

« رجلٌ مِنْ اَهْلِ قُم یدعو النّاس الی الحقّ یَجتمع معه قومٌ کَزُبر الحدیدِ، لا تزلّهم الریاح العواصف، لا یَملّونَ من الحرب ولا یجبنونَ و علی الله یتوکّلونَ و العاقبه للمتّقین» (۲)؛

« مردی از اهالی قم مردم را به حق فرا می خواند، گروهی که دل های آنان چون پارههای آهن است، گرد او جمع می شوند. طوفان های سخت آنان را نمی لرزانند. از جنگ خسته نمی شوند و بیمی به خود راه نمی دهند، بر خدا توکّل می کنند و عاقبت]نیک[از آن پرهیزکاران است».

زمینه سازان از یمن

امام باقر علیه السلام درباره رهبری یمانی قبل از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده است:

« ... و لیس فی الرایات اهدی من رایظ الیمانی، هی رایه هدی لانّه یدعو الی صاحبکم...» (۳)؛

« ... در میان پرچم ها، پرچمی هدایت یافته تر از پرچم یمانی نیست. آن پرچم، پرچم ارشاد است؛ زیرا]مردم را[به سوی صاحب شما]امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف [فرا می خواند...».

نشانه های زمینه سازان ظهور

۱- . عصر الظهور، ص ۲۰۶.

۲- . بحارالانوار، ج ۶۰،ص ۲۱۶؛ و نیز: سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

۳- . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

گروه محکم و استوار

نخستین چیزی که در این قشر جلب نظر می کند، صلابت، نیرومندی و استواری آنان است. بنابراین آنان قوی و نیرومند هستند و زمین را برای ظهور امام آماده می سازند.

محمد بن یعقوب کلینی ذیل آیه« فاذا جاء وعدُ اولیهما بعثنا علیکم عباداً لنا اُلی بأسٍ شدید» (۱)؛ آورده که: امام صادق « بندگان سخت نیرومند» را به همین قشر تفسیر کرده است.

در روایتی از این گروه، با عنوان« قلوبهم کزبر الحدید، لا تزلّهم الریاح العواصف» (۲)؛ توصیف شده است.

ایشان با آنکه دارای« دل» هستند و طبیعت دل، نرمی و رأفت است؛ لیکن این دل ها در رویارویی با طاغوت ها و ستمگران، به تکه های آهن بدل می شوند که دیگر نرمی و رقت نمی شناسند.

صلابت و نیرومندی، از ویژگی های نسل هایی است که خدای تعالی مسؤلیت تغییر] نظام های اجتماعی[و ایجاد انقلاب را به دوش آنان گذاشته است. همچنین این دو صفت از ویژگی نسل هایی است که خدای تعالی، آنان را در گردنه های بزرگ تاریخ برای انتقال مردم از مرحله ای به مرحله دیگر، برگزیده و گروه زمینه سازان، دارای این ویژگی ها است.

گروه مبارز

وظیفه این گروه، مبارزه با نظام جهانی و عصیان علیه آن است. اینکه نظام جهانی چیست و چگونه این نظام در خدمت به ابرقدرت ها و هم پیمانان آنها و حفظ مراکز قدرت و موقعیت استراتژیکی شان در مناطق مختلف دنیا عمل می کند، یک پرسش جدی است.

مسؤولیت حفظ این مراکز قدرت، مسؤولیتی بسیار دشوار و ظریف است که نظام جهانی در تمام سطوح دنیا- نه تنها در سطوح منطقه ای یا کشوری- بدان پایبند است.

این نظام، از یک سری معادلات و موازنه های سیاسی، اقتصادی ، نظامی و خبری دقیق شکل گرفته است. همچنین این نظام از رژیم های سیاسی تشکیل یافته که به عنوان عضو یک خانواده جهانی محسوب می شوند و مجموعه ای از خطوط قرمز و سبزو زرد در میان آنها در زمینه حوادث، امتیازها، تنظیم نقش ها، تقسیم در آمدها، بازار و منابع ثروت و مناطق نفوذ وجود دارد.

۱- . اسراء (۱۷) آیه ۵: « پس آن گاه که وعده تحقق نخستین آن دو فرا رسد، بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم...».

۲- . دل هایشان همچون پاره های آهن است که طوفان ها آنان را نلرزاند.

این مجموعه پیچیـده، قـدرت هـای بزرگ را به سـلطه بر دنیـا قادر ساخته است؛ همان طور که یک اهرم کوچک، انسان را در جابه جایی اجسام سنگین با کمترین حرکت، توانا می سازد.از این رو نظام جهانی، قبل و بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، همچنـان نزد همگـان احترامش را حفـظ کرده است؛ زیرا هریـک از آنان، به قـدر گسترده و توان خویش از این نظام بهره می برد.

این جوانان(زمینه سازان ظهور امام عصـر)، به سادگی و بی هیـچ تردیدی، این خطوط قرمز را زیر پا می گذارند و معادلات و موازنه هـای مورد توافق را بر هم می زننـد. همچنین اسـتقرار، توازن و شوکت جهانی این رژیم ها و سازمان های بین المللی را بی اعتبار می سازند.

این سازمـان هـا و رژیم هـا، نه قـدرت سـلطه بر این جوانـان را دارنـد و نه توانـایی تحمـل یا دفعشان را؛ زیرا بیشترین توان این حکومت ها و هیبت جهانی شان، در رویارویی با حکومت ها وسازمان هایی هماننـد خودشان است و آخرین سـلاح آنان قتل، زندان، شکنجه و تبعید است؛ حال آنکه این جوانان از هیچ یک از این امور نمی هراسند.

از این رو، وصفی که در روایت درباره این گروه به کار رفته، بسیار دقیق است:

« لا تزلّهم الریاح العواصف، لا یملّون من الحرب ولا یجبنون و علی الله یتوکّلون و العاقبه للمتّقین»؛

« آنان را تنـدبادها نمی لرزانـد، از نبرد دلتنگ و ملول نمی شونـد و نمی هراسـند، و بر خدا توکل می کنند و عاقبت]نیک[از انان پارسایان است».

بی گمان آن که]در دل[هراسـی ندارد، از نبرد خسته و دلتنگ نمی شود و تندبادها او را تکان نمی دهد. نیرو و امتیاز اینان در آن است که نمی هراسند و دشواری اینها از دیدگاه حکومت ها و قدرت های بزرگ، در همین نکته نهفته است.

در انتخابات عمومی ریاست جمهور امریکا، در دوره رئیس جمهوری اسبق(کارتر)، گفت و گویی تلویزیونی در ضمن فعالیت هـای تبلیغـاتی نامزدهـای ریاست جمهوری، برگزارشـد. در این برنامه، نامزد رقیب روبه کارتر کرد و گفت: «در حادثه انفجار مقر نیروی دریایی امریکا در بیروت(مارینز)، به هیبت جهانی امریکا خـدشه زیادی وارد شـد و تو- خطاب به کارتر- به تنهایی باید مسؤولیت کامل این خسارت را به عهده بگیری».

رئیس جمهور نیز در یک جمله پاسخ او را چنین داد: « فکر می کنی من در مقابل انسانی که به طلب کشـته شدن آمده چه می توانم بکنم ؟! نهایت کاری که می توانم بکنم، این است که مردم را با ترس و تهدید از امثال چنین

اقدامی بازدارم. اما اگر کسی که دست به چنین انفجاری زده، خود طالب مرگ باشد و به سوی مرگ آغوش بگشاید، چگونه می توانم وی را از این کار بازدارم؟ و اگر تو در موقعیت من بودی چکار می توانستی بکنی؟!»

اینها از ویژگی های نسل مبارزی است که در رویارویی با رژیم ها و قدرت های بزرگ در ایران، عراق، افغانستان، لبنان، فلسطین، الجزایر، مصر، سودان، چچن و بوسنی وهرزگوین پا به عرصه نهادند.

کار این نسل شگفت آور است؛ در عین حالی که در قبضه قدرت و سلطه و شلاق جلادان قرار دارند و انواع عذاب ها و شکنجه ها را می بینند؛ در مقابل آنان سر خم نمی کنند و نرمی نمی پذیرند... چنان که یکی از آنها در زیر شکنجه های جلادان، چنین گفت:« حسرت شنیدن یک آخ را هم بر دلت خواهم گذاشت!»

بازتاب های جهانی

بازتاب های جهانی در مقابل این نسل- چنان که در روایات بدان تصریح شده- خشمگینانه و متعرضانه است؛ زیرا آنان معادلات و موازنه های جهانی را با چالش های سخت و حقیقی مواجه می سازند؛ از این رو عکس العمل های جهانی در برابرشان با عصبانیت و خشم همراه است. ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

« اِذا ظَهَرَتْ رایه الحقّ لعنها اهل الشرق و اهل الغرب، اَتدری لِمَ ذلک؟ قلت: لا، قال: للّذی یلقی النّاس من اهل بیته قبل ظهوره» (۱)؛ «آن گاه که پرچم حق آشکار شود، اهل شرق و غرب لعنتش کنند. آیا می دانی، برای چه؟ گفتم: نه، فرمود: به دلیل مشکلات و سختی هایی که اهل بیت و برای]نظام های[شرق و غرب ایجاد خواهند کرد».

اهل بیت وی قبل از ظهور، زمینه سازان ظهور هستند که مشکلاتی را برای این رژیم ها و سازمان ها فراهم کرده و راحتی و آرامش را از آنان سلب می کنند. کلینی از امام صادق علیه السلام - در تفسیر سخن خدای تعالی :« بعثنا علیکم عباداً لنا اولی بأسٍ شدیدٍ » (۲) - چنین نقل کرده است: «قومٌ یبعثهم اللّهُ قبل خروج القائم فلا یدعون واتِراً لآلِ محمّدٍ اِلّا قتلوه» (۳)؛«گروهی هستند که خدای تعالی قبل از ظهور قائم بر می انگیزد. آنان هیچ ستم کننده ای به خاندان محمد صلی الله علیه و آله را رها نمی کنند؛ جز آنکه او را به قتل می رسانند».

۱- . بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۶۳.

۲- . اسراء (۱۷) آیه ۵: « بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم.»

۳- . کافی، ج ۸، ح ۲۵۰، ص ۱۴۲ (بیروت: دارالضواء)؛ سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۱۳.

بازتاب های جهانی که در روایات ذکر شده، تا حد زیادی به عکس العمل دنیای امروز در برابر بیداری اسلامی- که از آن به « بنیادگرایی اسلامی» تعبیر می کنند و ناجوانمردانه ترین صفاتی چون خشونت و تروریسم را بدان منتسب می سازند — همسانی دارد.

برنامه زمینه سازی

آماده سازی دنیا برای انقلاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف وظیفه ای گسترده، سترگ و پیچیده است که این گروه در رویارویی با ستمگران و طاغوت های مستکبر و سردمداران کفر، بدان اقدام می کند.

این ستمگران، یک جبهه سیاسی وسیع را- به رغم تمامی اختلاف هایی که در میانشان حاکم است- تشکیل می دهند! این جبهه اهرم های قدرت زیادی در]گسترده[و تشکیلات]پیچیده[، و از این وسایل در کوبیدن بیداری نوپای اسلامی و نابودی آن بهره می برد.

از این رو گروهی که عهده دار آماده سازی جهان برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، به ناچار در رویارویی با این نیروها، باید از همان تشکیلات جبهه استکبار جهانی برخوردار باشد؛ بلکه با تربیت ایمانی و جهادی و آگاهی سیاسی از دشمن پیشی گیرد. بنابراین، آماده سازی برای قیام امام عصر- که زمینه سازان تدارک می بینند- دارای دو جنبه خواهد بود:

۱.رشد ایمانی،

۲.جهادی و آگاهی سیاسی(این همان چیزی است که جبهه مقابل فاقد آن است).

]ایجاد[تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اداری و اطلاعاتی که به ناچار در مانند چنین نبردی باید موجود باشد.بی گمان، گروه مؤمنی که جهان را برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مهیا می سازد؛ باید چنین امکاناتی را فراهم کند؛ اگر چه] در این زمینه[قدرت برابری با جبهه جهانی دشمن را نداشته باشد.

این تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی، بدون وجود نظام سیاسی و دولت در جهان، محقق نخواهد شد و این همان دولت زمینه ساز است که روایات، مژده برپایی آن داده شده است و شکل گیری چنین نیرویی در جهان، ظهور امام را نزدیک می کند و بدون آن، عوامل طبیعی ظهور امام فراهم نمی آید. کسب چنین نیرویی، نیازمند عمل و حرکت در متن زندگی است و فقط « مترصد» بودن و به « انتظار» نشستن- به معنای منفی آن- دردی را درمان نمی کند.

گروه انصار

« زمینه سازان، قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قبل از انصار پا به عرصه می گذارند. انصار از شاگردان نسل پیشین محسوب و به واسطه ویژگی های منحصر به فردشان شناخته می شوند.

« اَیْنَ ما تکونُو آیاتِ بِکُمُ اللهُ جمیعاً» (۱)؛ « هر جا باشید خداوند شما را به گرد هم حاضر می کند».

امام صادق علیه السلام پس از ذکر این آیه فرمود: « منظور، اصحاب امام قائم اند که ۳۱۳ نفر می باشند، سوگند به خدا(امت معدوده) همانها هستند، به خدا سوگند همگی در یک ساعت جمع می شوند همچون پاره های ابر پاییزی که بر اثر تند باد، جمع و متراکم می گردند» (۲).

از خصوصیات آنها اینکه : از دورترین شهرها و کشورها، وارد مکه می شوند و امام مهدی در «ذی طوی» (حدود یک فرسخی مکه) در انتظار آن ۳۱۳ نفر، توقف می کند تا اینکه آنها می آیند و همراه آنها کنار کعبه می آیند و آنها نخستین انسانهایی هستند که با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می کنند. (۳)

آنها در کنار مهدی از بالاترین امدادهای غیبی برخوردار و دست خدا بالای سر امام مهدی و آنهاست. (۴)

انصار امام از برگزیدگان و نیکان، صاحبان قدرت و بصیرت، چراغ های هدایت، بسیار نیرومند و شجاع، شهادت طلب زاهدان شب و شیران روزند.

بی گمان این بصیرت، یقین و توجه به خدا، شجاعت و بی باکی و ذوب شدن در ذات خدای تعالی که انصار امام بدان توصیف شده اند به یکباره شکل نمی گیرد بلکه در جان این جوانان وجود داشته ولی از دیدگان مردم پنهان مانده است؛ چنان که گنج ها از چشم ها پنهان می مانند.

دو مرحله یا دو نسل؟

ما در مقابل دو نسل قرار داریم: نخست، نسلی که شاهد فروپاشی و سقوط تجربه سوسیالیسم مارکسیستی و تجربه دموکراسی سرمایه داری(غربی) است و زمین را مهیای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد ساخت. اینان همان«زمینه سازان» هستند. دوم، نسلی که به یاری امام برمی خیزد و پیش روی او نبرد می کند اینان همان«انصار» اند.

آیا اینان تنها دو نسل محسوب می شوند یا آنکه دو مرحله از تاریخ هستند؟ ما بدرستی نمی دانیم؟ لیکن بعید است که چنین اقدام بزرگی تنها در یک نسل سامان پذیرد.

۱- . بقره (۲) آیه ۱۴۸.

۲- . نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۳۹.

۳- . سیره چهارده معصوم، ص ۱۰۰۶

۴- . سیره چهارده معصوم، ص ۱۰۰۶.

منتظر کیست؟

بر اساس مفاهیم ذکر شده در این مقاله متوجه می شویم امام عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر حرکت و مقاومت و جهاد ما خواهند بود؛ نه مامنتظر ایشان. مسأله ظهور امام هنگامی که با واقعیتهای سیاسی و انقلابی ما مرتبط باشد، بی گمان این ماییم که این واقعیتها را تحقق می بخشیم. بنابراین می توانیم دو گونه عملکرد در این زمینه بروزدهیم: یا آنکه با اقدام، حرکت، اتحاد، نظم تشکیلاتی، فداکاری و امر به معروف، زمینه قیام آن حضرت را فراهم سازیم و یا آنکه کار را به عهده دیگران گذاشته و خود از هر گونه اقدامی شانه خالی کنیم و از رویارویی با مسئولیت ها بگریزیم.

اللّهم عجل لِولیک الفَرج

منابع و مآخذ

]۱[محمد محمدی اشتهاردی، سیره چهارده معصوم، تهران: نشر مطهر، ۱۳۷۷.

]۲[آیت الله محمد مهدی آصفی، انتظار پویا، مترجم: تقی متقی، تهران : بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود،۱۳۸۳.

]۳[علیرضا رجالی تهرانی، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ، انتشارات نبوغ، ۱۳۷۹

]۴[سید علی حسینی، تقی متقی، ۵۹ نکته درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی شیعه، تابستان ۱۳۸۲.

]۵[علی اصغر رضوانی، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴.

]۶[متفکر شهید استاد مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی به ضمیمه شهید، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲.

]۷[فصلنامه تخصصی- علمی انتظار، ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، شماره سوم، بهار ۱۳۸۱.

ص:۹۵

درسهای عاشورا در تربیت منتظران شهادت طلب(سید محمد علی عدنانی)

مقدمه

قال الله تعالی:«قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (۱)

یعنی «بگو ای محمد اهل ایمان را، نمی خواهم از شما برای تبلیغ احکام الهی مزدی و پاداشی برای زحمات خود مگر دوستی خویشان خود»، یعنی دوست داستن اهل بیت آل محمد صلی الله علیه و آله . که به اتفاق فریقین مفاد آیه شریفه و بسیاری دیگر از آیات قرآن مجید وجوب دوستی اهل بیت را اثبات می کند.

فی المجمع عن ابن عباس قال لما نزلت هذه الایه قل لا اسئلکم الی آخره قالوا یا رسول الله من هؤلاء الذی امر الله بوالاتهم قال علی و فاطمه ولدهما علیهما السلام. (۲)

ابن عباس گفت: چون آیه قل لا ـ اسئلکم نازل شد گفتند: یا رسول الله کیستند آن کسانی که امر کرده است خدا ما را به دوستی آنها؟ فرمودند: علی و فاطمه و فرزندان آن دو علیها السلام، با نگاهی به گذشته و صفحات تاریخ در می یابیم مردم از این آیه تخلف کردند. به جای محبت و دوستی بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام ظلم ها و ستم ها در حق فرزندان او روا داشتند اگر بعد از پیامبر ظلم اول را مرتکب نشده بودند و سقیفه به وجود نمی آمد. سال ۶۱ه.ق حادثه ناگوارعظیم عاشورا به وقوع نمی پیوست زیرا سقیفه آغاز عاشورا بود«الهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک» (۳)

یکی از درس های مکتب حسینی عبرت گرفتن از حادثه عاشورا است. اگر مردم در زمان امام حسین علیه السلام امام زمان خویش را در غربت و تنهایی نجات دهیم. کسی می تواند منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد که برای رسیدن به این هدف بزرگ، در کلاس درس امام حسین علیه السلام نشسته و شاگرد مکتب امام حسین علیه السلام و اصحابش شود. با الگو گرفتن از آن بزرگواران بهترین و با وفادارترین یار برای ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند.

بین قیام امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شباهت های بسیار زیادی و اشتراکات ویژه ای وجود دارد، که این دو قیام را به هم نزدیک می کند. زیرا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه امام حسین علیه السلام است و انتظار ادامه عاشورا است. عاشورا رمز حیات اسلام و شیعه است و انتظار رمز بقای آن. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارث عاشورا است همان طور که امام حسین علیه السلام وارث انبیا است همه یاران و منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حسینی و کربلایی اند. عاشورا و انتظار کامل کننده

۱- . شوری، آیه۲۳.

۲- .مجمع البیان، شیخ طبرسی، ج۹، ص۴۸.

۳- مفاتیح، زیارت عاشورا.

یکدیگر هستند هدف از این مقاله مقایسه این دو قیام با هم و ذکر شباهت ها و خصوصیاتی که بین این دو قیام وجود دارد. که به دو بخش تقسیم می شود بخش نخست می پردازیم به شبهات های بین امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اصحاب و یاران مهدوی و حسینی در پیوستن و جدا شدن خصوصیات اخلاقی و عملی اصحاب و یاران امام حسین علیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نقش اصحاب و یاران در هر دو قیام، بخش دوم درس های عاشوائی برای منتظران شهادت طلب است. هر شخصی که می خواهد جز یاران و اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار بگیرد باید دارای خصوصیات و شرایطی باشد. برای کسب این خصوصیات ویژه نگاهی ژرف و عمیق به حادثه عظیم عاشورا، به کردار و گفتار امام حسین علیه السلام و یاران با وفایش می کنیم و زیرا تمام اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حسینی اند و در مکتب انسان ساز اهل بیت پرورش یافته و تربیت شده اند. شرط اصلی برای منتظران شهادت طلب، حسینی بودن و تا پایان عمر حسینی زیستن است منتظران شهادت طلب برای رسیدن به این هدف بزرگ و آرمانی با تأمل و تفکر در واقعه کربلا رمز موفقیت و سعادت اصحاب امام حسین علیه السلام را بدست آورده سر لوحه خود درزندگی قرار داده، تا بدین وسیله در زمره یاران و سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرند. دررکاب آن حضرت جان و مال خویش را فدا نموده و به شهادت برسند و به این آرزوی بزرگ و این شعار زیبا جامعه عمل بپوشانند «یا لیتنا کنا معکما فافوزا فوزا عظیما».

منتظران شهادت طلب باید در مکتب سرخ حسینی درس های عاشورائی را فراگیرند. درس شجاعت و شهامت،عبودیت و بندگی،غیرت (در برابر اسلام، قرآن و ناموس ...) عزت و سربلندی، حیا و عفت، محبت به(خدا و امام خویش). وفاداری و ایستادگی بر سر عهد و پیمان خویش با خدا، پیامبر، امام زمان، ولی فقیه زمان خود(اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولا الامر منکم) صبر و استقامت در ایمان، عمل، بلاها و سختی های ناگوارزندگی،درس ایثار وازجان گذشتگی در راه خدا وامام زمان خویش, درس ... . در صورتی که این درس ها را فهمیده و به آنها عمل کنیم و سرمشق خود درزندگی قراردهیم ما نیز جزء منتظران واقعی و یاران و مقدمه سازان ظهور آن حضرت قرار می گیریم. یاران سید الشهداء خصوصیاتی داشتند که همان خصوصیات در اصحاب و منتظران واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دیده می شود. این شباهت ها و اشتراکات لفظی، اخلاقی، زمانی والقابی بین قیام مهدوی و حسینی برای این است که عبرت بگیریم. که امام زمان سال ۶۰و۶۱ ه . ق غریبانه و تنها به شهادت رسید. عبرت بگیریم از مدعیانی که او را با نامه و سخنان خود دعوت کرده بودند ولی بعد سخنانشان را فراموش کرده و نامه هایشان را انکار نمودند و امام زمان خود را بادنیا، جاه، مقام و... معامله کردند و با بهائی اندک، دین و امام خویش را فروختند و خسر الدنیا و آلآخره

شدنـد. تأمل در این که ما به آخرین حجت خدا امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف العجل یا حجت الله می گویم کثرت نـاله هـا و نـدبه ها یمان خیره کننـد ه است ولی اگر از حادثه عاشورا عبرت نگیریم ممکن است خـدا نکرده به خاطر زور، زر، تزویر، شـهوت و شـهرت مـا نز امـام زمان خویش را تنها و غریب بگـذریم و حتی در مقابل امام خویش بایستیم پس«فاعتبروایا اولی الابصار» (۱)

۱ .مهدی فرزند حسین است:

امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف فرزنـد امام حسـین علیه السـلام است و صـدها روایت وجود دارد که بر این موضوع دلالت می کند. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتقم خون حسین است و شعار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یـارانش «یـا لثـارات الحسـین» است و گواه بر این مطلب فرازهای زیبای زیارت عاشورا است که زیارت مخصوص امام حسـین علیه السـلام است و در دو قسـمت از خون خواهی حسـین علیه السـلام در رکاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر می دهد (۲) «أن یرزقنی طلب ثارک مع إمام منصور من أهل بیت محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم و أن یرزقنی طلب ثارکم مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم» (۳)

۲ . میلاد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاد حسین علیه السلام :

یکی از با فضـیلت ترین اعمال شب نیمه شـعبان که باعث آمرزش گناهان است، زیارت امام حسـین علیه السـلام است. یک از اعمال مستحبی شب قدر که از با فضیلت ترین شبهای سال و متعلق به وجود یوسف زهرا است، زیارت امام حسین علیه السلام است. در عید فطر، قربان و همه اعیاد یاد و زیارت امام حسین علیه السلام سفارش شده است.

۳ . امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خونخواه امام حسین علیه السلام است:

در روایات بسـیاری آمده «القائم منا اذا قام طلب بثأر الحسـین علیه السلام ». (۴)در دعای نـدبه که متعلق به امام زمان عجل الله تعـالی فرجه الشـریف است می خوانیم «أین الطـالب بـدم المقتول بکربلا»، «أین الحسنُ أین الحسـین». در زیارت ناحیه مقدسـه آمـده است امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشـریف خطاب به جـد مظلومشان می فرماینـد «اگر زمانه مرا به تأخیر انـداخت و مقدّرات از یاری ات بازم داشت و نتوانستم در رکاب تو با دشمنانت بجنگم ولی از صبح تا شام در یاد تو سرشک غم از دیده می بارم و به جای اشک خون گریه می کنم».

۱- . سوره حشر،آیه۲.

۲- زیارت عاشورا مفاتیح الجنان.

۳- . منتخب الأثر, ص۱۳۹-۱۴۰.

۴- .بحار الانوار, جلد۱۰ص۱۵۰.

۴ . اصلاح گری:

همانطور که امام حسین علیه السلام برای اصلاح امت جدش قیام کرد «انما خرجت لطلب الإصلاح فی أمه جدی» (۱) در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همین مطلب آمده است «لیصلح الامه بعد فسادها» خداوند به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این امت را پس از آن که تباه شده اند اصلاح می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان قیام حسین است و قیام حسین همان قیام مهدی است» (۲) زیرا همه معصومین و ائمه اطهار علیهم السلام نور واحد هستند «کلّهم نور واحد».

۵ . بیعت نکردن با طاغوت زمان:

امام حسین علیه السلام فرمودند: به خدا قسم دستم را از روی خواری و ذلت به شما نمی دهم و مانند بردگان فرار نمی کنم «لا و الله لا ـ أعطیکم إعطاء الذلیل و لا أفرّ فرار العبید» (۳)همان گونه که امام حسین علیه السلام با طاغوت زمان و یزید بیعت نکرد، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بیعت هیچ طاغوتی را به گردن ندارد». (۴)

۶ .رجعت امام حسین علیه السلام در دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف :

رجعت امام حسین علیه السلام نیز در دولت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت می گیرد. امام باقر علیه السلام می فرمایند: امام حسین علیه السلام در شب عاشورا به اصحابش فرمود فأبشروا بالجنه فوالله إنما نمکث ما شاءالله تعالی بعد ما یجری علینا ثم یُخرجنا الله و إیاکم حین یظهر قائمنا فینتقم من الظالمین و إنّا و أنتم نشاهدهم فی السلاسل و الأغلال و أنواع العذاب و النکال...؛ (۵) بشارت باد شما را به بهشت، به خدا قسم که بعد از آنچه بر ما جاری شود، مکث خواهیم کرد آن قدر که خدای تعالی خواسته باشد. پس بیرون می آورد ما و شمارا در آن هنگامی که قائم ما ظاهر شود. پس انتقام خواهد کشید از ظالمان، و ما و شما مشاهده خواهیم کرد ایشان را در سلاسل و اغلال و گرفتار به انواع عذاب و نکال.

۷. آرزوی شهادت در رکاب امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف :

در روایات متعددی از این دو آرزو سخن به میان آمده و مورد ستایش قرار گرفته است و بسیار مورد توجه بوده که همه علماء صلحاء و انبیاء نیز چنین آرزوهایی را داشتند. اول آرزوی در کربلا بودن و شهادت در رکاب

۱- .بحارالانوار, ج۴۴, ۳۲۹.

۲- . بحارالانوار, ج۵۱ص۸۳.

۳- .ارشاد مفید, ج۲ص۹۷.

۴- . بحارالانوار, ج ۵۱. ص۱۳۵.

۵- . گزیده کفایه المهتدی, ص۱۰۵و۱۰۶.

امام حسین علیه السلام که در زیارت امام حسین علیه السلام «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیما» و آرزوی دیگر شهادت در رکاب امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که هر صـبح در دعای عهـد می خوانیم «اللهم إنی أجدد له فی صبیحه یومی هذا... و اجعلنی من أنصاره... و المستشهدین بین یدیه... فأخرجنی من قبری مؤتزرا کفنی شاهراً سیفی...».

۸ . هدف امام حسین علیه السلام و امام زمان از قیامشان نجات انسان ها است:

قیـام امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف نجات انسان ها از بردگی فکری است. امام باقر علیه السـلام می فرماینـد «اذا قام القائم ذهب دوله الباطل؛ (۱)هنگـامی که قائم قیام می کنـد باطل از بین می رود». همین گونه در قرآن کریم می خوانیم: «جاء الحق و زهق الباطـل إن الباطل کان زهوقاً». (۲) هدف امام حسـین علیه السلام از قیامش همان طور که در زیارت عاشورا چنین آمـده «و بـذل مهجته فیـک لیسـتنفذ عبادک من الجهاله وحیره الضـلاله»؛ «خون خود را تقـدیم تو کرد تا انسانها را از نادانی و گمراهی نجات بخشد.»

۹ . قیـام امـام حسـین علیه السـلام و حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف در زمـانی صورت می گیرد که جامعه در گمراهی باشد:

امام حسین علیه السلام زمانی قیام کرد که جامعه در گمراهی، جهالت و بدعت ها به سر می برد. امام علیه السلام زمانه خود را چنین توصـیف می کنـد «الا ترون ان الحق لا یعمل به و إن الهوی لا یترک عنه فان السـنه قد امیتت و ان البدعه قد احییت؛ (۳) آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل خود داری نمی گردد همانا در شـرایطی هستیم که سـنت پیامبر از بین رفته و بدعت ها زنده شده است». امام علی علیه السـلام در نهج البلاغه خطبه ۱۳۸ می فرمایند: زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چنین است که «یعطف الهوی علی الهدی اذا عطفو الهدی علی الهوی و یعطف الرأی علی القرآن اذا عطفوا القرآن علی الرأی؛ چون مهدی قیام کند خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند. هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهنـد در حالی که به نام تفسیر نظریه های گوناگون خود را برقرآن تحمیل می کنند». او نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد. در دوران امام حسـین علیه السلام بر اثر بدعت های خلفا و تبلیغات بنی امیه دین بی ارزش و بازار دنیا پر رونق بود. «الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی ألسنتهم یحوطونه ما درّت معایشهم فاذا مُحّصوا بالبلاء قلّ

۱- . کافی, ج۸ ص۲۷۸.

۲- . اسراء /۸۱.

۳- . تاریخ طبری, ج۵؛ ص۳۵۷.

الدیّانون» (۱) امام صادق علیه السـلام نیز می فرماینـد ان لصاحب هـذا الأمر غیبه المتسـمسک فیها بدینه کالخارط شوک القتاد بیده؛ برای حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف غیبتی خواهد بود هر کس در دوران غیبت او دین خود را حفظ کند مانند کسی است که تیغ های تیز گیاه قتاد را با دستش صاف و هموار می سازد».

با توجه به این شباهت ها بین قیام امام حسین علیه السلام و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پس، یارانشان نیز باید در خصوصیات و رفتار شبیه به هم باشند. زیرا یاران حسین بهترین یاران و فداکارترین افراد بودند. یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چنین انـد «هم أطوع له من الأمه لسیّدها؛ (۲) آنـان مطیع تر از کنیز نسبت به مولای خود هسـتند». «کدادون مجدون فی طاعته؛ (۳)یاران مهدی در فرمان برداری از حضرتش بسیار کوشا و مصمم هستند».

۱۰. یاران امام حسین و مهدی علیهما السلام در پیوستن و جدا شدن شبیه هم هستند

به کاروان حسـینی کسانی پیوستند که امید پیوستنشان نبود، همچون زهیر بن قین که قبل از ملاقات با امام یک مسلمان عثمانی مـذهب بود و در طول سـفر همیشه مراقب بود که با امام روبه رو نشود. ولی اراده خداونـد و لطف الهی شامل حالش شـد و با یک ملاقات با امام حسـین علیه السـلام یکی از بهترین یاران حسین علیه السلام شد. او کسی بود که به امام حسین علیه السلام عرض کرد اگر هزار بار کشـته شوم در راه تو، دوست دارم که باز زنـده شوم و جانم را فدای شـما کنم و یا «حر» اولین کسـی که راه را بر روی کـاروان حسـینی بست ولی به خـاطر ادب و احترامی که نسـبت به امـام و حضـرت زهرا علیها السـلام داشـت عاقبت به خیر شد و روز عاشورا بین جهنم و بهشت یاری حسـین و بهشت را انتخاب کرد و به سعادت ابدی خویش رسید. امام صـادق علیه السـلام می فرمایـد «اذا خرج القائم خرج من هـذا الأمر من کان یری أنه من أهله و دخل فیه شـبه عبـده الشـمس و القمر؛ (۴) هنگـامی که قـائم مـا قیـام می کنـد از ولایـت او خروج می کننـد آنانی که چنین به نظر می رسـیدند که از یاران او باشند و به امر ولایت او در می آیند کسانی که شبیه به خورشید پرست و ماه پرستانند».

چه بسـیار انسان های متدین و با ایمانی بودند که در واقعه عاشورا از امام اطاعت نکرده و در مقابل امام ایسـتادند، مانند: شـبث بن ربعی و عمر و بن حجاج زیدی، حماد بن ابجر، یزید بن حارث. جزء آنها کسانی بودند که برای امام نامه نوشـتند و خود را از یاران و منتظران واقعی قلمداد کردند. ولی بندگان دنیا بودند و امام زمان خود را با دنیای

۱- . بحارالانوار, ج۴۴ ص۱۹۲.

۲- بحارالانوار, ج۵۲ ص۳۰۸.

۳- . بحارالانوار, ج۵۲ ص۳۰۸.

۴- . غیبه النعمانی, ص۳۱۷.

پست و بی ارزش خود عوض کردند. خدا و آخرت خود را با دنیا و رزق و برق آن معامله کردند و چه بد معامله کردند،که نه به دنیای خود رسیدند و نه آخرت را به دست آوردند «خسر الدنیا و الاخره» شدند.

در زمان قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز خیلی از متحجرین و انسان های مقدس مآب و حتی بعضی از قاریان قرآن و یا بعضی از عالمان در مقابل امام زمان می ایستند و با امام زمان مبارزه می کنند و اینان کسانی نیستند جز عبیدالدنیا. مسلمانی هستند که در گفتار ادعای مسلمانی می کنند ولی ثبات قدم ندارند و از عهد خود تخلف می کنند. زیرا یاری سیدالشهداء طبق روایت پیامبر یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱. محبت: «حبّ الله»

یکی از درس های مکتب حسین علیه السلام ، حبّ الله و دوستی با خداوند است. حضرت علی علیه السلام در روایتی فرمودند: «حب الله نار لا یمرّ علی شیء الّا احترق؛ (۱) محبت به خدا به منزله آتش می ماند که بر هیچ شیئی عبور نمی کند، مگر این که آن شیء را می سوزاند و از بین می برد». چگونه آتش هیزم را می سوزاند و تبدیل به خاکستر می کند. اگر محبت خدا در وجود انسان آمد همه علاقه ها و وابستگی ها را از بین می برد. شهوت و غضب را، درهم و دینار و هر چه غیر خداست را آتش می زند. امام صادق علیه السلام محبت را این گونه معرفی می کند:

«الحب اخلص الناس سراً لله و اصدقهم قولا و اوفاهم عهداً و ازکاهم عملا؛ (۲) یعنی اگر خالص ترین انسانها را می خواهید در عالم پیدا کنید، انسانی که هم خودش خالص و هم عملش خالص باشد آن انسان محب است. محب خدا و محب اهلبیت خالص ترین و با وفاترین انسانها هستند، راستگوترین گفتار را دارند و باوفاترین افراد هستند. فرشتگان خدا وقتی محبین را می بینند افتخار می کنند که به زیارت شان نائل شوند وخداوند محبت حسین علیه السلام را در دل مؤمنین قرار داده. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «ان للحسین فی بواطن المؤمنین معرفه مکتومه». خدای منان در باطن مؤمنین از امام حسین علیه السلام یک معرفت و محبت و عشق و دوستی خاصی را قرار داده است و این محبت در همه انسان ها بوده است، از انبیاء تا پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام و همه ی مؤمنین. گاهی محبت دوستی بسیار ضعیفی است که با گناه و نافرمانی همراه است. عموم مردم خدا را دوست دارند اما یک دوستی ضعیف نه دوستی کامل و جامع. این محبت ابتدایی است و الا محبت کامل با گناه قابل جمع نیست. امام صادق علیه السلام

۱- . بحارالانوار، ج۶۷ص۲۳.

۲- . بحارالانوار، ج۶۷ص۲۳.

می فرمایند «ان المحب لمن تحب مطیع؛ (۱) انسان محب مطیع محبوب است»، یعنی کسی که دوستار خداست نباید گناه کند. محبت دومی نیز داریم که محبت عاشق است «العشق هو الافراط فی المحبه، (۲) عشق محبت بسیار زیادی است که در وجود انسان فوران می کند». یا گفته اند که «العشق نبت» عشق نام گیاهی است که هر چه در مسیرش پیدا کند دور او می پیچید و بالا می رود و عاشق را از این نظر عاشق می گویند که دائما به گرد معشوق می گردد.

کلمه عشق در چندین حدیث و روایت به کار برده شده است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: «افضل الناس من عشق العباده؛ (۳) برترین انسان ها آن انسانی است که عاشق عبادت باشد». و اولین نشانه عشق حقیقی که در یاران و عاشقان امام حسین علیه السلام در حد اعلای خود در روز عاشورا و در کربلا به وضوح دیده می شود فدا شدن و خود را ندیدن در راه معشوق است عاشق حقیقی حاضر نیست که معشوقش رنج و تعبی ببیند. می گوید تو زنده باش، صحیح و سالم ولی من از بین بروم، می بینیم که زلیخا برای اینکه به مقصودش نرسید یوسف را به زندان انداخت ولی یاران، حسین علیه السلام چنان عاشق خدا و حضرت شده بودند که می گفتند یا ابا عبدالله ما بدن و جانمان را فدای شما می کنیم، تا شما آسیبی نبینید. یکی از نمونه های عشق حقیقی و کم نظیر سعید بن عبدالله حنفی در ظهر عاشوراست، وقتی امام برای نماز ایستاد تعدادی از یاران برای محافظت از امام در برابر آماج تیرها ایستادند. سعید بن عبدالله حنفی یکی از آنها بود تیر اول آمد به جان خرید دومی، سومی نقل می کنند که تا سیزده تیر به بدنش اصابت کرد ولی باز هم ایستاده بود چون عاشق حسین بود و دوست نداشت آسیبی به محبوبش برسد. عشق و محبت همراه با وفاداری و فداکاری مثمر ثمر خواهد بود محبتی که از آن در را ه محبوب استفاده نشود به درد نمی خورد.

عمری به اسارت تو بودیم ای مرگلرزان ز اشارت تو بودیم ای مرگ

امروز خوشامدی صفا آوردیمشتاق زیارت تو بودیم ای مرگ

از حضرت آیت الله کشمیری رحمه الله نقل می کنند: که روزی وارد حرم امام حسین علیه السلام شدم. در حرم چند زن بی حجاب و بدحجاب دیدم خیلی ناراحت شدم به منزل مرحوم سید هاشم حداد رفتم، و گفتم آقا کاری بکنید. ایشان گفتند مگر چه شده؟ قضیه را برای مرحوم حداد گفتم ایشان متعجب شدند و گفتند اگر کسی امام حسین علیه السلام و جمال او را ببیند دیگر توجه اش به بد حجاب ها نمی افتد کسی که جمال یار را ببیند از همه جمال ها غافل می شود.

۱- . وسائل الشیعه, ج۱۵ص۳۰۸.

۲- .سفینه البحار، ج۲ص۱۹۷.

۳- . بحارالانوار، ج۱۲ص۳۸.

در کنج دلم عشق کسی خانه ندارد‌کس راه در این کلبه ویرانه ندارد

دل خانه عشق است خدا را به که گوییمکارایشی از عشق کسی خانه ندارد

یکی از نشانه های عاشق اشک فراق است این که فراوان از محبوب خود یاد کند. از فراقش گریان و نالان باشد. حضرت شعیب علیه السلام آن قدر گریست تا نابینا شد و خداوند منان پس از مدتی چشمانش را شفا داد و تا سه مرتبه بر اثر گریه زیاد نابینا شد و خداوند او را شفا می داد. از طرف خداوند ندا آمد یا شعیب چرا اینقدر گریه می کنی؟ اگر از ترس جهنم است، عذاب را از تو برداشتم، اگر به عشق بهشت است تو داخل در بهشتی، ولی حضرت شعیب عرض کرد «ولکن عقد حبك علی قلبی» رگ ها و بندهای دلم به عشق و محبت تو گره خورده و من از عشق و محبت تو گریه می کنم. یا حضرت یعقوب علیه السلام از فراق یوسفش آن قدر گریه کرد تا چشمانش سفید شد «وابیضت عیناه من الحزن فهو کظیم». (۱) عاشق سوز و گداز دارد. امام سجاد علیه السلام سی و پنج سال بعد از عاشورا گریه می کرد. محبت و عشق است که مسلم بن عوسجه هنگام شهادت به حبیب بن مظاهر وصیت کرد «اوصیك بهذا ان تموت دونه» سفارش می کنم جان خود را نثار ابی عبدالله کنی و تا جان داری او را رها نکنی و حبیب در جواب گفت: «فقال له مسلم فإنّی أوصیك بهذا و أشار إلی الحسین علیه السلام فقاتل دونه حتی تموت». (۲)

این عشق در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مطرح است «یحفّون به یقونه بانفسهم فی الحروب؛ (۳) در میدان رزم گردش می چرخند و با جان حفاظتش می کنند». کسی که می خواهد منتظر واقعی و یار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد باید عشق و محبت او و همانند عشق و محبت یاران امام حسین علیه السلام باشد. همیشه باید به یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم و در فراقش اشك بریزیم. بایدبرای تعجیل در ظهور آن حضرت دعا کنیم و سراسر زندگی مان عطر آگین از وجود امام زمان باشد. اگر مانند حضرت یعقوب عاشقی کردیم خداوند یوسف زهرا را می رساند.

۲ . عبودیت و بندگی:

یکی دیگر از درس های مکتب حسینی برای منتظران واقعی عبودیت و بندگی است. این درس یکی از جامع ترین درسهای امام حسین علیه السلام و یاران اوست. همانطور که در قرآن و روایات به این نکات دست می یابیم:

۱- . یوسف, آیه۳۸.

۲- . الملهوف علی قتلی الطفوف، ص۱۰۳.

۳-

۱.فلسفه ی خلقت بندگی است (بنده خدا بودن). خداوند در قرآن کریم می فرماید «وما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون؛ (۱)جن و انسان را نیافریدم مگر این که بنده من باشند و از من اطاعت کنند».

۲.برترین انسانها: برترین انسانها کسانی هستند که خدا را بندگی می کنند و عاشق عبادت هستند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: با فضیلت ترین و برترین انسانها، فردی است که عاشق عبادت است.

۳.تمام کمالات در سایه بندگی است. امام صادق علیه السلام می فرمایند «العبودیه جوهره کنهها الربوبیه؛ (۲) بندگی حقیقتی است که کنه و باطنش خدایی نمودن است». نه اینکه انسان خدا شود بلکه می تواند کارهای خدای انجام دهد یعنی اراده اش اراده خدا شود. امام حسین علیه السلام به قمر بنی هاشم علیه السلام می فرماید برو و از دشمن یک شب را برای ما مهلت بگیرد و علت این درخواست را این گونه بیان می کند «زیرا خدا می داند که من عاشق عبادت هستم و نماز برای او و تلاوت کتابش را دوست دارم». شب عاشورا تا صبح همه به عبادت حق تعالی مشغول بودند و با خدای خود زمزمه ها و نجواها داشتند. «وبات الحسین و اصحابه تلک اللیله و لهم دوی کدوی النحل ما بین راکع و ساجد و قائم و قاعد» (۳)ابوثمامه صائدی روز عاشورا به امام حسین علیه السلام عرض کرد دوست دارم نماز دیگری با شما بخوانم و اولین شهید پس از نماز گردید. یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز «لهم فی لیل أصوات کأصوات الثواکل حزناً من خشیه الله؛ (۴)شبانگاهان، مانند مادران مصیبت دیده از خشیت خدا ناله ها دارند». منتظران و یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز زاهدان شب و شیران روز هستند «رهبان بالیل، لیوث بالنهار» (۵). در خطبه ی متقین حضرت امیرالمومنین علیه السلام برای همام دو بخش از زندگی پرهیزکاران را توصیف می کند: «اما الیل فصافّون أقدامهم تالین لأجزاء القرآن یرتّلونه ترتیلا یحزنون به انفسهم و یستثیرون به دواء دائهم فاذا مرّوا بآیه فیها تشویق رکنوا الیها طمعاً...؛ چون شب شود بر پا ایستاده آیات قرآن را با تأمل و اندیشه می خوانند و با خواندن و تدبر در آن خود را اندوهگین می سازند و به وسیله آن به درمان درد خویش می پردازند. پس هرگاه به آیه ای برخوردند که به شوق آورده و امیدواری در آن است به آن طمع می نمایند و با شوق به آن نظر می کنند». دولتمردان روز بدون قیام شب به نتیجه نمی رسند زیرا شب و روز دو نمیه زندگی انسانند که یکدیگر را تکمیل می کنند. دولتمردان

۱- . الذاریات، آیه۵۷.

۲- . مصباح الشریعه، ص۵۳۷.

۳- . بحارالانوار، ج۴۴ص۳۹۴.

۴- . ینابیع الموده، ج۳ص۹۵.

۵- . احزاب، آیه۴۱.

شب بدون تلاش روز در دعوت مردم به بندگی خدا و حاکمیت دین حق، موفق نخواهند بود. یاران ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هم مردان شبند و هم مردان روز و خداوند به آنان دولت شب و روز هر دو را بخشیده است. اگر آنان مردان دولت شب نبودند به تنهایی قدرت رویاروی با گردنکشان زمین را نداشتند و اگر مردان روز نبودند قادر نبودند زمین را از آلودگی شرک برای برپایی توحید وعدل تطهیر کنند.

پس یکی از درس های مکتب حسینی و یاران با وفایش یاد خدا و عبادت و بندگی است «اذکروا الله ذکراً کثیرا» (۱) انسان باید پیوسته خدا را در یاد داشته باشد و او را حاضر بر خویش ببیند. در تنهاترین حالات هم او را از یاد نبرد، در شداید و معصیت ها، حوادث تلخ، و نعمت ها خدا را فراموش نکند. ذکر و یاد خداوند هم زبانی و هم قلبی مهم است اگر زندگی مان کارمان رنگ خدا داشت جزء منتظران واقعی هستیم. امام حسین علیه السلام و یارانش تا آخرین لحظه زندگی ذکر خدا را به لب داشتند و قلبشان مملو از یاد خدا و توجه خدا بود. در نماز ظهر عاشورا در میدان جنگ نهایت بندگی را در مقابل خدا نشان می دادند. روز عاشورا امام حسین علیه السلام پیوسته و مداوم خدا را یاد می کردند «لاحول و لا قوه الا بالله العلی العظیم». (۲)امام حسین علیه السلام در برابر حوادث تلخ، ناگواری ها، مصیبت ها از سلاح ذکر استفاده می کرد و خود را در محضر خدا می دید «هون علی ما نزل بی أنه بعین الله». (۳)مناجات های عاشقانه امام حسین علیه السلام با معبودش در آخرین لحظات حیات نیز تداوم همین حالت است. وقتی که همه یاران به شهادت رسیدند غریب و تنها در میان قتلگاه به زمین افتاد خدا را می ستود و خود را تسلم رضای خدا و خدا را به عظمت یاد می کرد «اللهم متعالی المکان، عظیم الجبروت...» (۴) استرجاع یکی از ذکر های شاخص است. سید الشهداء علیه السلام در مسیر کربلا در برخورد با مصائب و حوادث تلخ، این کلمات را بر زبان جاری می کرد «انا لله و انا الیه راجعون» و به تعبیر قرآن این یکی از اوصاف صابران است که در مواجهه با مصیبت ها و حوادث ناگوار بر زبان و قلب جاری می کنند «و بشر الصابرین الذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا...». (۵) از سوی دیگر غفلت از یاد پرودگار و خدافراموشی، عامل مهمی در کشیده شدن به گناهان و مفاسد و ظلم است. امام حسین علیه السلام درباره سپاه کوفه که به کشتن او کمر بسته بودند روی این نکته تأکید فرمودند که شیطان به آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده «لقد استحوذ علیکم

۱- . احزاب آیه۴۱.

۲- موسوعه کلمات امام حسین، ص۳۹۵.

۳- موسوعه کلمات امام حسین، ص۴۷۷.

۴- موسوعه کلمات امام حسین، ص ۵۱۰.

۵- .بقره، آیه۱۵۵.

الشیطان فانساکم ذکر الله العظیم» (۱) و این اقتباس از قرآن کریم است که خداوند یکی از ویژگی های حزب شیطان را خدافراموشی برمی شمارد که زمینه ی سپردن زمام طاعت به دست شیطان می شود، «استحوذ علیهم فانساهم ذکر الله اولئك حزب الشیطان». (۲)پس اگر می خواهیم از منتظران و یاران حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم، باید زندگی مان رنگ خدایی داشته باشد. هر روز رنگ عوض نکنیم و هر روز به یک رنگ و به قول امیرالمؤمنین ملون (رنگارنگ) نباشیم. فقط یک رنگ و آن هم رنگ خدا و بندگی و عبودیت است که یکی از درس های مهم عاشورا برای ما منتظران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.

۳ . عزت

یکی دیگر از درس های عاشورا کلاس عزت است. در مکتب امام حسین علیه السلام و ائمه ی اطهار علیهم السلام انسان نباید عزت خود را از دست بدهد. کسی از امام حسین علیه السلام پول قرض گرفت، امام از او معذرت خواهی کرد. آن شخص عرض کرد من از شما پول قرض گرفتم شما از من عذرخواهی می کنید؟ امام حسین علیه السلام فرمودند: پولی که به شما دادم در مقابل آبرویی که این جا گرو گذاشتید کم است و چیزی نیست. آقا امام رضا علیه السلام از بین در به کسی که قرض می خواست پول می داد و می فرمود: نمی خواهم عزت و آبروی مؤمن از بین برود. پس انسان نباید ذلیل باشد زیرا که در راه حق کشته شدن بهتر از زندگی ذلت بار است. عزت به معنای شکست ناپذیری، صلابت نفس، کرامت و والایی و حفظ شخصیت است. به زمین سفت و سخت و نفوذ ناپذیر عُزاز می گویند. آنان که از عزت برخوردارند تن به پستی نمی دهند، کارهای زشت و حقیر نمی کنند و برای حفظ کرامت خود و دودمان خود گاهی جان می بازند. زیرا که خداوند عزیز است و عزت را برای خود و پیامبر و صاحبان ایمان قرار داده است «ولله العزه و لرسوله و للمؤمنین». (۳)در احادیث متعددی از ذلت و خواری نکوهش شده و به یک مسلمان و مؤمن حق نداده اند که خود را به پستی و فرومایگی و ذلت بیافکند. به فرموده ی امام صادق علیه السلام «ان الله فوّض إلی المؤمنین أمره کلّه و لم یفوّض إلیه أن یکون ذلیلا؛ خداوند همه کارهای مؤمن را به خودش واگذاشته ولی اینکه ذلیل باشد را به او واگذار نکرده است». چرا که خداوند فرمودند مؤمن عزیز است نه ذلیل، مؤمن سر سخت تر از کوه است «المؤمن کالجبل الراسخ». حتی در فقه یکی از موارد جواز تیمم با وجود آب برای وضو آنجا است که اگر انسان بخواهد از کسی آب بگیرد همراه با

۱- . موسوعه کلمات امام حسین، ص۴۱۶.

۲- . مجادله، آیه۹.

۳- . منافقون، آیه۹.

منت و ذلت باشد. در این مورد می تواند به جای وضو تیمم کند و ذلت آب طلبیدن از دیگران را تحمل نکند. (۱) امام حسین علیه السلام زیر باز ذلت نرفت زیر بار بیعت با یزید نرفت هر چند به قیمت شهادت و اسارت.

از آستان همت ما ذلت است دور و اندر کنام غیرت ما نیستش ورود

بر ما گمان بردگی زور برده اند ای مرگ! همتی که نخواهیم این قیود

وقتی والی مدینه بیعت با یزید را با امام حسین علیه السلام مطرح می کرد، حضرت فرمودند: «فمثلی لایبایع مثله؛ (۲)کسی همچون من با شخصی چون او بیعت نمی کند». زیرا که او آلوده، فاسق، و شرابخوار است و در جای دیگر با رد پیشنهاد تسلیم شدن فرمودند «أعطیکم بیدی اعطاء الذلیل». (۳)صبح عاشورا در طلیعه نبرد ضمن سخنانی فرمودند «به خدا قسم آنچه از من می خواهند (تسلیم شدن)، نخواهم پذیرفت تا اینکه آغشته به خون خویش خدا را ملاقات کنم». (۴)در خطابه پرشور دیگری در کربلا خطاب به سپاه کوفه (در پاسخ به درخواست ابن زیاد مبنی بر تسلیم شدن و بیعت نمودن) فرمودند: «ابن زیاد مرا میان کشته شدن و ذلت مخیر قرار داده است و هیهات که من جانب ذلت را بگیرم؛ هیهات منا الذله و این را خدا و رسول و دامان های پاک عترت و جان های غیرتمند و با عزت نمی پذیرند هرگز اطاعت فرومایگان را به شهادت کریمانه ترجیح نمی دهم».

منم سرباز قرآن پیرو کافر نمی گردمزخط مکتب خود جانب دیگر نمی گردم

شعار من بود هیهات منا الذله چون احرارحسینی مکتبم، آزاده، چاکر نمی گردم

این یکی از درس های مهم روز عاشورا است برای منتظران که امام حسین علیه السلام فرمودند: «موت فی عز خیر من حیاه فی ذل؛ مرگ با عزت بهتر از زندگی ذلت بار است». در میدان جنگ هم در رجزهایی که می خواند مرگ را بهتر از ننگ می دانست «الموت اولی من رکوب العار». (۵)

۴ . «عفت: حجاب»

درس دیگر، در مکتب حسینی عفت و حجاب است. برای زنان و دختران مسلمان و برای منتظران ظهور، کرامت زن در سایه عفاف او تأمین می شود. حجاب نیز یکی از احکام دینی است که برای حفظ عفت و پاکدامنی زن و نیز

۱- . تحریر الوسیله امام خمینی، ج۱ص۱۰۴.

۲- . مقتل خوارزمی، ص۱۸۴.

۳- . ارشاد مفید، ج۱ص۹۸.

۴- .مناقب ابن شهر آشوب ج۴ص۶۸.

۵- . الملهوف علی قتلی الطفوف، ص۱۴۲.

حفظ جامعه از آلودگی های اخلاقی تشریع شده است. زنان در طول تاریخ در کنار مردان درخشیده اند قرآن از زنان بزرگواری همچنون مریم علیها السلام، آسیه همسر فرعون و ...، به نیکی نام می برد، چرا که از منظر قرآن ارزش انسان به تقوا است و جنسیت در آن نقش ندارد «ان اکرمکم عند الله اتقاکم» (۱) شخصیت های بزرگی مانند حضرت زهرا علیها السلام و زینب کبری علیها السلام همیشه الگوی زنان و دختران در طول تاریخ اند. نهضت عاشورا برای احیای ارزش های دینی بود.

در قیام امام حسین علیه السلام زنان نقش مهم و بسزایی قبل از حادثه عاشورا، در صحنه کربلا و بعد از آن بر عهده داشتند. قبل از واقعه عاشورا زنانی چون طوعه، زن زهیربن قین و در صحنه کربلا- زنانی چون مادر عبدالله بن عمیر، ام وهب، زینب کبری علیها السلام نقش مهم و سازنده ای داشتند. حسین بن علی علیه السلام به خواهران و دخترش فاطمه توصیه می کند:«اگر من کشته شدم گریبان چاک نزنید. صورت نخراشید و سخنان نکوهیده نگوئید.»

وقتی که خیمه ها را بر پا کردند امام حسین علیه السلام فرمودند: خیمه زنها وسط باشد تا محفوظ از چشم نامحرم ها باشند. به نقل سیدبن طاوس، شب عاشورا امام حسین علیه السلام در گفت وگوی با خانواده اش آنان را به حجاب و عفاف و خویشتن داری توصیه کرد. (۲) روز عاشورا وقتی زینب کبری علیها السلام بی طاقت و بی صبر شد به صورت خود زد، امام حسین علیه السلام به او فرمود: آرام باش و زبان شماتت این قوم لعین را نسبت به ما دراز مکن. ام کلثوم به مامور بردن اسیران گفت: وقتی ما را وارد شهر دمشق می کنید از دری وارد کنید که تماشاچی کمتری داشته باشد و از آنان در خواست کرد که سرهای شهدا را از میان کجاوه های اهلبیت فاصله بدهند تا نگاه مردم به آنان باشد و حرم رسول الله را تماشا نکنند و گفت از بس که مردم ما را در این حالت تماشا کرده اند خوار شدیم. (۳)

بعد از واقعه عاشوار بارزترین نقش و مهم ترین مسئولیت بر عهده زینب کبری علیها السلام بود قیام امام حسین علیه السلام با روایتگری دو معصوم یکی امام زین العابدین علیه السلام و دیگری زینب کبری علیها السلام او که عالمه غیر معلمه و مفسر قرآن بود به هدف و سرانجام مقصود رسید و قیام امام حسین علیه السلام با:

۱. روایت بلیغ۲. درایت عمیق۳. رعایت دقیق زینب کبری علیها السلام کامل شد. و در روایتگری خود دو چیز راملاک خویش قرار دادند:۱. افشای باطل۲. معرفی حق. شیر زنی که در مقابل همه مصیبتهای مثائب روز عاشورا زیباترین

۱- . حجرات، آیه۱۳.

۲- .الملهوف علی قتلی الطفوف، ص۱۴۲.

۳- . بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۲.

سروده عـاشورا را بـا صبر و اسـتقامت و تسـلیم محض در مقابـل امر الهی بر زبـان جـاری سـاخت که «مـارایت منه الاـ جمیلاـ» حضرت زینب علیها السلام که با خطابه خود تبلیغات شامیان را خنثی و مردم غفلت زده را بیدار می کند.

سر نی در نینوا ماند اگز زینب نبودکربلا درکربلا می ماند اگر زینب نبود

چهره سرخ حقیقت بعد ازآن طوفان رنگپشت ابری از ریا می ماند اگر زینب نبود

درعبور از بستر تاریخ، سیل انقلابپشت کوه فتنه ها می ماند اگر زینب نبود.

امام حسـین علیه السـلام و زینب کبری علیها السـلام چه با سـخنان شان و چه با نحوه عمل خویش یادآور این گوهر ناب یعنی حجـاب، پاکـدامنی و عفت برای زنـان منتظر و یـاوران ولی عصـر عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف گشـتند. زینب کبری علیهما السلام و خاندان امام حسین علیه السلام الگوی حجاب و عفاف هستند.

نفش زنان درحکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

«حضور پنجاه زن در بین یاران امام زمان» اولین گروه از زنان که به محضـر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می شتابند کسانی انـد که در آن ایام می زیسـته اند و هماننـد دیگر یاران امام به هنگام ظهور در حرم امن الهی به خدمت امام می رسـند. امـام باقر علیه السـلام در بیان بعضـی از نشانه های ظهور می فرماینـد: «و یجی والله ثلاث مئه و بضـعه عشـر رجلا فیهم خمسون امرأه یجتمعون بمکه علی غیر میعـاد...» (۱)به خدا سوگند ۳۱۳ نفر می آینـد که پنجاه تن از این عده زن هسـتند که بدون هیچ قرار قبلی در مکه کنار یکـدیگر جمع خواهنـد شـد. و این است معنای آیه شـریفه قرآن که هر جا باشـید خداونـد همه شـما را حاضر می کند زیرا او به هر کاری توانا است «این ماتکونوا یات بکم الله جمیعاً ان الله علی کلی شی قدیر» (۲)با توجه به اطلاق داشتن ادله انتظار فرج «افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل» (۳)و یا روایت امام صادق علیه السلام در دعای عهد که هم زن و هم مرد را به طـور مسـاوی در بر می گیرد زنـان نیز همچون مردان در صف سـربازان مؤمن و عـاشق حضـرت حجت عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف قرار دارنـد و آنچه از روایـات و معارف دینی فهمیـده می شود این که انقلاب حضـرت حجت عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف بـا حضور سـربازان مؤمن و منتظران واقعی صورت می پـذیرد با در نظر گرفتن نقش تربیت در شخصیت انسانی و این که بیشترین بار تربیت به دوش زنان است روشن است که اگر هیچ زنی هم در نهضت و قیام حضرت

۱- بحار الانوار، ج۵۳ ص۲۲۳.

۲- . بقره، آیه۱۴۸.

۳- . منتخب الاثر، ص۶۲۹.

حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور نداشته باشد به وضوح دیده می شود و قابل فهم است که تمام مردان آن صحنه با تلاش و تربیت زنان لیاقت حضور و سربازی ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را پیدا نموده اند.

۵. غیرت

یکی از خصلت های پسندیده است در لغت به معنای آن است که سرشت و طبیعت انسان از مشارکت غیر در امر مورد علاقه اش نفرت داشته باشد» (۱) در اصطلاح آن است که کسی نسبت به ناموس خود و همسر یا فرد مورد علاقه اش به حدی اهتمام ورزد که به دیگری اجازه تعرض به حریم خویش را ندهد. انسان غیور نمی تواند تحمل کند که دیگران با نگاه های ناپاک یا انگیزه های فاسد به همسر و بستگان او نزدیک شوند. غیرت ورزیدن خلقی ارزشمند است. غیرت دینی سبب می شود که انسان از هر نوع سوء قصد و هجوم مخالفان به دین و ارزش های مقدس و اعتقادات دینی برآشوبد و عکس العمل نشان دهد. منتظر واقعی کسی است که نسبت به قرآن غیرت داشته باشد. اگر به قرآن بی احترامی کردند عکس العمل نشان دهد و بی تفاوت نباشد. اگر منکری و گناهی را جلوی چشم او انجام دادند ساکت ننشیند و امر به معروف کند. اگر به کسی ظلم شد ساکت ننشیند از مظلوم دفاع کند. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «غیرت از ایمان است»؛ الغیره من الإیمان». (۲) حضرت علی علیه السلام می فرمایند «ارزش انسان به قدر همت اوست، صدق او به اندازه جوانمردی اوست، شجاعت به اندازه پاکدامنی اوست و عفت او به قدر غیرت اوست؛ و عفته علی قدر غیرته». (۳)خداوند نیز بندگان غیرتمند را دوست دارد «ان الله یحبّ من عباده الغیور». (۴) بنی هاشم نیز پیوسته از غیرتمندان روزگار خویش بودند و برای عترت پیامبر حرمتی فوق العاده قائل بودند. جوانان بنی هاشم مداوم اهل بیت امام حسین علیه السلام را در طول سفر به کربلا محافظت می کردند. شب عاشورا قمر بنی هاشم علیه السلام محافظ خیمه ها بود و زنان حرم آسوده و بی هراس خفتند. روز عاشورا هنگامی که امام حسین علیه السلام از اسب به زمین افتاده بود وقتی شنید گروهی از دشمن قصد تعرض به خیمه ها و زنان و کودکان را دارند بر سرشان فریاد زد «إن لم یکن لکم دین و کنتم لاتخافون المعاد فکونوا أحراراً فی دنیاکم؛ (۵)ای پیروان آل ابوسفیان اگر دین ندارید و از معاد نمی ترسید پس در دنیایتان آزاد مرد باشید». اگر عربید به اصل و نیاز خویش برگردید. من با شما می جنگم و شما با

۱- مجمع البحرین، واژه غیر.

۲- . من لا یحضره الفقیه، ج۳، ص۴۴۴.

۳- .نهج البلاغه، حکمت۴۷.

۴- . میزان الحکمه، ج۷، ص۳۵۷.

۵- . بحار الانوار، ج۴۵،ص ۵۱.

من می جنگید، به زنان نباید تعرض کرد. تا من زنده ام طغیانگرانتان را از تعرض نسبت به حرم من بازدارید «فامنعوا عتاتکم عن التعرّض لحرمی مادمت حیا». (۱) پس یکی از درس های مکتب حسینی برای منتظران غیرت است نسبت به دین، قرآن، ناموس، کشور و اسلام.

۶ .وفا

امام حسین علیه السلام و یارانش به ما درس وفاداری دادند و این یکی از درس های عاشورایی منتظران مهدوی است. وفا، پایبندی به عهد و پیمانی است که با کسی می بندیم. نشانه صداقت و ایمان انسان و مردانگی و فتوت است. گاهی این عهد و پیمان با خداوند است و گاهی با دشمن. گاهی به صورت نذر به عهده خویش می گذاریم و گاهی هم عهد و پیمانی را که با امام و ولی امر خود می بندیم در همه اینها وفای به عهد واجب است و نقض عهد و زیر پاگذاشتن پیمان نشانه ضعف ایمان و از بدترین خصلت ها است. خداوند وفای به عهد را لازم شمرده و از عهد بازخواست می کند «اوفوا بالعهد ان العهد کان مسئولا». (۲) حضرت علی علیه السلام هم وفا را جزء گرامی ترین صفات و خصلت ها شمرده است «اشرف الخلایق الوفا». (۳) در جای دیگر وفای به عهد را از نشانه های ایمان دانسته است «من دلائل الایمان الوفاء بالعهد». (۴) در صحنه عاشورا یک طرف مظاهر برجسته ای از وفاداری را می بینیم ودر طرف دیگر نمونه هایی زشت از عهدشکنان، بی وفاها و بیعت شکنان. آنان که برای بیعت با امام هزاران نامه برای امام حسین علیه السلام فرستادند ولی نقض پیمان کردند. از نقاط ضعف کوفیان نیز همین بی وفای آنان بود. بی وفای با امام علی علیه السلام ، امام حسن علیه السلام ، حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام و در نتیجه با امام حسین علیه السلام . در مقابل این بی وفایی ها امام حسین علیه السلام و یارانش اهل وفا بودند و تا پای جان وفاداری کردند. دست از پیمان و عهد خود با خدا برنداشتند تا به مقام شهادت رسیدند. شب عاشورا وقتی سیدالشهداء علیه السلام با اصحاب خود صحبت می کند وفاداری آنها را می ستاید «فانی لا اعلم اصحاباً او فی و لاخیراً من اصحابی؛ (۵) من باوفاتر وبهتر از اصحابم، اصحابی را نمی شناسم. روز عاشورا وقتی امام حسین علیه السلام به بالین مسلم بن عوسجه آمد این آیه را تلاوت می کرد: «و منهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما

۱- . بحار الانوار، ج۴۵،ص۵۱.

۲- . سراء ۳۴.

۳- . میران الحکمه، ج۱۰ ص۶۰۳.

۴- . میران الحکمه، ج۱۰ ص۶۰۳.

۵- . موسوعه کلمات امام حسین، ص۳۹۵.

بدّلوا تبدیلا؛ (۱)مردانی که به عهد خویش با خدا صادق بودند برخی شان به عهد وفا کرده و جان باختند برخی هم منتظرند و عهـد و پیمان را هیـچ دگرگون نساخته اند». یاران امام حسـین علیه السـلام با آن که امام بیعت خود را از آنان برداشت ولی به مقتضای وفا و عهد با جانان در صحنه ماندند و عهد نشکستند. شهدای کربلا جان بازی در رکاب آن حضرت را وفای به عهد می دانسـتند و با خون خود بر پیمان و عهد خویش امضاء زدند. در زیارت امام حسـین علیه السـلام خطاب به آن حضـرت می گوییم «اشـهد انک وفیت بعهدالله و جاهدت فی سبیله حتی اتاک الیقین؛ (۲) شهادت می دهم که تو به عهد خود وفا کردی و تا رسـیدن به یقین وشـهادت در راه خدا جهاد کردی». در زیارت نامه مسـلم بن عقیل آمده «اشهد انک وفیت بعهدالله» (۳) در زیـارت نـامه حضـرت عبـاس علیه السـلام : «أشـهد لک بالتسـلیم و التصـدیق و الوفاء و النصـیحه لخلف النبی...» (۴)گواهی به اطاعت، تسـلیم، تصدیق، وفا و خیرخواهی حضرت عباس علیه السـلام نسـبت به فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، درس وفـا را حضـرت عباس علیه السـلام در شب عاشورا وقتی که شـمر امان نامه برای او آورد به ما آموخت که اعتنایی به امان نامه نکرد و بر سـر آن ملعـون فریـاد برآورد و تـا آخرین قطره خـونش دست از حسـین علیه السـلام برنـداشت. هر پیشـوا و رهـبری نیازمنـد یاران باوفایی است تا بتوانـد قیام و انقلاب کنـد. حضـرت ابراهیم علیه السـلام وقتی قربانی اش قبول نشد ناله نزد گریه نکرد ولی اصـحاب حسـین علیه السـلام شب عاشورا گریه می کردنـد سؤال شـد برای چه گریه می کنید؟ گفتند چون ما یک جان بیشتر در بدن نداریم، از خدا می خواهیم هزار جان به ما بدهد تا در راه حسـین علیه السـلام فدا کنیم. تا هزار مرتبه حاضر به فدا کردن جان بودند. عهد بسـتن مهم است و از آن مهم تر بر سـر عهد ایسـتادن محکم و قوی، ارزش دارد. خیلی از انسانها عهـد بسـتند ولی بر اثر مشـکلات و حوادث و مصـیبت ها و یا برای دنیا عهد خود را شکسـتند. منتظران شـهادت طلب، کسانی هستند که هر روز بعد از عهد با خدای خود، و تجدید پیمان با معبود خویش با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تجدید عهـد و پیمان می کنند که تا آخرین قطره خون در راه خدا بایسـتند و وفادار به امام خود باشـند. آنان مصداق آیه «أطیعوا الله و أطیعوا الرّسول و أولی الأمر منکم» (۵) هسـتند و هر لحظه ذکر زبان وقلبشان این دعا است «اللهم إنی اجدّد له فی صبیحه یومی هذا... عهداً و عقداً و بیعه له فی عنقی لا أحول عنها و لا أزول أبداً... واجعلنی من أنصاره و

۱- . احزاب، آیه۲۳.

۲- . مفاتیح زیارت اربعین ص۴۸۶.

۳- . مفاتیح زیارت مسلم بن عقیل ص۴۰۲.

۴- . مفاتیح زیارت حضرت عباس ص۴۳۴.

۵- . نساء، آیه۵۹.

أعوانه و المستشهدین...». (۱) این یکی از درس های عاشورا برای منتظران واقعی است که هر روز بر سر عهد و پیمان خود باشیم چرا که حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند «لو أن أشیاعنا وفقهم الله لطاعته علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا و لتعجّلت لهم السعاده...؛ (۲) اگر شیعیان ما که خداوند به آنها برای اطاعتش توفیق دهد، بر عهد و پیمانی که داشتند مستحکم می ماندند سعادت دیدار ما، از آنان به تأخیر نمی افتاد. آن چه ما را از آنان دور می دارد، بدی های آنان است که ما ناخوشایند می داریم و نمی پسندیم. ما در مقابل حضرت کوتاهی کرده ایم، ما او را فراموش کرده ایم و این طول غیبت دلیل کوتاهی ما و فراموشی ماست و پس از توبه از اعمال زشت خود عزم و حمایت از او و دفاع از آن حضرت را به جان و دل افزایش دهیم «اعنّا علی تأدیه حقوقه إلیه والاجتهاد فی طاعته و الإجتناب عن معصیته...؛ (۳) خدایا ما را یاری فرما تا حقوقش را ادا کنیم و در پیروی و اطاعت او بکوشیم و از نافرمانیش حذر نماییم».

۷ .شهامت و شجاعت

یکی از درس های عاشورایی و حسینی درس شجاعت و شهامت است. یعنی انسان در برابر سختی ها و خطرها دلی استوار داشته باشد. اینکه انسان در مقابل دشمنان شهامت و شجاعت حق گوئی را داشته باشد و اگر تمام عالم در مقابل او باشند از دشمن نهراسد. شجاعت یکی از صفات حمیده انسانی است. همه انبیاء و اوصیاء بالاخص خاتم الانبیاء دارای صفت شجاعت بوده اند. بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام ، امام حسین علیه السلام به این صفت زبانزد خاص و عامند. امام حسین علیه السلام شجاعت را از جدش و از پدرش به ارث برده. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز شجاعت واقعی را به منصه ظهور می گذارد. شجاعت سید الشهداء ضرب المثل شده بود. علی بن عیسی اربلی در کتاب کشف الغمه این طور می نویسد: «شجاعه الحسین یضرب بما المثل». ابن ابی الحدید معتزلی از شجاعت حسین می گوید، عقاد نویسنده معروف مصری از شجاعت حسین می گوید «و شجاعه الحسین صفه لا تستقرب منه لأنها الشیء من معدنه کما قیل و هی فضیله ورثها عن الآباء و أورثها الأنبیاء بعد...». یعنی شجاعت صفتی است که ظهور آن از او غریب نیست برای اینکه ظهور شجاعت از او مثل ظهور طلا از معدن طلا است، شجاعت فضیلتی است که آن را از پدران و نیاکانش به ارث برد و به فرزندانش به ارث داد. یاران حسین علیه السلام نیز شجاع بودند و شجاعت داشتند

۱- . دعای عهد.

۲- . بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۷۶.

۳- . بحارالانوار، ج۹۹،ص۲۷۷.

که در مقابل لشکر چندین هزاره دشـمن حتی ترس به دل خود راه ندادند. زیرا هیچ کدام از یاران او از پشت تیر و نیزه نخوره بودنـد بلکه همه از جلو و رو به رو ضـربه خورده و به شـهادت رسـیدند. این شـجاعت را می رساند که یک لحظه هم پشت به دشمن نکرده و از هدف خود برنگشتند و سینه های خود را سپر دشمن قرار دادند.

منتظران و یاوران مهدوی نیز باید این صـفت را داشـته باشـند. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همچون امام حسین علیـه السـلام بر سیرت و زنـدگی حضـرت امیرالمـومنین علیه السـلام است «لاـیعیش الاـ عیش امیرالمـؤمنین». (۱)او چـون جد بزرگوارش امیرالمؤمنین مجاهدی است شـجاع و خسـتگی ناپذیر. حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شجاعت و قیام شبیه پیامبر است. محمد بن مسـلم می گوید، امام باقر علیه السلام فرمودند «قائم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به پنـج پیغمبر شباهت دارد: یونس بن متی، یوسف بن یعقوب، موسـی، عیسـی و محمـد علیهم السـلام. امـا شـباهت به جـدش محمد صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر کشیدن و قیام با سلاح و کشتن دشمنان خدا و رسول او و جبارها و طاغوت هاست او با شمشـیر و رعب یاری می شود و هیچ پرچمی از او شکست خورده برنمی گردد (کنایه از شجاعت حضرت و یارانش است). این که حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف فرجه در مقابل دشـمنان، قهر الهی است و برای مؤمنین و مسـلمانان باب لطف و رحمت «اشـداء علی الکفار رحماء بینهم» (۲) امام باقر علیه السـلام این آیه شـریفه را می خواندند «بعثنا علیکم عباداً لنا اولی باس شدید» (۳) و بعـد می فرمودنـد «این کسان (بندگان جنگاور و پر صـلابت) امام قائم و یاران اویند» (۴)امام باقر علیه السـلام : اوصاف حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف فرجه را چنین بیان می کنند «یقوم القائم... ولا یأخذوه فی الله لومه لائـم»؛ (۵)امـام قیـام می کنـد و... در راه اجرای برنـامه هـای الهی از ملاـمت هیـچ ملامت گری بیم نـدارد». منتظران باید شجاعتشان مثل شـجاعت یاران حسـین علیه السـلام باشـد تا بتوانند در رکاب حسـین زمان خویش جان خود را فدا کنند. مانند جوانان طالقان که در روایت به آنان اشاره شـده است «زبر الحدیـد کالمصابیـح کأن فی قلوبهم القنادیل أشد من الجمر، رهبان باللیـل، لیوث بالنهار» (۶) پـاره های آهننـد، چون چراغنـد، انگار در دل هاشان قنـدیل هایی روشن است، نافـذتر از پاره آتش، زاهدان شب و شیران روز هستند.

۸. «صبر و استقامت»

۱- . طوسی، الغیبه، ص۲۷۷.

۲- . فتح، آیه ۲۹.

۳- . اسراء، آیه۵.

۴- . بحارالانوار، ج ۵۱ص۵۷.

۵- . نعمانی، الغیبه، ص۲۳۳.

۶- . بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۸۶.

یکی از درس های مکتب حسینی برای منتظران، استقامت و پایداری و صبر است. در هدف، زندگی، ایمان، عمل، در برابر مصیبت ها، سختی ها و حوادث تلخ به ما درس صبر دادند، صبر زینبی و حسینی. امام حسین علیه السلام از آغاز قیام نیروهایی را طلبید که مقاوم باشند. کسانی که مصداق این آیه شریفه بودند«ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه ...» (۱) در یکی از منزلگاه های میان راه فرمودند: «أیّها الناس! فمن کان منکم یصبر علی حدّ السیف وطعن الأسنه فلیقم معنا وإلاّ فلینصرف عنا؛ (۲)ای مردم! هر کدام از شما که تحمل تیزی شمشیر و ضرب نیزه ها را دارد همراه ما بماند، والا برگردد. امام حسین علیه السلام شرط همراهی یاران را صبر دانست زیرا انسانهای صبور تا پایان کار ماندنی هستند». روز عاشورا در خطبه ای به یاران فرمودند «صبراً بنی الکرام!...؛ (۳) صبر و مقاومت کنید ای بزرگ زادگان». بعد از نماز ظهر عاشورا یاران را دعوت به صبر کرد «فاتقوا الله واصبروا». (۴)هنگام خروج از مکه فرمود «نصبر علی بلائه ویوفینا اُجور الصابرین؛ (۵)ما به رضای خدا رضاییم بر بلای او صبر می کنیم، او نیز پاداش صابران را به ما می دهد. امام حسین علیه السلام در واپسین لحظات حیات نیز صبر بر قضای الهی نمود: «صبراً علی قضائک یا رب لا إله سواک... صبراً علی حکمک یا غیاث من لا غیاث له». (۶) حادثه کربلا آموزگار مقاومت بود و قهرمانان عاشورا الهام دهندگان صبوری و شکیبایی. خانواده های شهدا نیز از صبر زینب صبوری آموختند.

از شکوه موج اگر دریا لبا لب می شودقطره ای از بیکران روح زینب می شود

تا عیان سازد به عالم جلوه اش را لحظه ایاز جلای نور او خورشید هم شب می شود

در شب جهل عرب ننگ است بر دختر ولیدختری دارد علی علیه السلام که زینب آب می شود (۷)

قانون جهان بر این است که هرچه که محکم و مستحکم نباشد و استقامت نداشته باشد فرو ریختنی است و به درد نمی خورد. خونی که استقامت نداشته باشد به درد نمی خورد. جوانی که استقامت نداشته باشد به درد امام زمان نمی خورد. ارزش انسان هم به استقامت و پایداری اوست در جامعه ما نیز افرادی هستند که مانند کوه مقاوم و با صلابتند و از پای در نمی آیند «کالجبل الراسخ» و بادها و طوفان های سخت و حوادث عظیم آنان را از پای در

۱- . فصلت، آیه ۳۰.

۲- . ینابیع الموده، ص۴۰۶.

۳- . نفس المهموم، ص۱۳۵.

۴- . بحارالانوار، ج۴۵، ص۸۹.

۵- . بحارالانوار، ج۴۴ص۳۶۷.

۶- . مقتل الحسین، مقرم، ص۳۵۷.

۷- . روضه السادات، سید علی عدنانی.

نمی آورند. انسانهایی هستند که در مقابل زلزله شهوت، شهرت، قدرت، مقام و ثروت فرو نمی ریزند، بلکه محکم و صابرند. ولی بعضـی استقامتشان کم است و از هم می پاشـند و تحمـل ندارنـد. در جـامعه مـا چنین افرادی به وضوح دیـده می شونـد. انسانهایی که قیمتشان ناچیز است. بعضـی افراد با ۱۰۰۰ تومان بعضـی با یک میلیون تومان و بعضی قیمتشان بالاتر است، نسبت به ظرفیت و شخصیت و موقعیت افراد. ولی مؤمن و منتظر واقعی قیمت ندارد و قابل قیمت گذاری با پول بی ارزش و مقام فانی دنیوی نیست. هنر امام حسـین علیه السـلام و یارانش به استقامت و پایداری ایشان بود. همانند سعید بن عبدالله حنفی که آنقدر تیر بر بدنش اصابت کرد که می فرمایند بدنش از انبوه تیر و نیزه مانند خارپشت شد ولی یک لحظه هم دست بر نداشت و خم نشد و میدان را خالی نگذاشت. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیاز به چنین منتظران و یارانی دارند، کسانی که ثبات قدم دارند و تا آخرین قطره خون دست از هدف و اعتقاد خود برنمی دارند. «یا مقلّب القلوب ثبّت قلبی علی دینک».

۹ . «ایثار»

یکی دیگر از درس های مکتب حسینی ایثار است. ایثار یعنی مقـدم داشـتن دیگری بر خود، چه در مسائل مادی و چه موضوع جـان. این یکی از صـفتها و خصـلتهای اخلاقی است که در قرآن و روایات به آن تاکیـد و سـفارش شـده و مورد سـتایش قرار گرفتـه اسـت. خـدا از مؤمنـانی در قرآن یـاد می کنـد کـه بـا آنکـه خودشـان نیازمندنـد دیگران را بر خـویش مقـدم می دارند «ویؤثرون علی انفسهم لو کان بهم خصاصه» (۱)اوج ایثار، ایثار از خون و جان است ایثارگر کسی است که حاضر باشد هستی و جان خود را برای دین خدا فدا کند. در صـحنه عاشورا اوّلین ایثارگر امام حسـین علیه السـلام بود که حاضر شد جان خود را فدای دین خدا کند و رضای او را بر همه چیز برگزیند. «و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الضلاله و الجهاله» (۲)اصحاب آن حضـرت نیز هر کـدام ایثـارگرانه جـان فـدای امـام خویش کردنـد و عاشورا صـحنه هایی زیبا از ایثارگری برای جهانیان به نمایش گـذاشت. سـعید بن عبدالله صـحنه ای دیگر از ایثار را در روز عاشورا به نمایش گذاشت آن زمان که امام حسـین علیه السـلام به نماز ایسـتاد خود را سپر تیرهای دشـمن ساخت و آن هنگام که نماز امام تمام شد ۱۳ تیر بر بدن داشت و به شـهادت رسـید حضـرت مسـلم بن عقیـل علیه السـلام جـان خـود را در راه خـدا بـذل کرد. عبـاس بن علی علیه السـلام ایثـار و از جـان گذشتگی را در صحنه کربلا به بالاترین درجه آن رسانید. آن هنگام که

۱- . حشر، آیه۵۹.

۲- . زیارت ناحیه مقدسه مفاتیح.

شب عاشورا امان نامه شمر را رد کرد اولین کسی بود که در شب عاشورا در برابر امام حسین علیه السلام اعلام حمایت کرد و فرمود: «ما هرگز تو را تنها نمی گذاریم که بعد از تو زنده بمانیم، خداوند هرگز چنین روزی را نصیب ما نکند.»

و یا در روز عاشورا وقتی که صدای شیون و العطش اطفال برادر را شنید، غیرت و حمیت هاشمی عباس به خروش آمد، مشک را برداشت و به سوی شریعه فرات رفت. مشک را پر از آب کرد، خواست خود آب بنوشد، مشت پر از آب را نزدیک لبهای خوشکیده اش رسانید به یاد تشنگی ابی عبدالله علیه السلام و صدای العطش اطفال خردسال افتاد«تذکر عطش الحسین و اهل بیته ، فرمی الماء» (۱) بلافاصله آب را بر روی آب ریخت و یکی از زیباترین صحنه های گذشت و ایثار را به نمایش گذاشت و جملاتی سراسر از ایثار و از جان گذشتگی را در سخت ترین شرایط بر صحنه عاشورا نوشت و به سوی خیمه ها رهسپار شد و ... در این را دستانش قطع شد و از جان خود گذشت.

والله إن قطعتم وایمینیانی احامی ابدا عن دینی

و عن امام صادق الیقیننجل النبی الطاهر الامین (۲)

ایثار و فدا شدن را امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا به نمایش گذاشت. کسی که در راه خدا و برای خشنودی و رضای او از تمام هستی اش گذشت برادری چون عباس علیه السلام را فدا کرد، فرزندی چون علی اکبر، علی اصغر و در نهایت جان خود را در راه خدا بذل نمود. تا دین زنده بماند و قرآن حفظ شود.

روز عاشورا که مصائب بر امام حسین علیه السلام زیاد شد این گونه با معبود خویش مناجات می کند.

الهی و سیدی: وددت ان اقتل و احیی سبعین الف مره فی طاعتک و محبتک سیما اذا کان و قتلی نصرت دینک و احیا امرک و حفظ ناموس شرعک ...» خدایا: دوست دارم که کشته شوم و زنده گردم، هفتاد هزار بار، در راه طاعت و محبت تو، به خصوص اگر در کشته شدنم نصرت دین تو و زنده شدن قرآنت و حفظ ناموس شریعت تو نهفته باشد. (۳)

یکی دردو یکی درمان پسنددیکی وصل ویکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجرانپسندم آنچه را جانان پسندند

۱- . مقتل مقرم، ص۲۴۱.

۲- . مقتل مقرم، ص۲۴۲.

۳- .معالی السبطین، ج۲ ص۱۸.

و این ها همه از خصلت ها و صفاتی است که منتظران ویاران شهادت طلب در این زمانه باید خود را متخلّق به این اخلاق پسندیده و ارزشمند کنند، تا بتوانند جان خود و زندگی خود را در راه خدا و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فدا کنند.

۱۰ . شهادت طلبی و مرگ جویی

در شرایطی که انسانها اغلب برای زنده ماندن بیشتر تلاش می کنند، کسانی هم هستند که درکی متعالی تر از فلسفه حیات دارند و کسب مقام والایی که شهیدان راه خدا دارند و حاضرند جان خود را فدا کنند و از شهادت در راه مکتب و دین خود استقبال می کنند به چنین روحیه ای شهادت طلبی گفته می شود. مرگ در راه خدا معامله ای پرسود با آفریدگار است. جان فدا کرد و به بهشت جاویدان رسیدن.

اسلام با مسلح کردن پیروان با ایمان خویش به سلاح «احدی الحسنین» (۱) آنان را چنان تربیت کرد که در میدان های جنگ چه بکشند و چه کشته شوند پیروز باشند و به نیکویی دست یابند. همه انبیاء و اولیاء دین و پیروان خالص چنین روحیه ای داشتند. عاشورا صحنه ای است که به ما درس شهادت طلبی و فدا شدن در راه خدا می دهد اگر مسئله مرگ برای انسان حل شد دیگر چیزی برای از دست دادن نیست، لذا انسان مقاوم شده زیر بار ذلت نخواهد رفت. خیلی ها در صحنه های متفاوت مقاومت می کنند اموال، فرزند، همه و همه را از دست می دهند و مقاومت می کنند اما در مقابل جان مقاومت آنها کم می شود کسانی که از هیچ تهدیدی نمی ترسند می توانند به راحتی از جان خود بگذرند.

حضرت امام حسین علیه السلام به حُرّ چنین می فرماید «أفَاً بالموت تخوفونی وهل یعیدوا بکم الخطب أن تقتلونی؛ (۲) آیا مرا به مرگ تهدید می کنی یا می خواهی مرا با مرگ بترسانی آیا کاری بیشتر از این از شما برمی آید؟ علت ناپسندی مرگ به تعبیر ابوذر خرابی آخرت و دلبستگی به دنیاست «فقال یا اباذر مالنا نکره الموت فقال لأنکم عمّرتم الدنیا وأخربتم الاخره فتکرهون أن تنقلوا من عمران إلی خراب». (۳)شهادت برترین نوع و بالاترین درجه مرگ است. امام حسین علیه السلام در جواب علی اکبر علیه السلام در منزلگاه قصر بنی مقاتل که پرسید آیا ما برحقیم؟ جواب دادند بلی بر حقیم. حضرت علی اکبر علیه السلام عرض می کند «اذا لا نبالی ان نموت محقین؛ ترسی از مرگ نداریم چون بر حقیم». بریر در شب عاشورا در مشاجره با شمر ملعون وقتی شمر او را تهدید به مرگ کرد می گوید «ابا الموت تخوفنی ولا ان الموت مع ابن رسول

۱- . توبه، آیه۵۲.

۲- . ارشاد، ج۳، ص۸۲.

۳- . بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۷۸.

الله احب من الحیاه معکم؛ (۱)آیا مرا از مرگ می ترسانی، به خدا قسم مرگ با پسر پیامبر خدا نزد من از حیات و زندگی با شما عزیزتر است». شیرین ترین مرگ نزد حضرت قاسم علیه السلام شهادت در راه خدا است زیرا او مرگ را «احلی من العسل»می داند. یاران و منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از این روحیه مدد می جویند «ویتمنون ان یقتلوا فی سبیل الله». (۲) یاران و منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آرزو دارند که در راه خدا به شهادت برسند. در میان منتظران و یاران حضرت همیشه باید نهراسیدن از مرگ وجود داشته باشد. این مسئله غیر از ایجاد تنش و غیر از کشته شدن و خود را به کشتن دادن است، نهراسیدن از مرگ خلع سلاح دشمن است. این جاست که دشمنان هم پی برده اند که «رمز قیام و مقاومت شیعه نگاه سرخ شهادت و الگوی با عظمتی چون امام حسین علیه السلام و رمز مقاومت آن نگاه سبز، امید و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است». (۳) آرزوی شهادت در رکاب امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو آرزوی پسندیده و مطلوب در روایات ما است. یکی بودن در کربلا و شهادت در رکاب حسین علیه السلام که در زیارت حضرتش می خوانیم «یا لیتنی کنت معکم فأفوز فوزاً عظیما». (۴)و دیگری فیض جهاد و شهادت در رکاب امام زمان که در دعای عهد می خوانیم «اللهم إنّی اجدّد... واجعلنی من انصاره وأعوانه والمستشهدین...». زیرا کسی که شهید می شود از نوعی حیات برتر برخوردار است و به تعبیر قرآن زنده جاوید می شود و نزد خداوند روزی می خورد. «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل أحیاء عند ربهم یرزقون» (۵)

روز قیامت از علما، صلحا، انبیاء و شهداء سؤال می شود: آیا می خواهید به دنیا برگردید؟ هیچ کدام حاضر به برگشت به دنیا نیستند مگر شهدا که دوست دارند به دنیا برگردند. سؤال می شود برای چه می خواهید برگردید؟ می گویند برای اینکه یک بار دیگر جان خود را در راه خدا فدا کنیم و این بهترین لذت برای ما است. دوباره جان دادن در راه خدا. کسانی که در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آرزوی شهادت دارند و شهادت را به مرگ در بستر ترجیح می دهند، این چنین افرادی منتظر و یاور برای امام زمان خویش هستند و این یکی از درس های با ارزش مکتب حسینی و یاران با وفای او برای ما منتظران است. کسی که منتظر شهادت باشد به گناه آلوده نمی شود. همه جا خدا را

۱- . مقتل خوارزمی، ج۱ص۱۲۵.

۲- . مستدرک الوسائل، ج۱۱ص۱۱۴.

۳- .کنفرانس تل آویو، فلسطین اشغالی، دانشکده تاریخ، تل آویو.

۴- . زیارت امام حسین، مفاتیح الجنان.

۵- . آل عمران، آیه۱۶۹.

در نظر دارد و امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف را نـاظر بر اعمـال خود می بینـد. نمونه بـارز آن در زمان ما شـهدا و رزمندگانی بودند که در جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران به این مقام والا رسیدند.

ص:۱۲۲

سخن آخر

کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا

همه زمانها عاشورا و همه مکانها کربلا است و در هر زمانی سه گروه زندگی می کنند.

۱.عده ای یزیدی هستند ومانند یزید عمل می کنند.

۲.عده ای حسینی هستند و حسینی زندگی می کنند.

۳.عده ای فقط تماشاچی و نظاره گر هستند بی تفاوت به دین و اوضاع جامعه، البته نتیجه گروه سوم به نفع یزیدی ها و دشمنان تمام می شود. کسانی که آب در آسیاب دشمن می ریزند بدون اینکه متوجه شوند.

حضرت امام خمینی رحمه الله بنیان گذار انقلاب اسلامی درباره مفهوم هر روز عاشورا و ... فرموده اند:«این کلمه کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا یک کلمه بزرگی است ... همه روز باید ملت ما این معنی را داشته باشد که امروز عاشورا است و ماباید مقابل ظلم بایستیم و همه جا هم کربلا است و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم. انحصار به یک زمین ندارد؛ منحصر در یک افراد نمی شود. قضیه کربلا منحصر به یک جمعیت هفتاد و چند نفری و یک سرزمین کربلا نبوده و همه زمین ها باید این نفش را ایفا کنند»

در طول تاریخ بعد از واقعه عاشورا تمام انسان های آزاده و عدالت خواه در قیام و انقلاب های خود از عاشورا الگو گرفته اند . رمز موفقیت خود را نشات گرفته از عاشورا می دانند، مانند انقلاب اسلامی ایران قیام و انقلاب مردم هند به رهبری ماهاتا گاندی و یا بنیان گذار انقلاب پاکستان محمد علی جناح، جنگ ۳۳ روزه مردم جنوب لبنان و ... همه وهمه، رمز موفقیت و پیروزی خود را مدیون قیام و انقلاب امام حسین علیه السلام می دانند. چرا که نبرد عاشورا اگر چه از نظر زمان بسیار کوتاه بود اما از نظر امتداد طولانی ترین نبرد و پیکار در مقابل ظلم و ستم، تا روز قیامت است . در هر مقطعی از زمان که در مقابل ظلم و باطل قیام کنیم و به مبارزه به پا خیزیم صحنه ای از کربلا و عاشورا را به نمایش گذاشته ایم . قیام بر علیه ظلم و باطل مختص به زمان خاص و سرزمین و انسان های خاص نیست. و تا روز قیامت بین حق و باطل جنگ و پیکار است. امام حسین علیه السلام به ما آموخت که خون بر شمشیر پیروز است و این وعده حق خداوند است که باطل ماندنی نیست ودر برابر حق از بین می رود «بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق»؛ (۱) «بلکه ما همیشه حق را بر باطل غالب و پیروز می گردانیم تا باطل را محو و نابود سازد و باطل بی

۱- . انبیاء ۱۷.

درنگ نابود می شود« مهمترین هدف و انگیزه قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز نابود کردن جبهه باطل و ظلم است و خداوند در این باره می فرماید: قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا» (۱) بنابراین در هر زمانی عده ای یزیدی بوده و همانند یزید بر مردم ظلم و ستم نموده و احکام و دستورات الهی را زیر پا نهاده و جامعه را به سوی فساد و تباهی سوق می دهند وانسان های آزاده و حق گرا را از سر راه امیال شیطانی و حیوانی خود بر می دارند و خون های پاک و طیب را بر زمین جاری می کنند همان طور که در سال ۶۱ه_ . ق یزید و معاویه طاغوت زمان بودند در این زمان نیز عده ای ادامه دهنده راه آنها می شوند و نقش یزیدیان را اجرا می کند و برای خواسته های شیطانی خود اقدام به هر عمل قبیح و زشتی می کنند در این زمان نیز آمریکا، اسرائیل و انگلیس نقش یزیدیان را در دنیا اجرا می کنند . آرمانها و اعتقادات دینی مردم را فدای خواسته های نامشروع وننگین خود می کنند در این شرایط سخت و طاقت فرسا عده ای حسینی هستند و مانندامام حسین علیه السلام و اصحابش زندگی می کنند . دارای باورهای حسینی هستند در زندگی خود حسین علیه السلام را الگو قرار داده و در مکتب سرخ حسینی درسهای عاشورایی را فرا می گیرند ملتی که خود را با باورهای حسینی پیوند دهد، در مقابل تمام ابر قدرتهای ظالم جهان توان و قدرت رویاروئی را بدست خواهد آورد. اگر تمام کفر در برابرشان بایستد از هدف و قیام خود دست بر نمی دارند چرا که در مکتب حسینی به این بارو رسیده اند که تا پای جان برای دفاع از دین، قرآن، ناموس و کشور خویش ایستادگی و مقاومت کنند و از هیچ قدرتی واهمه و ترس ندارند چرا که به مصداق این آیه شریفه عمل کرده اند «یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومه لائم»؛ (۲) «کسانی که در راه خدا جهاد می کنند و از نکوهش و ملامت احدی باک ندارند» در مقابل چنین نیروی الهی واستوار هیچ قدرتی توان ایستادگی و مقاومت ندارد حتی اگر مجهز به تجهییزات و امکانات مادی و پیشرفته و عظیم نظامی باشد بازشکست خواهد خورد زیرا در چنین نبردی قدرت ایمان شهادت، استقامت، ایثار و ... پیروز میدان است.

انقلاب اسلامی ایران نیز که الهام گرفته از نهضت عاشورا و باورهای حسینی بود. ملتی که در مقابل ظالمان و حاکمان جور و ابر قدرت های جهان ایستاد و باسلاح ایمان و شهادت مشت محکمی بر دهان طاغوتیان زد. ملتی هشت سال در مقابل قدرتهای شرق و غرب دنیا ایستاد و به ندای هل من ناصر ینصُِرُنی امام خود لبیک گفتند و تسلیم و مطیع ولی فقیه زمان خودشدند. سر منشا این قدرت عظیم الهی از پیوند مردم با قیام امام حسین علیه السلام در

۱- . اسراء آیه۸۱.

۲- . مائده، آیه۵۴.

رگهای انقلاب اسلامی جاری شد و در کالبد آن نور امید و پیروزی دمیده شد. امام خمینی در این باره می فرمایند: «امروز، روز عاشورای حسینی است، ایران کربلا است، حسینیان آماده باشید» (۱)

تنها عامل بقا و دوام این انقلاب پیروزی و اطاعت از ولی فقیه زمان وتسلیم بودن در برابر او خواهد بود اطاعت از رهبری و ولی فقیه عامل اصلی پیروزی در جنگ هشت ساله تحمیلی بود. در این زمان نیز ولایت فقیه این رکن رکین انقلاب حافظ و نگهدارنده این انقلاب خواهد بود. امام خمینی در این باره فرمودند: «تا زمانی که پشتیبان ولایت فقیه باشید به این مملکت آسیبی نمی رسد.»

در این میان عده ای نیز در مقابل ظلم و باطل سکوت می کنند وبه دفاع از حق بر نمی خیزند. اینها همان جبهه دوم دشمن هستند که با سکوت خود در مقابل ظلم و دفاع نکردن از حق به خط مقدم دشمن کمک می کنند . کسانی که عافیت طلبی را مد نظر قرار می دهند همانان که در قیام امام حسین علیه السلام امام خود را تنها رها کردند حق را دیدند واز حق دفاع نکردند، ظلم و ستم های یزید را دیدند ولی دم فرو بستند، اینان همان قاتلان امام حسین علیه السلام هستند که با سکوت خود حسین علیه السلام را به شهادت رساندند در حادثه صفین نیز عده ای به بهانه اینکه در هنگام فتنه نباید وارد میدان شوند . خود را از جبهه حق دور کرده تا دستشان به خون آلوده نشود ولی حضرت علی علیه السلام آنان را مورد نکوهش قرار داده و فرمودند حق را خوار کردند وباطل را یاری نکردند «خدلو اللحق ولم ینصروا الباطل (۲) کسانی که با نجنگیدن در رکاب آن حضرت مایه سستی و ضعف در جبهه حق شدند مانند عبدالله بن عمر، سعد بن ابی وقاص، سعید بن زید، ابوموسی اشعری ... . در قیام حسینی نیز عده ای به همین بهانه سکوت کرده و عافیت طلبی را پیشه خود ساختند و به تقاضای کتبی آن حضرت جواب منفی داده و حتی امام را نیز از قیام نهی کردند. عمل نکردن به تکلیف و شانه خالی کردن از بار مسئولیت باعث سلطه ظالمان و تقویت آنان شده و جبهه حق در مظلومیت و انزوا قرار می گیرد فاعتبرو یا اولی الابصار پس با عبرت گرفتن از قیام امام حسین علیه السلام و تاریخ اهلبیت علیها سلام ببینیم نسبت به حق در کدام جبهه قرار گرفته ایم (حسینی، یزید یا تماشاچی) شهید آوینی سید شهیدان اهل قلم می فرماید: «عاشورا دارد در مسیر زمان حرکت می کند و یارگیری می کند و اگر خدای نکرده از قافله حسینی عقب بمانیم و مکتب حسین را سر لوحه و سر مشق زندگانی مان قرار ندهیم ممکن است خدای نکرده یزیدی و یا تماشاچی باشیم که تماشاچی به نفع یزید است.»

۱- .ج ۲۰، ص۱۹۵، صحیفه نور.

۲- . نهج البلاغه حکمت ۱۸.

پس برای اینکه مانند یاران امام حسین علیه السلام تا آخرین قطره خون استقامت کنیم و حسینی بمانیم باید در کلاس درس امام حسین علیه السلام نشسته تا بتوانیم در قیام و انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جز یاران آن حضرت قرار گیریم زیرا یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همه حسینی و فارغ التحصیل این مکتب عظیم و انسان ساز هستند. اگر از حادثه عاشورا عبرت نگیریم و خدا و آخرت خود را با دنیا وزرق و برق آن معاوضه کنیم چرا که طبق روایات رسیده از اهلبیت علیها السلام درزمان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز خیلی از متحجرین و انسان های مقدس مآب و حتی بعضی از قاریان قرآن ویابعضی از عالمان در مقابل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می ایستند و با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مبارزه می کنند، آنان که مسلمانان به ظاهر مسلمان، عبیدالدنیا، کسانی در گفتار مسلمان و مهدوی هستند ولی در عمل ثبات قدم ندارند و صابر نیستند.

والسلام

«اللهم ارزقنی شفاعه الحسین یوم الورود»

منابع و مأخذها:

زیارت عاشورا، مفاتیح الجنان.

منتخب الأثر، ص ۱۳۹ – ۱۴۰.

بحار الأنوار، ج ۴۴. ص ۳۲۹.

بحار الأنوار، ج ۵۱ ص ۸۳.

ارشاد مفید. ج ۲ ص ۹۷.

بحارالأنوار. ج ۵۱. ص ۱۳۵.

کافی، ج ۸. ص ۲۷۸.

تاریخ طبری، ج ۵ ص ۳۵۷.

بحارالأنوار. ج ۴۴- ص ۱۹۲.

بحارالأنوار. ج ۵۲ – ص ۱۳۵.

بحارالأنوار. ج ۵۲- ص ۳۰۸.

بحارالأنوار. ج ۵۲- ص ۳۰۸.

غیبه نعمانی ص ۳۱۷.

سوره حشر. آیه ۳

بحارالأنوار _ ج ۶۷ ص ۲۳.

بحارالأنوار _ ج ۶۷ص ۲۳.

وسائل الشیعه – ج ۱۵ ص ۳۰۸.

سفینه البحار، ج ۲ ص ۱۹۷.

بحارالأنوار، ج ۱۲ ص ۳۸.

سوره یوسف، آیه ۳۸.

الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۰۳.

بحارالأنوار، ج ۵۲ ص ۳۰۷.

سوره الذاریات، آیه ۵۷.

ص:۱۲۷

مصباح الشریعه، ص ۵۳۷.

بحارالانوار، ج ۴۴ ص ۳۹۴.

ینابیع الموده، ج ۳ ص ۹۵.

سوره احزاب آیه ۴۱.

موسوعه کلمات امام حسین، ص ۳۹۵.

موسوعه کلمات امام حسین، ص ۴۷۷.

موسوعه کلمات امام حسین، ص ۵۱۰.

سوره بقره، آیه ۱۵۵.

موسوعه کلمات امام حسین، ص ۴۱۶.

سوره مجادله، آیه ۹.

سوره منافقون، آیه ۹.

تحریر الوسیله امام خمینی، ج ۱ ص ۱۰۴.

مقتل خوارزمی، ص ۱۸۴.

ارشاد مفید، ج ۱ ص ۹۸.

مناقب ابن شهر آشوب ج ۴ ص ۶۸.

الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۴۲.

الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۴۲.

بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۲.

سوره بقره، آیه ۱۴۸.

بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۲۲۲.

مجمع البحرین ــ واژه غیر.

من لا یحضره الفقیه، ج ۳ ص ۴۴۴.

نهج البلاغه، حکمت ۴۷.

میزان الحکمه، ج ۷ ص ۳۵۷.

بحارالانوار، ص ۵۱۰.

وقعه الطف، ص ۵۲۵.

سوره اسراء آیه ۳۴.

میزان الحکمه ج ۱۰ ص ۶۰۲.

میزان الحکمه، ج ۱۰ ص ۶۰۳.

موسوعه کلمات امام حسین، ص ۳۹۵.

سوره احزاب آیه ۲۳.

مفاتیح زیارت اربعین، ص ۴۸۶.

مفاتیح زیارت مسلم بن عقیل ص ۴۰۲.

مقاتیح زیارت حضرت عباس ص ۴۳۴.

سوره نساء آیه ۵۹.

دعای عهد.

بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۸.

طوسی، الغیبه، ص ۲۷۷.

سوره فتح، آیه ۲۹.

أسراء، آیه ۵.

بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۵۷.

نعمانی، الغیبه، ۲۳۳.

....

ینابیع الموده، ص ۴۰۶.

نفس المهموم ص ۱۳۵.

بحارالانوار، ج ۴۵- ص ۸۹.

بحارالانوار، ج ۴۴ ص ۳۶۷.

ص:۱۲۸

مقتل الحسین، مقرّم، ص ۳۵۷.

حشر / آیه ۵۹.

توبه / آیه ۵۲.

بحارالانوار ج ۴۴، ص ۳۷۸.

ارشاد، ج ۳، ص ۸۲.

مقتل خوارزمی، ج ۱ ص ۱۲۵.

مستدرک الوسائل، ج ۱۱ ص ۱۱۴.

کنفرانس تل آویو – فلسطین اشغالی – دانشکده تاریخ – تلی آویو.

زیارت امام حسین – مفاتیح الجنان.

آل عمران، آیه ۱۶۹.

ایثار و انتظار در دعای عهد (علی اکبر بیاری)

مقدمه

آنچه از علمای قدیم نقل و در بسیاری از کتب نیز ثبت شده این است که ارزش هر علم به موضوع آن بستگی دارد و اگر ما نیز این سنت حسنه را قبول داشته باشیم باید قبول کنیم که ارزش و اهمیت مقاله نیز به اهمیت و ارزش موضوع آن بستگی دارد ، واضح است که در دینی و خصوصاً واژه ایثار و انتظار دارای بار ارزشی بسیار مثبت می باشند وقتی می توان ادعا کرد دو واژه مقدس می باشند و البته دارای کاربرد مفید هر چند در کتب لغت در ردیف سایر واژه ها می-باشند. اهمیت دو کلمه مذکور وقتی بیشتر می شود که توجه داشته باشیم تحقق جامعه آرمانی در آخر الزمان و نزدیک شدن به دروازه های آن مدینه فاضله و شهر نیکی ها مشروط به آن است که انسانها و مؤمنان در روابط خود با یکدیگر مزین به ایثار باشندو جهت قرار گرفتن در ردیف منتظران راهی جز عبور از کانال ایثار ندارند نمی توان انتظار بدون ایثار را حتی تصور کرد و آنگاه که این دو با هم جمع شوند و در فضای جامعه فراگیر شود می توان امیدوار بود که گامی جهت تحقق و عده الهی در ظهور بقیه الله العظم برداشته شده است و رجوع به دعاهای سفارش شده در عصر غیبت که از اعتبار بالایی نیز برخورداند و کشف این دو کلمه مقدس در آن امری پسندیده و مناسب به نظر می رسد شاید بتوان اینگونه نتیجه گرفت که : بسیاری از منتظران و مؤمنان مقید به تلاوت دعای عهد می باشند. چون نسبت به تلاوت آن سفارش شده است.

ولی اکتفای به این تلاوت کافی نیست و کشف معادن نهفته در این دعا می تواند تأثیر گذار بر روابط شخصی و اجتماعی افراد باشدو سازنده جامعه به سمت جامعه مهدوی . ان شاء الله

فصل اول:بیان واژه ها

نگاهی هر چند کوتاه به سه واژه ایثار ، انتظار و دعای عهد جهت فهم بهتر و برداشت صحیح تر از متن دعا امری لازم می باشد.

الف: ایثار

در لغت به معنای برگزیدن، بذل کردن و عطا کردن ، به نظر می رسد تفاوت چندانی بین معنی لغوی و اصطلاحی آن وجود نداشته باشد چون اصلاً این واژه در فرهنگ دین و اخلاق مطرح است و ریشه آن همانجاست. لذا در کتب لغت نیز معانی اصطلاحی آن نیز ذکر شده است کما اینکه در فرهنگ معین آمده است: ایثار یعنی مقدم داشتن

دیگران و ترجیح دادن آنان برخود در کل امور. در غیاث الغه آمده: منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن و آن کمال درجه سخاوت است.

و در تعریفات حرجانی اینگونه آمده که : دیگری را در رساندن به منفعت و دفع خطرات برخود مقدم داشتن و آن نهایت برادری است.

در اشعار فارسی نیز این واژه به همان معنا بکار رفته است:

هر که جان دریافت با دیدار او صد هزاران جان شود ایثار او (عطار)

تو از سر من و از جان من عزیزتری بخیلیم ار نکنم سر فدا و جان ایثار (سعدی)

شهید مطهری در تعریف ایثار اینگونه می فرماید:

ایثار یک اصل قرآنی است یعنی گذشت . یعنی مقدم داشتن دیگران بر خود در آنچه مال خود انسان است و به آن کمال احتیاج را دارد و در عین کمال احتیاج دیگری را بر خود مقدم می دارد. (۱)

در فرازی دیگر، ایثار را از باشکوهترین مظاهر انسانیت می داند و ادامه می دهند:

اگر کسی به سرنوشت دیگران بیشتر از سرنوشت خود اندیشید نام این کار در منطق دین ایثار است. (۲)

و در کتاب حماسه حسینی به جنبه عاطفی و احساسی ایثار اشاره می کند و می نویسد: ایثار یکی از باشکوه ترین تجلیلات عاطفی روح انسان است. (۳)

از کتب لغت و معانی ذکر شده در بالا چنین استنباط می شود که ایثار مطلق است و نسبت به هر انسانی شایسته می-باشد ولی از برخی روایات اینگونه فهمیده می شود که ایثار فقط در حیطه تعامل مؤمنین با یکدیگر صادق است، لذا در حدیثی از امیرالمؤمین علیه السلام نقل شده است که : عامل سائر الناس با الانصاف و عامل المؤمنین بالایثار (۴) در روایت دیگری نیز بر همین مطلب تکیه شده است که از اختصاصات امت پیامبر آخر الزمان و شخص پیامبر آن ایثار است، بطوری که بر اساس این روایت حضرت موسی علیه السلام از خدا خواست که درجات حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به او نشان دهد، خداوند فرمود: طاقت نداری ولی موسی تکرار کرد و وقتی پرده-ها کنار رفت عظمتی دید که نزدیک بود

۱- . آشنایی با قرآن ج۱ و ۲ ص ۱۱۰

۲- . گفتار های معنوی، ۲۲۷

۳- . حماسه حسینی ج ۱ /۲۰۳

۴-. میزان الحکمه ج اول ص ۵

جان دهد . بعد پرسید این مقام به چه سبب است. جواب آمد: بخلق اختصصته به من بینهم وهوالایثار(به دلیل خلقی که ویژه او ساختم و آن ایثار است) (۱)

بنظر می رسد اینکه ایثار در حیطه تعامل مؤمنین با یکدیگر معنا پیدا کند حرف درستی است؛ خصوصاً با توجه به آیه ۹ سوره حشر که جریان ایثار انصار نسبت به مهاجران را مطرح می نماید و«یؤثرون علی انفسهم لو کان بهم خصاصه اولئک هم المفلحون»

نتیجه اینکه: ایثار از ویژگیهای مؤمنان می باشد و یکی از عوامل فلاح و رستگاری برشمرده شده است.

رواج ایثار در عصر ظهور، امری مسلم می باشد، چون از مکارم اخلاق است وعصرظهورعصرتجلی وبروز و ظهوراخلاق نیک است. علی علیه السلام : لا تکمل المکارم الابالعفاف والایثار (۲)

از طرفی بر اساس روایات، حضرت و یارانش مالک و حاکم بر کل عالم هستی می گردند و در اصطلاح، مالک گردنها می گردند و این میسر نیست الا به ایثار: علی علیه السلام بالایثار علی نفسک عملک الرقاب (۳) بوسیله ایثار کردن است که می توانی مالک گردنها شوی کفایه از حکومت بر انسانها.

موضوعی ایثار یا حال است یا جان که نسبت به هر دو مورد روایاتی واردشده است که از باب نمونه به یک مورد از هر کدام اشاره می شود:

ایثار مالی: از جمله سیره پیامبر عظیم الشأن اسلام آن بود که هرگز نشد که سه شبانه روز سیر باشند گر چه اگر می-خواستند می توانستند ولی یوثر علی نفسه یعنی ایثار می کردند. (۴)

اما ایثار جانی:

در روایت وارد شده است که حضرت حق جل و اعلا- بین جبرائیل و میکائیل عقد برادری برقرار نمود و خداست که یکی عمرش کمتر باشد ولی هر دو حیات رااختیار نمودند آنگاه خداوند جریان پیامبر و علی علیه السلام و برادری بین آندو را مطرح کرد که حضرت امیر حاضر شد در لیله المبیت جانش را فدای پیامبر نماید. (۵)

۱- . میزان الحکمه اول ص ۵

۲- . میزان الحکمه جلد اول ص۵

۳- . میزان الحکمه ج۱ ص۵

۴- . میزان الحکمه ج ۱ ص ۵

۵- . میزان الحکمه ج اول ص ۸

ب. معنای انتظار

در لغت مصدراست یعنی چشم به راهی ، چشم در راهی، چشم داشت نسبت به چیزی (فرهنگ فارسی معین) از همین باب است که در درمانگاه ها و مطلب،اطاق انتظار وجود دارد.

واژه انتظار در اصل از «نظر» گرفته شده است و «نظر» بر اساس آنچه در التحقیق فی کلمات القرآن آمده است: هو رویه فی تعمق و تحقیق فی موضوع مادی او معنوی ببصره او ببصره یعنی نگاه از سیر دقت و تحقیق به یک موضوع مادی یا معنوی حالا یا با چشم مادی یا بصیر و آگاهی

با توجه به اصل آن خود انتظار در لغت یعنی:

«فهو بمعنی اختیار النظر و انتخابه» یعنی انسان نگاه کردن به آن ویژگی را اختیار و انتخاب نمایدو اما مفهوم الترقب فهو من لوازم اختیار معنی النظر کما فی : فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر .... فانتظر و انی معکم من المنتظرین.»

بنابراین چشم به راهی از لوازم معنای نظر کردن است و چه بسا بخاطر اینکه لازم بسیار قریب و حتمی نظر چشم به راهی می باشد از واژه انتظار همان لازمه به ذهن می آید نه معنی نگاه کردن.

در نتیجه معنای انتظار نگاه عمیق داشتن به یک موضوعی می باشد و چون لازمه نگاه کردن ، چشم به راهی است لذا وقتی واژه انتظار بکار می رود همین معنا به ذهن می آید.

استاد شهید مطهری انتظار فرج را اینگونه تعریف می نمایند:

انتظار یعنی در رکاب امام بودن و جنگیدن و احیاناً شهید شدن، یعنی آرزوی واقعی و حقیقی مجاهد بودن در راه حق . (۱)

ج: دعای عهد

جهت طولانی نشدن و خارج نشدن از موضوع اصلی ، بحث اهمیت ، جایگاه و مستند بودن دعای عهد را به کتب و مقالات متعددی که در این زمینه نوشته شده است ارجاع می دهیم و فقط اشاره می شود که مرحوم سیدبن طاووس که این دعا را نقل کرده است و سفارش علمای بزرگ دیگر و همچنین مضمون و محتوای عمیق این دعا بهترین دلیل است بر صحت و مستند بودند آن. (۲)

۱- . قیام و انقلاب مهدی ص ۶

۲- . جهت اطلاعات بیشتر نسبت به سند این دعا رجوع کنید به : میرزا محمد بن محمد حسن بن ملا علی فرندی، شرح دعای عهد، به کوشش حسین درگاهی، نشر شمس الضحی، ۱۳۸۳، قم کلباس، مجتبی، شوق عهد، بنیاد قرآن و عترت، ۱۳۸۴ تهران

همچنین سید بن طاووس در مصباح الزائر و علامه مجلسی در بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۱۰ آنرا نقل کرده اند.

اما معنای عهد، در لغت یعنی اقرار و اعتراف عهد الیک ای اقر و اعترف

التحقیق اینگونه تعریف می کند: هو التزام خاص فی مقابل شخص علی امر. التزام و مقید بودن در مقابل شخصی

فصل دوم: ایثار در دعای عهد

با توجه به تعریفی که از ایثار شد و مصادیق آن، آیا می توان مواردی را در دعای عهد رصد نمود که بیانگر ایثار منتظران باشد اعم از اینکه سفارش به ایثار کرده باشد یا از ویژگی منتظران شمرده شده باشد یا لازمه یکی از بخشهای دعای مبارک عهد باشد و ... یا دقت و تأمل در این دعای شریف بنظر می رسد مواردی را بتوان نام برد:

اصل قرائت و تلاوت این دعای شریف نوعی ایثار و از خود گذشتگی است به این دلیل که وقتی در محتوای دعا دقت می کنیم وخواسته هایی که مطرح می شود همه اش نوعی ایثار است. اگر بخواهیم مقایسه ای جهت فهم بهتر مطلب داشته باشیم، مثل این می ماند که شب عملیات گردانی پشت میدان مین توقف کرده است و تنها راه حمله به دشمن آنست که چند نفر آماده به رکاب، حاضر باشند که خودشان را روی مین بیندازند تا راه باز شود و همین اعلام آمادگی کردند خودش ایثار است هر چند شاید نوبت به او نرسد. بنابراین درخواست اینکه خدایا توفیق در رکاب حضرت بودن و شهادت را نصیب من بگردان «اللهم اجعلنی من انصاره و اعوانه ....و المستشهدین بین یدیه ....» این درخواست، خودش نوعی ایثار است و از خودگذشتگی و لذا خیلی از انسانها قدرت چنین درخواست هایی را ندارند.

تجدید این عهد و تکرار دعا در هر روز نیز نوعی ایثار است.

تجدید عهدی که آن همه مشکلات و سختی ها دارد و بودن در رکاب حضرت قطعاً با رنجهایی همراه است بنابراین درخواست روزانه و استمرار بر این درخواست نیز نوعی ایثار است که جای تأمل دارد.

تقدیم صلوات دیگران بر صلوات خویش به حضرت می تواند مصداق دیگری از ایثار باشد

«اللهم بلغ مولا نا الامام الهادی... عن جمیع المؤمنین و المؤمنات ... و عنی ....»

چرا که انسان دوست دارد خودش را زودتر به محبوب خود معرفی نمایـد ولی در عین اینکه می توانـد اینکار را بکند، دیگران را حتی در سـلام کردن به حضـرت مقدم می دارد و با اینکه او دعا را تلاوت می کند ولی زودتر سـلام دیگران را به حضـرت می رساند.

درخواست با حضرت بودن، حتی بعد از موت، زنده شدن و با حضرت محشور شدن نوعی ایثار است.

چون در رکاب حضـرت بودن بـدون ایثار ممکن نیست که بهترین مؤیـد این نکته ...... حـدیثی است که در معنای ایثار مطرح شد که : لا تکمل المکارم الا بالعفاف و الایثار و عصر ظهور و عصر تکمیل مکارم و زیبایی هاست که از جمله آنها ایثار است .

بنابراین درخواست با حضرت بودند لازمه اش اهل ایثار بودن است این یعنی ایثار .

درخواست هایی که در دعا می شود از جمله:

اللهم اجعلنی من انصـاره(یـاران) و اعوانه (کمـک کـار) و الـذابین عنه(دفـاع کننـدگان از حریم او) و المسـارعین الـدفی قضاء حوائجه (شـتاب کننـدگان جهت رفع نیازهـای او) و المستشـهدین بین یـدیه (اطـاعت کننـدگان نسبت به دسـتورات حضـرت) والمحـامین عنه (حامیـان از حضـرت) و السـابقین الی ارادته (پیشـی گرفتگـان در ابراز ارادت به حضـرت) و المستشـهدین بین یدیه(شهادت یافتگان در رکابش)

تمام این درخواست ها هم ایثار است. اعم از ایثار جانی (و المستشهدین بین یدیه)

و هم ایثار مادی و مالی(والمسارعین الیه فی قضاء حوائجه .....

و هم لازمه تـک تـک آنها ایثار است ، ایثار در عصـر غیبت چون این درخواست ها همین زمان است نه نسـبت به زمان ظهور حتی درخواست شـهادت در رکاب حضـرت نیز می توانـد در عصـر غیبت صادق باشد. مثل کسـی که در راه اهداف حضـرت گام بر می دارد و در آن راه جان ببازد و لـذا در برخی روایات، کسـی که منتظر باشـد و به مرگ طبیعی از دنیا برود نیز شـهید محسوب شده است.

درخواست زنده شدن بعد ازظهوردرصورت مردن قبل از ظهور

«اللهم ان حال بینی و بینه الموت الذی جعلته علی عبادک حتماً مقضیاً فأخرجنی من قبری»

اصـل این تقاضـا نوعی ایثار است چون انسانی که سـختی های فراوانی در دنیا چشیده است خصوصاً اگر مؤمن بوده باشـد که بیشتر بلا نوش جان کرده است «الدنیا سجن المؤمن» دنیازندان مؤمن است وچه بسا سختی های جان دادن را تحمل کرده باشد

وحتی درقبرهم اذیت شده باشد وبا این احوالات حاضر باشد دوباره زنده شود و بازبمیرد،

این درجه بالایی از ایثار است و اگر توجه داشته باشیم، این زنده شدن نیز فقط برای بهره بردن از نعمت های گسترده شده درزمین بعد ازظهورنیست بلکه جهت کمک و یاری حضرت است؛ بازدرجه بالایی ازایثاررا نشان می دهد.

حالت زنده شدن بعد از ظهور

«فأخرجنی من قبری مؤتزراً کفنی شاهرأسیفی مجرداً قناتی ملبیأ دعوه الداعی فی الحاضر و الباری» در حالی زنده شوم که شمشیریم آماده و نیزه ام برهنه و پاسخگویی ندای حضرت باشم،... این حالت راتقاضا کردن آیا غیر از ایثار معنای دیگر می تواند داشته باشد. بله اگر درخواست زنده شدن بعد ازاجرای عدالت و جاری شدن نعمت ها در روی زمین بود، این دلالتی بر ایثار نداشت ولی درخواستی که در دعای عهد است مربوط به همان هنگام ظهوراست که خوب جهاد خود را شروع می کنند.

عدم درخواست حاجتی برای خود در دعا

درتمامی فقرات دعا حاجت و خواست های که بویی از خودبینی باشد دیده نمی شود یعنی خواسته ای که نشان از خودبینی انسان باشد مثل نیازهای مادی و جهانی در عوض همه اش دنبال خدمت به حضرت و خلق است و حتی خواهان بهره بردن از نتایج زیبای ظهور برای خودش نیست. گرچه برای دیگران آنرا طلب می کند اللهم به بلادک واحی به عبادک و اجعله اللهم مفزعاً لمظلوم عبادک و ناصراً لمن لایجدله ناصراً غیرک....

اهمیتی که احیای سنت پیامبر و احکام تعطیل شده برایش دارد، جایگزین درخواست های مربوط به خودش می-شود و مجدداً لما عطل من احکام کتابک .... و سنن نبیک ...

اللهم و سر نبیک محمداً صلی الله علیه و آله ...

معنای عهد، عقد و بیعت

در معنای تک تک این سه واژه ایثار و از خودگذشتگی نهفته است و به بیان بهتر لازمه هر کدام از آنها. در زمره ایثارگران قرار گرفتن است. جهت تبیین این مطلب سه واژه فوق بررسی می شود.

عهد:

عهد یعنی مراعات و حفظ چیزی بطور پی در پی . پیمان را از آن جهت عهد گویند که مراعات آن لازم است، لذا دستور و امری که لازم المراعات باشد را با عهد می آورند مثل «و عهدنا الی ابراهیم ان طهرا بیتی للطائفین و العاکفتی و الرکوع السجود(بقره.۱۲۷)

لذا فهای امامیه، کلمه عهد را مترادف با تعهد گرفته اند.

بنـابراین عهـد بسـتن یعنی التزام به کسـی دادن، حالاـ یـا کلاـمی یا غیر کلامی، مثل انسان مؤمن که همین ایمان او نوعی تعهد برای او ایجاد می کنـد نسـبت به خـدا و بندگان او وچه بسا این عهد و پیمانی که انسان منتظر هر روز صـبح با مولای خود می بنـدد و آنرا تجدیـد می کنـد ازهمین باب باشـد یعنی لازمه ایمان او به خـدا و پیامبر و اهلبیت آنست که این عهد و پیمان را با امام حاضر خود ببندد و قطعاً این عهد و التزام و متعهد کردن خود نیست به حضرت بدون ایثار ممکن نیست.

عقـد: به عهـد مؤکـد و شدیـد، عقد گویند؛ یعنی نه هر عهدی بلکه عهدی که نسبت به آن شدیداً تأکید شده باشد و شاید به همین جهت است که به عهدی که بین زوجین بسته می شود و بصورت صیغه اجرا می شود عقد ازدواج گویند، یا عقد اخوت که نسبت به آن زیاد تأکیـد شده است. از طرفی عهد ممکن است توسط یک نفر هم تحقق یابد بخلاف عقدی که بین دو نفر بسته می شود . بنابراین هر عقدی عهد هست ولی هر عهدی لزوماً عقد نیست (مجمع السان ۳/۱۵۱) واضح است که عقد همان عهد است ولی با تأکید بیشتر پس بنابراین بطور قطع در عقد هم ایثار لازم است؛ یعنی انسان وقتی با مولای خویش عهد مؤکد می بنـدد در واقع متعلق آن عهد و عقد معلوم است هر چند به زبان جاری نشود یعنی گویی پایبندی به آنچه شایسـته و بایسـته برای یـک منتظر و یک مریـد امام لازم است، مورد تأکیـد قرار می-گیرد و قطعاً از جمله آنها ایثار جان يامال در راه آرمانهای حضرت می باشد.

بیعت: تصریح به اطاعت و انقیاد است؛ یعنی هیچ ابهامی در آن نیست (۱)

گام برداشتن در مسیر اطاعت از حضرت و انقیاد نسبت به آنچه او می خواهد شرط حتمی و قطعی آن ایثار است.

۱- . شرح دعای عهد، میرزا محمد .. هرندی.

۱۰. درخواست تسریع در ظهور

در پایان دعا مستحب است سه بار دست را بر ران راست خود زده و بگوئیم :«العجل العجل یا مولای یا صاحب الزمان» که این آرزو و درخواست آنهم بـا حـالت تضـرع یعنی اینکه من شدیـداً و با تمام وجود ظهور حضـرت را می طلبم، ظهوری که لازمه قطعی آن ایثار فداکاری و حتی بذل جان است.

فصل سوم:انتظار در دعای عهد

بـا توجه به معنـایی که ازانتظـار شـد به راحتی می توان درسراسـر این دعای شـریف مصادیقی از آن رامشاهـده کرد که ازباب نمونه به مواردی اشاره می شود:

تلاوت دعا و استمرار آن

ظهـور وبروزانتظـار به شـکل هـای مختلفی می توانـد باشـد، از جمله خوانـدن این دعـا و تـازه کردن عهـد خویش بـا منتظر در هرصبحگاه. به بیان دیگر پایین ترین مصداق انتظار حداقل آن است که انسان منتظر در هر صبح بیاد امام خویش باشد هر چند در عمل کاری نکند.

درخواستهایی که از خدای تبارک و تعالی در دعای عهد می شود؛

- ابلاـغ تحیت و سـلام: اللهم بلغ مولانـا الامـام ..... همـانطور که یـک عـاشق به هر پیکی که قصـد رفتن به منزلی را دارد که معشوق او آنجاست ، ابلاغ سلام می کند و حتی به باد بهاری نیز این پیام را دارد،

انسان منتظر نیز در هر روز از خـدای قادر می خواهـد که سـلام خودش و همه مخلوقات را به حضـرت برساند و گویی به زبان حال هم می گوید: حالا که دست من از دامان او کوتاه است پس سلام مرا به او برسان و این از ویژگی های متنظر است.

تجدید عهد و پیمان

مگر می توان هر روز عهد و پیمان را تجدید کرد، آن هم در محضرخداوند متعادل (اللهم انی اجدود ...) و در واقع با استعانت وکمک ازخداوند ولی منتظر نبود.

در زمره یاوران و انصار حضرت واقع شدن

شخص منتظرِ لحظه شـماری می کند که به منتظر خویش برسد و با نهایت توان او را یاری می نماید و هر چه در دست دارد را تقدیم او نماید . بنابراین وقتی از خداوند می خواهد که مرا از انصار واعوان و مدافعان وشهیدان

دررکـاب حضـرت قرار بـده ، این درخواست هـا در واقع طلب اثبـات منتظر بودن خویش است یعنی می گویـد خـدایا زمینه و بستری برایم فراهم نما تا به امام خویش ثابت کنم منتظر هستم. بنابراین این هم نوعی انتظار است.

- خروج از قبر در صورت مرگ با حالت آماده به رزم . اللهم ان حال بینی و بینه الموت .....

شایـد این مـورد از مـوارد بسـیار بـا ارزش منتظر بـودن ، باشـد یعنی از طرفی تسـلیم امر خـداست در پـذیرش مرگ و از طرفی آنچنان مشـتاق مولای خویش است که ازخداونـدی که قـدرتش محـدود نیست می طلبد که چنانچه قبل از ظهور از دنیا رفتم، مرا بعد ازظهورزنده نما تا دررکاب حضرت جانفشانی نمایم.

-درخواست تعجیل فرج

وعجل فرجه و سهل مخرجه، .... فاظهر الهم لنا و لبیک .... العجل العجل یا .....

همه موارد فوق نشانه منتظر بودن شخص است.

-نتیجه: در تک تک درخواسـتهایی که در این دعای شـریف از خداوند متعال می شود، ظهور انتظار، کاملاً مشهود است و در واقع انسان منتظر از مسـیر بی تابی هر روز صـبح این خواسـته های را از خداوند می طلبد که در همه آن خواسـته ها انتظار امام عصر به چشم می خورد.

خلاصه و نتیجه گیری:

دعای عهد از جهت سند هیچ مشکلی ندارد علاوه بر اینکه محتوای آن آنقدر عالی می باشد که بر فرض ضعف سند، آنرا جبران می کند. در این دعا که در واقع کلاس معرفت آموزی است به منتظر درس می دهد که چگونه باید باشد واو نیزهرروزصبح این را می خواند تا فراموش نکند چه وظیفه ای دارد. از جمله اموری که بصورت واضح و آشکار در این دعا تجلی یافته است، منتظر بودن خواننده آن است و دیگری اهل ایثار و گذشت بودن. چنانچه در فقرات این دعای شریف توجه شود نکات ارزنده تر و مهم تری نسبت به این دو واژه می توان بدست آورد.

منابع:

مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی

مجمع البیان فی نفسیر القرآن ، مرحوم طبرسی، ناصر خسرو، تهران ، ۱۴۰۶ ه ق

شروح دعای عهد، میرزا محمد بن حسن بن ملا علی هرندی، به کوشش حسین درگاهی ، شمس الضحی، ۱۳۸۳ ، اول ، قم

التحقیق فی کلمات القرآن، علامه مصطفوی، مرکز نشر آثار علامه، ۱۳۸۵

قیام و انقلاب مهدی. مطهری، مرتضی، صدرا، بیست و پنجم ، ۱۳۸۲

میزان الحکمه، محمدی ری شهری مرکز النشر، مکتب الاعلام الاسلامی، سوم ۱۳۷۰، قم

آَشنایی با قرآن ۲- مطهری ، مرتضی ، صدرا، چاپ ۲۵، ۱۳۸۲

حماسه حسینی، مطهری ، مرتضی ، صدرا.

ص:۱۴۳

شهادت و انتظار (محسن احمد ناطق)

مقدمه

بی تردید نهضت عاشورا ماندگارترین و بی بدیل ترین تحول تاریخ بشری است که رموز ناپیدایش به همراه پیام های سیاسی آن، همواره بیش ازآن چه تا کنون شناخته شده، قابل تأمل و پیدایش است. بااینکه دراغلب تألیفات وآثار، دستاوردهای ارزشمندی ازاین قیام پررمزوراز، نمود پیدا کرده است، لیکن هنوز دربین ملت ها اهداف و پیامدهای آن کمتر مورد توجه قرار می گیرد. گرچه حادثه پررنگ،خونین وغمباراست اما نباید پوششی بر بطن حادثه باشد. تمام تصمیمات امام حسین علیه السلام و یارانش ازحرکت تا اقامت وشهادت وامتداد آن اسارت،حامل یک پیام جاودانه ی تاریخی است که جزباخون قابلیت ثبت آن بر جرگهٔ تاریخ نبود.

اصولاً در برخورد با حوادث تاریخی دورویکردوجوددارد: اول رویکردروایی ونقلی یا آگاهی صرفاًروایی از تاریخ که تنها به درد قصه سرایی ونقالی می خورد. دوم رویکرد تحلیلی به معنای یافتن دلایل حوادث تاریخی و کشف علل و عوامل دخیل در آن هاویا فتن علل وعوامل شکست ها وپیروزی ها، ظهورها، سقوط ها و ... . در نگاه اول تاریخ و شخصیت های تاریخی نقش الگویی خویش را به کلی ازدست خواهند داد و به مقطع زمانی خود منحصرخواهند شد. تنها درنگاه دوم به تاریخ است که درس ها، عبرت ها و پیامد های تاریخی چراغ راه آینده خواهند بود. این دیدگاه روشن بینانه گنجینه ای است از درس ها، عبرت ها، پیام ها و الگو های ماندگار برای هر ملت خردمندی در هر روزگار، تا بتوان با تکیه بر گذشته در اصلاح اندیشه، عمل،وتصمیمات حال وآینده پخته تر و عاقلانه ترعمل کرد. خداوند برای فرجام تاریخ برنامه ای دارد که سیرحرکت تکامل بشری معطوف به سوی آن هدف می باشد که عبارتست ازحکومت عدل جهانی. برای تشکیل حکومت عدل جهانی باید جایگاه نهضت عاشورا و پیام سیاسی آن که در راستای این هدف شکل گرفته است را بازخوانی نمود و برای تبیین مبانی تئوریک تحقق جامعه آرمانی و عدل جهانی تلاش ورزید. در این نوشتار که به عنوان آثار عینی و عملی عاشورا و انتظار در دفاع مقدس نوشته شده است؛ نخست تحلیل اجمالی در خصوص حماسه ی عاشورا انجام دادیم و سپس به بررسی مکتب عاشورا و بهره مندی از حماسه ی عاشورا، عاشورا و انتظار در دفاع مقدس و مسئله انتظار و راهکارهای بهره مندی از حماسه عاشورا، عاشورا و انتظار در دفاع مقدس از دیدگاه صاحبان اندیشه مورد بررسی قرار دادیم. امید است که مورد قبول پروردگار وصاحب امر مهدی صاحب زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

من الله التوفیق

سلسلهٔ قیام امام حسین علیه السلام و نهضت عاشورا

ابتدا به بررسی انگیزه و علّت ایجاد قیام جاودان امام حسین علیه السلام می پردازیم تا بتوانیم اثرگیری یک انقلاب مقدس و در نتیجه انقلاب اسلامی ایران را از این حرکت سازنده و ماندگار ترسیم کنیم. آنچه مسلّم وغیر قابل انکار است، این است که طبق اسناد، آثار و روایات اهل سنت و شیعه، هدف این امام بزرگوار کسب مقامات دنیوی، شهادت برای بخشش گناهان امت ویا انتقام نبوده است. طبق بررسی به عمل آمده از هزار و چهارصد سال پیش تاکنون، می توان از این قیام به عنوان یک قیام مقدس وسرنوشت سازسخن گفت که اثرات آن را در سایر قیام ها و به خصوص انقلاب اسلامی می توان به وضوح مشاهده کرد. عمل امام حسین علیه السلام عمل به تکلیفی بود که تا دنیا باقیست، درجه ی پایین تر آن به عهده ی تمام مسلمین می باشد. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سر رشته ی ولایت گسسته شد و بر اثر دسیسه ی دشمنان دین، اسلام رو به کمرنگی گرایید. چرا که این آیین، زرپرستان، ستمگران و ظالمان را از تعدی به حقوق مستضعفان باز می داشت. لذا کسانی که روزی ادعای مسلمانی و زهد می کردند با نادیده گرفتن هسته و جوهرهٔ دین زیبای اسلام، تنها به اجرای ارکان ظاهری مثل نماز، روزه و ... جهت حفظ مصالح اکتفا کرده چنان وانمود کردند که اسلام همین است و بس. در نتیجه زیر سایهٔ مقدس نمایی و تزویر شروع به نابود کردن اسلام واقعی نمودند؛ تصرف در بیت المال، نادیده گرفتن حقوق مردم، شرابخواری، سلطنت ظالمانه و ... . لذا امام حسین علیه السلام صلاح را در این دیدند که اسلامی را که با موعظه وصبر نمی توان نگه داشت، با شهادت وشهامت برقلّهٔ تاریخ بنشانند وازریر یوغ متجاوزان نجات دهند. ایشان این تجلی سترگ را با یاری جستن ازیاران فداکاروخانوادهٔ بزرگوارش به نمایش درآورد.

در این حماسهٔ بزرگ دو نوع شعار دیده می شود. شعارهایی که نمایانگر خصوصیات فرد است وشعارهایی که علاوه برمعرفی فرد معرف فکر، احساس، نظر و ایده های اوست. از جمله شعارهای زیبای ایشان این بود: نزد من مرگ از ننگ و ذلت و پستی بهتر و عزیزتر و محبوب تر است. این شعار، شعار آزادی، شعار عزت، شعار شرافت و بزرگواریست. پس برای یک مسلمان واقعی مرگ همیشه سزاوارتر است از زیر بار ذلت رفتن. شعارهای اباعبدالله علیه السلام شعارهای احیای دین است. چراکه یک عده در بیت المال مسلمین تصرف کردند وعده ای حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال و امر به معروف و نهی از منکر را تعطیل کردند. آنان مردم را به ظاهر عبادات دلخوش

نمودنـد و خود را ولی مؤمنین و مسـلمان دانسـتند. فرزنـدان پیامبر صـلی الله علیه و آله بنیانگذار مکتب انسان ساز اسـلام را در حاشیه قرار داده و مورد اتهام قرار دادند.

در این حرکت زیبـای عاشورا به تمام زیبایی هایی که می توانـد در یک رهبر، یاران، اهـداف، درس ها و پیام ها وجود داشـته باشـد، می رسـیم. یـک رابطـهٔ عاشـقانه و جانبازی های یاران نشانگر رابطـهٔ الهی بین رهبر و مردم این حرکت زیبا بود که طبق چارت ذیل خصوصیات و پیام های این نهضت را مورد بررسی قرار می دهیم.

ویژگی قیام های مقدس

الف) انگیزهٔ قیام رضای خداوند وگرایش انسان به اهداف عالی چون آزادی، مبارزه با ظلم و استکبار می باشد و هدف از قیام به دست آوردن پست و مقام و ثروت نیست.

ب) در حالی که ظلمت و تاریکی همه جا را گرفته، چون ستاره ای شروع به درخشیدن می کند.

ج) قیامی است منطقی که در جستجوی حقیقت است.

د) بسیار نافذ و براساس بینش و بصیرت است. همانند قیام عاشورا که بی مانند و همیشه تازه و با طراوت است.

ص:۱۴۷

نمودار ارزش های عاشورا

عاشورا و رهبری

عاشورا

اهداف نهضت امام حسین علیه السلام

۱ـ زنده کردن اسلام

۲ـ آگاه ساختن مسلمانان و افشای موقعیت واقعی امویان

۳ـ احیاء سنت نبوی و سیرهٔ علوی

۴ـ اصلاح جامعه و به حرکت در آوردن امت

۵ـ از بین بردن سلطهٔ استبدادی بنی امیه بر جهان اسلام

۶ـ آزاد سازی ارادهٔ ملت از محکومیت سلطه ور در

۷ـ حاکم ساختن حق و نبرد بخشیدن به حق پرستان

۸ـ تأمین قسط و عدل اجتماعی و اجرای قانون شرع

۹ـ از بین بردن بدعت ها و کج رویها

۱۰ـ تأسیس یک مکتب عالی تربیتی و شخصیت بخشیدن به جامعه

ص:۱۴۸

عوامل زمینه ساز قیام خونین کربلا و مکتب عاشورا

۱_ فساد دستگاه خلافت و رهبری

۲_ ظهور بدعتها

۳_ انحطاط اخلاقی و خطر بازگشت به جاهلیت

۴_ بی عدالتی و گسترش ظلم در جامعهٔ اسلامی

درس ها و پیام های عاشورا

۱_ احیاء سنت۱۴_ به فرارسیدن از محاصرهٔ نظامی و اقتصادی

۲_ افشاء باطل۱۵_ برنامه ریزی

۳_ احیاء امر به معروف ۱۶_ استفاده از نقش زنان

۴_ تفکیک مؤمنان و مسلمان نمایان۱۷_ پیوند حماسه و عرفان

۵_ عزت۱۸_ عمل به تکلیف

۶_ مبارزه با طاغوت۱۹_ فرد، فدای مکتب

۷_ همه چیز فدای دین ۲۰_ حمایت از ولی امر

۸_ احیاء مکتب شهادت ۲۱_ دنیا لغزشگاه خطرناک

۹_ مقاومت تا آخر۲۲_ راه بازگشت همیشه باز است

۱۰_ جذب نیرو برای جبههٔ حق ۲۳_ پیشگام نبودن در جنگ

۱۱_ نترسیدن از کمی نفرات۲۴_ حمایت از حقوق مردم

۱۲_ آمیختن کار فرهنگی و ایثار ۲۵_ افزایش تحمل در سایهٔ پیوند با خدا

۱۳_ پیروزی خون بر شمشیر۲۶- راضی بودن از خدا

ویژگی های قیام مقدس:

- الهی بودن انگیزه و نیت

- الهی بودن و تقدس هدف

- اخلاص و فداکاری یاران و همراهان

- مقدس بودن ابزار و شیوه

ویژگی یاران امام حسین علیه السلام:

- بصیرت بالا

- ارتباط عاشقانه با خداوند

- شجاعت کم نظیر

- جهاد در خط امام

- انس با شهادت

ویژگی های حسینیان:

- مقابله با یزید صفتان

- اندیشیدن به لقاء الله

- انتظار فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

- ظلم نکردن و نپذیرفتن ظلم

- دوستی و دشمنی برای خدا

- امر به معروف و نهی از منکر

نمودار انقلاب اسلامی و رهبری

ویژگی های رهبری در انقلاب اسلامی:

- قاطعیت در تصمیم

- پیش بینی حوادث سیاسی، براساس حس تشخیص

- وجود ارتباط عاطفی بین رهبر و مردم

- اطاعت و حمایت مردم از رهبر

اهداف انقلاب اسلامی بر اساس اهداف عاشورا:

- رسواسازی حکومت فاسق و برچیدن بساط سلطنت و شاهنشاهی

- آگاه سازی مردم ایران از هویت واقعی شاه و عواملشان

- اصلاح جامعه و ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

- برقراری قانون و عدل و داد و شرکت مردم در تعیین سرنوشت کشور و خودشان

- کوتاه کردن دست اجانب شرق و غرب

ویژ گی های انقلاب اسلامی:

- حمایت از ولی فقیه (رهبری)

- مشارکت اقشار مردم در فعالیتهای سیاسی _ اجتماعی

- نهراسیدن مردم از محاصره های اقتصادی _ سیاسی

- روحیهٔ شهادت طلبی و آمادگی دفاع داوطلبانه

- شرکت زنان در مبارزات و پس از آن در امور فرهنگی و تربیتی

- زنده نگه داشتن فرهنگ عاشورا با عزاداری ها و گرامیداشت ایام الله

- احیای امر به معروف و نهی از منکر

اگر چه حادثهٔ جاودان عاشورا بسیار تکان دهنده و الگوساز است اما می توان انقلاب اسلامی را نیز از نظر اهداف، ویژگی ها و آثار بسیار مشابه به واقعهٔ عاشورا دانست. چرا؟ زیرا که انقلاب اسلامی تمامی الگوهای خود را از عاشورا و مکتب انسان ساز آن گرفته است.

انقلاب ها در طول تاریخ

انقلاب ها در طول تاریخ، دچار آفت های بزرگی شده اند، که پس از دستیابی به هدفهای نخستین و تشکیل حکومت و تأسیس نظام، انقلاب به نظام تبدیل می شود و انقلابیون فراموش می کنند که برای چه آرمانها و هدف های نهایی انقلاب کردند. و چه اصول و معیارهایی را باید عملی سازند. شگفت آور اینکه حتی از یادها می برند که از چه طبقه ای بودند و باید درخدمت آن ها باشند. اینها همه فراموش می گردد و روحیه و حال و هوای انقلاب سایه بر می گیرد و سازشکاری به سراغشان می آید، و آزمندی طبیعی انسان و آسایش طلبی، جای ساده زیستی و سخت کوشی انقلابی را می گیرد و به زر اندوزی و کاخ سازی و شادخواری روی می آورند. مردم یعنی پایگاه اصلی حکومت و انقلاب را فراموش می کنند و از آنها فاصله می گیرند. در قصرهاوکاخ ها مسکن می گزینند ودربانها ونگاهبانان وحاجبان می گمارند، و به تودهٔ انسان ها پشت می کنند. آری سرگذشت غمبار انقلابهای بشری در تاریخ به این صورت بوده است. امّا سرنوشت انقلابی که الگوی آن نهضت عاشورا باشد چیزی به جز نابودی است.

انقلاب حسینی علیه السلام - انقلاب خمینی قدس سرّه

دو حرکت سیاسی مهم از نظر وجود وجوه مشترک در این خصوص، همچون شعارها، شاخص ها و اهداف کار بزرگی است که همیشه مورد بحث دوستان و دشمنان و تحلیل گران عرصه های سیاست و فرهنگ بوده است. به گونه ای که بسیاری بر این عقیده اند که نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی قدس سرّه بر گرفته از قیام عاشورا و حرکت حضرت امام حسین علیه السلام در محرم سال ۶۱ هجری بوده است. تحلیل گران بر این عقیده اند که نه تنها پیدایش این انقلاب ریشه در چشمهٔ همیشه جوشان کربلا دارد. بلکه بقا و استمرار آن نیز بستگی به قرار گرفتن آن در زلال جاری محرم و صفر دارد. از این رو، به همان اندازه که دشمنان انقلاب درصدد تضعیف عاشورا هستند و عاشورازدایی را سر لوحه برنامه های سیاسی و فرهنگی خود قرار داده اند؛ دوستان و مدافعان انقلاب نیز درصدد حفظ شعارها، شاخص ها، آرمان ها و اهداف عاشورای واقعی هستند و در دفاع از فلسفه واقعی قیام امام حسین علیه السلام از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند.

عاشورا مبدأ تاریخی انقلاب

موجودیت عاشورای حماسی و استکبارستیز، با موجودیت انقلاب عاشورایی ایران چنان به یکدیگر بستگی یافته که نفی و تحریف یکی از آنان به نفی و تحریف دیگری می انجامد.

اشتراکات انقلاب اسلامی با عاشورای حسینی

حضرت امام خمینی قدس سرّه در خصوص یزید و حکومت اسلام ستیز بنی امیه و انگیزهٔ قیام حضرت امام حسین علیه السلام می فرماید:

می رفت که با کجروی های تفالهٔ جاهلیت، اسلام محو و نابود شود و از حکومت عدل الهی یک رژیم شاهنشاهی بسازد که ناگهان شخصیت عظیمی که از عصارهٔ وحی الهی تغذیه و در خاندان سیدرسل محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و سید اولیا علی مرتضی علیه السلام تربیت و در دامان صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام بزرگ شده بود قیام کرد و با فداکاری بی نظیرش و نهضت الهی خود واقعهٔ بزرگی را به وجود آورد. (۱) به اعتراف دوست و دشمن، ویژگی های فردی رضاشاه و محمدرضا پهلوی و برخورد آنان با تعالیم اسلام درست مانند معاویه و یزید بود. چه در تحریف اسلام و چه درسرسپردگی به بیگانگان که امام نیز پس از مشاهدهٔ کج رویها در روز اول بهمن ۱۳۴۱ در اعلامیه ای تاریخی

۱- _ صحیفهٔ نور، ج ۱۲، ص ۱۸۱.

نگاشت: من اکنون قلب خود را برای سرنیزه های مأمورین شما آماده کرده ام ولی برای قبول نمی خواهم. کاش مأمورین مرا بگیرند تا تکلیف نداشته باشم.

امام چون مولا یش به سراغ منکر اصلی رفت و بر اصل امر به معروف و نهی از منکر تکیه کرد و مردم را به سمت و سویی سوق داد که با فرا رسیدن محرم سال ۱۳۸۳ هـ. آنان خود را در محرم ۶۱ دیدند و معنای« کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» را با همهٔ وجود درک کردند. خود را با عاشورایی دیدند که یزیدش کسی جز شاه نبود.

انقلاب عاشورایی امام با فداکاری شهادت طلبانهٔ مردم ایران به پیروزی رسید. امام این پیروزی را نتیجه تأسی مردم به قهرمانان عاشورا برشمرد و فرمود: ملت ما از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را در راه خدا فدا کرد و این اقتدا به بزرگمرد تاریخ حضرت سیدالشهداء علیه السلام است. حضرت امام حسین علیه السلام به همه آموخت که در مقابل ظلم و ستم حکومت جائر باید قیام کرد. در تحلیل مشترکات اسلامی با نهضت عاشورا، باید به این نکته اشاره کرد که همان گونه که حضرت امام حسین علیه السلام هدف قیام خود را اصلاح در امت جدش، یعنی بازگرداندن مسیر زندگی فردی و اجتماعی امت اسلام به سرچشمهٔ معارف و سیرهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کرد. امام نیز هدف انقلاب را به دست گرفتن قدرت درراستای تأسی به سیرهٔ پیامبران بر شمردند. البته با این تذکر که بین دولتمردان اسلامی با انبیاء فاصله ای است غیر قابل قیاس اما در نهایت هدف همان است. اگر امام حسین علیه السلام در کربلا از یاران خود به بهترین و وفادارترین یاران یاد کرد. امام راحل نیز از یاران وجوانان زمان خود به بی نظیرترین مدافعان اسلام یاد کرد وفرمود: نظیرمجاهدین این زمان، نظیر این جوان های این زمان ازاول تاریخ تاحالا نبوده است اگرآنهابوده اند امّا کم بوده اند. (۱)

همان گونه که اصحاب و یاران امام حسین علیه السلام در مکتب توحیدی امام به مقام و منزلتی رسیدند که حاضر به هر گونه جان فشانی در رکاب حضرت شدند و در این راه مرگ را شیرین تر از عسل یافتند، یاران امام راحل نیز در اعتقاد به حق بودن مسیر امام به مقام و منزلتی رسیدند که هرگز از مرگ نهراسیدند و به امامشان در سخت ترین شرایط خیانت نکردند.

چرا قیام ؟

۱- . صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۵۶.

قیام امام حسین علیه السلام و قیام امام خمینی قدس سرّه به خاطر بازگرداندن اصل امر به معروف و نهی از منکر به عرصهٔ زندگی فردی و اجتماعی بود، اصلی که موجب شده بود تا امت محمد صلی الله علیه و آلهدر بالاترین جایگاه در بین پیروان ادیان توحیدی قرار گیرند. امام حسین علیه السلام و به دنبالشان امام خمینی قدس سرّه به خوبی دریافته بودند که این نشان و مدال برگزیدگی و اصل محوری و مایهٔ مباهات امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها از زندگی اجتماعی مسلمانان رخت بر بسته است، بلکه در حوزهٔ فردی نیز در حال فراموشی است. اگر مراتب امر به معروف و نهی از منکر را به انکار قلبی، انکار زبانی و انکار عملی تقسیم کنیم _ که نقطه نظر همهٔ مراجع نظام است _ خواهیم دید که جامعهٔ ما به سویی سوق داده شده بود که حتی امر به معروف در پایین ترین حد (انکار قلبی) هم نمود نداشت. یعنی کمترین واکنشی که یک فرد مسلمان و مؤمن در برابر زشتی ها و حرکات ناشایست از خود نشان می داد هم دیده نمی شد. (رفتار مسلمانان عصر امام حسین علیه السلام قبل و پس از شهادت ایشان _ رفتار مردم ایران قبل از انقلاب در خیابان ها و رویارویی با مظاهر فساد) امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: واضح است که ظهور فساد سیاسی در دستگاه های دولتی، فساد اقتصادی و معاملات بین المللی، ظهور ابتذال فرهنگی در عرصهٔ هنر، ظهور نحله های فکری و جریان های التقاطی و الحادی، ریشه در افتادن پرچم امر به معروف و نهی از منکر دارد و شاه و یزید غاصبان این جایگاه، مظاهر فساد و عاملان اصلی تعطیل امر به معروف و نهی از منکر بودند. (۱)

تاثیرفرهنگ عاشورا بر انتظار

وقتی به حادثهٔ عاشورا می نگریم، تمام شخصیت ها را در تمامی سنین و هر کدام را با یک درخشش خاص مشاهده می کنیم که از زن و مرد و کودک، غلام و آزاد، سیاه و سفید، همگی در تقابل با جبههٔ باطل یکرنگ و یکدل شده اند.

اگر چه مردم ایران قبل از پیروزی انقلاب نیز علاقه مند به شعائر اسلامی و دین مبین اسلام بودند ولی با ظهور پیروزی و آغاز انقلاب اسلامی این عقیده و این عشق را به میدان عمل آوردند. به طوری که در عرصه های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی افراد به چشم می خورد. شعارهای انقلاب متأثر از فرهنگ عاشورا بر زبان مردم جاری شد، مجالس وعظ و خطابه و عزاداری نیز پیوند انقلاب اسلامی را با عاشورا مستحکم تر کرد.

۱- . کافی، ج ۵، ص ۵۵.

دشـمنان اسـلام در پی پیروزی انقلاب به دسـیسه و توطئه های گوناگون دست زدنـد. ولیکن امـدادهای غیبی و عنایات خاص خداوند و اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام شامل حال مردم انقلابی ایران گردید.

حضـرت امـام بـا الهـام از واقعیت هـای عـاشورا و انقلاب اسـلامی ایران، در سالروز قیام ۱۵ خرداد در سـال ۶۱ ه_ .ش چنین فرمودند: ملت عظیم الشأن در سالروز شوم این فاجعه انفجارآمیزی که مصادف با ۱۵ خرداد ۴۲ بود، با الهام از عاشورا آن قیام کوبنـده را به یـاد آورد. اگر عـاشورا و گرمی و شور و انفجاری آن نبود، چنین قیامی بـدون سابقه و سازمانـدهی صورت نمی گرفت. واقعـهٔ عاشورا از سال ۶۱ هجری قمری تـا خرداد سال ۶۱ ه.ش و از آن تا قیام عالمی بقیه الله ارواحنا لمقـدمه الفـداء در هر مقطع انقلاب ساز است. (۱)

بهره مندی دفاع مقدس از حماسهٔ عاشورا

از مهم ترین نقشه هـای شوم دشـمنان انقلاـب به نیت نابودی دین و مردم ایران، جنگ تحمیلی بود که بایـد مورد بررسـی قرار گیرد. کشـور ایران در منطقه ای استراتژیـک قرار گرفته و دارای مرزهـای آبی و خـاکی گسـترده ای است. از ابر قـدرت هـای همسایـهٔ ایران، ابر قـدرت شـرق بود که علاوه بر مرز مشترک با کشورهای پاکسـتان و افغانسـتان نیز هم مرز هستیم که از میان این همه کشور، همسایه عراق برای جنگ با ایران انتخاب شـد. این تقـدیر الهی برای اوج به رسـیدن الگوگیری از عاشورا بود. حضـرت امام قـدس سرّه می فرمود: شایـد اگر دشـمن از نقطهٔ دیگری غیر از عراق به ایران حمله می کرد، سـرنوشت جنگ و انقلاـب به گـونه ای دیگر رقم می خورد. امـا عراق کشور خطرهـا و خـاطره هـاست وبیشـترین پیشوایـان معصوم در آن کشور مدفونند. نجف، کاظمین، سامرا، کشوری است که قبلهٔ دل های شیعیان جهان یعنی کربلا را در خود جای داده است. (۲)

خداوند که همواره دشـمنان خودرا به حماقت مبتلا می کند، چنین مقرر فرمود که نظام سـلطه از جایی به سـرزمین ایران حمله کند که نه فقط آبی بر آتش شـعار و شـعر عاشورایی آنان نشود، که آنان را به عشق رسـیدن به کربلا شعله ورتر سازد و بدون آنکه دشـمن بدانـد یا بفهمـد زمینه را برای به اوج رسـیدن الگوگیری از نهضت عاشورا فراهم آورد. و «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» به عیـان تکرار شود و ایران یکپـارچه کربلاـیی دیگر گردد. عملیـات هـا، مناطق عملیاتی، دسـته ها، گروهان ها، گردان ها، تیپ ها و لشـگرها همه بوی کربلا و عاشورا گرفت و جبهـهٔ حق و باطل بار دیگر در صـحنهٔ عمل در برابر یکـدیگر قرار گرفتند. رزمندگان اسلام در طول هشت سال دفاع مقدس، در آرزوی

۱- . صحیفهٔ نور، ج ۱۶، ص ۱۱۹

۲- . صحیفهٔ نور، ج ۱۷، ص ۲۲.

رسیدن به کربلا- و در سایهٔ اطاعت محض از مقتدای خود قاسم، علی اکبر، عباس، عون، جعفر علیهم السلام و دیگر یاران حسین علیه السلام برآمدند و زنان جامعهٔ اسلامی زینب، رقیه و سکینه علیهم السلام شدند. پیکرهای شهدا بر دوش مردم در کوچه و پس کوچه های هر شهر و دیار با شعار و شعور عاشورایی در هم آمیخت و بوی کربلا و عاشورا در همه جای کشور پیچید. وقتی زبانه های جنگ تحمیلی به شهرها نیز کشیده شد، این حادثه بر تحکیم الگوگیری از عاشورا افزود و همهٔ کشور به کربلایی دیگر مبدل گشت آنچه مردم در مجالس روضه شنیده بودند، به یک باره خود را در همان صحنه یافتند. روزهای انقلاب نیز از الگوگیری عاشورا بی نصیب نماند، روز جانباز، روزپاسدار، روزآزادگان، هفتهٔ بسیج، هفتهٔ دفاع مقدس، و... لقب گرفت. اشک، مشک، سنگر، تشنگی و دیگر موارد رزمندگان با کربلا و عاشورا پیوند خورد و مقاومت حسینی سربازان خمینی دشمن را زمین گیر کرد. همچون عاشورا که اگر آب را نبسته بودند سرنوشت مبارزه تغییر می کرد، دشمن رگ حیات رزمندگان اسلام را در دفاع مقدس به دست گرفت. اگر درکربلا- آب را بر حسینیان بستند، در این کارزاراجازهٔ تنفس به سربازان خمینی ندادند. دشمن که از شکوه عاشورایی دلیر مردان جبهه های نبرد به ستوه آمده و مستأصل شده بود، تصمیم گرفت آنان را نفس گیر کند و اجازهٔ تنفس را از آنان بگیرد و با گازهای شیمیایی آنان را به زانو در آورد. این هم شیطنت دیگری بود که تاریخ انقلاب اسلامی را با عاشورا پیوند می داد.

عاشورا سرمشق انقلاب اسلامی

عاشورا در بحرانی ترین شرایط اجتماعی سیاسیِ جامعهٔ اسلامی رخ داده است. با اینکه همه سمت ها و نهادهای گوناگون، اعم ازسیاسی اجتماعی و در اختیار جبههٔ باطل بود، کاروان حسینی در نهایت مظلومیت و محدودیتهای متعدد حرکت خود را آغاز کرد.

علل جاودانگی این نهضت به ظاهر کوچک، الگوگیری، الگو سازی و الگودهی آن است. زیرا امام حسین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام الگو گرفت و حرکت خود را به گونه ای آغاز کرد که با الگوسازی و الگودهی در ابعاد گوناگون، به کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا تبدیل شد و به همین دلیل عاشورا الگوی فراگیر در همهٔ زمان ها و مکان ها برای آزادی خواهان جهان گردید.

انقلاب اسلامی انقلابی است که بیشترین ریشه را در عاشورا دارد. چنانچه امام خمینی قدس سرّه فرمودند «ما باید متوجه این معنا باشیم که اگر قیام سید الشهداء علیه السلام نبود امروز ما نمی توانستیم پیروز شویم. انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است.» (۱)

الگو گیری در مبارزه با طاغوت:

با گذشت ۵۰ سال از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، حکومت اسلامی در این مدت کوتاه به بحرانی ترین وضع خود رسیده بود. خط نبوتی که باید از طریق امامت امتداد پیدا می کرد، به واسطهٔ حکومت و سلطنت معاویه و فرزندانش کاملاً محو شده بود. از این جهت مهم ترین معضل جامعهٔ اسلامی وجود طاغوتی چون یزید بود که امام حسین علیه السلام مبارزه با طاغوت را از مهمترین اهداف خویش می دانست.

در سال های قبل از انقلاب اسلامی و آغاز حرکت امام خمینی قدس سرّه در سال ۴۲ شمسی جامعه اسلامی ایران، موقعیت بسیار مشابهی با شرایط جامعه عصر امام حسین علیه السلام و حکومت سلطنتی بدون هیچ گونه شایستگی بر مسلمانان حکمرانی می کرد.

از این جهت امام راحل با اقتدا به سید الشهداء علیه السلام مبارزه با طاغوت را در رأس فعالیتهای خود قرار داد و فرمود: من مخالف اصل سلطنت و رژیم شاهنشاهی ایران هستم، به این علت که اساساً سلطنت نوع حکومتی است که متکی به آرای ملت نیست، بلکه شخصی به زور سرنیزه بر سر کار می آید و سپس با همین سر نیزه مقام زمامداری را در خاندان خود به صورت یک حق قانونی بر مبنای مقررات به مردم تحمیل می کند. (۲)

الگو گیری از بعد عرفانی و احساسی عاشورا

امام حسین علیه السلام در قیام عاشورا از احساس مردم و از مسئله عجین شدن احساس و عرفان استفاده نمودند که علاوه بر گسترش معرفت و آگاهی های لازم به مردم از احساسات پاک مردم نیز برای نفوذ پیام جاودانهٔ عاشورا بهره می برد.

۱- . صحیفهٔ نور، ج ۸، ص ۱۲.

۲- . در جستجوی راه امام از کلام امام – دفتر شانزدهم

[حضرت امـام با تکیه بر مظلومیت کاروان حسـینی جوانان را به آزادی خواهی و آزادگی بر اساس مکتب عاشورا برانگیخت. ایشان خود سخت متأثر از نهضت عاشورا بودند و به صراحت نقش مجالس روضه و عزاداری ها را عامل تحرک و بیداری می دانستند. در همین راستاست فرمایش ایشان:

الآن هزار و چهار صد سال است که با این منبرها، با این روضه ها و با این مصیبت ها و با این سینه زنی ها ما را حفظ کرده اند و تا حالا اسـلام را آورده اند. سید الشهداء علیه السلام و مکتبش را این گریه ها، این مصیبت ها و این دسته-جات حفظ کرده است.

محرم ماه نهضت بزرگ سید الشهداء و سرور اولیای خداست که با قیام خود در مقابل طاغوت تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشـر داد و در راه فنای ظالم و شکسـتن ستمکار و فدایی شدن دانست و این خود سر لوحهٔ تعلیمات اسلام است برای ملت ها تا آخر دهد.] (۱)

الگوگیری در احیای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله

مشـکل دیگر جامعهٔ اسـلامی عصر امام حسین علیه السلام مهجور ماندن قرآن و عترت، به علت تحولات سیاسی بود. به طوری که اسـلام را کاملاًـ وارونه جلـوه دادنـد و حلاـل و حرام جایگـاه واقعی خود را در منظر افراد از دست داده بود. از طرف دیگر مردم شام هم که به حکومت معاویه عادت کرده بودند، خبری از اسـلام واقعی نداشتند. امام خمینی قدس سرّه با الگوگیری از سالار شهیدان برای نخستین بار نقاب از چهرهٔ افراد سرسپرده که منافع خود را در سایه اسلام بی-روح و عاری از روحیهٔ جهاد، شهـادت و مبـارزه بـا طـاغوت می دیدنـد، برداشت. حرکت امـام بـا طرح تئوری ولایت فقیه دوباره روح و محور اصـلی جامعه اسلامی را به آنان بر گرداند و این مهمترین امتیاز امام از سایر فقهای گذشته بود.

الگوگیری از عاشورا راه تداوم انقلاب

انقلاب ما با نام آن حضـرت آغاز شـد، پیروز گشت و امروز به اینجا رسـیده ایم. برای ادامهٔ حرکت انقلاب نیز سـخت نیازمند الگوگیری بهتر و بیشتر از فرهنگ عاشورا هستیم. اگر چه اکنون ما با دشـمنان اسلام و انقلاب در جبهه های نبرد زمینی درگیر نیستیم، اما نه جبهه ها محدود به زمینی است و نه جنگ تمام شدنی و نه دشـمنان ما را رها کرده اند. بلکه صورت نبرد و جهاد به تنـاسب هر موقعیتی متفـاوت شـده است. امروز ارزش و ثواب جهـاد فرهنگی، علمی و .... نه فقـط کمتر از مبـارزه در زمـان جنگ تحمیلی نیست که از جهاتی پیچیده تر از آن روزگاران است. اگر

۱- . منبع: صحیفهٔ نور، ج ۸، ص ۶۵ _ صحیفهٔ نور، ج ۲، ص ۱۱.

در دوران انقلاب و دفاع مقدس، هر شـهید و جانبازی پرچم افتخاری بود که در دسـتان و بر شانه های ما به اهتزاز در می آمد، اکنون در جبهه های فرهنگی از دست دادن یا زخمی شدن هر جوانی، می تواند مایهٔ سرافکندگی ما باشد، زیرا در این صورت فردی از جبهه هـا جـدا و به جبهـهٔ دشـمن پیوسـته است. امروزه دشـمنان بـا مانع تراشـی در پیشـرفت های علمی و فرهنگی می خواهند رگ حیات جامعه، به ویژه جوانان ما را در دست بگیرند. پس باید هوشیار باشیم «کل یوم عاشورا و کل یوم کربلا».

عاشورا ـ انتظار

مبحث عاشورا و انتظار باید از ابعاد گوناگون مورد بررسـی قرار گیرد. از ابتدای ظهور اسـلام همیشه گروهی بودند که قادر به پذیرش دین نبودند و دین ستیز بودند. طبق مسـتندات موجود در قرآن و روایات، همیشه کسانی بودند که خواهان سلطهٔ ظلم و ستم بودند تا هر چه بیشتر قادر به رسـیدن به اهداف و آمال دنیوی خویش باشـند. لذا هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به گمان اینکه مسـئله دین نیز، پس از پیامبر کمرنگ می شود شادمان شدند و اراده کردند که دین اسـلام را به کلی نابود کننـد اما از طرفی خداونـد متعال وعـده داده بود که دین الهی، بر جهان غالب خواهـد شد. در آیات قرآن نیز به این مسـئله نیز اشاره شـده است. آری به گفتـهٔ پروردگار بایـد زمین به دست صالحان بیفتـد. البته زمین، نه مدینه، نه ایران. بلکه کل ارض به دست آنان باشد. مستضعفان مورد توجه قرار گرفته و در شرایط مناسبی زندگی خواهند کرد.

شرایط تحقق وعدهٔ الهی:

برای ایجاد چنین حکومتی شرایطی لازم است که متأسفانه در دوران امام علی علیه السلام با بحران امر خلافت روبرو می شویم که پس از بیست و سه سـال رنـج و زحمت پیـامبر، امر خلافت در غـدیرخم مطرح شـد امّا بلافاصـله پس از رحلت پیامبر مورد خـدشه قرار گرفت. حق ولایـت غصب و دین اسـلام دوبـاره توسـط افراد دین سـتیز در معرض خطر بزرگی قرار گرفت. آری مسـئله ارتداد و خط انحرافی بسـتن آمد و نزدیک بود که جامعه به سوی گذشته و جهل خود باز گردد و سیدالشهداء چاره ای جز اینکه بـا اقـدام خود بـا نهضت خود و بـا قیام خود آن عقب گرد را به صورتی برگردانـد، با یک روشـنگری، با واقع شـدن حادثه ای که هرگز دنیا این حادثه را فراموش نخواهد کرد، آری ابی عبدالله علیه السـلام نگذاشت این خط انحرافی امتداد پیدا کند.

سخنان امام خمینی قدس سرّه در خصوص تأثیرات انقلاب از عاشورا:

انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است. تمام این وحدت کلمه ای که مبدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزا، سوگواری بود و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد.

گمان نکنید که اگر این مجالس عزا نبود و اگراین دسته جات سینه زنی ونوحه سرایی نبود،۱۵خرداد پیش می آمد. تقریباً ما به این مرتبه رسیده ایم که ملت ما یک دفعه یک انقلابی کرد و یک انفجاری درونش حاصل شد که نظیر آن در هیچ کجا نبود. یک ملتی که همه چیزش وابسته بود. رژیم سابق همه چیز را از دست داده بود و همهٔ شرافت انسانی این کشور را از دست داده بود و همه چیز ما را وابسته کرده بود. یک دفعه انفجاری حاصل شد که این انفجار از برکت همین مجالسی بود که همهٔ کشور را، همهٔ مردم را دور هم جمع می کرد و همه به یک نقطه نظر می کردند. همین مساجد و روضه ها و همین روضه های هفتگی، همین ها توجه مردم را و همان هماهنگی را ایجاد می کند. اگر دولتهای دیگر بخواهند هماهنگی بین تمام قشرها را پیدا کنند میسّر نیست. با صدها میلیارد تومان هم برایشان میسّر نیست. ما را سید الشهداء علیه السلام این طور هماهنگ کرده، ما برای سید الشهدایی که این طور هماهنگ کرده اظهار تأسف نکنیم. ما گریه نکنیم؟ گول این شیاطینی که می خواهند این حربه را از دست شما بگیرند نخورید. جوانهای ما، همین ها هست که ما را حفظ کرده مملکت ما را حفظ کرده. حق پیروز است. منتها ما رمز پیروزی را باید پیدا کنیم که رمز پیروزی ما چه بوده است و رمز بقای شیعه در این طول زمان. از زمان امیرالمؤمنین علیه السلام تاحالا یکی از رمزهای بزرگی که بالاترین رمز است، قضیه سیدالشهداء علیه السلام است. اگر ما بخواهیم مملکتمان یک مملکت مستقلی باشد، یک مملکت آزادی باشد، باید این رمز را حفظ کنیم. این هماهنگی که در تمام ملت ما در قصّهٔ کربلا هست، این بزرگترین امر سیاسی و روانی است در دنیا. تمام قلوب با هم متّحد می شوند. اگر خوب راهش ببریم، ما برای این هماهنگی پیروز هستیم و باید قدر این را بدانیم و جوانهای ما توجه به این مسائل داشته باشند.

جریان قیام و نهضت امام حسین علیه السلام دارای مقدماتی بود که با فراهم آمدن آن شرایط این قیام شکلی جاودانه به خود گرفت. یکی از مقدمات بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود. مسئلهٔ بعدی ولایت و غدیر بود. حال برای کامل شدن این حلقه بود که عاشورا پدید آمد و هیچگاه نباید فراموش شود تا مردم به هدف اصلی یعنی به وعدهٔ الهی نزدیک شوند. آری گسترش پیام عاشورا چه بین انسانهای شیعه که به امامت اعتقاد دارند و چه میان کسانی که این اعتقاد را ندارند باید صورت بگیرد. امّا این زنده نگه داشتن به دو گونه میسّر است: یکی برگزاری مراسمات عزاداری و گریه بر سید الشهداء علیه السلام و یارانش که خود احیاگر این حادثه است که به حمدالله تاکنون اجرا شده و در آینده خواهد

شـد. دوّم تحلیـل این واقعه در حین عزاداری هـا و توجه به پیـام هـا و نکات آینـده ساز آن است. همان گونه که می دانیـد در زیارت عاشورا ما چنـدین مرتبه قاتلان را مورد لعن قرار می دهیم. کسانی که با امامت و دین درستیز بودنـدرالعن می کنیم آل امیـه ومعـاویه و ... کـه ایـن درجـای خودبسـیارنیکوست. امّـا مـا بایدبیدارباشـیم و بـدانیم که فرعونیـان وآل امیه فقـط درزمـان خودنبودنـد. بلکه امروزه نیز هر که بـا دین و مقـدسات احیا شـده در واقعـهٔ عاشورا در ستیز است، از خانوادهٔ فرعون و بنی امیه است. کسانی که همان خط دین ستیزی را تأسیس کردند و ادامه دادند حال می خواهند از بنی امیه باشند یا غیر در هر صورت مورد لعن و نفرین مـا هسـتند. آری مـا از ظلم و ظـالم در هر زمـان و بُرهه از تاریـخ مخالفیم لـذا ما نبایـد با واقعهٔ عاشورا یک برخـورد نـاقص بکنیـم. و آن را بـه عزاداری محض خلاـصه کنیـم. مـا هم گریه می کنیم هم لعن می کنیم و هم به آینـده نظر داریم یعنی منتظر همان وعدهٔ الهی هستیم. گریهٔ ما مقدمهٔ آن است. بیزاری ما مقدمهٔ آن است. اینجاست که عاشورا و انتظار به هم گره می خورند وقتی ما امام حسین علیه السلام را زیارت می کنیم. مسئله امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مطرح می کنیم و از خـدا می خواهیم که ملاقات با امام زمان و شـهادت درركابش را روزی ما کنـد یعنی ما هم نفرین بر دشـمنان و هم نظر به آینده داریم و هم منتظر امام زمان هستیم. اگر بخواهیم وعدهٔ حق محقق شود. مقدماتی دارد و مقدمه اش اینست که این عزاداریها بایـد ادامه پیـدا کنـد. عاشورا با انتظار معنا پیدا می کند، و به احتمال قوی دوری و نزدیکی به این واقعه به همین عاشوراهـا و همین منتظران بسـتگی دارد، و چـون از انتظـار سه برداشت می توان کرد، که هر سه هم مطلوب است. هر سه جزء ارزش هاست همهٔ جهان منتظر باشند ولوخودشان اهل فسق و فجور باشند.

دسـته ای از مردم که آلـوده و اهـل فسـق و فجورنـد امّـا اینـان خودشـان هم روز به روز خسـته تر می شونـد و آرامش خـود را ازدست می دهند و این خود از مقدمات انتظار است. دسـتهٔ دوم کسانی هستند که با دعا و توسل خواهان ظهور ایشان هستند و دسـتهٔ سوم کسـانی هسـتند که بـا خودسـازی در واقعـهٔ عاشورا خود را می سازنـد. چرا که ظهورحالت معجزه دارد ولی باز هم نیازمند نیرو وزمینهٔ مناسب می باشد. لذا مسئله عاشورا داسـتان کربلا و حادثهٔ کربلا با مسـئله امام زمان و انتظار امام زمان گره خورده است. پس باید هم عزاداری کنیم و هم به فکر تهذیب نفس باشیم.

حضـرت سید الشهداء علیه السلام می فرمایند:«من قیام کردم برای اصلاح امت جدم» که این قیام منحصر به زمان خودش نبوده است. خود امام حسـین علیه السـلام می فرمایـد بایـد حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف بیاید تا آن هدف نهایی ما تأمین بشود.

نکاتی در خصوص رابطهٔ عاشورا و انتظار

نکتهٔ اول: مصیبت شهادت امام حسین علیه السلام به قدری بزرگ و عظیم است که از آغاز خلقت مطرح بوده است و عظمت به شهادت رسیدن حجت خدا(خلیفه الله) را فقط حجت خدا درک می کند. آری عمق آن را فقط مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می داند. از این روست که خونخواهی حسین علیه السلام باید به دست معصوم صورت گیرد نه کسی که نسبی از او برده است. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتقم و خونخواه حسین علیه السلام است.

نکتهٔ دوم: تأمل در شباهت های دو امام:

مشابهت امام در القاب مشترکی چون غریب، طرید و شرید، تأمل بر انگیز است. یاری رسان به ابا عبدالله علیه السلام یاری کنندهٔ مهدی صاحب زمان است. ما التفات از حسین علیه السلام به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بر عکس آن را در زیارت ها و دعاها خوانده ایم. همانگونه که آن بزرگوار را که فرشتگان خادم درگاه او بودند و ملائکه پاسبان گهوارهٔ او، روزی به وسیلهٔ زرو زور و تزویر وشهوت به فراموشی سپرده شد و پیکر مقدسش از میان تلی از نیزه و تیر و سنگ ها، به زحمت زینب علیها السلام شناسایی شد و امروز اگر زر و زیور و شهوت تو نیز رها نباشی در مقابل ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهی ایستاد.

نکتهٔ سوم: مواضع مردم در مواجهه با قیام امام حسین علیه السلام و ظهور قائم

امام صادق علیه السلام فرمودند: مردم دربارهٔ ما سه گروهند: گروهی ما را دوست دارند سخن ما را حفظ می کنند، منتظر فرج ما هستند تا به دنیا برسند، ولی عمل ما را انجام نمی دهند. اینان اهل دوزخند. گروه دوم نیز ما را دوست دارند، سخن ما را می شنوند منتظر فرج ما هم هستند و عمل ما را انجام می دهند برای رسیدن به دنیا و دریدن مردمان، اینان نیز جایگاهشان دوزخ است. گروه سوم ما را دوست دارند سخن ما را حفظ می کنند منتظر فرج ما هستند دستورات ما را عمل می کنند. و با آن مخالفت نمی کنند (برای خدا) اینان از ما و ما از آنانیم.

ما از کدامیم؟

نکتهٔ چهارم: آزادی و عذرخواهی از امام

در مسئله عذرخواهی حرّ، این مرد آزاده که با شهامتی که داشت توانست با صراحت و بدون غرور از کردهٔ خود عذر خواهی کند راز بزرگی نهفته است. آن راز این است که ما در حق امام عصر خود کوتاهی کرده ایم. اگر او را فراموش نکرده بودیم، دیدار ایشان برای ما به تأخیر نمی افتاد و پس از توبه باید حرّ وار عذرخواهی کرده و عزم حمایت و دفاع از ایشان را بکنیم.

نکتهٔ پنجم: وجوه مشترک یاران امام حسین علیه السلام و حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف

ویژگی هایی در یاران امام حسین علیه السلام وجود داشت که برخی از این ویژه گی ها را در منتظران و یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم می توان یافت. معرفت به خدا و مقام امام، عبادت و یاد خدا، اخلاق، ایثار و... .

نکتهٔ ششم: روحیهٔ شهادت طلبی و نهراسیدن از مرگ

مسئله شهادت طلبی و حل تعامل انسان با مرگ، مسئله ای بسیار مهم است. فرد و جامعه ای که موضوع مرگ را برای خود حل نموده است از هیچ خطر و تهدیدی هراس ندارد. یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با الگوگیری از یاران امام حسین علیه السلام در راه عشق هر چه دارند در طبق اخلاص نهاده و می دانند که نهراسیدن از مرگ، خلع سلاح کردن دشمن است. اینجاست که دشمنان هم پی برده اند که رمز قیام و مقاومت شیعه، نگاه سرخ، شهادت و الگوی با عظمتی چون امام حسین علیه السلام و رمز مقاومت آنان نگاه سبز امید و وصال امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

نکتهٔ هفتم: زنان چه در طول تاریخ (مریم، آسیه و حضرت زهرا علیهم السلام) و چه در عاشورا(طوعه، مادر عبدا...بن عمیر و بزرگترین آنان زینب علیهم السلام) و زنان منتظر یاوران مهدی در دوران رجعت (صیانه، سمّیه) از جایگاه مهمی برخوردار هستند لذا نقش زنان و اهمیت تربیت نسل منتظر بسیار مهم است که امروزه کمرنگ شده است. مردان بزرگ همه مدیون مادرانی بوده اند که آنان را پرورانده اند.

مانع بزرگ راه امام، طاغوتان، مستکبران نظامی، سیاسی و مالی اند، با همهٔ ابزاری که امروزه به آن دست یافته اند. مانع بزرگ دیگر، توده های نادان و فریب خورده اند که ناخودآگاه ابزار دست صاحبان زر و زور و تزویر می گردند و با امام به جنگ بر می خیزند.

نابودی همهٔ طاغوتان و مستکبران و مراکز قدرت بشری کار ساده ای نیست و راه نجات انسان منحصر است به همین نابودی همهٔ این طاغوتیان، و این امر جز در پرتو ایمان و قدرت الهی و ارادهٔ مهدوی تحقق نخواهد یافت. پس انتظار آن قیام و انقلاب را باید داشت زیرا ویژه گی های راه و کار و برنامه های آن امام است که توان چنین موضوع عظیم و بی مانندی را دارد و خداوند قدرت رویارویی با همهٔ مستکبران و سلطه گران بشری را به او داده است.

انتظار و احساس امام و امت

برای روشن شدن ژرفای دریای بیکران انتظار در قلب و روح الهی امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف اندکی دربارهٔ چگونگی پیوند روحی امام و امت سخن می گوییم.

در تعالیم ما این احساس اینچنین مطرح شده است.

امام رضا علیه السلام : امام امین و دوست و برادر مهربان است، مانند مادری مهربان است نسبت به فرزند خردسال خود و پناهگاه مردم است. (۱)

این نشانگر ارتباط عمیق روحی بین امام و امت است. حضرت علی علیه السلام می فرمایند: ما در شادمانی شما شاد می شویم و برای اندوه شما اندوهگین می شویم.

امام حسین علیه السلام نیز با چنین احساسات و شوری با ستمگران کارزار کرد و تمام رنجها و دردها را به جان خرید و سرانجام زندگی خود و یاران خود را برسر این آرمان نهاد. «شهادت بزرگ» را به سامان رسانید، و اسارت خاندان خویش را پذیرفت. او در این فداکاری عظیم، استواری دین خدا و نجات انسان های مظلوم را می جست.

امام حسین علیه السلام : خدایا تو می دانی که قصد ما رقابت برای دستیابی به قدرت و یا زیادت خواهی مال دنیا نبود. بلکه برای آن بود که نشانه های دین تو را به دیگران بنمایانم و با قدرت دست به اصلاح سرزمین ها زنیم، تا بندگان ستمدیده ات ایمن شوند. (۲)

انتظار در درجهٔ نخست ویژهٔ حیات و زندگی است. ماهیت زندگی انسان با انتظار و امید به آینده عجین شده است. به گونه ای که بدون انتظار زندگی مفهومی ندارد و شور و نشاط لازم برای تداوم آن در کاراست حیات حاضر و کنونی ظرف پویایی، تلاش و حرکت به سوی فردا و فرداهاست و این پویایی بدون انتظار ممکن نیست. از آثار و نتایج انتظار این است که انسان را به حرکت در جهت متناسب با انتظار بر می انگیزد و از هر حرکت و گرایش به جهت های نا مناسب یا ناسازگار و متضاد با انتظار باز می دارد. انسان را مجبور می کند که جهت رسیدن به آمال و اهداف در جستجوی راه و شیوه ای باشد.

انتظار کیفیت روحی است که موجب به وجود آمدن حالت آمادگی است برای آنچه انتظار دارند و ضد آن یأس و ناامیدی است. هر چه انتظار بیشتر باشد آمادگی نیز بیشتر است. (۳)

۱- . تحف العقول/ ۳۲۴.

۲- . تحف العقول/۱۷۲.

۳- . مکیال المکارم

انتظار امام و امت: امام و امت هر دو منتظِرنـد. امت در انتظار امام و منتظَر خویش است. و امام نیز همواره در حال انتظار به سـر می برد. آری در انتظـار است که انقلابی اصولی و فراگیر بیافرینـد و رسـالت الهی خویش را که برای آن ذخیره شـده است به انجام ببرد.

انسـان بر اسـاس میزان آمادگی روحی خویش در درجه ای از انتظار به سر می برد. لـذا هر چه انسان بیشتر منتظر باشـد، جهت رسـیدن به آرمانها واهـداف یک حکومت اسـلامی کوشاتر است. به همین دلیل است که پیامبران برای تحقق این اهداف حتی ازجان خویش گذشـتند. سراسرتاریخ شاهد این انتظارها و آمادگی ها واحساسات پرشور و فداکاریهای بی نظیر است. بنابراین می توان گفت انتظار مفهومی جامع و فراگیر درهمهٔ ادوار تاریخ انسان بوده است.

امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف این انسان صالـح و نمونـهٔ الهی به هـدفهای خود عشق می ورزد. او در پی قرن های متمادی شاهـد رنجهای گوناگون جامعهٔ بشـری بوده و همیشه و هر لحظه به انتظار به وقوع پیوسـتن آرمانهای بزرگ الهی بوده است.

در بعضـی احـادیث انتظـار فرج از برترین کارهـا به شـمار آمـده است تـا پیروان و دوسـتداران آن حضـرت خود را به امامشان نزدیک کنـد. در حالت انتظار بهترین شـیوه پیوند و همسویی و همدلی با امام نهفته است. در حال انتظار نبودن به معنای غفلت و بی خبری و بی تفـاوتی نسبت به حوادث پیش از ظهور است. بنـابر این جامعـهٔ منتظر بایـد چون خود امـام منتظر باشـد. نباید انگیزه رسیدن به اهداف، بر اثر مشکلات به وجود آمده در جامعه از بین برود.

امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف قلبی علوی و خوی و سـرشتی حسینی دارد. همهٔ نابسامانی های انسانی را در جوامع کوچـک و بزرگ بشـری می بینـد. اکنون او بـا چنین وضـعیتی و بـا چنین انـدوه هایی، و در دورانی بیش از هزار سال چگونه انتظاری دارد و در چه حالت حزن و انـدوهی به سر می برد؟ زنـدگی آن امام بزرگ از نظر تحمل مشـکلات به زندگانی امام حسـین علیه السـلام نیز همسان دانسـته شـده است. از مشـکلات و دردهای طاقت فرسا و رنـج های فوق حـد طاقت بشـری امام حسـین علیه السـلام . در آن دوره از تاریـخ اسـلام، یـک بـاره همه چیز دگرگـون شـد و همـهٔ تعـالیم و اصول اسـلام زیر پـای حکومتهای بیداد پایمال گردید و عدالت نابود گشت و می رفت که اسـلام و کوششهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السـلام یکباره نابود شود و اثری از آنها بر جای نمانـد. امام حسـین علیه السـلام با این دردها و رنجها در دورهٔ حیـات خویش روبرو گردیـد و سـرانجام بـا صـحنهٔ عاشورا و پی افکنی آن تراژدی بزرگ، خود و همـهٔ عزیزان خود را قربانی کرد. امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز چون جد بزرگوار خود امام حسـین علیه السـلام با دردها و مصـیبتهای عظیمی روبرو است.

انتظار و آمادگی نظامی

انتظار نهضت یک آرمان و عقیده است و سپس در عمل و عینیت آشکار می شود و انسان منتظر به مرزبانی و پاسداری از حوزهٔ جغرافیایی و فرهنگی و ایدئولوژیکی خود و همکیشان و هم مسلکان خویش می پردازد. همواره در موضع دیده بانی است و هوشیارانه و تیزبینانه به افق های دور و نزدیک می نگرد و هر تحرک و تحول و نقل و انتقال را در اردوگاههای دشمن زیر نظر می گیرد. در سنگر دفاع ایدئولوژیکی و زمینی و جغرافیایی، دشمن را از پیشروی باز می دارد و در صورت فراهم بودن زمینه، به تهاجم نیز دست می یازد. و بدین گونه برای تحقق هدفها و آرمانهای خویش که برای تحقق آنها انتظار می کشد از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند. این است که جامعهٔ منتظر همواره به آمادگی نظامی و دفاعی فرا خوانده شده است و تهیهٔ ابزار جنگ و قدرت از هر مقوله و با هر کیفیت تکلیف گشته است.

مجاهدان در اسلام دو نوعند: نخست آنان که در زمان جنگ به ستیز و نبردی رسمی و رویارویی با دشمن می پردازند و دیگر آنان که در غیر زمان جنگ به مرزبانی می پردازند. چرا که سرزمینهای اسلامی همیشه در خطر یورش و هجوم بیگانه و دشمن می باشد. لذا مسلمانان چه در زمان جنگ و چه در زمان غیر جنگ، به مرزبانی از حریم حکومت اسلامی مکلفند و این مرزبانی چه درزمان ظهور و چه درزمان غیبت امام فرقی نمی کند.

امام باقر علیه السلام می فرمایند ما در همهٔ دوران و همهٔ زمانها مرزدار و مرزبانیم و شیعهٔ ما باید پیرو ما باشد و همواره هوشیارانه به حراست و حفاظت از مرزهای جغرافیایی و عقیدتی سرزمینهای اسلامی و دین اسلام بپردازد و از این امر مهم لحظه ای غفلت نورزد.

بنابراین امت نیز چون امامشان. مرزبانان و مرزداران حماسه های جاوید اسلام و تشیّعند و از این نظر نیز همسان و هم آرا با امامشان حرکت می کنند. با او چنین پیوند ناگسستنی و ارتباطی استوار و بیعتی نیرومند دارند و همیشه هوشیار و بیدار و آماده اند.

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم : مرده(دوران) عملش پایان می یابد مگر مرزداران راه خدا که ایشان عملشان رشد می کند تا روز قیامت چنان که دربارهٔ شهید رسیده است. شهید پس از مرگش عملش رشد می کند و فزونی می یابد.

و شاید علت این باشد که اعمال دیگران همه در پرتو مجاهدت آنان (مرزبانان) امکان پذیر می گردد.

عنصر صبر در انتظار

انتظار بدون عنصر پایداری و شکیبایی در برابر مشکلات، پوسته ای است بدون مغز و قالبی است بی محتوا. روح و جوهر اصلی انتظار، صبر و مقاومت است. کسی که منتظر تحقق آرمانها و هدفهاست باید تا شکل گرفتن آرمانها صبر کند و تاب و توان از دست ندهد.

امام علی علیه السلام : از خدا کمک بگیرید و پایداری پیشه سازید، که زمین از آن خداست و به هر کس خواست آن را به وراثت می دهد. سرانجام نیک از آن پروا پیشه گان است.

صبر و پایداری مردم آخر الزمان ستایش شده است و همین خصلت مهم مایهٔ امتیاز آنان از مسلمانان صدر اسلام است.

انتظار لحظه به لحظه:

برای ظهور، وقت تعیین نشده است و همواره وقوع آن را امری ناگهانی توصیف کرده اند. لذا اگر مسلمانان امر ظهور راخیلی دور تصورکنند، امید وحالت انتظار و آمادگی را از دست می دهند و این خود زمینهٔ حاکمیت یأس و بی تعهدی و بی خبری را فراهم می سازد. در نهایت جامعه را به شیب گرایی می کشاند و عجله در برپایی حکومت عدل و حق، پشیمانی به بار می آورد زیرا هر حادثه و پدیده ای زمان مخصوص به خود را دارد.

راهکارهای بهره مندی از حماسهٔ عاشورا و انتظار در دفاع مقدس از دیدگاه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی الشریف)

۱ـ ما احتیاج داریم که دستگاه اداری مان مقرراتی داشته باشند که برای همه یکسان باشد و در آن تبعیض نباشد. اگر بود، فساد است و فساد باید اصلاح شود.

۲ـ باید رشوه و ارتشاء نباشد و اگر بود فساد است و باید اصلاح شود.

۳ـ راه های کسب ثروت مشروع باشد.

۴ـ اگر کسانی از امتیازات بی جا استفاده کرده اند، ثروت های باد آورده پیدا کردند و دیگران را به قیمت این که خودشان ثروتمند شوند فقیر کردند، این فساد است و باید اصلاح شود.

۵ـ اگر در جامعه امتیازات انحصاری به وجود آوردند و همه نتوانستند از فرصت های برابر استفاده کنند، فساد است و باید اصلاح شود.

۶ـ اگر در جامعه گرایش به مصرف رو به رشد باشد، فساد است.

۷ـ اگر در تلاش های اقتصادی دلالی بر تولید برتری دارد، فساد است.

۸ـ اگر مردم در حال بی انضباطی هستند و انضباط اجتماعی حاکم نیست، به خصوص در بین مسئولان بخش های ادارهٔ کشور، این فساد است.

۹ـ اگر احساس مسئولیت نباشد فساد است.

۱۰ـ در جوانان اگر خصوصیات انسانی، یعنی شجاعت، صفا، صدق، نشاط، فعالیت و کار، رشد پیدا نمی کند این فساد است و باید اصلاح شود.

۱۱ـ اگر روابط ناسالم جنسی در جامعه هست، این فساد است.

۱۲ـ اگر اعتیاد درجامعه هست، این فساد است.

۱۳ـ اگر سطح معرفت وشعورعمومی درحدّ مطلوب نیست، فساد است.

۱۴ـ اگر وظیفه شناسی در مسئولان نیست این فساد است.

۱۵ــ اگر جرم و جنایت هست، اگر دسترسی به قضاوت عادلانه نیست، اگر رسیدگی های قضایی طولانی می شود و پرونده ها تا مدت ها می ماند، فساد است و باید اصلاح گردد و باید از جرم و جنایت پیش گیری کرد. (۱)

۱- . روزنامهٔ جمهوری ۲۸/۱/۷۹

نتیجه گیری

فرآیند اصلاحی امام حسین علیه السلام در دو قلمروی تربیتی و سیاسی بر اصول اندیشه ناب و توانمند، در حوزهٔ فکر و مشروعیت و کارآمدی در حوزهٔ عمل استوار است. بر این اساس ابعاد اصلاحگری نهضت عاشورا، هم شامل حوزهٔ شناخت و هم شامل حوزهٔ راهبرد می شود. تحلیل مفاهیم درونی اندیشه اصلاح و بررسی وجوه راهبردی آن الگوی اصلاحی نهضت امام حسین علیه السلام را به دست می دهد. الگو و روش امام حسین علیه السلام در راه اصلاح، همانا شیوهٔ امر به معروف و نهی از منکر و عینیت بخشیدن به آموزه های دین از طریق عمل به کتاب و سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود آن حضرت ضمن شناسایی امکانات و ابراز لازم برای مقایسه میان خلیفه و «امام مصلح» را به وجود آورد. هر چند نهضت اصلاحی امام حسین علیه السلام و قیام کربلا تناسبی با موقعیت قدرت حاکمه نداشت، اما الگوی اصلاحی امام حسین علیه السلام با سه مشخصه عدالت، مشروعیت و کارآمدی از طریق مدیریت صالح، نسبتی میان باورهای دینی و افراد از یک سو و باورهای دینی و خلافت از سوی دیگر ترسیم کرد و موقعیت قدرت حاکمه را به چالش افکند.

در قلمرو تربیتی، نهضت اصلاحی عاشورا در برخورد با افراد، با توجه به ابعاد وجودی انسان یعنی ساخت های سه گانه؛ دانستن، خواستن و توانستن که قابلیت های شناخت، گرایش، انتخاب، عمل و اقدام را در وجود آدمی شکل می دهند، وجدان را مخاطب قرار داد و با جهت دهی به آرمان های افراد، استعدادها و قابلیت های افراد حاضر راشکوفا کرد. بر این اساس نهضت عاشورا فراخوانی است برای بشریت تا همچون عاشورائیان با مرگ خونین شرایطی به وجود آورند برای ارائه جریان بالندگی، تربیت ایمانی و رفتار مسلمانی در همین راستا. مهمترین پیام اصلاحی عاشورا در بعد تربیتی، خود آگاهی است. با این مضمون که تا خود را نشناسیم و مقررات و استعدادها ونیازهای اصیل انسانی، کمبودها، آرمان ها، نقش، رسالت و مسئولیت خویش را در پیوند خود وخدا، خود وهستی و جامعه و تاریخ در نیابیم، نمی توانیم موجب و موجد تغییر اجتماعی شویم.

نهضت اسلامی عاشورا در بعد تربیتی (انسان سازی) به انسان کمک می کند تا جایگاه خود را در عرصه هستی بیابد و نقش و رسالت خویش را در نسبت به واقعیت های جامعه در یابد.

باورسازی اصلاح تربیتی و نهضت عاشورا اوج کارایی آن در بعد انسان سازی است. در نهضت عاشورا دو اصل مهم عبودیت وحریت، نشانگر فکر اصلاحی و مبانی نظری فلسفه و هدف قیام کربلاست. چنانچه این اصول رعایت شود، تبلورعینی یک الگوی راهبردی برای احیای دین و اصلاح امور دینداران است. بنابراین هدف نهضت عاشورا

مبتنی بر فلسفه یکتا پرستی و نفی سلطهٔ طاغوتیان (ولو در لباس دین، چهره پنهان کرده باشند) و اقدام بر ضد یزدیان در همهٔ عصرها و مکان ها با الهام از روحیهٔ آزاد منشی وحریت است.

اصلاحات می تواند تضمین کنندهٔ سلامت راه و رشد و کمال انسان در گسترهٔ حیات اجتماعی باشد و همین عامل است که هاله ای از قداست و حرمت به اصلاح بخشیده و آن را مورد احترام و اهتمام همگان قرار داده است.

ضرورت اصلاحات و ارزش حیاتی آن در قرآن مجید احادیث پیامبر و امامان علیهم السلام با تعبیرهای گوناگون مطرح گردیده است. رهبران ادیان و پیامبران الهی، خود را مصلح و اصلاح طلب خوانده اند و همهٔ توان خود را بر سر اصلاحات نهاده اند. (۱)

از دیدگاه قرآن، رسالت اصلی دین، اصلاح فکر و عقل بشر است و پایداری و ابقای جوامع (۲) در گرو اصلاح طلبی و اصلاح گرایی است و سرانجام نیکو و پاداش نیک نیز از آن اصلاح گرایان است. با توجه به نکات یاد شده روشن شد که قیام امام حسین علیه السلام چون دیگر انقلاب های بزرگ، در ذات خود حامل پیام اصلاح طلبی است.

پیشوایان دین در مقام عمل هم به اصلاحات اسلامی توجه داشتند و تمام لحظات عمر پر برکت خویش را در همین راستا به پایان بردند و سرانجام جان های پاک و مطهر خود را در مسیر تحقق اصلاحات دینی سرمایه گذاری کردند و به تعبیرشهید مطهری، اصلاح طلبی روحیهٔ اسلامی است. هر مسلمان به حکم این که مسلمان است، خواه ناخواه، اصلاح طلب و لااقل طرفداراصلاح طلبی است، زیرا اصلاح طلبی هم به عنوان یک شأن پیامبری در قرآن مطرح و هم مصداق امر به معروف و نهی از منکر است. (۳)

حرکت اصلاحی امام حسین علیه السلام حرکتی است که شامل تمام زوایای جامعه آن روزوجوامع بعدی می گردد. همهٔ نواقص و کاستی ها را شناسایی می کند و طرح و برنامه هایی را برای مقابله با آن عرضه می دارد. نمی توان و نباید هیچ یک از ابعاد و جنبه های اصلاحات را نادیده انگاشت و بعضی را شدّت بخشید و برخی را نادیده گرفت و از شتاب بازداشت، اگر قراراست حسین واراصلاحاتی درهمهٔ ابعاد را دنبال کنیم.

۱- . سورهٔ محمدآیه ۲، سورهٔ نساء آیه ۱۲۸، سورهٔ اعراف آیه ۵۶.

۲- . سورهٔ هود آیهٔ ۱۱۷.

۳- . بررسی اجمالی نهضتهای اصلاحی در صد ساله اخیر.

منابع و مآخذ

۱- قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی رحمه الله/ تبیان/ آثار موضوعی (دفتر سوم)

۲- عصر زندگی/ محمد حکیمی

۳- فریادهای شهید مطهری بر تحریف های عاشورا/ شهید مطهری

۴- حماسه ی حسینی/ شهید مطهری رحمه الله

۵- انگیزه ی قیام امام حسین علیه السلام / محمد حسین ضیایی بیدگلی

۶- صحیفه نور/ جلد ۸/ امام خمینی رحمه الله

۷- صحیفه نور/ جلد ۱۹/ امام خمینی رحمه الله

۸- صحیفه نور/ جلد ۱۷/ امام خمینی رحمه الله

۹- ره توشه راهیان نور/ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم/ شماره ۵۳۰

۱۰- ره توشه راهیان نور/ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم/ شماره ۷۴

۱۱- ره توشه راهیان نور/ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم/ شماره ۳۵

۱۲- ره توشه راهیان نور/ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم/ شماره ۴۱

۱۳- ره توشه راهیان نور/ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم/ شماره ۵۲

۱۴- ره توشه راهیان نور/ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم/ شماره ۶۲

نقش و جایگاه جهاد و شهادت در زمینه سازی جهانی برای ظهور (محمدرضا کتابی)

چکیده :

جامعه جهانی در سیر حرکت تکاملی خود به سوی جامعه مهدوی و تحقق وعده الهی مبنی بر وراثت زمین توسط مستضعفین و صالحین در حال حرکت است. از سوی دیگر جبهه باطل با پرچم داری و سرپرستی شیطان و اولیاءشیطان درصدد تغییر مسیر تاریخ و تلاش برای عدم تحقق این وعده الهی می باشد و آرزوی استیلای دائمی را بر کره ارض درسر می پروراند. در این میان عنصر تعیین کننده در این نبرد و درگیری ، فرهنگ جهاد و ایثار و روحیه فداکاری و شهادت طلبی مؤمنان است که معادلات قدرت را به نفع جبهه ایمان رقم می زند و زمینه و مقدمات ظهور منجی عالم بشریت و بر پایی جامعه مهدوی و نابودی دائمی کفر و نفاق را فراهم می سازد.

کلید واژه: جامعه مهدوی _ عصر ظهور _ فلسفه تاریخ _ تمدن مادی _ فرهنگ جهاد و شهادت

فصل اول:

بررسی سیر حرکت عالم و پایان آن از منظر فلسفه تاریخ

ترسیم نبرد و درگیری تاریخی دو جبهه حق و باطل

از ابتدای خلقت حضرت آدم علی نبینا و آله وعلیه السلام و تمرد و سرپیچی شیطان (۱) از دستور الهی، دو جبهه حق و باطل به سرپرستی خدای متعال و طاغوت شکل گرفته است. قرآن کریم در «آیه الکرسی» به وجود این دو جبهه تصریح نموده و خدای متعال و مؤمنان را در یک جبهه و طاغوت و کافران را در جبهه مقابل جای می دهد (۲)

در این آیه شریفه به آثار و پیامدهای این دو سرپرستی نیز اشاره می گردد که محصول ولایت خدای متعال و جبهه حق را نور و سعادت و محصول ولایت طاغوت و کفر را ظلمت و شقاوت معرفی می نماید.

این درگیری محدود به عرصه ها و حوزه های خاص نمی باشد و وسعت و دامنه آن تمام تاریخ را پوشانده است. این رویارویی دائمی است و از ابتدای خلقت انسان تا بر پایی حکومت جهانی حق و محو باطل ادامه خواهد داشت.

علت این درگیری دائمی آن است که در نظام هستی که به صورت نظام مند و به هم پیوسته خلق گردیده است، اصطکاک و تقابل اختیارات و اراده ها درارتباط با یکدیگر امری ضروری و طبیعی است و هر کدام از دو جبهه نور و ظلمت که قصد توسعه و گسترش فعالیت های خود را داشته باشد، لزوماً دامنه گسترش حرکت مقابل را ضیق و تنگ می نماید و «وسعت حکومت» یکی «محدودیت حاکمیت» دیگری را به دنبال خواهد داشت؛ لذا این دو جریان از آنجا که از مواضع و اهداف خود عدول نخواهند نمود، درگیری برای حاکمیت حق و حقیقت و توسعه بندگی و درمقابل تلاش برای حاکمیت شیطان و پرستش اهواء به صورت دائم و همه جانبه ادامه خواهد داشت. (۳)

در این میان آنان که شدیدترین اختیار را در مسیر نور یا ظلمت نموده اند، سرپرستی و ولایت سایر افراد هم جهت خود را برعهده می گیرند و اساسی ترین نقش را در جهت دادن به حرکت سایر انسان ها و میسر حرکت جامعه ایفا می-نمایند.

نمونه های این تقابل را می توان در رویارویی و جهاد پیامبران بزرگ الهی با مشرکان و پرچم داران جبهه طاغوت مشاهده کرد. صفحات تاریخ درگیری حضرت موسی _ علیه السلام _ با فرعون و ابراهیم _ علیه السلام _ با نمرود و

۱- . سوره مبارکه بقره، آیه ۳۱

۲- . سوره مبارکه بقره، آیات ۲۵۵ _ ۲۵۷

۳- . جمعی از نویسندگان، تبیین استراتژی نظام از کلام امام، ۱۳۶۷ص۶

پیامبر گرامی اسلام ــ صلی الله علیه و آله و سلم ــ را با جبهه مشرکان قریش و دیگر دشمنان به تصویر کشیده و ائمه اطهار ــ علیهم السلام ــ هر کدام با طواغیت زمان خود درگیر بوده اند.

انقلاب و ظهور حضرت مهدی ــ علیه السلام ــ نیز به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری؛ حلقه ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود و قیام حضرت آخرین حلقه از مجموعه حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان بر پا بوده و مهدی موعود ــ عجل الله تعالی فرجه الشریف ــ تحقق بخش ایده آل همه انبیاء و اولیاء و مردان مبارزه در راه حق است. (۱)

با این تعبیر ما معتقد می باشیم که جهان هستی با هدف و برای غایتی خلق شده که آن جریان تعبد و بندگی خدای متعال در تمامی شئون و سطوح است و این جهان تحت سرپرستی و ربوبیت حضرت حق است و رو به کمال می رود و کمال فرد و جامعه هم این است که خود را با روند حرکت خلقت هماهنگ نموده و در راه تحقق این هدف ، جهادو تلاش کرده و موانع بر سر راه تحقق آن را زدوده و سهم تأثیر خود و جامعه خود را در روند حرکت تکاملی تاریخ بالا ببرد و سهم تاثیر بیشتری ایفا نماید.

ترسیم ابتدا و غایت جهان در دو فلسفه تاریخ مادی و الهی

مبانی نظری تمدن موجود در قالب نظریه ترقی، تاریخ را در یک سیر ارتقایی خطی معنا می کند وطبق این تحلیل انسان از بدویت به سوی مدنیت و سپس تمدن تکنولوژیک تحول می یابد. در این بستر آن چه که چهره تاریخ را تغییر می دهد تکامل ابزار است که با تکامل آنها تاریخ نیز متکامل می شود و لذا ادوار مختلف با عناوین مأخوذ از همین تصور نام گرفته اند، عصر حجر، عصر مفرغ، عصر برنز، عصر آهن و... . در این تحلیل دین در ارتقاء بشر نقشی ندارد و دین امری تابع تاریخ طبیعی بشر و ظهور آن در زندگی انسان بدوی، معلول خوف و ناتوانی او در برابر عوامل طبیعی است و با تکامل ابزار تولید و توسعه مدنیت، تفکر دینی نیز تکامل می یابد و در واقع رشد معرفت دینی در سایه رشد ابزار تولید و تکنولوژی اتفاق می افتد. (۲) نتیجه طبیعی این تحلیل این است که دین و مذهب و انبیاء الهی دررشد و ارتقای تاریخ هیچ گونه نقشی نداشته اند و سیر ارتقاء تاریخی به صورت خطی و به وسیله رشد ابزار تولید بوده است و امروز که عصر تکنولوژی و ارتباطات است بشر نیازی به سرپرستی دین و اولیاء الهی نخواهد داشت و ضرورتاً هر کس که ابزارهای قوی تری دارد و نسبت به آن داناتر است باید سرپرستی جوامع را به

۱- . مطهری، ۱۳۷۳، ۶۸

۲- . آوینی ــ سید مرتضی، ماهنامه سوره ــ تیرماه ۱۳۸۲

عهـده داشـته باشـد. نظریه پایان تاریخ فرانسـیس فوکویاما که پایان تاریـخ را تسـلط لیبرال دموکراسـی معرفی می کنـد از این آبشخور تغذیه می شود.

اما در دیدگاه اسلامی و شیعی تاریخ مانند دیگر مخلوقات خدای متعال مخلوق و طبعا محتاج ربوبیت و سرپرستی خالق متعال است. حرکت آن جبری نیست و رو به کمـال و تکامـل می رود. در این دیـدگاه شـروع تاریـخ با انبیاء الهی بوده است و اولین انسان روی زمین پیامبر خدا حضرت آدم علیه السلام است. (۱)

۱۲۴۰۰۰ پیـامبر عظیم الشأن برای هـدایت بشـر و پاسـخ گویی به نیازهای مادی و معنوی او ارسال شـده انـد و دو جریان نور و ظلمت در طول تاریخ به سـرپرستی خدای متعال و اولیاء الهی و در مقابل شیطان و پرچم دارانش در حال مبارزه هستندوعاقبت پیروزی با متقین و صالحین و مستضعفین است. (۲)

در واقع از این منظر، تاریـخ بـا عصـر بعثت آغاز گردیـده است و وارد عصـر غیبت شـده است که در این دوران آخرین ذخیره الهی و وارث تمام پیامبران و اولیاء الهی در پس پرده غیبت و انتظار به سر می برد و پایان تاریخ عصر رجعت است که با ظهور آن بزرگوار آغاز می شود.

در این فلسـفه تاریخ، دین و اولیاء دین در متن زندگی بشـر قرار دارند و سـیر ارتقاء و تکامل تاریخ دیگر مبتنی بر تکامل ابزار آن هم به شکل توسعه مادی معنا نمی شود بلکه مسیر تاریخ، مسیری تکاملی بوده است که طی آن همواره در پایان هر یک از دوره های تاریخی، انسان از طریق یک نهضت دینی به دورانی دیگر پا می گـذارد که عصـر شـکوفایی و روحانی است (۳) و بشـر در هر دوره یـک گـام در راه بنـدگی خـدای متعال و رشـد معنوی و شـکوفایی اسـتعداد ها وظرفیت ها و پـذیرش مراتب بالاتری از ولایت الهی و ولایت اولیاء الهی علیهم السلام به جلو می رود.

این نوع نگـاه به تاریـخ و خود را جزئی از جبهه نورانی حق و ایمان دانسـتن، به آرمان آن عشق ورزیـدن و به پایان آن تقـدیر تاریخی و فرج خوش امید داشتن و وقوع آن را وعده الهی و حتمی دانستن، جزم آفرین، شوق آفرین و حرکت آفرین است.

بر اسـاس این تفکر،در مکتب تشیع ادامه ولاـیت و مهـدویت مطرح است. از این رو، مـا در برابر جهـانی شـدن مـادی، آرمـان مهدویت را مطرح می کنیم. شیعه معتقد است که در آخر، زمین از آن صالحان خواهد شد.لذا این گونه نیست که تشیع تنها به اول تمدن خودش نظر داشته باشد؛ بلکه به غایت آن هم نظر دارد.

۱- . سوره مبارکه بقره ، ایه ۳۰

۲- . سوره مبارکه نور، آیه ۵۵

۳- . آوینی ـ مرتضی، نشر ساقی، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص ۹

فصل دوم: حضور و سیطره قدرتمند تمدن مادی بعد از رنسانس

از قرن ۱۵ میلادی تحولی در جامعه جهانی اتفاق افتاد که از آن به عنوان «رنسانس یا نوزائی» یاد میشود. این تحول منشأ پیدایش و شکل گیری تمدنی شده است که جریان تحول اجتماعی آن _ که محصول این انقلاب است _ به نام «تجدد ومدرنیته» شناخته میشود.این جریان تجدد، حرکتی است که بر محور انسان شکل گرفته؛ اما نه بر اساس لایه–های عمیق وجود انسانی بلکه بر محور طبیعت و حس انسان وهدفی جز دستیابی به لذت جوئی حسی در شکل متنوع تر و توسعه یافته تر ندارد. آرمان این حرکت جهانی، به حداکثر رساندن لذایذ حسی بشری می باشد وهیچگاه به بالاتر از دنیا دعوت نمی کند و این مطلب بر اهل بصیرت پوشیده نیست.

مبادی و مبانی مدرنیته اصولی هستند که بر همین جنبه انسانی تکیه می کنند و آن انسان مداری (اومانیسم)، لیبرالیسم (آزادی از تقیدات معنوی وقدسیات) و راسیونالیسم وتکیه بر عقل نقاد و جزئی نگر و خود بنیاد انسان واعلام استغناء از وحی در همه عرصه ها ولااقل در حوزه معیشت انسان است.

تجدد غیر از پوسته محسوس و ملموس قابل اندازه گیری و پیمایش آن (مانند سد، خیابان، ماهواره و ساختارهای دمکراتیک و...) بر یک روح تکیه دارد که روح و جان این تجدد همان تحولات بنیادین انسانی است که در جامعه مغرب زمین اتفاق افتاده است و اصولاً از آن به «گوهر تجدد» یاد می شود. (۱)

به مرور تجدد وارد زندگی انسانها شد و در ابتدا متکی بر روح ماتریالیستی و آن سه اصل شناخته شده (اومانیسم، لیبرالیسم و راسیونالیسم) بود.

جبهه باطل پس از رنسانس، صورت و ماهیت بسیار متفاوت از گذشته خود پیدا کرد. تمدن مادی در دوران رنسانس و نوزائی موفق گردید شالوده تمدن مادی خود رامبتنی بر بینش و تفکر مادی و تولید دانش متناسب با آن پایه ریزی کند.

این تمدن موفق شد با مدیریت و هماهنگی، تمامی شئون حیات فردی و اجتماعی انسانها را در سه بعد گرایش ها، بینش ها و دانش های بشری مبتنی بر مبانی و اهداف مادی خود بازسازی کرده و مبتنی بر آن، «علوم، ساختار و محصولات» خاص تمدن خود را ارائه نماید و با تجسد عینی بخشیدن به تمدن خود همه شئون فردی و اجتماعی را سرپرستی کند.

۱- . میرباقری _ سید محمدمهدی، مدرنیته و انقلاب اسلامی، ص ۴.

تمـدن مادی از یک سو به دلیل خصـلت سـلطه جویی و تمامیت طلبی به تمـدنی برون نگر تبـدیل شـد و طرح جهانی شـدن و ایجاد نظم نوین جهانی و تنظیم ضـرب آهنگ حرکت جهان بر اساس حاکمیت و سـلطه سیاسـی، فرهنگی و اقتصادی بلامنازع خود را به تمامی جهان در دسـتور کار قرار داد و سـعی نمود تمدنی جهانی و بدون رقیب باشد. اما از سویی دیگر تمدن مادی به دلیل آنکه غایت و هـدف خود را توسـعه پرسـتش دنیا قرار داده بود ، همگان را به این دنیاپرستی و لذت جویی وبهره وری روز افزون مادی دعوت کرد و با نوگرایی غربی ساختارهای سیاسـی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جوامع را به سـمت یک تمدن صنعتی و فراصنعتی سکولار (یعنی جدا از دین و معنویات) هدایت نمود (۱).

این تمـدن در ابتـدای راه داعیه فراگیری همه عرصه های حیات بشـر را نـداشت، بلکه فقط مدعی جدایی دین از سـیاست بود. ولی تمامیت خواهی این تمـدن، این تفکیک را نقض کرد و طولی نکشـید که پرچمـداران اندیشه تجدد ــ چه در جناح لیبرال دموکراسـی و چه در جنـاح سیوسـیالیسم و کمونیزم ــ روی اصـل دیـانت و معنویت خط کشـیدند و اعتقاد به خـدا را محصول واژگونی اوضاع اقتصادی جامعه و دین را افیون توده ها واصل اعتقاد به خدای متعال را ناشی از جهالت و ترس دانستند.

این نقطه، نقطه اوج تجـدد است که در آن شـعار محوری تجـدد تا حـدی پیش می رود که اصل کلمه توحید و شـعار محوری انبیاء الهی در جامعه جهانی تحقیر می شود و در همه جا ــ اعم از محافل روشـنفکری و غیر روشـنفکری ــ اصل اعتقاد به خدا مایه ننگ و شرمساری می گردد و در محافل روشنفکری جامعه جهانی، دین علامت عقب افتادگی و تحجر معرفی می شود.

تفکرات مادی والحادی با افتخار نظرات خود را بیان می کنند ولی مسـلمانان در کشورهای غربی و محافل روشـنفکری اسـلام خود را مخفی می کردند.

این امر محصول تجـددی است که در ابتدا مدعی بود کاری به دیانت ندارد و فقط می خواهد حوزه سـیاست را تفکیک کند. (۲)

به دیگر سـخن محصـول رونـد تجـدد، هضم هـویت و فرهنـگ تمـام ملـل و جهـان در جهـاز هاضـمه خود بود و در این میـان هویتهای دینی و فرهنگهای مذهبی به دلیل تفاوت ماهوی و تقابل ذاتی آنها با فرهنگ دنیاگرایی مادی بیشترین

۱- . مولانا ــ حمید، ایدئولوژی، رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی ، ص ۴۶۱

۲- . میرباقری ــ سید محمدمهدی، مدرنیته و انقلاب اسلامی، صص ۷ ــ ۹.

آسیب را پـذیرا شدند و مورد هجمه های شدیدتری قرار گرفتند. به جرأت می توان گفت به جز هویت فرهنگ شـیعی تمامی هویت هـا و فرهنگهـای ملل دیگر در این رونـد جهانی سازی مادی منحل گردیدنـد و با ارزش های مسـلط مـدرنیته هماهنگ شدند.

در همین راسـتا در بعـد اقتصـادی نیز منـابع و منـافع ملتهـا اعم ازمنـابع انسـانی واقتصادی و ذخایر مادی و معنوی آنان نیز مورد هجوم واقع گردید و علاوه بر بردگی روحی و فکری منابع اقتصادی و زیرزمینی آنان نیز مورد چپاول وغارت قرارگرفت و این ن شأت گرفته از مـاهیت سـلطه طلب و تمـامیت خواه نظامهـای مـادی می باشـد که حیـات خود را در گرو توسـعه وگسـترش سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود تا عمق جوامع دیگر می داند.

در این بستر، دین امری شخصـی تلقی گردیـد و به امری فردی تبـدیل شـد. برنامه ریزی های کلان اجتماعی نه بر پایه وحی و شریعت، بلکه بـا ادعـای ناکارآمـدی و عجز دین از پاسـخگویی به نیازهـای اجتمـاعی و بـا تکیه بر عقـل نقاد خود بنیاد، تنظیم گردید. مناسـبات و ساختارهای اجتماعی و پایه ریزی نظام اجتماعی بر اساس میل و شـهوت اکثریت و برپایه ارزش های مادی سامان داده شد. با عدم تصویر کمال مطلوب برای جامعه وتعریف غایت و هدف مادی، توسعه شهوات انگیزه و موتور محرک جامعه قرار گرفت. رشد وتوسعه خدای پنهان مردم گردید و زیست اجتماعی بر پایه بی اخلاقی استوار گردید. (۱)

این جریان بدین حدبسـنده نکرد و مارکسیست بر آمده از بطن مدرنیته به مبارزه علیه اصل وجود خدای متعال و شعار محوری توحیـد پرداخت و دین را افیون توده ها لقب داد و به انکار وجود خدای متعال روی آورد. محصول این موج توفنده ضدیت با اخلاـق، معنـویت، دیـن داری و خــدا محوری و نیز تحقیر، حـذف و طرد دیـن و دینـداران از جـامعه و انزوای شدیـد فردی و اجتماعی دین و دین باوران بود و واژه دین و دینداری با عقب ماندگی و واپسگرایی قرین و توأم گردید.

۱- . گارودی ــ روژه، هشدار به زندگان، ترجمه علی اکبر کسمائی، صص۴۲ و ۴۳.

فصل سوم: درگیری انقلاب اسلامی با مدرنیته و تمدن مادی

انقلاب اسلامی نمادعکس العمل جامعه جهانی و دین باوران در مقابل مدرنیته

این جریان ضد دینی با نفی حقایق باطنی عالم از درون دچار بحرانها و پارادوکسهای عظیمی همچون بحران معنویت، بحران هویت، بحران خانواده، بحران عاطفه، بحران محیط زیست و بحران جرم و جنایت گردید و در واقع زخم ها و غده های چرکین مدرنیته سرباز کرد واز باطن حقیقی آن پرده گشایی شد، و چهره حقیقی و تاریک آن از ورای پرده های تزویر و ظاهر خوش خط و خال آن آشکار گردید و عجز آن از پاسخ به نیازهای فطری و معنوی بشریت عصر حاضر نمایان شد.

به دنبال بروز این تمدن و تبعات آن حرکتی از لایه های باطنی و فطری جامعه جهانی علیه این حرکت جهانی اتفاق افتاد که نقطه ظهورش در انقلاب اسلامی است که یک انقلاب معنوی و ضد استبدادی و ضد استعماری است.

این جریان از آنجا که با فطرت خداجو و حقیقت طلب بشر ناهماهنگ بود، باعث نارضایتی و خستگی جامعه جهانی از این روند مادی گرایی و تحقیر ارزش ها وهویت آنان شد وبه تدریج روند توجه به دین و معنویت شکل گرفت؛ به گونه ای که با توجه به مستندات و شواهد می توان خستگی جامعه جهانی را از مادی گرایی و ماتریالیسم (۱) و پشیمانی از تبعیت از الگوی غربی توسعه (۲) و نارضایتی از روند تفکر اومانیستی و لیبرالیستی و تحرک علیه ابتذال و رویکرد به دین را حتی در اروپا و آمریکا (۳) ملاحظه نمود.

ژیل کیل جامعه شناس معروف فرانسوی می گوید: پدیده ظهور جنبش های مذهبی تمام دنیا را در بر گرفته است واین ظهور جنبش های مذهبی در عالم نشانه نارضایتی عمومی از تمدن معاصر است. (۴)

در این بستر و فضای ایجاد شده در جامعه جهانی، انقلاب اسلامی عکس العمل جامعه مؤمن و خداجویی است که تحقیر دین را در سطح تنظیمات کلان اجتماعی برنتافته ودرمقابل این تمدن واین نظم مادی عکس العمل نشان می دهد (۵) در واقع این انقلاب به رهبری حضرت امام خمینی رحمه الله قیام علیه تمدن صنعتی و فراصنعتی سکولار و جدا از

۱- . حاجتی _ میر احمد رضا ، عصر امام خمینی، ص ۶۹ تا ۷۲

۲- . حاجتی _ میر احمد رضا ، عصر امام خمینی، ص ۲۳۸ تا ۲۴۱

۳- . حاجتی _ میر احمد رضا ، عصر امام خمینی، ص ۲۹۲ تا ۳۰۱

۴- . ماهنامه سروش، شماره ۵۵۱ _ فروردین ۱۳۷۰

۵- . میرباقری _ سید محمدمهدی، مدرنیته و انقلاب اسلامی، ص ۷

دین و معنویات و تقابل با مدرنیته است (۱) روژه گارودی در این زمینه می گوید: «این انقلاب بر ضد یک مدل و نمونه رشدی خاص برپا شده است. بر ضد یک رشد (کاذب) اقتصادی که باید آن را نمونه رشد اقتصادی غرب نامید.مهمترین انگیزه قیام این است که به پا خواسته اند تا خودشان باشند وهویت خاص خود را داشته باشند (و مارک غربی و آمریکایی بر آنان و زندگی شان نخورده باشد) و تحولات و پیشرفتهای آینده آنان پاسخگوی نیازهای راستین مردم باشد و ریشه در تاریخ و فرهنگ خودشان داشته باشد. [ملتی که] از چهارده قرن به این سوی تاکنون پیوسته وعمیق اسلامی بوده است. این به پاخیزی بر ضد مدل غربی رشد اقتصادی به نام و عنوان یک بینش و برداشت دینی از جهان و درباره جهان صورت گرفته است (۲).»

و بدین سان تصدیق می نماید که این انقلاب با انگیزه دینی و بر ضد مدل ها و الگوهای غربی و برای پاسخ به نیازهای حقیقی منطبق با هویت ملی و دینی بر پا گردیده است.

میشل فوکو فیلسوف معروف فرانسوی نیز این انقلاب را قیام بر علیه نظام های جهانی و نظم جهانی حاکم می-خواند. (۳)

«انقلاب اسلامی ایران اما از منظری دیگر نشانه ای از رشد و بلوغ جامعه شیعی است که در سیر حرکت تکاملی خود به نقطه ای از معرفت وعبودیت رسیده است که می خواهد توحید و بندگی خدای متعال را در تمام شئون حیات فردی و اجتماعی خود جاری سازد و تنظیمات خرد وکلان خود را در تمامی سطوح و ابعاد جامعه با معیار وحی هماهنگ سازد و این انشاءالله آغاز شروع تمدن الهی و توسعه ایمان محور در مقابل تمدن مادی خواهد بود. (۴)»

انقلاب اسلامی پرچمدار جبهه حق در این مقطع از تاریخ

حضور قدرتمند تمدن مادی و سیطره و هژمون جهانی آن و جهانی سازی مادی بر اساس ارزش های غیر الهی وسعی درتضعیف ارزش های دینی ، خود بزرگترین مانع برای تحقق تمدن دینی و آماده شدن جامعه جهانی برای عصر ظهور و ادامه این فضا و تسلط مدرنیته بر جهان بزرگترین مانع انتظار فرج و ظهور بود؛ زیرا در این فضا دینداری تبدیل به امری سخت و مشکل شده بود و دینداران منزوی گردیده بودند.

۱- . مولانا_ حمید، ایدئولوژی، رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی ، ص ۴۶۱ و ۴۶۲

۲- . گارودی _ روژه، هشدار به زندگان، ترجمه علی اکبر کسمائی، ص ۴۱۶

۳- . فوکو _ میشل، ایرانی ها چه رویایی را در سر می پرورانند، ص ۶۵

۴- . میر باقری، سید مهدی، مدرنیته و انقلاب اسلامی، ص ۷ تا ۹

انقلاب اسـلامی با نفی وضـعیت موجود و اقدام علیه آن انفجاری نوری بود که این فضای تاریک را شکست و فریادی بود که خفتگـان عـالم را بیـدار کرد و دعوتی به سوی نور و معنویت بود که توجه جـامعه جهـانی را دوباره به سـمت دین و مـذهب و کارآمـدی آن جلب کرد. انقلاب اسـلامی این تک صدایی را شـکست و نظم نوین جهانی را بر هم زد و مدعی نظم جدید بر پایه دین و معنویت گردید.

انقلاب اسـلامی به تعبیر ظریف امام عزیز رحمه الله انفجار نور در ظلمتکـده تمـدن مادی و محصول مقاومت جبهه ایمان و حق در برابر هجوم همه جانبه باطل است و در این مقطع از تاریـخ پرچم دار جبهه حق و در مقابل تمامیت طلبی جبهه باطل قد علم کرده است.

به دیگر سـخن در مقابل حرکت تمـدن مادی و هجوم آن به اصل دین و تحقیر دین و مذهب، جبهه حق در این زمان در قالب انقلاب اسلامی ایران ظهور یافت.

انقلاب اسلامی به دنبـال مـدیریت رونـد جهـانی سـازی با محوریت اسـلام ناب است و این هـدف بارها در کلام معمار کبیر انقلاب اسـلامی اظهار گردیده است که هدف عظیم انقلاب اسـلامی حکومت جهانی اسلام (۱)و اسلامی شدن همه حکومت هـا و پیـاده کردن اهـداف بین المللی اسـلامی در جهـان فقر و گرسـنگی (۲)و گسترش نفوذ اسـلام و کم کردن سـلطه جهـان خواران و اهتزاز پرچم لا اله الا الله بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری است (۳)

حضـرت امـام از همان ابتـدای نهضت در سال ۱۳۴۱ معتقـد بودنـد که مبـارزه سه مرحله دارد اول: اسـلامی کردن ایران، دوم: اسلامی شدن کشورهای اسلامی و سوم: اسلامی شدن جهان و آن روز است که ما به مولا عرض می کنیم که مولا جان جهان منتظر قدوم مبارک شماست (۴)

اعلام این اهـداف و مـدیریت جهانی سازی بر مبنای ارزش های الهی و دستیابی به تمدن الهی و اسـلامی در راسـتای اعتقاد به جامعه مهدوی و سیطره حکومت معنوی و ولایت امام معصوم ــ علیه السـلام ــ بر پهنه کره خاکی است و انقلاب اسـلامی در صدد زمینه چینی و آماده سازی جامعه جهانی به سمت این هدف عظیم و مبارک است.

۱- . امام خمینی، صحیفه نور ، ج ۲۰، ۲۰۶

۲- . امام خمینی، صحیفه نور ، ج ۱۷، ص ۱۱۲

۳- . امام خمینی، صحیفه نور ، ج ۲۰، ص ۲۳۶

۴- .خاطره آقای عسـکر اولادی در سال ۱۳۴۱ از دیـدار با امام در قم که در سـخنرانی در مـدرسه حقانی در تاریخ ۱۵/۱۱/۸۳ ایراد نمودند

از منظرمعمارکبیر انقلاب، انقلاب اسلامی مقدمه فرو ریختن کاخ های ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان (۱) ومقدمه برای ظهور حضرت بقیه الله ــ ارواحنا فداه ــ بود (۲) و ایشان نسل جوان رابه تلاش برای فراهم سازی زمینه قیام منجی عالم و خاتم الاوصیاء و مفتحر الاولیاء حضرت بقیه الله سفارش نموده اند. (۳)

انقلاب اسلامی با انگیزه های الهی و ایمانی و تلاش برای آزادی جامعه خود و مسلمین و در نهایت کل بشریت از یوغ بندگی تمدن مادی و جبهه باطل و مقابله با اهداف توسعه طلبانه آنان توسعه شعار لا اله الا الله و توحید و بندگی خدای متعال به وقوع پیوست.

انقلاب اسلامی با اعلام این پیام که می توان از گذرگاه اخلاق، دین و معنویت به آسایش، رفاه و امنیت رسید و با اثبات کارآمدی دین در عرصه حیات اجتماعی و ایجاد انقلاب عظیم اسلامی با انگیزه ها و راهبردهای دینی، دین را از انزوا و مهجوریت خارج ساخت و به کانون توجهات جهانی تبدیل نمود.

در این مقطع انقلاب اسلامی پس از تشکیل نظام اسلامی و بعد از طرح شعار پرستش اجتماعی دین و لزوم حکومت دینی و اراده جامعه بر اساس دین، با نفی اندیشه های مادی و تمدن سکولار، شعار جهانی سازی الهی و ایجاد تمدن الهی و خدا محور را سر داده است.

باید توجه داشت که تأکید بر اندیشه حکومت جهانی و جهانی سازی الهی به دلیل این است که مهدویت برنامه ای فردی نیست و تنها به زندگی شخصی اختصاص ندارد و در عرصه های اجتماعی و حکومتی نیز باید جریان پیدا کند. جامعه ای که می خواهد به سوی عصر ظهور و جامعه مهدوی حرکت نماید و در این مسیر قدم بردارد، ناگزیر باید در سطح اجتماعی و جهانی نظریه پردازی کند و جهانی سازی الهی را بر پایه ارزش های الهی و افق مهدویت تنظیم نماید.

از آنجا که حرکت حضرت بقیه الله الاعظم ــ ارواحنا فداه ــ یک حرکت جهانی است و همه سطوح و شئون جامعه جهانی را دربرمی گیرد، انقلاب اسلامی بعد از مراحل تشکیل حکومت دینی، در پی غنی سازی محتوای آن و ایجاد جامعه و کشور نمونه اسلامی و در ادامه به دنبال دستیابی به تمدن اسلامی و جهانی سازی الهی می باشد؛ با توجه به سیطره تمدن مادی و حکومت ظلم و جور انقلاب اسلامی برای آماده سازی مقدمات ظهور و رسیدن به آرمان های بزرگ خود، یک درگیری تمام عیار و همه جانبه را با این تمدن مادی آغاز نموده و به فتوحات چشم گیری نیز دست یافته است و انشاء الله این مسیر تا تحقق آن هدف بزرگ و نورانی ادامه دارد.

۱- . امام خمینی، صحیفه نور ج ۲۰، ۱۱۸

۲- . امام خمینی، صحیفه نور ، ج ۱۶، ۸۸

۳- . امام خمینی، صحیفه نور ، ج ۱۹، ۲۹۷

زمینه سازی برای ظهور دولت حق هدف محوری و استراتژیک نظام اسلامی

از آن جا که نقطه نهایی این نبرد دائمی و پیروزی نهایی اسلام و شکست نهایی جبهه کفر و باطل با ظهور منجی عالم بشریت اتفاق می افتد، بنابراین هدف مقدس و تاریخی این انقلاب علاوه بر ایجاد نظام موازنه و برتری قدرت بر جبهه باطل ایجاد زمینه و شرایط و بستر مناسب برای تحقق آن وعده الهی است.

از منظر امام راحل رحمه الله انقلاب اسلامی مقدمه فرو ریختن کاخ های ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان (۱) و مقدمه برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه بود (۲) و ایشان نسل جوان را به تلاش برای فراهم سازی زمینه قیام منجی عالم و خاتم الاوصیاء و مفتخر الاولیاء حضرت بقیه الله سفارش نموده اند (۳)

۱- . امام خمینی صحیفه نور، ج ۲۰، ص۱۱۸

۲- . امام خمینی، صحیفه نور ، ج۱۶، ص۸۸

۳- . امام خمینی، صحیفه نور ، ج۱۹، ص۲۹۷

فصل چهارم: فرهنگ انتظار و فرهنگ عاشورا

سرمایه اصلی شیعه برای حرکت به سمت عصر ظهور

در بین نقطه قوّت هایی که در فرهنگ تشیّع است دو نقطه قوت بسیار برجسته وجود دارد که سرمایه اصلی تشیع برای حرکت به سمت عصر ظهور و زمینه سازی آن است:

اوّل، فرهنگ توجه به وجود قدس امام عصر و انتظار دولت کریمه حضرت.

دوم، فرهنگ شهادت و فرهنگ عاشورا و توجه به وجود مقدس حضرت سید الشهداء.

ابلیس از سرآغاز خلقت متوجه این دو نقطه قوت در تشیع بوده است؛ چون او دقیقاً آن نقطه های اصلی را هدف می گیرد، ولی این شرح صدری که اکنون در دنیای کفر پیدا شده در گذشته نبوده است و لذا الآن دستگاه ابلیس تمام توان خود را برای جنگ با این دو نقطه قوت و تضعیف کردن آنها در دنیای تشیع جمع کرده است.

تعبیری که دستگاه ابلیس داشتند این است که شیعه دو بال سبز و سرخ دارد و ما باید این دو بال را بزنیم.

شیعه به واسطه امیدواری که بر اساس اعتقاد به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتظار دولت کریمه حضرت دارد، و به واسطه آن شهامت و شهادت و ازخود گذشتگی ای که به وسیله روح عاشورا در او پیدا شده است، واجد این نقطه قوت اساسی است که به تنها رقیب دنیای غرب و تنها رقیب دستگاه ابلیس تبدیل شده است و باید این نقطه را هدف قرار داد.

متقابلاً ـ ما هم موظف هستیم که از این دو نقطه پاسداری کنیم و سعی کنیم که فرهنگ انتظار و فرهنگ شهادت را ابتدا در جامعه تشیع و بعد هم در کلّ دنیای اسلام و در بستر جامعه جهانی نشر بدهیم (۱)

نسبت انقلاب اسلامی با عاشورا و انتظار

عاشورا ریشه و الهام بخش انقلاب اسلامی بود و عصر ظهور و جامعه مهدوی قله و افق این انقلاب عظیم است. شور و حماسه، ایثار و فداکاری، ظلم ستیزی و ذلت ناپذیری، تکلیف گرایی و شهادت طلبی و نفی سلطنت و خلافت و پذیرش ولایت و حرکت برای تشکیل حکومت دینی، مبادی حرکت جامعه شیعه و انقلاب اسلامی است و شوق، انتظار و امید برای برپایی حکومت جهانی، عدالت جهانی، امنیت جهانی و جهان سازی الهی و نابودی جبهه کفر و نفاق و پیروزی نهایی جبهه حق و نور و حتمی دانستن این آرزو و آرمان، افق و قله پیش روی انقلاب اسلامی می باشد.

۱- . میرباقری- سید محمد مهدی -ماهنامه موعود شماره ۹۵

پیروزی نهایی جبهه حق و وراثت زمین و حاکمیت و امامت مؤمنین، مستضعفین و بندگان صالح خدا بر کره ارض، وعده حتمی و تخلف ناپذیر الهی است که در قرآن کریم آن را وعده داده است (۱)و این وعده ای است شور انگیز و شوق افزا.

این شور و شوق و عشق و امید، نیروی عظیمی را برای دستیابی به اهداف ایجاد می نماید و انقلاب اسلامی با این سرمایه معنوی و با تلاش و کوشش فراوان همراه با صبر و بصیرت به سمت فتح این قله ها و دستیابی به آن آرمان ها در حال حرکت است.

بدیهی است که حرکت به سمت یک تمدن الهی و ایمان محور و نظم جدید تعریف شده بر اساس دین و ایمان و با محوریت ولی الله الاعظم، جز با درگیری و تضعیف و شکست تمدن دنیا محور ممکن نیست؛ که انقلاب اسلامی گامی بلند و اساسی در این زمینه برداشت و اردوگاه شرق و غرب را دچار چالش های عظیم نمود که به لطف خدا این روند با تقویت و پیشرفت روز افزون انقلاب ادامه دارد.

حضرت امام خمینی رحمه الله به عنوان رهبر کبیر انقلاب اسلامی در همین زمینه می فرمایند:

ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیه روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیکتر مینماید. گویی جهان مهیا میشود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان. (۲)

و در جایی دیگر با اشاره به نقش فرهنگ ایثار و شهادت در آماده سازی مقدمات ظهور می فرمایند:

سلام بر ملت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت، راه ظهورش را هموار میکنند. (۳)

مقام معظم رهبری نیز بر مقدمه بودن انقلاب اسلامی بر انقلاب بزرگ مهدوی و نقش آن در تسریع در زمان ظهور و تأثیر شهادت طلبی و صبر و مقاومت در نزدیک شدن آن حادثه عظیم تصریح می فرمایند:

انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای تأمین آن هدف مبعوث میشود و ظاهر میشود، یک مقدمه لازم ویک گام بزرگ بوده است[. ما اگر این گام بزرگ را بر نمیداشتیم یقینا ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به عقب می افتاد. شما

۱- . سوره های مبارکه نور، آیه ۵۵ و انبیاء، آیه ۱۰۵

۲- . صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۴۸۰، تاریخ ۱۵/۳/۶۲

۳- . صحیفه نور،ج ۲۱، ص ۳۲۵، تاریخ ۲/۱/۶۸.

مردم ایران و شما مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیدید، بدانید و شما ای امام بزرگوار امت! بدانید - که بهتر از ما می دانید- شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سرمنزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شدید. شما یک قدم این بار را به منزل نزدیکتر کردید. (۱)

تأثیر فرهنگ انتظار در تحقق و پیروزی انقلاب اسلامی

وجود دو فرهنگ عاشورا و انتظار و عقیده به مهدویت در جامعه شیعی ایران منشأ و سرچشمه بروز و گسترش حرکت های انقلابی در تاریخ ایران گردیده است. نهضت هایی چون سربداران در سده های گذشته برای مبارزه با نظام-های سیاسی حاکم و ستمگر زمان روی داده و به شدت تحت تأثیر باور و عقیده مهدویت و دیگر عناصر فرهنگ شیعه بوده اند؛ نهضت های دو سده اخیر ایران نیز مانند نهضت تنباکو، مشروطیت و انقلاب اسلامی نیز با الهام از مفاهیم و نهادهای مذهبی شیعی و هدایت و رهبری علمای شیعه بوده است. مرحوم میرزای شیرازی در نهضت تنباکو، استعمال تنباکو را در حکم مبارزه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اعلام نمودند و علمای مشروطیت نیز هدف و انگیزه نهضت را مبارزه در رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی نمودند. (۲)

ماربین مستشرق معروف آلمانی در کتاب انقلاب بزرگ می گوید: از جمله مسائل اجتماعی بسیار انتظار ظهور اوست. حتی اگر آثارمعتقدات مذهبی از بین برود، شیعه دارای آن سرمایه ای خواهد بود که ماورای قوای طبیعی و عارضی مذهب بوده و شوکت و اقتدار و قوت حکومت خود را در عالم نگاه خواهد داشت. (۳)

تمام مذاهب و مکاتب به منجی اعتقاد دارند اما تنها تمدنی که منجی و موعودش یک موجود زنده عینی است، شیعه است. تمدن های دیگر منجی شان را قاب کرده اند و زده اند به سینه آسمان! یعنی موعود آنها یک موجود ذهنی است و درزندگی تجلی ندارد. (۴)

اما عقیده به ظهور یک نجات بخش حقیقی به روشن ترین وجه در مذهب تشیع بروز یافته است. اینکه موضوع انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان شیعیان ایران تا چه حد شدید بوده، از نمونه های تاریخی زیر پیداست.

۱- . مقام معظم رهبری، ۶/۴/۱۳۵۹.

۲- . حائری، ۱۳۶۰، ۱۰۹

۳- . بلخاری، ۱۳۷۹، ۱۳۲

۴- . بلخاری، ۱۳۷۹، ۱۳۲

بنا به گفته یاقوت در آغاز قرن هفتم هجری در شهرکاشان که ازکانون های اصلی شیعه ایرانی بوده، بزرگان شهرهرروزه به هنگام بامداد از دروازه شهر بیرون رفته، اسب سفید زین کرده وآراسته ای را با خود بیرون می بردند تا چنانچه امام مهدی که هر لحظه انتظارش را می کشیدند به ناگاه ظاهر شود، بر آن مرکب سوار شود. شبیه این واقعه در یکی از مراکز شیعه یعنی سبزوار که در آن زمان، سربداران در آن شهر حکمروا بودند تکرار شد. (۱)

وجود شور و خروش انقلابی در جامعه شیعی به واسطه فرهنگ انتظار به این دلیل است که از یک سو به وجود امام زنده و غائب و ظهور حتمی او و سرپرستی و پشتیبانی او در عصر غیبت از جامعه شیعه ایمان راسخ و باور عمیق دارد و از سویی دیگر به دلیل آن است که در عصر غیبت تنها حکومتی را که مأذون از طرف امام و نایب امام باشد می پذیرد و درغیر این صورت قائل به عدم مشروعیت و ظالمانه وجائرانه بودن آن است. (۲) از این رو مسأله امامت در شیعه همواره تهدیدی نسبت به قدرت دولت های غیر مذهبی بوده است و در شیعه از لحاظ تئوری، حکومت مشروع متعلق به امامان است. (۳)

جان دی استمبل نیز در کتاب درون انقلاب ایران در این زمینه می نویسد: از نظرتاریخی، اسلام شیعه معتقد است که هر دولت غیر مذهبی، ذاتا فاسد است و سرانجام هنگام ظهور مهدی علیه السلام امام دوازدهم شیعیان [آن دولت] باید سرنگون شود و به جای آن حکومت عدل الهی در جهان مستقر گردد. (۴)

حضرت امام خمینی رحمه الله در ادامه حرکت تکاملی جامعه شیعی و در زمان مبارزه با رژیم شاهنشاهی بحث حکومت اسلامی و ولایت فقیه را مطرح فرمودند؛ که جانمایه این اصل (ولایت فقیه) این بود که وقتی امام معصوم علیه السلام در میان مردم نباشد و در عصر غیبت به سر برد، فقیه عادل، رهبر جامعه اسلامی و ضامن اجرای احکام الهی است. (۵)

اطاعت همه جانبه و بدون چون و چرای مردم از حضرت امام و قیام برای براندازی سلطنت از همین اندیشه و فرهنگ ناشی می شد که حکومت شاه را نامشروع و ظالمانه و حضرت امام را نائب امام زمان علیه السلام می دانستند. مارتین

۱- . بلخاری، ۱۳۷۹، ۱۳۲

۲- . الگار، ۱۳۶۰، ۲۱

۳- . بشیریه، ۱۲۰

۴- . استمبل، ۱۳۷۷، ۶۵

۵- . آیت اللهی، ۱۳۶۳، ۱۳۶ _ ۱۳۵

کرام در این زمینه می گویـد: طرفداران پر شور امام خمینی او را نائب امام؛ یعنی نماینده امام غایب می دانسـتند. چنین عنوانی به این معناست که پیروان امام خمینی قدرت او را الهی و مشروع می دانند. (۱)

تفسیر جدید از غیبت و انتظار در انقلاب اسلامی

قبـل ازانقلاـب اسـلامی نظریه هـای درباب غیبت و انتظار، نظریاتی" انفعالی و مخرب" بود. بر طبق این نظرات با توجه به زمان غیبت، ایجـاد حکومت اسـلامی عادلانه امکان پـذیر نبود وازآنجا که براساس این انـدیشه تاآخرالزمان و بـدون وجود حضـرت عـدالت واقعی برقرار نخواهـد شـد، مبـارزات سیاسـی علیـه حکـومت هـای موجـود بی ثمر خواهـد بـود؛ چـون ممکن است به حکـومت ناعادلاـنه دیگری بیانجامـد. بـا این وصف بایـد منفعلاـنه منتظر ظهور بود و هر گونه تلاشـی برای کـاهش ظلم و بی عـدالتی به معنی به تعویق انـداختن ظهور نهایی است و برخی معتقـد بودند با گسترش ظلم می توان نسـبت به ظهور امیدوار تر شد. (۲)

در مقابـل این تفسـیر از غیبت و انتظـار، حضـرت امـام رحمه الله اعلام کردنـد که اسـلام شـیعی برای زمان غیبت طرح و برنامه حکومتی دارد که بر ولاـیت فقیه مبتنی است؛ ایشـان انتظـار را نیز به معنی" سازنـده و انقلاـبی" آن تعریف کرد و انتظـار را از نظریه ای به معنی سـکوت و انفعال و پذیرش وضع موجود به نظریه عدم پذیرش باطل و وضع موجود و به امری تحرک آفرین تبدیل کرد. این انتظار سازنده، تحرک بخش و تعهد آور و برترین عبادت است. در مقابل انتظار انفعالی، مخرب و بازدارنده و فلج کننده و ویرانگر است و نوعی اباحی گری محسوب می شود. (۳)

این تفسـیر انقلاـبی و سازنـده و محرک و شوق آفرین از انتظار، تأثیر به سـزایی در حرکت انقلابی و اجتماعی مردم از خود به جای گذارد.

در فضیلت انتظار و منتظران روایات بسیار زیادی وارد شده است که از جمله آنها روایتی است

که از امام چهارم شـیعیان، حضرت امام سجاد علیه السلام نقل شده و جایگاه منتظران و اهمیت انتظار سازنده را به خوبی نشان می دهد. حضرت در این زمینه می فرمایند: «. . . ثم تمتد الغیبه لولی الله سبحانه و تعالی الثانی عشر من اوصیاء رسول الله صلی الله علیه و آله و سـلم والائمه بعـده .یا ابا خالد! ان اهل زمان غیبته، القائلین بامامته والمنتظرین لظهوره افضل من اهل زمان; لان الله سبحانه و تعالی

۱- . بلخاری،۱۳۷۹، ۱۳۸

۲- . اخوان مفرد، ۱۳۸۱، ۱۵۷ _ ۱۵۸

۳- . مطهری، ۱۳۷۳، ۶۲

اعطاهم من العقول والافهام والمعرفه ما صارت به الغيبه عندهم بمنزله المشاهده; وجعلهم فی ذلک الزمان بمنزله المجاهدين بين يدی رسول الله صلی الله عليه و آله و سلم بالسيف . اولئک المخلصون حقا و شيعتنا صدقا والدعاه الی دين الله سبحانه و تعالی سرا وجهرا ؛ (۱)

. . . غيبت دوازدهمين ولی خداوند - صاحب عزت و جلال - از سلسله جانشينان رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندانش باد - و امامان بعد از او، به درازا می کشد .ای اباخالد! آن گروه از مردم که در زمان غيبت او امامتش را پذيرفته و منتظر ظهور اويند برترين مردم همه زمان ها هستند; زيرا خداوند - که گرامی و بلند مرتبه است - چنان خرد، درک و شناختی به آنها ارزانی داشته که غيبت [و عدم حضور امام] برای آنها همانند مشاهده [و حضور امام] است . خداوند مردم اين زمان را به مانند کسانی قرار داده که با شمشير در پيشگاه رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندانش باد - جهاد می کنند . آنها مخلصان واقعی، شيعيان راستين ما و دعوت کنندگان به سوی دين خدا در پنهان و آشکار هستند.»

آری، همه فضيلت انتظار به اين است که منتظر حجابی ميان خود و امامش احساس نکند و او را همواره حاضر و ناظر ببيند . و قطعا کسی که اينگونه بود تلاش می کند در هر کجا و به هر کاری که مشغول است به گونه ای عمل کند که خشنودی امامش را به خود جلب و ناخشنودی او را از خود دور سازد .

برای چنين شخصی فاصله غيبت و شهود برداشته شده است و مشاهده و غيبت برای او تفاوتی ندارد و چه در کنار حضرت باشد و چه فرسنگها و يا قرن ها از امام فاصله داشته باشد ، سرباز او و در اردوگاه او و در مسير تلاش برای تحقق فرامين و اهداف اوست.

انقلاب اسلامی نيز با اين مبانی و اعتقادات و با تعريف سازنده از انتظار در پی آماده سازی مقدمات ظهور منجی عالم بشريت است.

تأثير فرهنگ عاشورا و جهاد و شهادت در حرکت جامعه شيعی و پيروزی انقلاب اسلامی

علاوه بر آن، تأسّی به راه حضرت سيد الشهداء و قيام در برابر ظلم و بی عدالتی و شرک و نفاق و کفر در طول تاريخ، حرکت تاريخ و روند حرکت جامعه جهانی را به سمت نزديک شدن به عصر ظهور و تهذيب کل تاريخ به پيش برده است.

نهضت عاشورا در بطن خود ظرفيت و قدرت ايجاد حرکت های عظيم فردی، اجتماعی و تاريخی را دارد و به طور مرتب نمونه های نازله و شبيه سازی شده خود را ارائه می دهد. قيام توابين در کوفه، قيام زيد ابن علی ابن

۱- . الصدوق، ابوجعفر، محمدبن علی بن الحسين بن بابويه (شيخ صدوق)، کمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۰

الحسین علیه السلام قیام فرزندان زید و قیام خونین حسین ابن علی صاحب فخ و قیام های از این قبیل همگی از پیامدهای قیام عاشورا بود.

نهضت ها و حرکت های انقلاب شیعی همگی تحت تأثیر واقعه عظیم عاشورا شکل گرفتند و حتی در قیام های غیر شیعیان و غیر مسلمانان نیز این اقتدا به روش سالار شهیدان به چشم می خورد. افرادی همچون گاندی و محمد علی جناح رهبران انقلاب های هند و پاکستان الگوی نجات بخش را پیروی از حرکت امام حسین علیه السلام معرفی می-نمایند. (۱)

در این میان قیام و انقلاب مهدوی بزرگترین نمونه شبیه سازی شده قیام عاشورا در مقیاس جهانی است که با پرچم سرخ «یا لثارات الحسین» و شعار خونخواهی حضرت صورت می گیرد. (۲)

نهضت عاشورا در طول تاریخ نمونه های نازله خود را در مقیاس های مختلف ایجاد می نماید و این نشان از ظرفیت بالای نهضت مقدس حضرت سید الشهداء علیه السلام دارد که کانون جوشان فریاد و خروش و اقدام علیه ظلم و ستم و بی عدالتی و کفر است.انقلاب اسلامی نیز نمونه شبیه سازی شده عاشورا در مقیاس اجتماعی است که بر اساس مبانی فکری و عقیدتی عاشورایی شکل گرفته است و نهضت عظیم عاشورا در ظهور و بروز و تداوم، همیشه الهام بخش آن بوده است و به تعبیر معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی رحمه الله انقلاب اسلامی پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن بوده است. (۳)

فرهنگ جهاد و شهادت ابزار تغییر وضعیت اجتماعی و جهانی

در فلسفه ی تاریخ الهی، انسان ها، معمار سرنوشت جامعه و تاریخ خویش اند و حرکت تاریخ امری جبری نمی باشد.

با دقت در آیات قرآن کریم و بررسی سرگذشت اقوام پیشین، درمی یابیم که بر اساس سنن الهی ایجاد هر گونه تغییر و تحولی برای جوامع انسانی، به دست خود انسان ها و با اراده و خواست آنان امکان پذیر است و سرنوشت یک جامعه بستگی به حرکت و عملکرد جمعی افراد آن جامعه دارد . خداوند متعال در آیه ی یازدهم از سوره ی مبارک رعد، این

۱- . مجله نور دانش، ۱۳۴۱، شماره ۳

۲- . مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ۱۹۴

۳- . امام خمینی، صحیفه نور ج ۱۸، ص ۱۲

قانون حاکم بر جوامع بشری را چنین بیان می فرماید: «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (۱) ; «خداوند، سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آن چه را در خودشان است، تغییر دهند.»

در واقع بر طبق این سنت الهی ، اراده الهی برای تغییر و تحول متقوم به اراده انسانی و اجتماعی است و در صورت جهاد و تلاش از سوی جامعه برای تغییر وضعیت و حرکت به سمت مطلوب ، امدادهای الهی نازل گردیده وآن جامعه را در راه رسیدن به هدف و مطلوب خود یاری می رساند.

حاکمیت طواغیت در عصر غیبت و دوره انتظار بشر ثمره ای جز ظلمت، شقاوت و ظلم و جور و ستم برای بشریت نداشته است. در همین راستا در عصر مدرنیته و در زمان سلطه تمدن مادی، شاهد نهادینه شدن ظلم و جور و بی عدالتی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در بزرگ ترین مقیاس و در وسیع ترین سطوح می باشیم که هم اکنون نیز این سیطره ظالمانه ادامه دارد.

از آثار و تبعات ظالمانه سیطره تمدن مادی بر جهان ، حاکمیت نظام ناعادلانه جهانی در تمام ابعاد سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی است و بر همین اساس، معتقدان به مهدویت وطالبان عدالت جهانی در عصر انتظار سعی می کنند در راه اجرای عدل و قسط در جامعه و مبارزه با ظلم و بیداد قدم بردارند و از این طریق جامعه را برای ظهور بزرگ پرچم دار عدالت مهیا سازند.

امکان زمینه سازی برای ظهوربا فرهنگ مقاومت و شهادت

ممکن است برخی به اشتباه فکر کنند که بر طبق اراده الهی امر ظهور خود به خود و بدون زمینه سازی و آمادگی به سرانجام می رسد . در حالی که تحقق این وعده الهی آمادگی آحاد جامعه را می طلبد و بستر سازی و زمینه سازی لازم دارد. چنانچه در روایت شریف آمده است که:«و یوطئون للمهدی سلطانه (۲)؛ منتظر مهدی، آماده است و برای سلطان و تسلط مهدی علیه السلام زمینه سازی می کند.»

حضرت امام صادق علیه السلام نیز در این رابطه می فرمایند: « لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما . (۳)؛ باید هرکدام از شما برای خروج قائم، آمادگی پیدا کند، اگر چه با تهیه کردن یک تیر باشد.»

۱- . رعد ، آیه ۱۱

۲- . میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۸; کنز العمال، ح ۳۸۶۵۷

۳- . الغیبه، نعمانی; بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶

حضـرت امام باقر علیه السـلام نیز در این زمینه سـخن و اسـتدلال جالبی دارنـد و ضـرورت مجاهده و تلاش و شـهادت را برای زمینه سازی امر ظهور متذکر می شوند:

. . . قلت لابی جعفر علیه السـلام : انهم یقولون: ان المهدی لو قام، لاستقامت له الامور عفوا و لا یهریق محجه دم، فقال: کلا، و الذی نفسـی بیده، لو اسـتقامت لاحد عفوا لاسـتقامت لرسول الله صلی الله علیه و آله حین ادمیت رباعیته و شبح فی وجهه کلا و الذی نفسی بیده حتی نمسح نحن و انتم العرق و العلق . ثم مسح بجبهته. (۱)

. . . به خـدمت امام محمد باقر علیه السـلام عرض کردم: مردم می گویند چون مهدی قیام کند، کارها خود به خود درست می شود و به انـدازه ی یک حجامت، خون نمی ریزد . فرمود: هرگز چنین نیست . به خـدای جان آفرین سوگند! اگر قرار بود کار برای کسـی، خود به خود درست شود، برای پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم درست می شد، هنگامی که دندانش شکست و صورتش شـکافت . هرگز چنین نیست که کـار خود به خود درست شود . به خـدای جـان آفرین سوگنـد! کار درست نخواهد شد تا این که ما و شما در عرق و خون غرق شویم» . آن گاه به پیشانی خود دست کشید.

علامه مجلسـی در باره خصوصـیات یاوران حضـرت حـدیث مفصـلی را نقل کرده است که در فرازی از آن به روحیه شـهادت طلبی یاران حضـرت اشاره شده است: «یدعون بالشـهاده ویتمنون ان یقتلوا فی سبیل الله . شعارهم: یا لثارات الحسین (۲) ؛ برای شهادت دعا می کنند وآرزوی کشته شدن در راه خدا را در سر می پرورانند . شعارشان: "ای خون خواهان حسین! " است .»

_ تأثیر و کارآمدی سلاح جهاد و شهادت

قدرت و کارامدی سـلاح شهادت و مقاومت در انقلاب اسلامی به خوبی نمایان است. انقلاب اسلامی برای دستیابی به اهداف خود هیـچ یک از ابزارهای ظاهری موفقیت اعم از قدرت سیاسـی و نظامی و اقتصادی و احزاب و گروه ها و حمایت جهانی را در اختیار نداشت و تنها اسـلحه پیشـرفته و برنده آن سـلاح شهادت طلبی بود. شعار اصلی انقلاب شعار پیروزی خون بر شمشیر بود. روحیه شهادت طلبی و ... مسجد و محرم و ایام عاشورا و تاسوعا از عوامل تسریع کننده حرکت شتابنده انقلاب بودند. (۳)

۱- . الغیبه، نعمانی; بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸

۲- . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷

۳- . جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰، ۲۰

در این زمینه حضرت امام رحمه الله می فرمایند: ما همانطوری که سید الشهدا در مقابل آن همه جمعیت و آن همه اسلحه ای که آنها داشتند قیام کرد تا شهید شد؛ ما هم همین طور، ما هم برای شهادت حاضریم. و مگر خون ما رنگین تر از خون سید الشهداست و چرا بترسیم از اینکه خون یا جان بدهیم. (۱)

ادبیات انقلاب اسلامی ادبیات توحیدی و عاشورایی بود و در انقلاب خون بر شمشیر پیروز بود و نه اسلحه در برابر اسلحه.

پطروشفسکی در این زمینه می گوید: در میان شیعه امامیه که مورد زجر و آزار قرار گرفته و غالبا به صورت مخفی به موجودیت خویش دوام داده اند، فکر عظمت شهادت در راه دین و پاک شدن از طریق شهادت و سرنوشت غم انگیز اهل بیت علی علیه السلام یکی از عقاید اصلی و رهبری کننده بود. (۲)

دکتر حمید عنایت نیز به این نکته اشاره دارد که عنصر شهادت جاذبه ای نیرومند برای همه نهضت های شیعی داشته که نظام حاکم را به مبارزه طلبیده اند. (۳)

پیروزی و سربلندی شیعه در جهان امروز و استیصال استکبار با سلاح ایمان و شهادت

جبهه کفر برای رسیدن به اهداف شیطانی خود همواره در پی کسب قدر ت بیشتر و دستیابی به سلاح برتر بوده است و از این رو دستاورد های چشمگیری در کسب قدرت نظامی و سلاح و ابزار های جنگی داشته است.

در همین راستا قرآن کریم به مومنین و اهالی جبهه ایمان سفارش می کند که از دشمن غفلت نورزند و برای مقابله با دشمن وترساندن دشمنان خدا و دین، مومنین خود را به سلاح و تجهیزات نظامی قوی و متنوع مجهز نمایند.

« و اعدوا لهم ماستطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم » (۴)

قدرت نظامی غرب و یهود در سده اخیر

جبهه کفر و استکبار در قالب استکبار جهانی و رژیم نامشروع اسرائیل در سده اخیر به قدرت چشمگیری دست یافته اند و تمام ابزارهای قدرت اعم از قدرت اقتصادی ، سیاسی ، علمی ، نظامی و رسانه ای را در اختیار گرفتند. تمامیت طلبی

۱- . صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۶۲

۲- . پطروشفسکی، ۱۳۵۰،۲۸۲

۳- . عنایت، حمید ، ۱۳۶۳، ۳۰۹

۴- . سوره مبارکه انفال ، آ یه ۶۰

و خوی استکباری جبهه کفر و از سویی دیگر اندیشه استیلای قوم یهود بر جهان باعث تولید سلاح اتمی گردید و جبهه کفر و استکبار به عنوان قدرت و حاکمیت نظامی برتر و بمب اتمی به عنوان سلاح برتر لقب گرفت.

تغییر معادلات قدرت در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس؛

ظهور قدرتمند انقلاب اسلامی و پس از آن دفاع جانانه در هشت سال دفاع مقدس جهان کفر را در شوک و حیرت عظیمی فرو برد و معادلات قدرت را تغییر داد.

انقلاب اسلامی درظاهر از هیچ یک از ابزار های متعارف قدرت برخوردار نبود و در این قیام، ملتی با دست های خالی و بدون سلاح و بدون برخورداری از پشتیبانی قدرت های جهانی و تنها با تکیه بر ایمان و انگیزه های دینی و با آرمان ها و شعار های دینی و شیعی و با مرجعیت شیعی و با رهبری مرجعیت شیعی به پیروزی رسید.

افکار عمومی دنیا که سالها با این شعار خو گرفته بودند که دین افیون توده ها و عامل رخوت و سستی اجتماعی است ، به یکباره قدرت و کارآمدی دین را در ایجاد بزرگترین انقلاب تاریخ مشاهده کردند.

انقلاب اسلامی و دفاع مقدس این سؤال بزرگ را در مقابل اذهان جهانیان قرار دارد که قدرت، تنها در بمب اتم و سلاح نظامی نیست بلکه ایمان به خدا و غیب و قدرت روحی و فکری و عملکرد ایثارگرانه و شهادت طلبانه می تواند قدرت و کارآمدی زیادی ایجاد نماید و در واقع قدرت در ایمان و شهادت طلبی است و شهادت سلاح برتر است.

انقلاب اسلامی تنها انقلابی است که بعد از گذشت سه دهه از عمر خود، نمونه کوچک و شبیه سازی شده خود ؛یعنی حزب الله لبنان و هسته های مقاومت چون حماس را ایجاد کرد و بار دیگر درستی این شعار و ادعا را اثبات نمود.

پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه و در مقابل اسرائیل- که مجهز به ۲۰۰ کلاهک اتمی است- و مقاومت قهرمانانه حماس و ملت فلسطین بار دیگر قدرت و کارآمدی و برتری سلاح شهادت و ایمان را اثبات نمود و تمامی قدرت نظامی و تسلیحاتی اسرائیل و غرب در مقابل این سلاح برتر ناکارآمد ماند.

امروز جهان اسلام و جهان تشیع با بازگشت به آموزه های اسلام ناب و مسلح شدن به سلاح ایمان و شهادت و جانفشانی در راه خدا در اوج سربلندی و عزت و قدرت به سر می برد و جهان استکبار با درماندگی در مقابل این سلاح برتر در انزوا و استیصال قرار دارد.

نیاز به فرهنگ فداکاری، استقامت، شهادت طلبی، شجاعت و وفاداری برای تحقق جامعه مهدوی

بی گمـان درگیری بـا این نظام سـلطه که از بزرگترین موانع تحقق ظهور می باشـد و مبارزه با قـدرت سیاسـی و نظامی آنان و نابودی فرهنگ مادی آن نیاز به فداکاری و صبر و اسـتقامت در مصائب و مشـکلات و ناملایمات دارد. در این مسـیر سخت و دشوار جامعه منتظر نیازمند الگوگیری از فرهنگ عاشورا به عنوان الگو و نمونه صبر و ایثار و استقامت است.

نابودی حکومت و فرهنگ اموی تنها با فداکاری و شـهادت حضـرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ممکن شد و جز این درجه از ایثار و فداکاری و شـهادت طلبی چیزی قادر به نابودی فرهنگ اموی و انحراف ایجاد شده در عالم اسلام نبود. حضرت امام خمینی رحمه الله با بینش قوی خود به این نکته اشاره فرموده اند که شکسـتن فرهنگ شرق و غرب و پایه ریزی فرهنگ جدید بر مبنای اسلام در جهان بدون شهادت میسر نیست. (۱)

جبهه کفر و نفـاق چهره حقیقی خـود را پوشانـده و بـاطن حقیقی خـود را در پس پرده مفـاهیمی همچـون دموکراسـی و مردم سالاری مخفی نموده است و به اغواگری و شیطنت می پردازد؛ اتمام این ظرفیت فریب و اغواگری و نشان دادن چهره واقعی و برانداختن پرده نفاق و استفاده از ابزار زور و خشونت توسط جبهه باطل نیاز به مقاومت و فداکاری و استقامت دارد.

زدودن حجاب ظلمانی تمدن مادی و شـیطانی که ثمره حکومت طاغوت است؛ با اقتدا به نور حضرت سید الشهداء علیه السلام و شهادت و نثار خون میسر است.

یکی از درس های عاشورا برای آیندگان این بود که گاهی به علت کثرت جبهه باطل و غبار غلیظ فتنه باید برای نصـرت کلام حق از جان مایه گذاشت و این همان مفهوم عمیق شهادت است

از موانع عمـده تحقق حکومت دینی و ولاـیت اجتمـاعی توسـط ائمه اطهـار علیه السـلام کمبود و قلت یـار و یـاور و در مقـابل قـدرت نـابرابر طـاغوت بود. از این رو برای آمـاده سـازی مقـدمات ظهور، ایجـاد یـک موازنه قوا و موازنه قـدرت به نفع جبهه اسلامی و منتظران حضرت و تشکیل یک جبهه جدید و قوی از موحدین و مستضعفین و عدالت طلبان عالم و پشتیبانی مادی و معنوی آنـان در برابر جبهه کفر لاـزم و ضـروری است که این امر تنهـا بـا جهـاد و شـهادت میسـر است. به لطف خـدای متعال انقلاب اسلامی اکنون تبدیل به یک ابر قدرت معنوی گردیده

۱- - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷

است و حمایت های معنوی و قلبی عالم اسلامی و آزادی خواهان و عدالت طلبان عالم را پشتوانه خود دارد و به سمت نقطه مطلوب و ایجاد یک قطب بندی جدید در دنیا در حال حرکت است.

خاتمه

در فرهنگ اسلام جهاد در راه خدای متعال یکی از راه های تهذیب فرد و جامعه است. یعنی یکی از تقدیرهای خدای متعال و سنن الهی که یک سنت است که اهداف متعددی را دنبال می کند، همین سنت جهاد در راه خدا و درگیری بین حق و باطل است که اهداف متعددی را تأمین می کند که یکی از این هدف ها پرورش نفوس و تهذیب نفوس است. یکی دیگر از جلوه های جهاد در راه خدا این است که این جهاد دری است که خدای متعال به روی اولیای خاصّ خودش به سوی جنت باز می کند. درجات جنت تابع درجات شهادت انسان است. کسی که خالص در راه خداست ، جنتش با آنکه به درجات خلوص نرسیده فرق می کند. در کربلا حبّ حضرت است که باعث می شود یاران ، فدارکارانه وارد میدان شوند و همه چیز خودشان را در راه خدا بدهند. پس یک چهره جهاد، عبارت است از: فداکاری در راه خدا، اشتیاق به لقای خدا و اشتیاق به درجات بهشت که یک انسان مؤمن و موحد مشتاقانه از طریق شهادت به خدای متعال می رسد.

اما چهره دیگر جهاد فی سبیل الله این است که شهید نسبت به مولای خود غیور است و حاضر است از خود بگذرد تا نام مولایش جاودانه شود و جبهه او پیروز نبرد تاریخی حق علیه باطل گردد. لذا با دستگاه باطل درگیر می شود و شهادت میدان درگیری با این دستگاه و اولیائش می باشد.

شهدا می خواهند مشعل ولایت روشن شود و کلمه باطل محو گردد و بساط ظلمت جمع شود و دوران ظهور نور و حقیقت و در واقع ظهور کلمه ولایت فرا رسد.

شهید کامل شهیدی است که می خواهد فدا شود که هم خودش حقیقت ظهور را درک کند و هم حجاب ها برداشته شود و دیگران نیز به این حقیقت برسند.

این انتظار ؛ یعنی دلدادگی به حقیقت ولایت و امید به تجلی و ظهور ولایت در عالم ، نقطه استشهاد است و انسان منتظر انسان مستشهد است که طالب شهادت است و در این راه با مولای خود عهد می بندد و طالب وفای به این عهد است.« فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر ....»

و خـدای متعال با همین مجاهده و شـهادت طلبی است که جریان معنویت را در جهان رشد می دهد و جریان باطل را محو می کند (۱).انشا الله

۱- . میرباقری- سید محمد مهدی ، شهادت طلبی و رابطه آن با انتظار،انتشارات داخلی دفتر فرهنگستان علوم اسلامی

نقش عاشورا در گسترش فرهنگ ایثار و انتظار (فهیمه محمد علیخانی)

مقدمه:

شهادت افتادن سرو نیست، شهادت مرگ یک انسان نیست. شهادت حرکت شتابان انسان تا مرز بی نهایت، رفتن به حرم انبیاء و اولیاء و رسیدن به مقام بسیار باارزش رضایت خدا از مخلوق و خشنودی مخلوق از خداست. نفس مطمئنه ای است که به رب خود رجوع کرده و خدا از او راضی است.«رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُواْ عَنْهُ» (۱)

شهید لحظه ای که با ریختن خونش خودش را سبک می کند و روی بال ملائکه پرواز می کند، مثل معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، به سرعت نور و بالاتر از نور به خدا می رسد.«أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَيْءٍ»(۲)

فرهنگ شهادت و عاشورا، مایه ی بالندگی و شکوفایی منتظرات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر انتظار است. عاشورا دریچه ای به انتظار است و انتظار تجلی آرزوی کربلا. انتظار، کربلایی است به وسعت همه ی جهان و محل نبرد حق و باطل در زمان دیگر. تفاوت آن در این است که این بار حق پیروز نهایی میدان است و باطل از بین خواهد رفت.

انتظار ادامه ی عاشوراست و ظهور ثمره ی خون امام حسین علیه السلام است که در شریان تاریخ به جوش آمده است.

پس برای رسیدن به ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف باید از گذرگاه کربلا عبور کرد.

فهیمه محمد علیخانی

پاییز ۱۳۸۷

۱- – مائده / ۱۱۹.

۲- – طور / ۲۱.

ص:۲۰۱

چکیده:

فرهنگ عاشورا پیوندی عمیق و ارتباطی ناگسستنی با فرهنگ انتظار دارد. عاشورا زمینه ساز و مقدمه ی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و معارف و حکمت های جاودان آن، در ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف متجلی است. پس برای رسیدن به ظهور مهدی موعود باید از گذرگاه کربلا عبور کرد.

تعریف انتظار

یکی از مهم ترین و پرارزش ترین وظایف شیعه در عصر غیبت، مسئله ی انتظار است. انتظار به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده است. انتظار یک حالت روحی است که از درون و ضمیر فرد منتظر برآمده، بر تمام اجزاء وجودی و ابعاد زندگی او تأثیر می گذارد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: هر کسی بخواهد از یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، باید منتظر باشد و با پرهیزکاری و خوبی های پسندیده عمل کند و اوست منتظر؛ پس هرگاه بمیرد و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از مردنش به پا خیزد، پاداش او مثل کسی خواهد بود که دوران آن حضرت را درک کرده است. (۱)

مقایسه دو نبرد حق و باطل

فرهنگ عاشورا زمینه ساز فرهنگ انتظار است. انتظار ادامه ی عاشورا است و چشم به راه حسینی دیگر در کربلایی دیگر با وسعت جهانی. نبرد امام حسین علیه السلام و یزد(علیه اللعنه)، جنگ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مستکبران است. نبرد حق و باطل است در کربلا و همه ی زمین.

یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه عاشورایی هستند. در این مکتب پرورش یافته و معیار جنگ و صلح را از او آموخته اند. زیرا امام حسین علیه السلام خود معیار سلم و حرب و تولا و تبرا ست. امام حسین علیه السلام با شهادت خود پایه گذار فرهنگ شهادت شد و این فرهنگ به عنوان الگو، سرآغاز بسیاری از حرکت ها و قیام های حق طلبانه در سرزمین های اسلامی بر علیه خلفاء و حاکمان ستمگر شد. در عراق، بصره و کوفه (سلیمان بن صرد، مختار، زید بن علی) در حجاز، مدینه، مکه و خراسان (یحیی بن زید). (۲)

خصوصیات انتظار

انتظار نقش به سزایی در از بین بردن و ناامیدی و پیروزی نهایی مظلومان بر مستکبران دارد.

«وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۳)

همان طور که می تواند به عنوان یک راهبرد اساسی، در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، تربیتی و فکری یک جامعه تأثیرگذار باشد.

۱- . مکیال المکارم، محمدتقی موسوی اصفهانی، ترجمه ی حائری یزدی، ج ۲، ص ۲۱۹.

۲- . پیامدهای عاشورا، سید ابوالفضل اردکانی.

۳- . قصص, آیه ۵.

از طرف دیگر منتظر ظهور مصلح، خود باید صالح باشد. همان طور که امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«ما دولت و حکومتی داریم، خداونـد هرگاه بخواهد این دولت ظهور خواهد کرد و کسـی خوشـحال و خشـنود می شود که از یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف باشد. پس منتظر باشد و در حال انتظار اهل ورع و اجتناب از گناهان و اهل محاسن و مکارم اخلاق باشد». (۱)

و همین طور امام باقر علیه السـلام می فرماینـد:هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف قیام کنـد هر دولت باطلی از بین می رود. (۲)

امام حسین علیه السلام با شهادت خود باعث رسوایی و در نتیجه نابودی بنی امیه شد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با ظهور خود باعث رسوایی و تزلزل تمام دولت های باطل مستکبران خواهد شد.

خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ اللّهَ لاَ یُغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُواْ مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (۳) «وَلَن تَجِدَ لِسُنَّهِ اللَّهِ تَبْدِیلًا» (۴)

یعنی بـا تغییراتی که در وجود انسـان هـا رخ می دهـد، وضـعیت و اجتمـاع آنـان دگرگون می شود و این سـنت الهی است که دگرگونی نخواهد داشت و تخلف ناپذیر است.

پس ایجاد فرهنگ انتظار در انسان ها در هر عصـری می توانـد زمینه ساز ظهور حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف باشد.

«وَقُلْ جَاء الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ کَانَ زَهُوقًا» (۵)

ظهور امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف فراهم آمـدن یاورانی را می طلبـد و این ما هستیم که بایـد با گسترش فرهنگ عاشورا و شهادت در انسان ها، آنها را به این سمت و سو سوق دهیم تا یاورانی ایثارگر و منتظرانی واقعی را پرورش دهیم.

البته با توجه به آیه فوق حتی اگر ما کاری هم نکنیم ظلم فراگیر و باطل خود زمینه ساز عدالت و حق خواهد بود.

به شهادت خود قرآن، اگر ما تمام استعدادها و تلاش ها و تحمل سختی ها و شداید را به کار ببریم، خداوند نیز نیروهای غیبی خود را فرو خواهد فرستاد. «إِن تَنصُرُوا اللَّهَ یَنصُرْکُمْ» (۶)

استواری قدم در زمان ظهور؛

۱- . منتخب الأثر، ص ۴۹۷، فصل ۱۰، باب ۲، ج ۹.

۲- . اصول کافی، محدث کلینی، ج ۸، ص ۳۸.

۳- . رعد / ۱۱.

۴- . احزاب / ۶۲.

۵- . اسراء / ۸۱.

۶- . محمد / ۷ (آیه ی ۲۱۴ بقره نیز مطلبی در این معنا دارد).

در عصر انتظار حفظ دین از سخت ترین کارها است.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:روزگاری بر مردم خواهد آمد که امام و پیشوای ایشان، از چشم آنان غایب و پنهان می گردد. پس خوشا بر احوال کسانی که در آن زمان ثابت قدم و استوار می مانند. (۱)

در دوران امام حسین علیه السلام بر اساس بدعت های خلفا و تبلیغات سوء بنی امیه، دین بی ارزش و زندگی دنیوی ارزشمند شد.

«مردم بنده دنیا هستند و مادامی که زندگی دنیای آنها تأمین شود، دین لقلقه ی زبانشان می باشد. اما همین که مورد امتحان قرار گرفتند، دین داران کم خواهند بود. (۲)

در صحرای کربلا، امام حسین علیه السلام با هفتاد و دو تن از یاران باوفا و راست کردار خود در برابر لشکر عظیم یزید و یزیدیان ایستاد. اینان کسانی بودند که به راستی فرهنگ شهادت و ایثار را به نسل های آتی آموختند.

پس ما نیز باید با فراگیری فرهنگ شهادت و ایثار از این افراد، خود را برای ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف مهیا نماییم.

عزت اساس حرکت حسینی و مهدوی است و می تواند اساس سیاست راهبردی حکومت دینی در سطح روابط بین المللی باشد. «تعزُّ بها الاسلام و أهله» (۳)یعنی منتظر دولت عزیز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خود باید عزیز باشد.

امام حسین علیه السلام نیز فرمودند «هیهات منا الذله».

تبیین جنگ امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام آغازکننده جنگ نبود (با آنکه دشمن در تیررس آنها قرار داشت) زیرا درگیری و جنگ باید پس از تبیین و اتمام حجت باشد، آن هم پس از آنکه دشمن شروع کننده جنگ باشد. این در واقع یک تنش زدایی است که با عزت درآمیخته است. ضرورت درگیری و جنگ آمادگی و تجهیزات لازم را می طلبد، پس ما باید از الان در اندیشه روز موعود باشیم و به فکر عده و عُده باشیم تا در مصاف حق و باطل، آن گونه که خداوند وعده داده است حق را به پیروزی نهایی خود برسانیم.

۱- . بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۵. (در روایتی دیگر آمده است: کسی که در روزگار قائم ما ثابت قدم و استوار باقی بماند و نلغزد چنان است که خداوند پاداش هزار شهید مانند شهدای جنگ های بدر و احد به آنان می دهد».

۲- . بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.

۳- . مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، دعای افتتاح.

همان طور که امام حسین علیه السلام در کربلا، دست از جذب نیرو و تبلیغ دین برنداشت و اشخاصی چون حربن ریاحی را به حق دعوت کرد، ما نیز باید از ایشان پیروی کرده و همراه با امام خویش به جذب نیرو و تبلیغ بپردازیم. آری هنوز فریاد «هل من ناصر» حسینی و مهدوی به گوش می رسد.

امام علی علیه السلام می فرماید: «با پرهیزکاری، تلاش فراوان، پاکدامنی و راستی مرا یاری نمایید.» (۱)

یاران حضرت مهدی علیه السلام

هر جنبش و انقلابی به یارانی نیاز دارد که ستون های انقلابند. سستی و استواری هر یک از این دو، سستی و استواری دیگری را به همراه دارد. هر اندازه بنای انقلاب بزرگ تر، بلندتر و گسترده تر باشد، به ستون های محکم تری نیاز دارد. بنابراین یاران مهدی علیه السلام نیز باید از چنان استواری برخوردار باشند. عمق این نگاه آنان را از سیل امتحانات سرافراز بیرون می آورد. سپاهیان طالوت با نهر آبی آزمایش شدند. خداوند درباره ی آن می فرماید: «شما را با نهر آبی می آزمایند». یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مثل آنان آزمایش می شوند. منتظرانی که مشتاق شهادت و لقای الهی هستند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آرزو می کنند که در راه خدا به شهادت برسند». (۲)

سازندگی علت حرکت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

انقلاب مهدوی حرکت گسترده ای است برای هدایت و سازندگی نه جهان گشایی. جهاد مقدمه ی این آرمان الهی است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از حق اهل بیت خود چشم می پوشید و آنان را در تنگنا قرار می داد تا دیگران به رفاه برسند و از این رهگذر دلهایشان نرم و نسبت به دین متمایل گردند. همین طور یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز باید سختی ها را به جان بخرند و از خوشی ها و لذاید چشم بپوشند و با دستان مهربان خود، خوبی ها را به دیگران هدیه دهند تا دلهایشان نرم و نسبت به دین متمایل گردد. عاملی که در سازندگی ملت ها مؤثر است، مسئله وحدت فرهنگ است. حال اگر این فرهنگ یک پارچه فرهنگ ایثار و گذشت باشد، دلها همراه شده و منتظران واقعی شکل می گیرند.

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شهادت امام علی و سیدالشهداء علیهما السلام تا امروز ریشه تمام حرکت ها و نهضت های شیعی علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه ی مبارزه تا پیروزی حق بوده است. این امر چنان بوده است که یکی از معیارهای پذیرش اعمال نامیده می شود. (۳)

۱- . نهج البلاغه، نامه ی ۴۵.

۲- . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳- . نگاهی دوباره به انتظار، مجید حیدری نیک، ص ۲۸.

روز ظهور استغاثه مظلومانه خون امام حسین علیه السلام است و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پاسخ دهنده ی آن

نتیجه

کربلا دانشگاه بزرگی است با کلاس ها و درس های بسیار. اما ابعاد و آموزه های این دانشگاه بزرگ هنوز بر بسیاری پوشیده است.

باید در این دریای عمیق، گسترده و پربار، غواصانی ماهر و زبردست به صید بپردازند تا مرواریدهای گران بهای آن را به چنگ آورده در اختیار خواستاران قرار دهند.

پرورش یافتگان مکتب مهدی، امام حسین علیه السلام را به عنوان معیار (سلم) و منشأ الهام پذیری می دانند. پس باید این معیار برای همگان به خوبی تبیین گردد.

توسّل و توجه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در سیره شهدا (ندا احمدی و فائزه سیبویه)

تقدیم به

فرمانروای کل جهان, جان عالم امکان

مظهر شکوه و قدرت یزدان ، جلوگاه معانی قرآن

صاحب الامر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

چکیده

توسل، یعنی وسیله قرار دادن چیزی. توسل از دیدگاه قرآن، وسیله قرار دادن انسانهای صالح در پیشگاه خداست.

توسل زمانی محقق می شود که آدمی به آن چه وسیله قرار می دهد، ارادت کامل داشته و او را با دل و زبان دوست بدارد.

در حدیث قدسی آمده است: «اگر برای برآورده کردن حاجتی بزرگ، محبوب ترین شخص را نزد شما آورند، به بزرگداشت آن شخص نیاز او را بر آورید. همانا محبوب ترین شخص نزد من محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و امامان بعد او هستند».

بنابراین انسان ها در سخت ترین شرایط با متوسل شدن به معصومین علیهم السلام حاجت های بزرگ خود را از خدا خواسته اند؛ چنانچه در طول ۸ سال دفاع مقدس، رزمندگان در دشوارترین شرایط با توسل به این بزرگواران راه نجاتی می یافتند.

آنان سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند و با معرفت کافی نسبت به آن بزرگوار، در امور مهم خود و جهت دفع دشمن در هر زمان به ارباب خود مراجعه کرده و از او یاری می جستند؛ چرا که او دادرس بی پناهان است. آنان منتظر منجی خود بودند و با حرکتی تحول آفرین و تعهد آور و مجاهد پرور سعی در زمینه سازی ظهور می-کردند. داشتن ویژگی های این مهدی یاوران می تواند معیاری برای محک زدن میزان آمادگی ما در یاری آن حضرت گردد.

از جمله ویژه گی های بارز مهدی یاوران، صبر و استقامت آنان در برابر خواسته های نفسانی و مشکلات است. ایمان به خدا بند بند وجودشان را در بر گرفته و اطاعت آنان از امام خود، از اطاعت کنیز در برابر مولایش بیشتر است. آنان انیس و مونس قرآنند و گوش به فرمان ولی فقیه خود و در یک کلام آنان محبان و محبوبان خدایند.

کلید واژه ها: توسل ، توجه، انتظار ، شهادت، شهدا.

مقدمه

امروزه شیعه بیش از هر زمان دیگری به امام معصوم خود نیاز دارد و چون امام خویش را غایب می بیند به سوی ناامیدی سوق داده می شود، بنابراین مهم ترین گذاره در نهضت فکری شیعه باید «استراتژی انتظار» به «آموزه های مهدویت» باشد و سمت و سوی تمامی تکاپوها حرکتی انتظارگونه بوده تا هم زمینه ظهور فراهم شود و هم شیعه از چنگال نا امیدی «که آدمی را به نابودی می کشاند» رهایی یابد.

انقلاب اسلامی ما نمادی بارز از این حرکت بود؛ چرا که بهترین اسوه های علمی و عملی معاصر را می توان در سیره ی شهدای بازمانده از این انقلاب نظاره کرد. توسل و توجه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و پرورش اخلاق محمدی، از خصوصیات بارز آنان است.

بررسی سیره آنان و دانستن خصوصیات و ویژگی آنان می تواند الگوی مناسبی برای ما و مقیاسی ملموس و کاربردی برای سنجش میزان قابلیت ما در یاری آن حضرت در همه عرصه ها باشد.

پژوهش حاضر به طور کلی به بحث پیرامون توسل و توجه به ائمه معصومین علیهم السلام و بالاخره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته و آن را در سیره ی شهدای ۸ سال دفاع مقدس به نمایش گذاشته و آن چه بر اساس آیات و روایات به مهدی یاوران نسبت داده اند در زندگی این مردان خدا، جستجو کرده است.

به امید آن که باالگو قرار دادن آنان، ما نیز ویژگی های یک یاور مهدی را در خود فراهم آوریم؛ انشاء الله.

توسل

توسل یعنی اتخاذ «وسیله» برای نزدیک شدن به چیزی.

چنان که دانشمندان لغت می گویند:تَوَسَّلَ الیه: إذا تقرَّب الیه بِعَجْلِ تَوسَّل إلی الله بعجلٍ أو وسیلهٍ / عَمِلَ عملاً تَقَرَّبَ به الیه تعالی.

«وسیله» در لغت به معانی مختلف آمده است.نزدیک شدن۱،مقام و منزلت در پیش سلطان۲،درجه۳،چاره جوئی برای رسیدن به چیزی با میل و رغبت۴،هر آن چه به سبب آن ، نزدیک شدن به دیگری ممکن باشد.۵

قرآن و توسل

از آیات قرآن، به خوبی استفاده می شود که وسیله قرار دادن مقام انسان صالحی در پیشگاه خدا و طلب کردن چیزی به خاطر او، به هیچ وجه ممنوع نیست.

«اگر هنگامی که به خویشتن ستم کردند (و مرتکب گناهی شدند)، به سراغ تو می آمدند و از خداوند طلب عفو و بخشش می کردند و تو نیز برای آنها طلب عفو می کردی، خدا را توبه پذیر و رحیم می یافتند».

و همچنین در آیه ۹۷ سوره یوسف می خوانیم که برادران یوسف از پدر تقاضا کردند که در پیشگاه خداوند برای آنها استغفار کند و یعقوب نیز این تقاضا را پذیرفت.

در آیه ۱۱۴ سوره توبه نیز، موضوع استغفار ابراهیم علیه السلام در مورد پدرش آمده است که تأثیر دعای پیامبران را درباره دیگران می رساند. در آیات متعدد قرآن این موضوع منعکس است.

توسل کامل در ارادت کامل است

مسلّم است که آدمی می تواند عیار محبت را بشناسد و بداند که دوست داشتن مراتب و مراحلی دارد که به وسیله ی آن مراتب می تواند منازل ایمان را طی کند.

بوده اند کسانی که «تولاّ» (محبّت) داشته اند؛ امامان شیعه را دوست داشته اند؛ لکن از نعمت «تبرّی» (بیزاری) از دشمنان و دوستان دشمنان آن ذوات مقدسه بی بهره بوده اند، یا تنها نسبت به چهار و یا هفت تن از ائمه علیهم السلام تولاّ و تبرّا داشته اند. بدون تردید چنین کسانی ایمان کامل ندارند زیرا ارادت و اعتقادشان نسبت به ائمه علیهم السلام کامل نیست. پس زمانی ایمان آدمی کامل است که پیرو اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله باشد؛ یعنی دوازده امام بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را (که بر مومنین و مؤمنات امیر می باشند) قبول داشته باشد؛ و موقعی محبتش نسبت به امام زمانش تمام عیار

است

(یعنی شایسته قرب إلی الله می گردد) که نه تنها پیوند قلبی با ولایت آن وجود نازنین داشته باشد، بلکه با زبان و دل حضرتش را دوست بدارد.۷ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:«من برای چهار گروه شفاعت می-کنم، هر چند با گناهان اهل دنیا بیایند: مردی که ذریه ام را یاری کرده باشد؛ مردی که مال خودش را هنگام سختی به ذریه ام بذل نماید، مردی که ذریه مرا با زبان و دل دوست بدارد و مردی که در برآوردن نیازهای ذریه ام اهتمام ورزد».۸

توسل و طلب شفاعت از خداوند به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

آن جناب باب الله است که از آن در راه به سوی رضوان خداوند است؛ زیرا اوست که شفیع در نزد خداوند تعالی، و اوست اسم خداوند که بندگانش را امر فرموده به آن توسل کنند. چنان که در روایت از ائمه علیهم السلام نقل شده است که:

درباره ی فرموده ی خدای تعالی: «ولله الأسماءُ الحُسنی فَادعوهُ بِها»؛۹ نیک ترین نام ها از آن خداست پس او را با آن نام ها بخوانید. فرموده اند: «به خدا قسم ماییم آن اسماء حسنی که خداوند بندگانش را امر فرموده تا به وسیله آنها او را بخوانند».۱۰

در بحار به نقل از کتاب عدهالدّاعی از سلمان فارسی آمده است که گفت: شنیدم از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «همانا خدای عزوجل می فرماید: ای بندگان من؛ آیا چنین نیست که هر کس حاجت بزرگی از شما بخواهد، حاجت او را برآورده نمی سازید مگر اینکه محبوب ترین افراد نزد شما را واسطه بیاورند تا آن حاجت را به گرامیداشت شخص شفاعت کننده برای ایشان بر آورید؛ بدانید و آگاه باشید که گرامی ترین و برترین مخلوق نزد من محمد صلی الله علیه و آله و سلم و برادر او علی علیه السلام است و بعد از او امامانی که وسیله به سوی من هستند؛ همانا هر کسی حاجتی مهم دارد که نفع آن را خواستار است یا حادثه ی بزرگی برایش در حال رخ دادن است که می-خواهد ضرر آن حادثه از او دفع گردد، باید از من به واسطه ی محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان معصوم او درخواست نماید؛ آن گونه که در نزد کسی، عزیزترین کسانش را شفیع می برید (تا حاجت شما را برآورد) و او آن حاجت را (به بهترین وجه) برمی آورد همان گونه من آن حاجت را برایش برآورده خواهم کرد».

«السلام علیک یا اباصالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف »

برادر پاسدار مرتضی قربانی، فرمانده سابق لشکر ۲۵ کربلا از ارادت و توسّل خاص رزمنده ای چنین تعریف می-کند:

در شب عملیات والفجر ۸ بچه های غواص را کنترل می کردم تا مطمئن شوم طناب ارتباط دهنده ی آن ها قطع نشده باشد. هنگامی که به ابتدای ستون نیرو های یکی از دسته ها رسیدم، دیدم حدود ۲ مترطناب، اضافه است. به دلیل نزدیکی به زمان آغاز عملیات، خودم خواستم آن طناب را قطع کنم که فرمانده ی دسته روی زمین نشست و گفت: «درست است که تلاش خودمان را انجام داده ایم بگوییم: «السلام علیک یا ابا صالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف » شما ۲۹ نفر را با طناب بسته اید و فکر کرده اید که من فرمانده ام ولی من فرمانده ای دارم که همه چیز عالم است بگذارید این طناب همین گونه باقی بماند»

اولین صدایی که در بی سیم شنیدم صدای همین فرمانده دسته بود که گفت: «ما به آن طرف آب رسیده ایم و فرمانده عراقی ها را زنده دستگیر کرده ایم». آن جا بود که من گفتم: «حجت بن الحسن فرمانده ما خودت هستی».

چند وقت بعد، بنده مرتضی قربانی را دیدم و این قضیه را با او در میان گذاشتم؛ ایشان ضمن تأیید این خاطره افزودند: من یک بار دیگر هم صدای این جوان مخلص را از پشت بی سیم شنیدم. ولی این بار، عملیات کربلای پنج بود. این بار او گفت :« دیگر مرا نمی بینی. همه رفته اند، من هم خواهم رفت. اما وقتی جسدم را برگردانند آن را دفن نکنید؛ اول سَری به جماران بزنید و از خاک کف پای امام بر داشته و روی جسدم بریزید، چرا که او نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف من است. هر چند که می دانم شهید، غسل و کفن نمی خواهد». سال ها گذشت و جسد او پیدا شد. اما دیگر حضرت امام رحمه الله زنده نبودند. من جسد او را برداشتم و به روستایی نزدیک گرگان رفتم. پیرمردی آمد جلوی در خانه که نابینا بود. این فرد پدر آن شهید گرانقدر بود که در عمرش پسرش را ندیده بود، ولی وقتی جسم کوچک شهید را به او دادم، این که او علی اکبری را به جبهه فرستاده بود او را هم چون علی اصغر در آغوش گرفت!

وقتی مادرش استخوان ها را تحویل گرفت، به یاد روزهایی که او بچه ی کوچکی بود و در گوشش زمزمه ی محبت می کرد، او را بغل نمود و داغ فرزند بر سینه اش تازه شد. ما هم رفتیم تا به مادر آن شهید بگوییم فرزندت افتخار حسینی را به تمام معنا ترجمه کرد.۱۲

دادخواهی، توجه و عرض حاجت بر آن حضرت

آن حضرت، فریادرس خلق است؛ چنان که در زیارتی که از حضرتش روایت گردیده، آمده است: «دادرس کسی است که از او دادخواهی کنند». همانگونه که در جریان ابوالوفاء آمده و در بحار و غیر آن نیز روایت شده است که آن حضرت، حصار محکم و فریادرس هر بیچاره ی درمانده و پناه گریزندگان و نجات دهنده ی بی کسان و نگهبان مصونیت خواهان است. شواهد بسیاری بر این مطلب هست، و می توان گفت: «وظیفه ی رعیت ـ چنان که در احوال عموم مردم می بینیم ـ آن است که در کارهای مهم؛ به ویژه دفع دشمنان (در هر زمان) به رئیس خود مراجعه کنند؛ چنان که عادت و شیوه ی اهل ولایت و عرفان همواره این بوده است که شکوه ها و حوائج خود را بر امامان خود عرضه می-نموده اند، چنان که این مطلب بر هیچ پژوهنده ای در اخبار اهل بیت علیهم السلام پوشیده نیست. بلکه می توان گفت: از جمله فواید وجود امام علیه السلام و وظایف او ـ چنان که از روایات ظاهر می شود ـ کمک به بیچارگان و دادرسی پناهنده گان است.

بدون تردید هر کس از رعایای یک ارباب مقتدر و صاحب نفوذ باشد، اگر بر او ستم شود، دوستانش به او توصیه می کنند که نزد آن ارباب شکایت برد و اگر این کار را نکند خردمندان او را سرزنش و مذمت نمایند.

از این رو می توان گفت: هر گاه در امور مهم و حوائجمان از روی آوردن به صاحب و مولایمان اِبا کنیم، از ذلت و خواری در امان نخواهیم ماند؛ چون وظیفه خود را (که خدای تعالی ما را به آن امر فرموده است) ترک کرده ایم چنان که این مطلب از تأویل این آیه: «پس در زمین پراکنده شوید و فضل و کرم خداوند را خواستار گردید».

ظاهر می شود (که در حدیث جابربی اوصیاء این گونه تفسیر گردیده است). پس وظیفه هر کسی آن است که در امور خود جزء به امام زمانش پناه نبرد و هرگاه این کار را ترک گوید، بر او گرفتاری ها و محنت ها وارد گردد و از ملامت شدگان و زیان کاران است.

حضور و غیبت امام علیه السلام با هم تفاوتی ندارد، زیرا که او دارای بینایی و شنوایی «کامل» است؛ چنان که در زیارت آن حضرت که از خود آن جناب رسیده این عبارت آمده است: «و هیچ چیز از احوال مردم بر امام پوشیده نیست». این مطلب از امور قطعی است و دیوارها و کوهها و پرده ها بین امام و کسی از مخلوق، حایل و مانع نمی باشد.

توجه: بدان که استغاثه و عرض حاجت به آن حضرت به زبان خاص و چگونگی معین و وقت مخصوص، مقید نیست؛ بلکه آن چه در این باب مهم است، عبارتست از: اصلاح دل، توجه کامل، توبه از گناهان، یقین ثابت و اعتقاد راسخ؛ ولی برای استغاثه و عرض حاجت، راهکارها، دعا ها و رقعه هایی وارد شده که شایسته است به انضمام آن چه یاد کردیم، به کار گرفته شوند، تا در تقرب و محبوب شدن نزد آن حضرت، مؤثرتر گردد.۱۳

ص:۲۱۵

السلام علیک یا صاحب الزمان

در گیر و دار عملیات طریق القدس و در شرایطی که نبردها بین دو طرف جنگ، شرایط فوق العاده ای را ایجاد کرده بود، شهید طاهری را دیدم که در اثر برخورد ترکش، یک طرف گردنش کاملاً از بین رفته بود. شدّتِ درد، آن قدر زیاد بود که بالا و پایین می پرید؛ اما جدا از مجروحیت و درد شدید، چیزی که بیش تر از همه جلب توجه می-کرد ذکر حسین حسینش بود.

سرانجام بعد از لحظاتی تحمل درد شدید و ذکر ارباب بی کفن با لبخندی بر لب، محضر مولا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عرض ارادتی کرد و با گفتن «السلام علیک یا صاحب الزمان» جاودانه شد.۱۴

مهم ترین گزاره در نهضت فکری شیعه، «آموزه ی مهدویت» و « استراتژی انتظار» است. سمت و سوی تمامی تکاپوهای شیعی به ویژه سمت و سوی انقلاب اسلامی ایران، حرکتی انتظار گونه و زمینه سازی برای ظهور دولت کریمه ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است.

برداشت عامیانه از انتظار این است که باید دست روی دست بگذاریم و در انتظار بمانیم تا منجی موعود بیاید و ما را نجات دهد؛ غافل از اینکه چنین انتظاری هرگز به سر نخواهد آمد.

«استراتژی انتظار» بدین معناست که ما باید به دست خود، شرایط ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم آوریم و خود و جامعه خویش را لایق ظهور دولت کریمه اش نماییم.

انتظار ظهور، تجدید قوا برای تحولی عظیم و انسانی است. انتظار حقیقتی تحول آفرین، اندیشه ساز، نیروبخش ، تعهد آورد و مجاهد پرور است و شخص منتظر را به عرصه ی جهادی همه جانبه برای زمینه سازی ظهور در عرصه های فردی و اجتماعی وارد می گرداند. برای رسیدن به چنین آرمانی، نیازمند الگوهای جامع علمی و اسوه های کامل عملی هستیم.

بهترین الگوهای علمی را در این زمینه، می بایست از آیات و روایاتی که ویژگی های مهدی یاوران را بیان می کند، برگفت و بهترین اسوه های عملی معاصر را می توان در سیره عملی شهدای ۸ سال دفاع مقدس به نظاره نشست.

دانستن ویژگیهای مهدی یاوران (انصار المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن گاه که با ارائه ی الگوها و اسوه هایی عملی از عصر و زمان خودمان (سیره عملی شهدا) همراه گردد، می تواند معیاری جدی برای محک زدن میزان آمادگی ما در همراهی

با آرمان ها و اهداف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مقیاسی ملموس و کاربردی برای سنجش میزان قابلیت ما در یاری آن حضرت در همه ی عرصه ها باشد.۱۵

ویژگی های مهدی یاوران و راهیابی آن در سیره عملی شهیدان

سوره آل عمران آیه ی ۲۰۰ «یا ایها الذین امنو اصبروا و... ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید!...در برابر مشکلات و هوس ها استقامت کنید، در برابر دشمنان نیز پایدار باشید و خود را آماده و مجهز سازید تقوای الهی داشته و پرهیزگار باشید، شاید رستگار شوید».

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمودند: « اصبروا علی أداء الفرائض و صابروا عدوکم و رابطوا امامکم المنتَظَر؛ بر انجام واجبات و عبادات بردبار باشید، در برابر دشمن شکیبایی از خود نشان دهید، و خود را برای یاری امام منتظر خود، آماده و مجهز سازید».

مهدی یاوران، خداشناس و خدا محور

مهدی یاوران، دلیرمردانی استوارند که ایمان به خداوند، بند بند وجودشان را در برگرفته است. آنان به اوج توحید و معرفت الهی دست یافته و به نهایتِ باور و ایمان قلبی رسیده اند. جنگاوران پرتوانی که از رهگذر خداشناسی و خدامحوری به چنان صلابت و هیبتی دست یافته اند که چون به کوه ها روی آورند، آن ها را از جای برکنند و چون به شهر و دیاری روی نهند، پیش از ورود، آن را به تسلیم در آورند.

امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید:«رجال عرفوا الله حق معرفته و هم انصار المهدی فی آخر الزمان؛۱۶ مردانی که خدا را آن چنان که باید، شناخته اند و هم ایشانند یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان».

همه عالم جلوه خدا: امام شهدا پیر مهربان جماران می فرماید:«آن چه برای خدا تقدیم شود، باقی و ابدی است. شهدای ما زنده اند و در پیشتگاه خدای متعال «عند ربهم یرزقون» اند، ما از خدا هستیم، همه ی عالم جلوه خداست و به سوی او باز خواهد گشت، پس چه بهتر که برگشتن ما انتخابی باشد و اختیاری، انسان انتخاب کند شهادت در راه خدا را».۱۷

حوالی ظهر روز سوم خرداد سال ۱۳۶۱ ، حاج احمد متوسلیان فاتحانه وارد خرمشهر شد و خبر پیروزی را اعلام کرد، ایشان در جمع رزمندگان حاضر شد و سخنرانی کرد: «بچه ها! والله قسم، معجزه بود! بروید و خدا را شکر کنید

که چنین محبتی به ما کرد. یک وقت نگویید ما شکستشان دادیم، ما شهید دادیم، ما شهر را آزاد کردیم، این خدا بود که هدایتمان کرد. این خدا بود که شهر را آزاد کرد».۱۸

مهدی یاوران ، امام سالار و ولایت مدار

امیر المؤمنین علی علیه السلام :«اطاعت آنان از امام خویش، از اطاعت کنیز در برابر مولایش بیش تر است».

او را در میان می گیرند و در جنگ ها با جان خویش از او حفاظت می کنند و هر چه را اراده کند از جان و دل انجام می دهند. یاوران و دولتمردان حضرت مهدی علیه السلام ، رادمردانی هستند که با فرمانبری از امامشان به پروردگار خود، تقرب می جویند.۱۹

هر پیروزی بی امام، شکست است

فرازی از دل نوشته ی شهید شاپور برزگر: « هر حرکتی بی امام، سکون؛ هر فریادی بی امام، سکوت؛ هر نوری بی امام، ظلمت؛ هر پیروزی بی امام، شکست؛ هر خوبی، بی امام، بدی؛ و هر حقی بی امام ، باطل است».۲۰

مهدی یاوران، گوش به فرمان ولی فقیه

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف :« و در رویدادهای زمانه، (برای دانستن حکم الهی) به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ چرا که ایشان حجت من بر شما و من حجت خدا بر ایشانم».۲۱

رجوع به فقهای دارای شرایط، در عصر غیبت، نه تنها یک امر مستحب ، که یک امر واجب شرعی است؛ چرا که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ایشان را از جانب خویش برای پیشوایی امت منصوب فرموده و آنان را حجت خویش بر مردم قرار داده است. از همین روست که فقهای ربانی واجد شرایط، «نایبان عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف » نامیده می شوند.

« ولایت فیقه» که عبارت است از: «حکومت فقیه عادل و دین شناس»، از ارکان مذهب حق اثنی عشری است که ریشه در اصل امامت دارد. پیروی از اوامر ولی فقیه، بر همگان، حتی بر فقهای عظام هم واجب است.۲۲

اطاعت محض از ولی فقیه

سردار شهید حاج محمد ابراهیم همت: « پیام من فقط این است: در زمان غیبت، اطاعت محض از ولایت فقیه داشته باشید».۲۳

مهدی یاوران، محبان و محبوبان خدا

«به زودی خداوند جمعیتی را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان نیز او را دوست می دارند و از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی هراسند».۲۴

امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمودند: «هم اصحاب القائم؛ ایشان اصحاب و یاوران ویژه قائم اند».۲۵

کاری کنیم که خدا عاشقمان بشود!

شهید حسن باقری مکرر می گفت:« باید سعی کنیم که خداوند عاشقمان بشود تا ما را ببرد».۲۶

سرانجام با اخلاق مهدوی خویش به چنان مقامی رسید که خداوند عاشقش شد و او را به بزم محبت و عشق خویش فرا خواند.

مهدی یاوران، در پی رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف : «هر یک از شما باید کاری انجام دهد که او را به محبت ما نزدیک کند و از کارهایی که او را به ناراحتی و نارضایتی ما نزدیک می کند، بپرهیزد».۲۷

امام و مقتدای شهیدان ، رهبر همه ی ما، وجود مبارک بقیهاللهاست، باید ما طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را که رضایت خداست، به دست آوریم.

مهدی یاوران، انیس و مونس قرآن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : « چشمانشان با قرآن روشنایی وجلا یافته و تفسیر قرآن در گوش جانشان جای گرفته است. آنان در صبحگاهان جرعه نوش جام حکمت(از چشمه سار قرآن) می گردند»۲۸.

در احادیث نبوی، در وصف یاوران، وزیران و دولتمردان دولت کریمه ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین آمده است: «دیدگانشان را با قرآن، صیقل داده اند و می دهند و نورانی می کنند و تفسیر قرآن در گوش جانشان جای می گیرد و جام های حکمت را هر صبح و شام از چشمه ی لبریز قرآن سر می کشند».

تلاوت قرآن در بحبوحه ی جنگ

در بهار ۱۳۶۲ در عملیات والفجر، شهید محمدرضا حیدری کاشانی، روحانی گردان خندق از لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله بود. او در پشت تیربار، مرتب آیات جهاد و شهادت را می خواند و از غربت امام حسین علیه السلام در کربلا می گفت: «و من المؤمنین رجال صدقوا... ؛ در میان مؤمنان، مردمانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند،

صادقانه ایستادند،۱۰ بعضـی پیمان خود را به آخر بردند (به شـهادت رسـیدند) وبعض دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیل در عهـد و پیمان خود راه ندادند» (احزاب، آیه ۲۳) هر بـار که گردان عقب نشـینی می کرد، با شـنیدن آیات جهاد و نام و یاد امام حسـین علیه السـلام از زبان شهید حیدری دو مرتبه حمله می کرد. گردان خندق سه بار عقب نشینی و دوباره حمله کرد تا اینکه پاتک دشمن شکست خورد. آری، جایی که از شدت آتش و گلوله کسی جرأت ایستادگی نداشت، این نام امام حسین علیه السلام و آیات جهاد و شهادت بود که بچه ها را نگه داشت.

مهدی یاوران، عاشق شهادت در راه خدا

امیرالمؤمنین علی علیه السـلام : «یاوران مهدی علیه السـلام فقط از خدا می هراسند، شهادت را می طلبند و همواره آرزو دارند که در راه خدا کشته شوند».۲۹

انتهای راهم ، شهادت

شهیـد مهـدی زین الـدین: «انتهـای راه من، شـهادت است و اگر جنگ هم تمام شود و من شـهید نشوم، هر کجا که جنگ حق علیه باطل باشد، می روم تا شهید شوم».۳۰

مهدی یاوران و انتظار فرج در همه حال

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : «با فضیلت ترین جهاد امت من، انتظار فرج است».

انتظار از منظر شـهدا:مشق مقاومت و پایداری؛پاسداشت شـرافت و کرامت انسانی؛چشـیدن طعم یقین در عصر شکّاکیت؛تزریق خون به رگ های خشکیده ی عدالت؛ضمانت نامه ی پیروزی هابیلیان؛تفسیر خون نامه ی نینواییان،

و در یک کلام انتظاراز منظر شهدا، یعنی چشم به راهی همه ی زیبایی ها.

نتیجه

در ایـن دنیـا، هر چیزی نظمی دارد و هر کـاری راهی، و آدمی برای نیـل بـه اهـداف خـود بایـد از راه آن وارد شـود. خـداوند معصومین علیهم السـلام خود را بـاب و راهی به سوی رضوان خویش قرار داده و مـا را امر فرموده است که به امـام عصـر خود متوسل شویم و او را شفیع و دادخواه خود قرار دهیم.

آن چه بر ما واجب است آن است که معرفت کامل نسبت به امام خویش پیدا کنیم و از آن جا که امام عصر ما در غیبت است، زمینه هـای ظهور او را فراهم آوریم، ویژگیهایی که لازمه ی یاوران اوست، در خود ایجاد نماییم و در این راه پر فراز و نشـیب از انسان هایی که راه خود را شـناخته و پیش رفته اند، الگوبرداری کنیم که همانا نمونه ی بارزاین افراد (شهیدان) ما در ۸ سال دفاع مقـدس می باشـند که امیـد است با ادامه راه آنان و پیگیری اهـدافشان، زمینه ی ظهور مهـدی فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم آوریم.

پی نوشت

لسان العرب – المنجد

لسان العرب

مفردات راغب

لسان العرب– المنجد

تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج۴، ص ۳۶۶ سوره ی مائده آیه ۳۵

حسین عبدالمهدی، راه وصال امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

المنتهی، ج ۱، ص ۵۵۴

سوره اعراف آیه ۱۸۰

آیه الله محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم به نقل از اصول کافی ج ۲ ، ص ۶۱۸

همان

ابوالفضل دربانیان، کتاب سفر عشق، از خاطرات برادر رزمنده حجت الاسلام و المسلمین ضابط، ص ۱۶۷

مکیال المکارم، ص ۳۸۴

ابوالفضل در بانیان، کتاب سفر عشق از خاطرات برادر رزمنده فتحعلی برچلو، ص ۲۲

محمد باقر حیدری کاشانی، کتاب نسل طوفان، ص ۱۵

کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۷۸ ؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر ، ص ۶۱۱

صحیفه ی نور، ج ۴، ص ۱۶۰، امام خمینی

گروه تفحص سیره ی شهدا، با راویان نور، ص ۱۴۲ و ۱۴۳ به نقل لاله های بی نشان

نسل طوفان

امتداد (ماهنامه ی راهیان نور، فرهنگ پایداری) شماره ۱۲

علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱

سید علی خامنه ای، رساله ی اجوبه الاستفتائات، ص ۱۱-۱۴

رستم ابراهیمی، طنین همت، ص ۵

سوره مائده، آیه ۵۴

صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۷۵

مجموعه آثار نشریه سفیران عشق، مجموعه چهارم، ص ۲

علامه مجلسی رحمه الله، بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۷۵

قندوزی، بنابیع الموده، ج ۳، ص ۹۵

سید بن طاووس رحمه الله، الملاحم و الفتن، ص ۵۲

نشریه سفیران عشق، زندگینامه ی سر لشکر پاسدار شهید مهدی زین الدین

منابع و مآخذ

قرآن کریم

امتداد (ماهنامه ی راهیان نور، فرهنگ پایداری) ش ۱۲، (آذرماه ۱۳۸۵)

بندر ریگی، محمد، المنجد، انتشارات ایران، ج اول ، سال ۱۳۸۶

حیدری کاشانی، محمدباقر، کتاب نسل طوفان، انشارات زلال کوثر ، چاپ ۱۳۸۵

خامنه ای، سید علی، رساله ی اجوبه الاستفتاءات

دربانیان، ابوالفضل ، کتاب سفر عشق، نشر شاهد، ۱۳۸۶، چاپ اول

خمینی، روح الله ، صحیفه نور، ج ۴، ۱۳/۱/۶۰

عبدالمهدی، حسین، راه وصال امام زمان، انتشارات مهتاب ۱۳۸۳

گروه تفحص سیره ی شهدا، با راویان نور

موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم، ج ۲، انتشارات مهر قائم اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۳

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۴، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵

علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳ ، (۱۰۳۸-۱۱۱۱ق) دارالاحیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۳ ق

نشریه سفیران عشق، زندگینامه سر لشکر پاسدار شهید مهدی زین الدین.

چکیده

در این نوشته سعی بر این بوده که با برداشت از قرآن و روایات، در حداقل امکان به صفات و ویژگی های مشترک، میان انصارالحسین علیه السلام و انصارالمهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شود؛ تا زمینه ای باشد، برای معرفت و شناخت بیشتر نسبت به وظایف یک منتظر و راهی باشد در جهت امتداد راه حسینی که انصارالحسین علیه السلام پیمودند.

از جمله آن صفات می توان به این موارد اشاره کرد:

برخورداری از فضیلت و حسن سابقه

طهارت و پاکی روح و جسم

آگاهی و بصیرت

شجاعت و استقامت

عبادت و بندگی

عشق و دل از دنیا بریدن

وفاداری

ولایت پذیری

ایثار و فداکاری

انتخاب برتر و با معرفت نسبت به خدا و امام علیه السلام .

مقدمه

بزرگترین پیام و کامل ترین برنامه برای انسان و بشریت را، خداوند بر دوش خاتم انبیاء محمد مصطفی| گذارد. ایشان با تمام وجود خود را فدایی این حرکت عظیم نمود. ولی باز هم نیاز بود در یک مقطع زمانی خاص و با شرایط ویژه ای، این برنامه با حرکت عظیمی دیگر به رنگ خون و نثار جان در دل تاریخ بگونه ای ثبت و ضبط شود که دیگر جایی برای تحریف آن نماند. این حرکت دوم وظیفه ای بود که بر دوش سبط بزرگوار آن جناب گذاشته شد.

از این رو امام حسین علیه السلام در وصیت نامه خود فرمود: «خرجتُ لطلبِ الاصلاح فی اُمّهِجدّی»

هر حرکت و قیام بزرگی که هدف آن جهانی است، نیازمند رهبران و مدیران لایق، وارسته، و پرتوان است که هم پیروزیش تأمین گردد و هم اهداف و برنامه هایش تحقق یابد.

در حرکت امام حسین علیه السلام یارانی همراه ایشان بودند که امامشان دربارهٔ آنها فرمودند: « انّی لا أعلَمُ اصحاباً اوفی و لا خیراً مِن اصحابی»

اما باز هم جهان منتظر است منتظر عدالت. منتظر مدینه ی فاضله ای که در آن ظلم ها و بی عدالتی ها برداشته شود و این به دست نهمین فرزند امام حسین علیه السلام خواهد بود همان گونه که جد بزرگوارش فرمود: « لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث رجلاً من ولدی اسمه کاسمی فقال سلمان: من انی ولدک یا رسول الله؟ قال من ولدی هذا و ضرب بیده علی الحسین علیه السلام ؛

فرمود: از این فرزندم! و دستش را بر حسین علیه السلام زد. (بیش از ۱۸۰حدیث بر این مضمون دلالت دارد. (۱))

ضرورت ورود به این مبحث

هیچ نهضتی بدون کمک و فداکاری اصحاب و یاران به ثمر نرسیده است. خداوند می فرماید: « یا ایها الذین آمنوا کونوا أنصار الله کما قال عیسی ابن مریم للحواریین من انصاری الی الله قال الحواریون فأصبحوا ظاهرین؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! یاران خدا باشید، همان گونه که عیسی بن مریم۷ به حواریین گفت: یاران من در راه خدا چه کسانی-اند؟ حواریین گفتند: ما یاران خداییم. پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند و کسانی را که ایمان آوردند، در برابر دشمنان شان یاری دادیم تا پیروز شدند.»

۱-. به کتاب منتخب الاثر تألیف آیت الله صافی گلپایگانی;پ ۸ ف ۲ مراجعه شود.

انقلاب مهدوی یارانی می خواهد همانند یاران حسینی و تا کسی نتواند صفات و ویژگی های آنان را در خود به وجود آورد، نخواهد توانست خود را از انصار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بداند، زیرا هر دو قیام یک هدف را دنبال می کند. پس ویژگی های یاران این دو قیام هم یکی خواهد بود.

در دعاهای وارده در زمان غیبت که منتظر می خواند، درخواست هایش در نائل شدن به صفات یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، همان صفاتی است که یاران امام حسین علیه السلام به آن نائل گردیدند. از آن جمله این فراز دعای عهد می باشد: « اللهم اجعلنی من انصاره و اعوانه و الذابین عنه، و المسارعین الیه فی قضاء حوائجه و الممتثلین لاوامره و المحامین عنه و السابقین الی ارادته و المستشهدین بین یدیه».

پس منتظر،باید صفات مشترک بین انصارالحیسن علیه السلام و انصارالمهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بشناسد تا خود را متصف به آنها نماید.

حال به برخی از آن صفات اشاره می کنیم. به امید آنکه با اتصاف به آنها خدا ما را نیز از اعوان و انصار حسینی و مهدوی قرار دهد. انشاء الله.

الف، در قرآن:

در میان آیات قرآن کریم آیاتی می باشند که می توان بر یاران خاص حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف انطباق داد که الحق والانصاف نیز همین گونه تفسیر می شوند. از جمله این آیه شریفه که خداوند می فرمایند:« یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه اذله علی المؤمنین اعزهعلی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومه لائم ذلک فضل الله یوتیه من یشاء و الله واسع علیم؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما از دینش برگردد، خدا به زودی جمعیتی را به عرصه می آورد که دوستشان دارد و دوستش می دارند. با مؤمنان متواضع و با کافران سخت گیرند، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت هیچ ملامتگری نمی ترسند. این فضل خداست، که به هر کس بخواهد می دهد و خدا وسعت بخش داناست.»

خداوند اوصاف آنان را این چنین شرح می دهد:

آنان عاشق خدا بوده و جز به خشنودی او نمی اندیشند. هم خدا آنان را دوست دارد و هم آنان خدا را دوست دارند «یحبهم و یحبونه».

در برابر مؤمنان خاضع و فروتن هستند «أذله علی المؤمنین».

در برابر ستمکاران قدرتمند هستند«اعزه علی الکافرین».

جهاد در راه خدا برنامه همیشگی آنان است« یجاهدون فی سبیل الله».

ثابت قدم بوده و از ملامت کنندگان باکی ندارند « و لا یخافون لومه لائم».

در پایان می فرماید « به دست آوردن این امتیازات (علاوه بر کوشش شخصی) مرهون فضل الهی است که به هر کس شایسته باشد داده می شود؛ ذلک فضل الله یوتیه من یشاء و الله واسع علیم».

در روایتی از امام صادق علیه السلام اوصافی برای یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده که با اوصاف مذکور در آیه مطابقت دارد.

ب، در روایات:

برخورداری از فضیلت و حسن سابقه:

یاران امام حسین علیه السلام یا از اصحاب پیامبر اکرم| بودند، مانند: انس بن حرث کاهلی و مسلم بن عوسجه و یا از اصحاب امام امیرالمؤمنین علیه السلام بودند، مانند: حبیب بن مظاهر اسدی و امید بن سعد طائی.

آنان از موقعیت ممتازی برخوردار بودند، چنانکه دربارهٔ مسلم بن عوسجه چنین نوشته اند: هنگامی که خبر شهادت او بین لشکر ابن سعد پخش شد، شبث بن ربعی گفت: « أتضرحون بقتل مسلم بن عوسجه؟ والذی اسلمت له لرب موقف له فی المسلمین کریمٌ ؛ آیا برای کشته شدن مسلم بن عوسجه شادی می کنید؟ سوگند به کسی که برایش اسلام آورده ام هر آینه او در میان مسلمانان، موقعیت ممتاز و بزرگی داشت».

« القاری الذی کان یقرئنا القرآن فی المسجد کان یقال له سید القراء؛ او کسی بود که در مسجد، قرآن را برای ما قرائت می کرد و به او سید القراء می گفتند».

او، با این مقام، موقعیت و حسن سابقه، در میان مردم شناخته شده بود. وقتی قاتل او کعب بن مالک به کوفه برگشت، همسر یا خواهرش به او (کعب) گفت:« اعنت علی ابن فاطمه علیه السلام و قتلت سید القراء لقد اتیت عظیماً من الامر و الله لا اکملت من رأس کلمه ابداً ؛ آیا علیه فرزند فاطمه علیه السلام دست به کار شدی و سید و سرور قاریان قرآن را کشتی! بدون تردید کار بزرگی انجام دادی؛ به خدا سوگند! هرگز با تو سخن نخواهم گفت».

امام حسین علیه السلام دربارهٔ حبیب بن مظاهر فرمود « لله درک یا حبیب! لقد کنت فاضلاً تختم القرآن فی لیله واحده ؛ آفرین

بر تو ای حبیب! تو شخص فاضلی بودی که در یک شب، تمام قرآن را تلاوت می کردی». شؤذب بن عبدالله

از دیگر اصحاب عاشورا، از بزرگان شیعه و استاد علم حدیث بود. غلام ترک امام نیز قاری قرآن و آشنا به زبان عرب بود.

دربارهٔ اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز امام صادق علیه السلام می فرمایند: گویا من نظر می کنم به قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحاب او در نجف و کوفه، سجده ها به پیشانی های آنها اثر گذاشته است. شیران در روز و راهبان در شب اند...».

۲.طهارت و پاکی روح و جسم

این ویژگی اخلاقی در کربلا، جلوهٔ خاصی داشت و اصحاب عاشورا، از مصادیق بارز آن بودند. در زیارت نیمهٔ ماه رجب خطاب به آنها آمده است « السلام علیکم یا طاهرین من الدنس صلوات الله علی روحک الطیبه ».

همین صفت در اعوان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز وجود دارد. امام جواد علیه السلام فرمود « هنگامی که برای مهدی سیصد و سیزده تن از اهل اخلاص جمع شد، خداوند امر او را ظاهر خواهد کرد».

۳. آگاهی و بصیرت

عاشوراییان با شناخت عمیق و بینش صحیحی که نسبت به امام و حجت خداوند وراه و هدف او داشته اند، پا در این راه نهادند. جملاتی که خاندان امام و یاران و انصارش، شب عاشورا در جواب امام بیان داشتند و همچنین رجزهایی که هنگام نبرد با دشمن می خواندند بیانگر این ویژگی آنهاست. آنها مصادیق بارز کلام امیر المؤمنین علیه السلام بودند که فرمود: «حملوا بصائرهم علی اسلافهم؛ بینش های خویش را بر شمشیرهای خود حمل کرده اند».

امام صادق علیه السلام دربارهٔ حضرت عباس علیه السلام فرمودند « کان عمنا عباس بن علی، نافذ البصیره».

در زیارت نامه آن بزرگوار چنین آمده « انک مضیت علی بصیره من امرک؛ تو با بینش عمیق و دقیق در کار خویش، آن را دنبال کردی».

امام علی علیه السلام دربارهٔ یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند: «پس گروهی در آن فتنه ها صیقلی می شوند. مانند صیقل دادن شمشیر توسط آهنگر، دیده های آنان به نور قرآن جلا داده و تفسیر در گوش هایشان جا گرفته است. در شب، جام حکمت را به آن ها می نوشانند، بعد از این که در بامداد هم نوشیده باشند».

۴. شجاعت و استقامت

از ویژگی اصحاب امام حسین علیه السلام شجاعت و دلاوری است. چنانکه امام علی علیه السلام می فرمایند « الشجاعه، زین و الجبن شین؛ شجاعت، زیور است و بزدلی، ننگ و عار.» دشمن به این علت شکست خورد زیرا به شجاعت آنها پی برده بود. چنانکه عمر و بن حجاج، خطاب به لشکر ابن سعد گفت: «یاحمقی! اتدرون من تقاتلون؟ تقاتلون فرسان اهل المصر؟ تقاتلون قوماً مستمیتین لا ـ یبرزالیهم منکم احد فانهم قلیل و قلما یبقون؛ ای نابخردان! آیا می دانید با چه کسانی می جنگید؟ شما با سواران و دلاـورانی می جنگید که دست از دنیا شسته و تشنه ی مرگند، کسی تنها به جنگ آنها نرود؛ زیرا آنها اندکند واندکی بیش، زنده بخواهد ماند.»

هنگامی که عبیدالله بن زیاد، محمد بن اشعث را با تعدادی از سربازان، برای دستگیری مسلم بن عقیل فرستاد، حضرت مسلم علیه السلام در دفاع از خود، تعدادی از آنها را کشت. وقتی خبر به عبیدالله رسید، او به اشعث پیام داد که تو را به نبرد یک نفر فرستادم و او یارانت را از هم پاشیده است. اگر به نبرد گروهی می رفتی چه می شد!؟ او در پاسخ گفت « ایها الامیر! أتظن بعثتنی الی بقال من بقالی الکوفه اوالی جرمقانی من جرامقه الحیره او لم تعلم ایها لامیرانک بعثتنی الی اسدٍ ضرغام و شیف حسام فی کف بطل همام؛ ای امیر! آیا گمان می کنی مرا به جنگ یکی از بقال های کوفه یا پیله وران حیره فرستاده ای؟ آیا توجه نداری که مرا به سوی شیر بیشه ی شجاعت و شمشیر برنده در پنجه ی قهرمانی بی باک، گسیل داشته ای».

شجاعت آنان همراه استقامت بود. چنانکه شب عاشورا بعضی یاران به امام چنین گفتند: «لو علمت انی اقتل فیک ثم احیی ثم احرق ثم احیی ثم اذری یفعل ذالک بی سبعین مرهً ما فارقتک حتی القی حمامی دونک؛ اگر بدانم که کشته خواهم شد، سپس زنده شوم و آنگاه مرا بسوزانند و دوباره زنده شوم و خاکستر سوخته ام را بر باد دهند و هفتاد بار این کار را با من بکنند، دست از تو بر ندارم تا مرگ خویش را در یاری تو دریابم».

امام علی علیه السلام یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در شجاعت این گونه معرفی می نمایند: همه شیرانی اند که از بیشه ها خارج شده اند و اگر اراده کنند کوه ها را از جا می کنند.

دربارهٔ استقامت آنان نیز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند: گویا قلب های آنان مانند تکه های آهن است...، محکم تر از سنگ است.

۵. عبادت و بندگی:

هنگامی که جدیت دشمن در جنگ معلوم شد، امام حسین علیه السلام به حضرت اباالفضل علیه السلام فرمود: نزد آنان برگرد و اگر توانستی، جنگ را به سپیده دم فردا تأخیر بیانداز و امشب را مهلت بگیر. امید است امشب نماز گذارده، با خدا نیایش کنیم و از او آمرزش بخواهیم. او می داند به راستی که من نماز، تلاوت قرآن، نیایش و استغفار فراوان را دوست دارم. امام سجاد علیه السلام دربارهٔ وقایع شب عاشورا چنین فرمود: « رجع الحسین علیه السلام الی مکانه فقام لیلته کلها یصلی و یستغفر و یدعو و یتضرع و قام اصحابه یصلون و یدعون و یستغفرون».

امام صادق علیه السلام راجع به انصار المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند: در دل شب، از خشیت خداوند، ناله هایی دارند مانند مادران پسر مرده. شب ها را با عبادت به صبح می رسانند و روزها را با روزه به پایان می-برند.

عشق به خدا و دل بریدن از دنیا:

امیرالمؤمنین علیه السلام هنگامی که از سرزمین کربلا گذر کرد، چشمان مبارکش پر از اشک شد و فرمود: « ههنا مناخ رکاب و مصارع عشاق شهداء لا یسبقهم من قبلهم و لا یلحقهم من بعدهم؛ اینجا (کربلا) جولانگاه سوارکاران و میعادگاه عاشقان است. شهیدانی که گذشتگان بر آنها پیشی نگیرند و آیندگان به آنها نرسند.»

آنان مصداق این حدیث قدسی بودند که رسول اکرم۹ فرمودند: « اذا کان الغالب علی العبد الاشتغال بی جعلت بغیته و لذته فی ذکری فاذا جعلت بغیته و لذته فی ذکری عشقنی و عشقته فاذا عشقنی و عشتقته رفعت السحاب فیما و بینه و صیرت ذلک تغالبا علیه؛ هنگامی که بنده سرگرم و متوجه من باشد، حاجت و لذتش را در یاد خود قرار می دهم و چون با او این گونه رفتار کنم، او به من عشق ورزد و من به او عشق می ورزم و در این صورت، حجاب و پرده میان خود و او را بر می دارم و او جز من، کسی را نمی بیند.»

امام صادق علیه السلام می فرمایند: در قلوب آنان (یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) نسبت به خدا شکی نیست.

وفاداری:

این ویژگی چنان در میان اصحاب عاشورا پر رنگ و جلوه گر بود که امامشان دربارهٔ آنان فرمود: « انی لا اعلم اصحاباً اوفی و لا خیراً من اصحابی».

حضرت ابالفضل علیه السلام در جواب به شمر که امان نامه آورده بود چنین فرمود: « تبت یداک و لعن ما جئتنا به من امانک یا عدو الله! أتأمرنا أن تترک اخانا و سیدنا الحسین بن فاطمه۸؟ ».

تمام اصحاب امام علیه السلام چنین بودند. آنها در شب عاشورا به امام خود عرض کردند « انفسنا لک الفداء. نفدیک بایدینا و وجوهنا فإذا نحن قتلنا بین یدیک نکون قد و فینا لربنا و قضیناما علینا».

امام صادق علیه السلام در مورد انصار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند: آنان پروانه وار شمع وجود امام علیه السلام را در میان گرفته و او را با جانشان محافظت می کنند (یحفون به).

ولایت پذیری

یاران امام حسین علیه السلام ، حضرت را ولی خدا می دانستند و شیعه ی او بودند و رضایتش را بر هر چیز دیگر، ترجیح می دادند. چنانکه در زیارتنامه حضرت عباس علیه السلام می خوانیم « المطیع لله و لرسوله و لامیرالمؤمنین علیه السلام و الحسن و الحسین علیهما السلام ... اطاع ولاه امره». وهب خواست همسرش را که در کنار او به دفاع از حریم اهل بیت: و ولایت برخواسته بود به خیمه ها برگرداند. او نپذیرفت و گفت باز نمی گردم تا جان خود را نثار کنم. اما هنگامی که امام حسین علیه السلام به او دستور بازگشت داد، سخن حضرت را به جان خرید و برگشت. امام علیه السلام فرمود « جزیتم من اهل بیتی خیراً، ارجعی الی النساء رحمک الله».

به فرموده امام صادق علیه السلام اطاعت یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ایشان، بیشتر از فرمانبرداری کنیز در برابر مولایش است.

ایثار و فداکاری:

ایثار، یعنی دیگری را بر خود مقدم داشتن و جان خود را فدای او کردن. اصحاب امام حسین علیه السلام جان خود را فدا کردند تا اهل بیت علیه السلام زنده بمانند. اهل بیت علیه السلام نیز جان خود را ایثار کردند تا به امام علیه السلام آسیبی نرسد. از این رو تا یاران امام علیه السلام زنده بودند، کوچکترین آسیبی به حضرت نرسید. حتی هنگام نماز امام علیه السلام بعضی از یاران، خود را سپر جان او کردند. در زیارت عاشورا دربارۀ آنان چنین می خوانیم « الذین بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام ؛ کسانی که هستی خود را در راه حسین علیه السلام بخشیدند». امام صادق علیه السلام فرمودند: یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آرزو می کنند که در راه خدا به شهادت برسند.

انتخاب برتر و با معرفت نسبت به خدا و امام علیه السلام :

این ویژگی، در میان همه شهیدان کربلا بود «آثروالموت». یعنی به اختیار خود شهادت را انتخاب کردند و آن را بر زندگی ننگین بعد از امام علیه السلام ترجیح دادند، در حالی که همه آنها راه نجات داشتند حکایت امان نامه عباس بن علی علیه السلام ، برداشته شدن بیعت امام علیه السلام از تمام کسانی که در آنجا حضور داشتند و موارد دیگر، بیانگر آن است که اصحاب امام علیه السلام حق انتخاب داشتند و با آگاهی و بصیرت، برترین و بهترین انتخاب را داشتند.

یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مستجاب شدگان این دعا هستند که امام صادق علیه السلام آنرا در زمان غیبت به زراره آموخت. «اللهم عرفنی نفسک فإنک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبیک، اللهم عرفنی رسولک فإنک ان لم تعرفنی رسولک لم أعرف حجتک، اللهم عرفنی حجتک فإنك إن لم تعرفنی حجتک ظلت عن دینی».

این موارد گوشه ای از صفات انصارالحسین علیه السلام و انصارالمهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. انشاء الله با عمل به آنها ما نیز جزئی از نوکران و اعوان و انصار ولی عصر « ارواحنا له فداه» باشیم.

انشاء الله

۱/۱۱/۸۷/ نوآوری و شکوفایی

۲۳ محرم الحرم ۱۴۳۰

فرهنگ شهادت (کاظم سلیمانی)

ص:۲۳۶

اشاره

تهاجم فرهنگی تلاش برنامه ریزی شده و سازمان یافته دشمن است برای تحمیل باورها، ارزش ها ، رفتارها ، اخلاقیات و اعتقادات مورد نظر خویش و هدف آن نابودی فرهنگ خودی است. در این راستا دشمن زیرکانه و خاموش، فرهنگی را وارد جامعه مورد نظر می نماید ، تا با ایجاد پایگاه در ذهن و اندیشه مردم کشور مورد نظر و با مسخ هویت و ارائه ارزش های غلط به آنان حضور تجاوزکارانه خود را در عرصه های سیاسی ، اقتصادی ، نظامی و ... مهیا کند . به عبارتی عامل تهاجم فرهنگی سیطره و تسلط بر فکر و اندیشه است تا از آن طریق بر باورها و رفتارها تاثیر گذارد.

ایجاد کردن و سپس توسعه یک فرهنگ در میان یک جامعه، فعالیتی تدریجی و زمانبر است. البته بعضی از حوادث تاریخ در ایجاد و گسترش یک فرهنگ نقش تسریع کنندهای دارند. مثلاً در خصوص توسعه و گسترش شهادت درجوامع، حوادث بزرگی نظیر حماسه عاشورا، نهضتها و قیامهایی که بعد ازآن در طول تاریخ تشیع به وقوع پیوسته و در زمان معاصر، پدیده انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی رحمه الله و سپس جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ۸ ساله، در رشد و تسریع و گسترش فرهنگ شهادت در میان جوامع از جمله لبنان و فلسطین نقش داشتهاند. در جامعه شیعی بخصوص ایران، فرهنگ مهدویت که از ابتدای ظهور دین مبین اسلام توسط اهل بیت علیهم السلام مورد اشاعه قرار گرفته در جان و دل شیعیان ریشه دوانده است و شیعه با چشمی به پرچم سرخ حسینی و با چشمی دیگر به پرچم سبز مهدوی راه وصول به حقیقت را یافته است و تا این فرهنگ دو سویه را حفظ نماید به سعادت حقیقی رهنمون خواهد شد.

امّا برای تداوم و گسترش این فرهنگ در زمان کنونی با گسترش تهاجم فرهنگی بر علیه این تفکر صادق چه باید کرد؟ دراین نوشتار، ابتدا کلیاتی از فرهنگ و شهادت و انتظار بیان شده و ضمن بیان مختصری از فرهنگ سازی و ریشه های هر مقوله، عوامل تقویت و تضعیف آنها بررسی شده است.

فرهنگ Culture

معین، فرهنگ را در ادب ، تربیت ، دانش ، علم ، معرفت ، مجموعه آداب و رسوم ، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم ، معنی کرده است. (۱)

آنتونی گیدنز، فرهنگ را از ارزش های اعضای یک گروه معین می داند و هنجارهایی که از آن پیروی می کنند. (۲)

ژان برگ ،فرهنگ را عصاره زندگی اجتماعی می داند که در تمامی افکار ، اهداف ، معیارها ، ارزش ها و فعالیت های فردی و اجتماعی انسان منعکس می شود. (۳)

فرهنگ واژه ای است فارسی که از دو جزء «فر» و «هنگ» ترکیب یافته است. «فر» به عنوان پیشوند و به معنی جلو، بالا، بر و پیش آمده و «هنگ» از ریشه اوستایی «تنگا» (thanga) « به معنی کشیدن و سنگینی و وزن» است. و از نظر لغوی به معنی بالا کشیدن و برکشیدن می باشد.

با عنایت به اینکه culture و cultural به معنی کشت و کشاورزی هم می باشد، دانه پاشی، کاشت و داشت و برداشت، به معنی رایج فرهنگ در جامعه نزدیک است، اما در ادبیات فارسی هیچ گاه به مفهومی که برخاسته از ریشه کلمه باشد نیامده است.

فرهنگ

فرهنگ مقوله ای است که بسیاری از اندیشمندان، متفکرین و صاحب نظران علوم اجتماعی درباره آن سخن گفته اند.جا دارد ابتدا اهمیت فرهنگ را اززبان امام خمینی رحمه الله بشنویم: «بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را نشان می دهد» . (۴)

از فرهنگ، تعاریف بسیار زیادی ارائه شده است، به طوری که تأکیدی خاصی که از کاربرد آنها نشأت گرفته-است و می توان به چند دسته تقسیم کرد. (۵)

۱- . معین، محمد.(۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیر کبیر.

۲- . گیدنز، آنتونی.(۱۳۷۶). مبانی جامعه شناسی. ترجمه ی منوچهر صبوری. نشر نی.

۳- . پاول ، هنری مارک.(۱۳۷۶). فقر پیشرفت و توسعه. (از مجموعه مقاله هانری بارتلی(ترجمه ی مسعود لحدی. انتشارات

وزارت امور خارجه.

۴- . صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۱۶۰.

۵- . دکتر محمدحسین پناهی، نامه پژوهش، شماره ۲۳، «نظام فرهنگی و کارکردها و دگرگونی ها» ، ص ۹۳.

۱.تعریف های تاریخی: که تکیه بر میراث اجتماعی در طول تاریخ جامعه دارد.

۲.تعریف های روان شناختی: که تکیه بر الگو و روش تسهیل سازگاری با محیط و جامعه دارد.

۳.تعریف های ساختاری: که در آن تأکید بر ایجاد شده ها توسط اجتماع بشری دارد.

۴.تعریف های تشریحی: تأکید بر عناصر تشکیل دهنده فرهنگ دارد.

و...

اما منظور از این تقسیمات، یک نتیجه گیری مهم است و آن این است که «وسعت قلمرو فرهنگ به وسعت حیات اجتماعی است و مهم ترین خصوصیت، این است که امر عرضی نیست. بلکه انسان آن را در ضمن زندگی در بین مردم به خصوص فرا می گیرد. انسان با فرهنگ به دنیا نمی آید، بلکه ضمن رشد در داخل یک فرهنگ خاص، ذخایر اندیشه و میراث های معنوی شکل گرفته و در طول سال های پیشین می آموزد» اگر از تعاریف فرهنگ عبور کنیم، باید به سه ویژگی مهم فرهنگ اشاره کنیم که عبارتند از:

۱ – مشترک بودن؛

۲ – اکتسابی بودن؛

۳ – قابلیت انتقال؛

با توجه به توانایی خارق العاده انسان در یادگیری، انسان شناسان و جامعه شناسان در مورد دو ویژگی اخیر فرهنگ و نیز این موضوع که یادگیری و انتقال فرهنگ، از طریق اجتماعی شدن و به وسیله نهادها انجام می–پذیرد، اتفاق نظر دارند.

هویت فرهنگی

هر گروه در اجتماع دارای تاریخ، ضوابط خویشاوندی، شیوه اقتصادی، مقررات، مناسک اعتقادی، زبان، ادبیات و هنر مختص به خود است. این خصوصیات که فرهنگ یک جامعه را از جوامع دیگر متمایز می سازد، معرف شناسنامه فرهنگی آن جامعه است. به عبارت دیگر، گذشته های تاریخی، حماسه های آبا واجدادی، سرزمین نیاکان، زبان مادری، باورها، سنت های طایفه ای، مفاخرملی، اسوه های دینی، عصبیت های قومی، هنر و ادبیات موروثی «هویت فرهنگی» جامعه را تشکیل میدهد. فرهنگ یک کلیت است که هویت یک جامعه را تشکیل می دهد. حال اگر بخشی از این فرهنگ در تضاد با بخش های دیگر باشد، منجر به اصطکاک و نابودی شده و یا حداقل کم اثر می شود.

در بیان و تشریح یک فرهنگ باید تا آنجا که ممکن است با بخش های دیگر فرهنگ تضادی وجود نداشته وهماهنگ باشد.

واقعیت این است که ایران به عنوان یک کشور با گذشته تاریخی، مـذهب، اقلیت های مذهبی، افکاراندیشه های گونا گونی دارد که هویت ملی مـا را تشـکیل می دهـد. پدیـده فرهنـگ "شـهادت" که بخشـی از این فرهنـگ است بایـد در هماهنگی و تقویت و احترام دیگر موارد فرهنـگ مثـل وطن دوستی، احترام به انـدیشه هـا و ... هماهنگ باشـد تا بتوانـد به بقای خود ادامه داده و تأثیر روزافزون بر جامعه داشته باشد. در

حقیقت هویت فرهنگی یک جامعه از بخش های گوناگونی تشکیل می شود. مثل تاریخ، ارزش ها، مفاخر ملی و دینی و ... که فرهنگ شهادت باید با هماهنگی با بخش های دیگر در جهت تداوم، قوام و پویایی جامعه حرکت کند.

فرهنگ پذیری(Acculturation)

کودک آدمی از بدو تولد با جنبه های گوناگون فرهنگ از جمله رفتار، اعمال، اعتقادات، ابزار و وسایل و ... در اطراف و محیط زندگی خود آشنا می شود. بخشی از این یادگیری و پذیرش، سطحی و صوری و ظاهری است و بخشی دیگر به شکل ژرف و عمیق وپیچیده درونی می شود. قسمت نخست را جامعه پذیری و قسمت دوم را فرهنگ پذیری می گویند. در حقیقت فرهنگ پذیری جریانی است که فرد تمام زمینه های فرهنگی را می شناسد و به طور ژرف و عمیق می پذیرد و خود را با آن سازگار می سازد.

ایثار ، از خود گذشتگی Atryuism

گذشت و انصراف از جان و مال و خویشاوند و امنیت شخصی و آسودگی مقام به خاطر عدالت و حق و حقیقت و منافع جامعه.

این کلمه درفرهنگ بزرگ سخن، حسن انوری به معنای بذل، گذشت کردن از حق خود برای دیگران، نفع دیگری یا دیگران را بر خود ترجیح دادن آمده است، در لغت نامه دهخدا، این کلمه به معنای غرض دیگران را بر خود مقدم داشتن، برگزیدن و منفعت غیر را برخود مقدم داشتن و این کمال درجه سخاوت است به کار رفته است (۱)

شهادت Martyrdom

شهید در لغت به معنای فدایی، شهید در راه خدا، شهید در راه حق است. شهادت شامل دو رکن است: یکی اینکه در راه خدا و فی سبیل ا... باشد و هدف مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید و دیگر اینکه آگاهانه صورت گرفته باشد. (۲)

شهادت: یعنی کشته شدن در راه خدا، آنکه به شهادت دست یافته و در راه خدا کشته شده، به فرموده شهید مطهری شهادت مرگ آگاهانه در راه هدف مقدس است. عملی آگاهانه و اختیاری است و شهیدان شمع محفل بشریت هستند. (۳)

۱- . انوری، حسن. فرهنگ بزرگ سخن(جلد اول)، تهران: سخن، ۱۳۸۱، ص ۶۷۵.

۲- . بیرو، آلن.(۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه ی دکتر باقر ساروخانی. انتشارات کیهان.

۳- . انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن(جلد پنجم)، تهران: سخن، ۱۳۸۱، ص ۴۶۲۷.

تعریف شهادت: شهادت، مرگی از نوع کشته شدن است که شخص مؤمن، آگاهانه و با اختیار و به خاطر اهدافی که از منظر دین، مقدس شمرده شده است، آن را بر میگزیند که قرآن کریم از آن به معنای «قتل فی سبیل الله» یاد کرده است.

انتظار

انتظار از نظر ریشه لغوی به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده، تعبیر شده است. (۱) آنچه با مراجعه به کتب لغوی معلوم میشود، این است که انتظار یک حالت روانی به همراه درنگ و تأمل است.

انتظار فرج و ترغیب داشتن به روز ظهور دولت حقه و پر شدن زمین از عدل و داد و غالب شدن دین قدیم بر سایر ادیان وظیفه هر فرد مسلمانی است و مغموم بودن برای نرسیدن دست مردم به دامان ولی امرشان وروشن نشدن دیده گان به نور جمالش با بودنش در میان مردم باید آرمان هر شخص مسلمانی باشد.

مؤلف کتاب مکیال المکارم میفرماید: انتظار،کیفیتی روحی است که موجب بوجود آمدن حالت آمادگی است برای آنچه انتظار دارند و ضد یأس و ناامیدی است، هر چه انتظار بیشتر باشد آمادگی هم بیشتر است.

تهاجم فرهنگی

یکی از مهمترین وجوه ضد امنیتی فرهنگ ، تهاجم فرهنگی است . تهاجم فرهنگی حمله و یورش فرهنگهای مغایر به فرهنگ خودی است . یا به عبارتی « منظور از هجوم فرهنگی آن است که جامعه ای تلاش کند که فرهنگ خودش را بر جامعه دیگری که طبعاً دارای فرهنگی خاص می باشد تحمیل کند یا دست کم، نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه بوجود آورد.» (۲)

در تهاجم فرهنگی با رواج ضد ارزش ها علیه فرهنگ خودی و متعاقب آن فراگیرشدن فضای مسموم ، نمی توان رشد و تعالی شهروندان را تحت آموزه های فرهنگ خودی انتظار داشت . در این شرایط اغلب آحاد ملت اسیر تضادهای مختلفی خواهد شد که نتیجه ای جز سردرگمی و اضطراب نتیجه ای به بار نخواهد آورد.

تهاجم فرهنگی تلاش برنامه ریزی شده و سازمان یافته دشمن است برای تحمیل باورها ، ارزش ها ، رفتارها ، اخلاقیات و اعتقادات مورد نظر خویش و هدف آن نابودی فرهنگ خودی است . در این راستا دشمن زیرکانه و خاموش فرهنگی را وارد جامعه مورد نظر می نماید ، تا با ایجاد پایگاه در ذهن و اندیشه مردم کشور مورد نظر وبا مسخ هویت و ارائه ارزش های غلط به آنان حضور تجاوز کارانه خود را در عرصه

۱- . مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱۲، ص ۱۶۶

۲- . محمدتقی مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، ص ۷۱

های سیاسی ، اقتصادی ، نظامی و ... مهیا کند . به عبارتی عامل تهاجم فرهنگی سیطره و تسلط بر فکر و اندیشه است تا از آن طریق بر باورها و رفتارها تاثیر گذارد.

تهاجم فرهنگی، حرکتی مرموزانه وحساب شده است همراه با برنامه ریزی دقیق و با استفاده از شیوه ها و ابزار و امکانات متعدد برای سست کردن باورها، دگرگونی ارزش ها ، انحراف اندیشه ها تغییر و تبدیل آداب و سنن و نابودی اصول اخلاقی حاکم بر یک جامعه ..

به عبارت دیگر تهاجم فرهنگی عبارت است از پوچ ، پوک و تهی کردن تفکر ، ذهنیت، فرهنگ و تمدن ملی و اصیل یک جامعه و تضعیف شخصیت انسانی افراد آن با تحمیل ترس و هراس دائم، تحمیل اصول فکری و فرهنگ کشور مهاجم به جای آن، و این جز با از دست دادن خویشتن و از دست دادن پایه های فکری و اخلاقی اصیل و ملی صورت نمی گیرد.

ابعاد تهاجم فرهنگی

در بعد داخلی، تهاجم فرهنگی دشمن به دو صورت انجام می گیرد:

۱) ترویج افکار و اندیشه های غیر اسلامی و گاه ضد اسلامی، تبلیغ افکار التقاطی ، تقدس زدایی از مقدسات وسست نمودن پایه های اعتقادی جوانان نسبت به برخی ازاصول و آرمان ها ، «تجدد گرایی، علم زدگی و عقل گرایی افراطی»

۲) ترویج فساد و منکرات و ابتذال اخلاقی و فرهنگی و بی بندوباری جنسی در میان نسل جوان و سرانجام بی هویت و بی خاصیت نمودن آنها.

ویژگی های تهاجم فرهنگی

۱. نامرئی و نامحسوس بودن : تفاوت وتمایز اصلی تهاجم فرهنگی با تهاجم نظامی نامرئی و نامحسوس بودن آن است ، درتهاجم نظامی، دشمن با تجهیزات و امکانات نظامی وارد معرکه می شود، اما برای پیشبرد اهداف تهاجم فرهنگی نیازی به لشکر کشی و صرف هزینه های هنگفت نظامی نیست.

سلاح دشمن در این نبرد امور به ظاهر رسمی و قانونی و کارساز و مثمرثمر، از قبیل: تولید و نمایش فیلم، مصاحبه، سخنرانی، مباحثه، چاپ و انتشار مجله، کتاب، عکس، شعر، قصه ، نمایش و... است و همه ی اینها در قالب های ظاهر فریبی چون رشد و ترویج هنر و ادب،آزادی بیان و قلم و اظهار عقیده و تبادل اندیشه ها و.... صورت می پذیرد.

این ادعاها و پوشش های فریبنده و دهن پرکن به میزان زیادی دشمن را در این تهاجم در استتار کامل قرارمی دهد و برای شناخت توطئه ها و نقشه های دشمن و تشخیص ردپای او تیزبینی و ژرف اندیشی و دقت و هوشیاری فراوانی لازم است و گماشتن دیده بانانی تیزبین و تیزفهم لازم تر. چه بسا دشمن در این تهاجم سربازان خویش را از میان خودیها برگزیند و سخن

خویش را از زبان آنها بیان کند و نقشه های خود را به دست آنها عملی سازد . رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند:«تهاجم فرهنگی گاهی هم متاسفانه بوسیله خودیها انجام می گیرد.»

۲. دراز مدت و دیرپا بودن: در تهاجم فرهنگی بذری را که دشمن در ضمیر فکر و افراد جامعه می کارد، تا سالها و بلکه نسل ها باقی می مانـد و ثمره تلـخ و ناخوشاینـد خود را بروز وظهور می دهـد. خلاصه این که تهاجم فرهنگی از آن سـنخ کارهایی است که به تعبیر رهبر گرانقدرمان صدایش فردا در می آید.

۳. ریشه ای وعمیق بودن آن : دشمن در این تهاجم می خواهد این سنگ زیرین آسیا را به سلیقه خود کج و معوج و سست بنا نهـد که این بنـا نیز تـا ثریا کـج رود و سـست و ناپایـدار باشـد. دشـمن در این تهاجم، ریشه این درخت تنومنـد فرهنگ پر بار اسلامی را نشانه گرفته تا با قطع آن تمامی شاخه ها و شعبه های سیاسی و اقتصادی و حقوقی و.....رابخشکاند.

۴. همه جانبه بودن آن: در بعد سیاسـی تلاش می کند تا فرهنگ مقابل را به انزوا بکشاند و ازرسیدن فریاد رهایی بخش آن به گوش ملـل دیگر جلوگیری نمایـد. در بعـد اقتصـادی، آن را تحت فشار و محاصـره قرار می دهـد تا از این طریق او را وادار به تسلیم کنـد .، در بعـد روانی و تبلیغاتی می کوشد تا بذر یاس و ناامیدی را در دلها بیافشاند و روح حقارت و خود کم بینی را تزریـق کنـد و چهره خـودی را مخـدوش وزشت جلـوه دهـد ودر بعـد نظـامی انهـدام و نـابودی کامـل آن را در دل و سـودای سرنگونی اش را درسر می پروراند.

۵. حسـاب شـده، دارای برنـامه وبرخـوردار ازامکانـات و ابزارهـای گسـترده اسـت :نگـاهی بـه آمـارکنفرانس هـا مؤســسات و بنگاههـای علمی و تحقیقـاتی که پس از انقلاـب اسـلامی ایران تحت عنـاوینی چـون ایران شناسـی ، اسـلام شناسـی ، شـناخت مـذهب تشیع ، شـناخت انقلاـب اسـلامی وراههای مقابله باآن و شـناخت رهبر انقلاب و... توسط محافل صـهیونیستی و غربی تشکیل و فعالیت می کنند نشانگر دقت وبرنامه ریزی استکبار جهانی برای مقابله با انقلاب اسلامی و فرهنگ اسلامی است .

دشـمن برای ترویج یک مد لباس یا فرم مخصوصـی برای آرایش سرو صورت از نظریات و تحقیقات روانشناسان خود استفاده می کنند تا با توجه به آداب و رسوم اجتماعی هر جامعه و روحیات حاکم بر جوانان و نوجوانان ،و با بهره گیری از شـیوه های متنـوع تبلیغـاتی میزان تـاثیر و جـذابیت آن را افزایش دهـد. همچنیـن دشـمن در ایـن تهـاجم از ابزار و امکانـات تکنولـوژیکی گسترده و متنوع همراه با بودجه های کلان و تکنیک و هنر مـدرن برای اشاعه فرهنگ و آرمانهای اسـتکباری بهره می جویـد. نگـاهی هر چنـد کوتـاه به گوشه ای از آمـار و امکانات و ابزارهای تبلیغاتی آمریکا نشان دهنـده عمق تلاش و جـدیت شـیطان بزرگ برای تحمیل و تزریق فرهنگ شیطانی خود بر مردم جهان است.

۶. قربانیـان این تهـاجم : اولین گروهی که دراین تهـاجم مـورد حمله نـاجوانمردانه دشـمن قرار می گیرد قشـر جوان و نوجوان جامعه است. با توجه به اینکه فعال ترین گروه جامعه و سرمایه های معنوی آن و گردانندگان فردای جامعه قشرجوان و نوجوان امروزی هسـتند، دشمن می کوشد تا با سرگرم نمودن آنها به امور ظاهری و مادی و تزریق فرهنگ فاسد خویش آنان را نسبت به فرهنـگ اصـیل خویش به بی تفاوتی بکشانـد و به عنوان مهره های سـر سپرده و ضـعیف النفس در اختیار بگیرد. با سـر گرم شـدن جوانان به امور پیش پا افتاده و ظاهری چون رنگ و مد لباس و فرم آرایش سـر و صورت وغرق شدن در امور نفسانی و شهوانی دیگر مجالی برای کسب علم و تحقیق و پژوهش و تکامل روحی و معنوی باقی نمی ماند.

یکی از راه های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوان های مؤمن را از پای بندی ها به ایمان که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می دارد منصرف کنند همان کاری که در قرن های گذشته در اندلس کردند ، جوان ها در باتلاق فساد ، شهوت رانی و میگساری افتادند و این کارها در حال حاضر دارد انجام میگیرد .

۷. کارساز و خطرزا بودن : حمله فرهنگی از حمله نظامی به مراتب خطر ناک تر و مخرب ترخواهد بود. زیرا حمله نظامی صلابت و مقاومت ملت را تحت هر عنوانی (ملی یا دینی) برمی انگیزد و به عکس العمل وا می دارد اما توطئه ی اخلاقی و فرهنگی انسان ها را تدریجاً از درون می پوساند و بدون این که خود متوجه باشند به اضمحلال و نابودی می کشاند، امروزه جنگ فرهنگی و تبلیغی از هجوم نظامی مهم تر و خطر آفرین تر است .

آیت ا... خامنه ای اولین شخصیتی بودند که مسئله تهاجم فرهنگی را با صراحت و بلاغت مطرح نمودند و فرمودند: «برای یک ملت" فاجعه فرهنگی " از فاجعه ی اقتصادی بسیار سنگین تر و خسارت بارتر است یورش فرهنگی از یورش نظامی بسیار بی رحمانه تر و صعب العلاج تر است .»

در جای دیگر فرمودند: «کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می کند نه تنها یک تهاجم فرهنگی ، بلکه باید گفت: یک شبیخون فرهنگی ، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است.»

۸. فراگیر بودن آن: تهاجم فرهنگی هم از نظر مکانی وهم از نظر زمانی و هم از لحاظ کسانی که مورد حمله دشمن قرار می گیرند حدومرزی نمی شناسد و نسبت به تهاجم نظامی فراگیری وسیع تری دارد. از لحاظ مکانی ،کوچه، بازار،خانه، مدرسه ،میادین ورزشی،کلوپها ، سینماها ، نمایش خانه ها ،پارک ها وتفریح گاهها همه و همه صحنه هایی ازاین تهاجم هستند. ازنظرزمانی شب،روز، ماه وسال نمی شناسد و هر زمانی می تواند موقعیت مناسبی برای این تهاجم باشد .

از نظر افراد همه ی افراد جامعه از زن و مرد وکودک وجوان و نوجوان در معرض خطر می باشند و بر خلاف حمله نظامی امکان به خطا رفتن تیرهای شلیک شده دشمن بسیار اندک و تقریبا صفر است. بذر فسادی را که دشمن موفق شود در زمین فکر و روح افراد بکارد چه بسا ده سال بعد ثمره ی تلخ و زیان بار خود را آشکار سازد . درمقابل حیات وشکوفایی تمدن ها و جوامع به زندگی و باروری فرهنگ ها بستگی دارد ، زیرا اگر فرهنگ در جهت اصالت آن رشد داده شود عامل اصلاح انحرافات جامعه و به وجود آمدن ارزش های نوینی در جهت نفع جامعه خواهد بود.

نگاهی گذرا به ریشه های فرهنگ غرب

دوران جدید در اروپا مقارن است با منزلت یافتن عقل، آزادی و آگاهی از همین رهگذر، اروپائیان به سرعت خیره کننده ای ترقی کردند و با پیشرفت جهش وار تکنولوژی به توسعه و رفاه رسیدند.

در دوران جدید تاریخ اروپا که نوزایی مقدمه ی آنست؛ تمنّاهای معطل مانده ی انسان خسته ی دوران میانی برآورده شده، و

زنجیر گران اوهام و خرافات از دست و پای آدمی گسسته شد.

در عصـر حاکمیت عقل ، انسان برطبیعت و پدیده های آن چیره گشـته و با ابتناء به علوم دقیق و قوانین ثابت؛ ارزش ها، سنن و آداب و رسوم کهن را درهم شکست. جوامع توسعه یافته و مترقی زندگی راحت تر، متنوع تر و شادتر را با کمک ابزار و فنون مدرن تجربه کردند، و تمتعات دنیوی کام همگان را شـیرین ساخت. با تطوّر تمدن غرب، صـحت دور اندیشی فیلسوفانی چون روسو، که از چیزی به عنوان «بحران در اخلاقیات» تعبیر می کرد، تأییـد شد و هرچه ازعمر این تمدن باهیمنه گذشت، شـکاف ایجاد شـده میان انسان و خداونـد عمیق تر شد؛ و انسان محروم از افاضات قدسـی، سر گردان و بی پناه در زمینِ خاکی، اسـیر یک زنـدگی بـدون فراز و نشیب، یکنواخت و تهی از معنا شـد. این اتفاقِ دردناک محصول اهتمام و جـدیت معماران تمـدن غرب در اجابت خواسته ها و نیازهای مادی، و غفلت از دغدغه های درونی و روحِ پرسشگرِ انسان بود .

برای اثبات بی هویتی انسانِ مـدرن و سـردرگمی او، نیازی به قلم فرسایی نیست. علّت این بیماری بزرگ را، که بیماری عصـر جدیـد است، نمی توان دریـک چیز جسـتجو کرد. امـا همچنـان که استیس می گویـد: اگر بخواهیم به یک عامل اصـلی اشاره کنیم، بایـد بگوئیم: «آشـفتگی وسـرگردانی انسان در جهان مدرن ناشـی از فقدان ایمان و دست برداشـتن ازخدا و دین است.» (۱)

«والترترنس استیس»، فیلسوف بریتانیایی(۱۹۶۷-۱۸۸۶)، درمقاله "در بی معنایی معنا هست"، مـدعی است زندگی انسانِ امروز بی معنا شـده است. استیس بی معنایی زنـدگی امروز را، عمـدتاً، معلول کسوف یا زوال اندیشه ی دینی می داند و می گوید:« ذاتِ خودِ بینش دینی... ایمـان به این است که در جهـان طرح و هـدفی وجود دارد، جهـان یک نظام اخلاقی است، و در پایان همه چیز به خوبی و خوشی تمام می شود.» (۲)

از نظر استیس جهان یک تهیای عظیم روحانی است و تحت حاکمیت هیـچ موجود روحانی نیست، بلکه برعکس، تحت سـلطه ی نیروهـای کور و بی آرمـان است. راسـل مسئول پدیـد آمـدن چنین وضـعی را علم می دانـد ،امـا استیس، به درستی، با وی مخالفت می ورزد و سـخن او را به گونه ای تفسیر می کنـد تا پـذیرفتنی شود . به عقیـده ی او :« هیچ اکتشاف علمی خاصـی، علت اصـلی زوال ایمـان نبوده است، بلکه به عکس، علتش روحیه عمومی علمی و پـاره ای پیش فرض هـای بنیـادینی بوده که علم جدید از قرن هفدهم به این سو بر آنها بنا شده است.» شکاکیتی که در قرنهای هجدهم و نوزدهم پدید آمد، بر اثر کشف هـای نیوتن یا تحقیقات گالیله یا فرضـیات کپرنیک نبود، « بلکه این امر تحت تأثیر آن جهان بینی کلی به وقوع پیوست که این مردان و سایر هم عصـرانشان، آن را اساس علم قرار دادنـد.» بـدین ترتیب، دین که با هر نوع اکتشاف علمی می توانـد سازگار افتد، به دلیل این که نمی تواند با جهانی بی هدف و بی معنا کنار آید، به انزوا کشیده شد.

فیزیکـدانان برجسـته ی اروپا در دوران جدیـد علاوه بر یافته های علمی، جهان بینی نوینی را تأسـیس کردند که مسیر حرکت تاریـخ بشـریت را تغییر داده است. معمارِجهان بینیِ نوین با تغییر رابطه ی انسان با خداوند، انسان را بر طبیعت مسـلط ساختند و فلسفه طبیعی جدیدی را برای بشریت به ارمغان آوردند. عناصر و اجزای

۱- اعظم پویا، معنای زندگی، مقاله «دربی ممعنایی معنایی هست»،

۲- اعظم پویا، معنای زندگی، مقاله «دربی ممعنایی معنایی هست»،

فلسفه ی طبیعی به زبان ریاضی است و انسان با علم مکانیک می تواند تمام برگهای این دفتر را بخواند. درچنین شرایطی فضا برای تفسیر بدیعی از طبیعت و پدیدارهایش کاملاً مساعد بود.

زمانی که قوانین فیزیک در رمزگشایی کیهان از بوته ی امتحان سربلند بیرون آمد. آشکار گردید که مفاهیم ریاضیات می تواند انسان را به جایگاه سرمدی برساند. گالیله کارآمد بودن ریاضیات را نه تنها در امور تجربی و عینی بلکه در امور ماوراءالطبیعی نیز تأیید می کند. تعریف او از متافیزیک و طبیعت مساوی است با غلبه"روح هندسی" بر عالم، عالمی که بنا به تعریف فیزیک دانان عبارت از اجزای مادّی متحرک در زمان و مکان است. با این تعریفِ گالیله، مکان از وجود خداوند منفک گردید.

توأم با جهش بزرگ انسان دوران جدید در تصرف وکشف اسرار نهفته در طبیعت، جریانی متولد شد که نهایتاً محرومیت انسان را از منبع الهی رقم زد. در دوران جدید آسمان جاودانگی و قداستش را از دست داد و تبدیل شد به کهکشانی پر از ستارگان ادواری، طبیعت و پدیدارهایش که آیتی از آیات خداوند بودند تبدیل شد به مجموعه ای از اعداد بی نهایت، کیفیت زدایی از طبیعت و حذف ارزش های معنوی عالم، منجر به قطع ارتباط انسان با مبدأ حیات گردید و بسیاری از کنش ها و ارتباطات روحی انسان پشت سردنیای ریاضی معطل و سرگردان ماند.

کوتاه سخن اینکه :درجهان بینی نوینی که نیوتن متافیزیسین برجسته ی آن است نظم کیهانی بر عالم حاکم می شود، و اجرام آسمانی منظم و قانون مند می شوند تا انسان با استفاده از علم مکانیک و قوانین ریاضی آنها را به خوبی بشناسد. در جهان بینی گالیله ـ نیوتنی خداوند انکار نشد بلکه وجود او برای نگهداری و صیانت از نظم حاکم بر کیهان الزامی و ضروری بود، به تعبیر برت بعد از آمدن نیوتن خداوند " سرمهندس " عالم شد. (۱) در دوران جدید انسان با روش های علمی از پلکان معرفت و خدا شناسی بالا نمی رود و بر معرفت خود نمی افزاید تا خداوند را بهتر عبادت نماید، در دوران مدرن هدف علم کشف نظم حاکم بر طبیعت است.

کانت در تأسیس فلسفه اش به این معنا توجه داشت که عقل را نه تنها در شناخت امور قدسی صائب و دارای صلاحیت بداند، بلکه عقل این صلاحیت را کسب کرد که هر گونه تفسیر از امر قدسی را نیز ممکن بداند.

در فلسفه ی نقادی کانت ایمان مسیحی به تبعیت عقل درآمد و انسان به جای خداوند نشست، خداوند در اندازه ی یک انگاره ی کم اهمیت پایین آمد و ذهن ارزش متعالی پیدا نمود. معنویت ما فوق ذهن و غیر قابل تصور گردید و نهایتاً خود آگاهی به جای خدا آگاهی نشست. نتیجه این بینش که ممد و مؤید تفکر محاسبه گرانه ی دکارت بود قطع ارتباط دیرین و فطری انسان با مبدأ کائنات بود.

نیچه که از مرگ دریغ آمیز خدا خبر می دهد این معانی را احساس کرده است که دین و تفکر، صرف حرف شده است و فلسفه بافی همه جا را فرا گرفته است. قبل از او کی یرکگارد و داستایوسکی احساس کرده بودند که مسیح زندانی ارباب

کلیسا شده است. نیچه می گوید خدا را در کلیسا کشته اند

۱- . ماجرای معنویت در دوران جدید، ص ۷۷.

در این بین داروین کتابش درباره ی " اصل انسان"را منتشر کرد و اسم آن را" تبار انسان" گذاشت. او در این کتاب تکامل انسان را از موجودات پست به عالی، به خوبی ترسیم می کند.

داروین درباره ی اصل انسان می گوید، بین انسان و جانورانِ دیگر به لحاظ ساختمان جسمی تفاوتی نیست، چرا که هیچ عنصری در انسان سراغ نداریم که مانند آن در برخی مهره داران وجود نداشته باشد، پس انسان در طول مهره داران و از راستای پستانداران البته از نوع عالی یعنی نخستیان به حساب می آید.

جانورشناسان میمون ها را از پست به عالی به این ترتیب طبقه بندی کرده اند: گیپون، اورانگوتان و شمپانزه، گوریل نوع عالی میمون است که از بالای درخت پایین آمده و روی زمین با دو پا راه می رود و از دستهایش به خوبی استفاده می کند."ارنست هگل" انسان را منسوب به این میمون دانسته و پروفسور"وولپیان" با مطالعه بر روی ساختمان مغز میمون های عالی شباهت مغز انسان و میمون راتأیید کرد. (۱)

با جایگزینی جهان بینی نوین بجای جهان بینی دوران میانی جهان از شعور(روان) تهی شد و زندگی انسان ابتدا و انتهایش در کره ی خاکی رقم خورد، از ماده به وجود آمده به خاک تبدیل می گردد، هر شیء را می توان در آزمایشگاه تجزیه کرد و قوانین آن را تفسیر نمود، انسان هم حیوانی است که سخن می گوید، تفکر می کند ، احساس دارد و مانند سایر انواع در قانون تنازع بقاء شرکت فعالانه دارد تا تکامل یابد و از چرخه ی حیات حذف نشود.

در این شرایط انسان به مبدأ ما فوق علّت ومعلول اتصال ندارد و هیچ آینده و امیدی جز نابودی و تجزیه انتظار او را نمی کشد، معنویت که با امور حسی سروکار دارد عملاً ـ بلااستفاده و متروک در گوشه ای از فضای نامتناهی دوران جدید به فراموشی سپرده شده است.

فرهنگ ایثار و شهادت

اما درست در همین دنیای ساختهٔ معماران تمدن غرب، همین دنیایی که استیس آنرا مبتلا به بحران معنا می–دانست، واقعه ای شگفت روی داد و غرب را از خواب غفلتی که به آن گرفتار آمده بود خارج کرد. در گوشه ای از این دهکده جهانی« ناگهان میلیون ها نفر از مردم از خانه ها بیرون ریختند و فارغ از ملاحظات و معادلات غریزی مربوط به حفظ حیات سینه در برابر گلوله ها سپر کردند و ارتشی هم که ده ها میلیارد دلار خرج آن شده بود» تا مگر بتواند بار دیگر فرهنگ بی پایه و سست خود را بر ملتی بیدار تحمیل کند، « به انفعالی گرفتار آمد که چاقو در برابر دستهٔ خویش دارد». (۲)

این همان دهکده ی جهانی است که به تعبیر شهید سید مرتضی آوینی «در تلویزیون هایش دختران ۶ ساله را آموزش جنسی می دهند. همان دهکده ای که در آن گوسفندهایی با سر انسان و انسانهایی با سر خوک به دنیا می آید وعجیب اینجاست که باز هم این همان دهکده ایست که در زیر آسمانش بسیجیان رمل های فکه

۱- . ماجرای معنویت در دوران جدید ، ص .۱۴۳
۲- . سید مرتضی آوینی، مقاله انفجار اطلاعات.

زیسته اند.همان دهکدهٔ جهانی که در نیمه شبهایش ماه هم برکازیون های لاسوگاس تابیده است و هم بر حسینیهٔ دو کوهه و گورهایی که در آن بسیجیان از خوف خدا و عشق به او می گریسته اند.» (۱)

«آنجا هنگامه ای به پا بود که تاریخ فقط یک بار آن را دیده بود؛ سرزمین شور و شعور، سرزمین نیاز و نماز؛ اشک هزار هزار شمع، بال های سوخته هزار هزار پروانه و یک آسمان لاله ی پرپر. آنجا زمین بوی بهشت می داد. آنجا خدا بود و کوچه های «اخلاص» ! نامهربانی سال ها بود که رخت بر بسته بود، دل ها مهربان مهربان. آنجا هر روزش عید بود- که در آنجا خدا هرگز معصیت نشد.- آنجا منیّت ها لجن مال شده بود، شهوت از بی رونقی دق کرده بود، عصیان اسیر سرپنجه های «تسبیح» گشته بود. آنجا همه اهل «دعا» بودند، همه اهل «تکبیر» همه اهل «مسجد». آنجا هیچ ستاره ای غروب نکرد.

آنجا همیشه خورشیدها بر نیزه ها و زیر تانک ها قرآن می خوانند. آنجا قلب زندگی در چاه های «درد» می-تپید، و اشک تنها مرهم دیدگان! آنجا هیچ فاصله ای نبود، همه یک رنگ، همه یک جامه، خاکی خاکی! در آنجا گناه، غریبه ای بود که هیچ گاه پایش به دروازه آن شهر نرسیده بود، گناه دیو سیاه افسانه هایشان بود. آنجا، جای ماندن نبود، خیمه ها همه موقتی بودند. آنجا مردان همه سرود «رضا» می خوانند و تکبیر هلهله می-کردند. آنجا سرزمین افسانه ها، اسطوره ها، سرزمین ایثار، سرزمین شاهدان شهید، سرزمین خدا بود. »

ابعاد فرهنگ

فرهنگ دو بعد دارد: بعد مادی و بعد معنوی:

فرهنگ مادی: فرهنگ مادی عبارت از مجموعه وسایل، ابزار، امکانات و تکنولوژی رایج و عمومیت یافته در جامعه است. این بخش فرهنگ عناصری را در برمی گیرد که قابل لمس، دیدن و اندازه گیری و ارزیابی است. اشیای مادی، ابزار کار وسایل صنعتی و کشاورزی، عکاسی، موسیقی و وسایل و لوازم خانه، لباس، اتومبیل، هواپیما، نوع مسکن، و ... همگی در زمره فرهنگ مادی محسوب می شود. به طور کلی آن قسمت از فرهنگ که جنبه کمی دارد جزء فرهنگ مادی به شمار می آید.

فرهنگ معنوی: فرهنگ معنوی یا غیر مادی جنبه کیفی فرهنگ را شامل می شود. این بخش از فرهنگ قابل مقایسه و اندازه گیری نیست و معیار ثابتی برای اندازه گیری آن وجود ندارد. می توان گفت آنچه را که مادی نیست فرهنگ معنوی یا غیرمادی می گویند. آثار ادبی، هنری، فکری، آداب و رسوم، سنت ها، اخلاقیات، اعتقادات، باورها، آموزش و پرورش و به طورکلی «سرمایه معنوی» یک جامعه جزء فرهنگ معنوی به شمار می رود.

جنبه های مادی و معنوی فرهنگ، کنش متقابل دارند. تغییر و دگرگونی یکی، موجب تغییر دیگری خواهد شد. بعضی از جامعه شناسان عقیده دارند که این دگرگونی در اشیای مادی و ابزار آغاز می شود و سپس تأثیر آن گسترش می یابد و جنبه ی معنوی فرهنگ را دربرمی گیرد. اما تردیدی نیست که تغییراتی که در تکنیک و ابزار پدید می آید محصول تفکر و اندیشه انسان است.

۱- سید مرتضی آوینی، مقاله انفجار اطلاعات.

تعریف نهایی فرهنگ شـهادت: فرهنگ شـهادت عبارت است از تمامی آثار باقیمانده از شـهید، اعم از غیر مادی (معنوی) مثل باورهـا، اعتقـادات، رفتارهـا و اهـداف دیگر وجوه معنوی و الهی شـهید که الهـام گرفته از قرآن و آموزه های معصومین علیهم السـلام می باشد. و آثار مادی آن عبارتند از تربت پاک شهید، وسایل شخصی، اسامی خیابان ها، مراسم مربوط به شهید، آثار مکتوب و کلاً هر چیزی که قابل مشاهده و لمس بوده و یادآور شهید باشد.

ابعاد مختلف فرهنگ شهادت

اگر شـهادت را در زمره فرهنگ دانسـته و به کارگیری اصطلاح «فرهنگ شهادت» را درست بدانیم، باید ابعاد مختلف فرهنگ نیز در آن جاری باشـد. همانطور که گفته شد، فرهنگ مادی فرهنگی است که قابل دیدن و لمس کردن باشد و یا بتوان آن را انـدازه گیری کرد. قبورمطهرشـهدا،لباس، پلاک، پیشانی بند، وصـیت نامه های مکتوب، اسامی خیابان ها، اماکن و ... در زمره بخش مادی فرهنگ شـهادت هسـتند. در حقیقت برای نسل های آینـده وجود نمادها و بخش مادی فرهنگ در نگاه نخست به عنوان یک پدیـده فرهنگی است که آیندگان را به کنجکاوی وتفکر وا می دارد. مثلاً موزه های جنگ درجهان از این ویژگی برخوردارند. در کشورما نیز موزه شـهدا که درتهران و برخی شـهرهای مختلف ایجاد شده است، بخش مادی فرهنگ شـهادت است که بازدیـد از این موزه هـا یـاد جانبـازی هـا و رشادت های رزمنـدگان در دوران جنگ و مبارزه تاریـخ ملت ایران را در اذهان زنده می کند. در بعد معنوی فرهنگ شهادت شعائر اسلامی ازجایگاه ویژه ای برخوردار است، زیرا درزمان امامان شیعه به دلیل حاکمیت حکام جور و ظلم و مظلومیت شـیعه در تاریخ، پیروان این آیین سـعی کرده که با نوحه سـرایی، شـعر و شعائر مذهبی، سنت ها و یادبودهای امامان شهید و شهدای پیرو ایشان را زنده نگهدارند. به این ترتیب بخش معنوی فرهنگ شهادت شامـل انگیزه و اهـداف شـهدا، زمزمه هـای عرفـانی، نمـاز شب هـا و شب-زنـده داری ها، گریه و راز ونیازها، آمال وآرزوها، خواب های صادقانه، رویاها، مراثی و کلیه شعایر که در جهت زنده نگه داشتن یادو نام موثر است، می شود.

بـا توجه به شـمولی که درمعنای واژه فرهنگ نهفته است، حالت استیلا، فراگیری و نهادینه شـدن این اشتیاق به شـهادت در راه خدا، در جامعه اسلامی است. چنانچه فرهنگ نماز تا حدودی چنین شمولی دارد (۱).

فرهنگ انتظار

انتظـار، پیونـد وقرابت ویژه و برجسـته ای با «حرکت»دارد.حرکت، از برآینـدهای انتظار، و انتظار از جهت دهنـده های حرکت است.

انتظـار، مفهـومی اســلامی، و ارزشــی فرهنگی اســت کــه از آن، رفتــار فرهنگی معینی سرچشــمه می گیرد. گــاه مردم از انتظاربرداشت منفی می کنند که در این صورت، انتظار به مفهومی برای تحذیر و مانعی برای حرکت تبدیل

۱- علیرضا ذبیـح، پایان نامه: کارشناسـی ارشد معارف اسـلامی، تأثیر وجود فرهنگ شـهادت طلبی در حفظ دین و ارزش های

دینی، تابستان ۱۳۸۰

میشود، و گاه نیز از آن برداشت مثبت دارند که در این صورت عاملی از عوامل حرکت و قیام و انگیزش در زندگی مردم خواهد بود.

انتظار، یک فرهنگ و مفهومی فرهنگی است که درساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی و چگونگی نگرش ما به آینده به شکل فعال و مؤثری دخالت داشته و در ترسیم خط سیاسی که برای حال و آینده خود رقم می زنیم، تأثیرگذار است.

قریب به هزار و صد سال است که انتظار در زندگی ما ریشه فرهنگی خود را گسترده است. در طول این مدت مسأله انتظار به گونه مؤثری در ساختار اندیشه سیاسی و انقلابی ما دخالت داشته است. اگر بدون عامل انتظار به تاریخ سیاسی و انقلابی خود بنگریم، این تاریخ بلند، جایگاه دیگری خواهد داشت.

انتظار نجاتی که ما می گوییم، انتظاری است که انسان میتواند آنرا نزدیک گرداند وطلب کند؛ مانند بهبودی ازبیماری، پیروزی بردشمن و... همه اینها ریشه در انتظار دارند و امر سرعت بخشیدن یا تأخیر انداختن آنها به دست خود انسان است.

این معنا از انتظار، علاوه بر «امید» و «مقاومت»،به انسان «حرکت» نیز می بخشد، وحرکت، مخصوص انتظار است. بی گمان اگر انسان بداند که نجات ورهایی اش به حرکت، عمل و تلاشش وابسته است، چنان حرکت و تلاشی برای رهایی و نجات خویش به خرج می دهد که درگذشته توان انجام آن را نداشته است.

خطاست که از واژه انتظار مترصد بودن منفی حوادث را بفهمیم، بی آنکه خود نقش منفی یا مثبتی در این حوادث داشته باشیم؛ چنان که مترصد خسوف ماه یا کسوف خورشید می مانیم. بنابراین، تفسیر صحیح واژه انتظار، «حرکت»، «کار»، «تلاش» و «عمل» است. (۱)

غیبت، عامل یک تلاش ویژه در فهم دین می گردد، نه اینکه حاصل این تلاش، می تواند جایگزین ظهور امام باشد. غیبت می تواند باعث گردد که در یک محدوده ، مردم، به طور جدی به دین بیاندیشند و برای دست یابی به آن تلاش کنند و با واقعیت ها روبرو شوند تا در نهایت، به نقطه ای نزدیک شویم که عده ای، امام را درک کنند و بخواهد که از او اطاعت کنند.

بنابراین، غیبت میتواند احساس نیازی را در بشر زنده کند که اگر واقعی باشد، همان مفهوم انتظار است. انتظار، هیچ چیزی جز احساس عطش وحرکت برای رفع آن نیست. هر چقدر که جوامع بشری، پیچیده تر می شوند، این نیاز و عطش، خود را بیشتر نشان می دهد.

در واقع، انتظار، مرحله ای از کمال بشر است که مقدمه اش، نیاز ، واقعیتش تلاش و حرکت برای دست یابی به راه هدایت و اطاعت آن است. به همین دلیل است که انتظار را «أفضل العباده» (۲) نامیده اند.

انتظار، خود، فرج و گشایش نیست، اما اگر حقیقی باشد، بخشی از فرج خواهد بود؛ چرا که معنایش این است که کسانی، در جهت فهم دین گام بردارند و به آن عمل کنند و جامعه را به آن سمت سوق دهند، و در

۱- . محمدمهدی آصفی، فصلنامه انتظار، ش۶، ص۱۰۳(باکمی تغییر).

۲- . منتخب الاثر، فصل ۱۰، باب۲، ح۱۶.

نهایت، به آن درجه ای برسند که بخواهند امام را اطاعت کنند، همان چیزی که در زمان ظهور ائمه در گذشته بسیار کم بود. (۱)

پیوند فرهنگ ایثار و انتظار

انتظار پدیده ای است که رابطه ی تنگاتنگ با ارزش های شیعیان و بخصوص مساله ی شهادت دارد. خلفای اموی و عباسی، حقوق ائمه علیهم السلام را غصب کردند و تمامی جنبش ها و قیامهای شیعیان را در راه گرفتن حق و اقامه ی عدالت با خشونت تمام سرکوب کردند؛ بنابراین شیعیان همواره درانتظار بوده اند. پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه فرموده اند تا فرصتی برای اقامه ی حق بدست آورید، انتقام خون شهیدان خود را از ستمکاران بگیرید. در زیارت عاشورا هم انتظار و شهادت امام حسین رابطه تنگاتنگی دارند.

در این زیارت انتظار به معنای انزوا و گوشه نشینی نیست. به معنای این نیست که ما همه ظلم و ستم ها را تحمل کنیم به این امید که کسی بیاید و ما را نجات دهد. بلکه انتظار در فرهنگ شیعه که در زیارت عاشورا بخوبی متجلی یافته است، انتظاری سرخ به معنی آمادگی برای ایثار و فداکاری است. در این انتظار مومنان و آزادگان آماده اند تا با تمام قوا در مقابل دشمنان دین خدا بایستند و انتقام تمامی ظلم و ستمهایی که در طول تاریخ بر همه ی انبیا و اولیا و انسانهای بی گناه رفته است، بستانند. نمونه ی تجلی بارز این انتقام وخونخواهی درزیارت عاشورا متجلی می شود. به طوری که می توان گفت زیارت عاشورا زیارت انتظار و انتقام است. در این زیارت ضمن بررسی وقایع وفجایعی که نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شخص امام حسین علیه اسلام و یاران ایشان رفته است، لعن ونفرین خود را در حق قاتلان و ظالمان ابراز می داریم و از خداوند می-خواهیم تا ما را جزو کسانی قرار دهد که در صف یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انتقام خون امام حسین و همه ی پیامبران و اولیاء را از دشمنان دین بگیریم در این زیارت می خوانیم:

«خدایامرا ازخونخواهان امام حسین علیه السلام قراربده تا با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به خونخواهی امام حسین علیه السلام قیام کنم.»

بازتاب عملی زیارت عاشورا در رابطه با انتظار این است که انسانهای مؤمن با بخاطر داشتن ظلم و ستم هایی که بر اهل بیت علیهم السلامرفته است، انحرافاتی را که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مسیر حکومت اسلامی بوجود آمده، از بین ببرند و آماده باشند تا در رکاب امام معصومی که از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است به مبارزه و جهاد بپردازند و در این راه به شهادت برسند. خواندن ادعیه و زیارتهایی چون دعای ندبه و زیارت عاشورا آمادگی برای چنین امری را همواره در انسان تقویت می کند. در دعای ندبه که بهترین زبان حال انتظار می باشد، به حالت شکوه از خدا می پرسیم:

«کجاست آنکه منتظر است تا کجی ها را از دین بزداید؟ کجاست آنکه بنیان شرک و نفاق را از بین خواهد برد؟ کجاست

خونخواه پیامبران و فرزندان پیامبران؟».

در زیـارت عاشورا انتظار مایه حیات یک مومن و شـعیه ی واقعی معرفی شـده است که در پرتو آن حتی اگر انسان منتظر پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دنیا برود، درعین حال که دارای اجر و پاداش شهدا است،

۱- . نیکو دیالمه، فصلنامه انتظار، ش۶، ص ۲۶۰.

بعد ازظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوباره به دنیا بازخواهد گشت و انتظار خود را پایان خواهد داد و با امام زمان انتقام دشمنان دین خدا را خواهد گرفت. انتقام در این معنا نه یک فرایند خشونت بار، بلکه تلاشی برای احیا و اقامه ی ارزش ها و برقراری عدالت و امر به معروف و نهی از منکر است که امام حسین علیه السلام جان خود را در این راه فدا کرد و همواره از خدا خواست تا از منتظران واقعی و از یاران باوفای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. این درخواست در همه ی زیارتهای مربوط به امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشهود است.
در یکی از زیارت های امام حسین علیه السلام می گوییم:

«خدایا برمحمد و آل محمد درود فرست... و مرا وپدرانم را و فرزندانم را از کسانی قرار ده که حضرت مهدی را یاری می دهند.»

آرزوی شهادت در رکاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی دیگر از مضامینی است که درادعیه وزیارتها به چشم می خورد. دعاهایی که دراین رابطه وجود دارد بصورت یک سلسله مطالب پیوسته است که ابتدا مقدمات بحث را ذکر می کند و سپس قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و طلب یاری برای ایشان از خدا در جنگ با کافران ونهایتاً توفیق شهادت دررکاب وی را ازخداوند درخواست می کند. در دعاهای معروفی که در زمان غیبت وارد شده است می خوانیم:

«خدایا! ما مشتاق و امیدوار به دولت کریمه ای هستیم که بوسیله آن اسلام و مسلمانان را عزت عطا کنی و منافقین را از بین ببری و در آن ما را از داعیان به سوی طاعت و از رهبران راه خود قراردهی.»

به اعتقاد ما کسی که در عهد خود با خدا در همه حال ثابت قدم باشد و علاوه برتوحید و نبوت به امامت و ولایت امامان معصوم علیهم السلام که از ارکان دین است- ایمان داشته باشد شهید است و اجر شهیدان را دارد. امام سجاد علیه السلام می فرماید:

«هرکه در زمان غیبت بر ولایت و امامت ما اهل بیت استوار و ثابت قدم بماند خداوند اجر و پاداش هزار شهید را به او عطا می کند»

همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید:

«هر که برامر ولایت و امامت ما اهل بیت بمیرد، شهید محسوب می شود هرچند که مرگ وی در بستر باشد، چرا که چنین فردی همانند شهدا زنده است و نزد خدا دارای رزق و روزی است.»

از امام حسین علیه السلام نیز روایت است که فرمود:

«هرکس در زمان غیبت و در انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برسختی ها و آزار و اذیت ها صبور و پایدار

و شکیبا باشد به منزله ی مجاهدی است که با شمشیر خود در رکاب پیامبر شمشیر زده باشد.» (۱)

نسبت فرهنگ غرب و فرهنگ انتظار و شهادت

۱- . بحارالانوار، ج۵۲، ص ۱۲۰-۱۵۰.

بواقع چه مناسبتی است بین فرهنگی که در غرب بوجود آمد و فرهنگی که ملتی بیدار در سایه تعلیمات اسلام ناب محمدی و جانفشانی بسیجیان خمینی کبیر به ارث گذاشتند؟ آیا آن فرهنگ را توان مقابله با این فرهنگی که با خون آبیاری شده می باشد؟ چه میشود اگر فرهنگ خود را از دست دهیم؟

در شرایطی که ایران می رفت از لحاظ فرهنگی کاملاً در گردونه فرهنگ مادی غرب قرار گیرد، انقلابی با ماهیت کاملاً دینی و الهی و با تکیه بر فرهنگ خودی و با شعار باز گشت به خویشتن با رهبری بزرگ مرد جهان اسلام حضرت امام خمینی رحمه الله و با پیروی مردم مسلمان و بیدار ایران اسلامی در یک منطقه حساس و ژئواستراتژیک و در جمع مجموعه ای از ملل اسلامی بوقوع می پیوندد . این انقلاب با ماهیت فرهنگی دینی اولین تهدید جدی در قرن بیستم علیه حاکمیت تمام عیار فرهنگ مادی غرب بود . لذا آمریکا و نظام سلطه که خود را پرچمدار تمدن و فرهنگ غرب می داند بعد ازآزمودن همه ترفندهای براندازی ، از جمله اقدامات نظامی ، سیاسی واقتصادی ، در نهایت چاره کار را در تغییر ماهیت فرهنگی نظام مولد انقلاب اسلامی دیده است .

در همین ارتباط « نیل پستمن » می گوید : « به هیچ وجه اغراق آمیز نیست – به نظر من – اگر ادعا شود که از زمان رخت بر بستن قداستها و ارزش ها از بطن و متن جامعه ، جهان همچنان در تکاپوی دستیابی به چشمه های دیگری از مرجعیت و آمریت اخلاق بسر می برد ، خواهیم دید که نیاز امروز بشریت از دستیابی و روی آوری به مسیحیت و یهودیت حاصل نمی گردد . و به این ترتیب این نیازها باید بطور متعادل هم در برگیرنده جهات مادی و هم جهات معنوی زندگی و سعادت دنیوی و هم کمال و سعادت حیات بعد از مرگ را شامل شود ؛ از طرف دیگر این ندای اسلام است که امروزه بلند شده و مدعی پاسخگویی و ارضای این نیازها است ؛ اینجاست که غرب مبارزه خود را علیه اسلام و مسلمین آغاز می کند ». (۱)

در مطلب فوق چند نکته اساسی قابل توجه است :

اولاً : دنیا بعد از سپری کردن چند قرن از حاکمیت فرهنگ مادی و الحادی ، امروز تشنه اخلاق و معنویت است.

ثانیاً : مسیحیت و یهودیت قادر به پاسخ به نیاز بشر که مهمترین آن نیاز معنوی است نمی باشد.

ثالثاً : امروز این ندای اسلام است که مدعی پاسخگوئی و ارضای این نیازهاست .

رابعاً : نظام سلطه که بقای حیات خود را در استمرار حاکمیت فرهنگ مادی و الحادی غرب می بیند، قادر به تحمل و سیادت فرهنگ اسلامی نیست لذا مبارزه و هجوم فرهنگی علیه اسلام و مسلمانان از اولویتهای سیاست جهانی است .

نظریه پردازان مسائل استراتژیک و جنگ روانی غرب از جمله ساموئل هانتینگتون به خوبی دریافته اند که جریان های درون دینی متشکل از سازه هایی هستند که پایایی و پویایی ارزش های دینی را با هم در یک

۱- . نیل پستمن ، تکنولوپولی (تسلیم فرهنگ به تکنولوژی) ، ترجمه صادق طباطبائی تهران انتشارات سروش ۱۳۷۲ به نقل از روزنامه اطلاعات ۲۲/۲/۷۲.

حرکت رقم می زنند و در یک خط به طورموازی درحال ایجاد موج جدیدی هستند که تهاجمی با قدرت را در مقابل تهاجم فرهنگی غرب می آفریند . به دلیل ارتباط موثر و ریشه ای این دو جریان با ارزش ها و آرمانهای بشری موج دیگری را بر روی موج سوم غربی که الوین تافلر آن را تحت عنوان موج آخر بیان می کند، ایجاد نماید که در نهایت و بلندای مد و بدون جزر و عقب نشینی است. این موج سطح تمام حباب های خیالی و کف های زائدی که از امواج غربی به وجود آمده است را می پوشاند ، و این موج موج آخر است . جریانهای حرکت ساز و بوجود آورنده این موج عظیم به اعتراف هانتینگتون یکی جریان اندیشه سرخ حسینی است و دیگری جریان اندیشه سبز مهدوی است که چالش های بزرگی را فرا روی فرهنگ تهاجم مدرن بوجود آورده ، تا حدی که در بعضی فرآیندها و واکنشها آن را به زانو در آورده است .

عده ای از کارشناسان فرهنگ هر جامعه را ثقل معنوی آن اجتماع در مجموعه هستی تعریف کرده اند . در این دیدگاه فرهنگ در پنهان ترین لایه های وجود معما گونه بشر نفوذ می کند و ادراکات او را نسبت به بودن و چگونه زیستن سمت و سو می بخشد . فرهنگ ، گذشته فرد و جامعه را تبیین می کند، حال جاری او را جهت می دهد و تصویر آینده اش را در پرتو ارزش ها و معیارها ترسیم می کند فرهنگ دژ حیات یک ملت است که بر فراز قله هستی یک ملت بنا می شود و اگر دروازه های این دژ بر روی بیگانگان باز شود، به طوری که بر فراز این قلعه پرچمی به جز رنگ ارزش های خالی برافراشته شود بی شک آن ملت خودآگاه یا ناخودآگاه پاسدار جاودان منافع مهاجمان پنهان فرهنگی می شود و حیات او همانگونه که صاحبان معیارهای بیگانه اراده کنند رقم خواهد خورد .

نظریه پردازان سلطه اکنون در گذر از روش غیر قابل اتکای گذشته به این نتیجه اطمینان بخش رسیده اند که اگر موفق به نفوذ فرهنگی دریک کشور شوند واگر بتوانند فرهنگ یک ملت را از درون استحاله کنند ، و آنچه را خود می پسندند به عنوان ارزش های عالی و مترقی بشری جایگزین معیارهای بومی و فطری ملت ها سازند ، می توانند بدون هیچ دغدغه عمده به آینده استراتژیک منافع خود امیدوار و حتی مطمئن باشند .

پیچیده ترین و مهم ترین مؤلفه امنیت ملی در هر کشور، امنیت فرهنگی است. برای یک کشور که هویت فرهنگی آن، مؤلفه اصلی تلقی می شود، این امر اهمیت بیشتری خواهد داشت وهرچه این حکومت، مبانی فکری و اعتقادی والگوهای رفتاری دیگران رابه چالش بیشتری کشانده باشد، از تهدیدات بیشتری برخوردار خواهد بود. بنابراین، تهدیدات فرهنگی که از آن به تهاجم فرهنگی و یا تهدید نرم یاد می شود، به دنبال ایجاد انواع بحران های فرهنگی ــ سیاسی در جامعه برای دستیابی به اهداف و اغراض سیاسی است. هدف اصلی از این نوع تهدید، حذف باورمندی جامعه و سلب اراده و روحیه مقاومت و در مجموع استحاله فرهنگی ــ سیاسی است. در این نوع تهدید تلاش می شود، ملتی دارای آرمان، به ملت بی آرمان تبدیل شود و آن هم به دست خود، الگوهای رفتاری خود را در حوزه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به چالش اندازد.

امروزه تهدید نرم موثرترین، کارآمدترین و کم هزینه ترین و در عین حال خطرناک ترین و پیچیده ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور است، زیرا می توان با کمترین هزینه با حذف لشکرکشی و از بین بردن

مقـاومت های فیزیکی به هـدف رسـید؛ زیرا با عواطف، احساسات، فکر و انـدیشه و باور و ارزش ها و آرمان های یک ملت و نظام سیاسی ارتباط دارد.

ابعـاد این جنـگ و تهدیـد گسـترده تر و مخرب تر است زیرا دین، فکر و آرمـان ملت هـا را آمـاج تهـاجم خود قرار می دهـد. تهدیـد نرم به "روحیه" به عنوان یکی از عوامل قدرت ملی خد شه وارد می کند، عزم و اراده ملت را از بین می برد و مقاومت و دفـاع از آرمـان و سـیاست هـای نظـام را تضـعیف می کنـد. فروپاشـی روانی یـک ملت می توانـد مقـدمه ای برای فروپاشـی سیاسی- امنیتی و ساختارهای آن باشد.

تهدیـدات نرم پیچیـده و محصـول پردازش ذهنی نخبگـان می باشـد وانـدازه گیری آن مشـکل اسـت. در حـالی که تهدیـدات سخت، عینی، واقعی و محسـوس است و می تـوان آن را بـا ارایه برخی از معیارهـا، انـدازه گیری کرد. روش اعمـال تهدیـدات سخـت اسـتفاده از زور و اجبـار اسـت در حـالی کـه در تهدیـد نرم، از روش القـا واقنـاع سازی بهره گیری می شـود. هـدف درتهدیـدات سـخت، تخریب و حـذف فیزیکی حریف و تصـرف و اشـغال سـرزمین است. در حـالی که در تهدیـد نرم هـدف تاثیرگذاری بر انتخاب ها، فرایند تصمیم گیری و الگوهای رفتاری حریف و در نهایت سلب هویت های فرهنگی است.

موانع گسترش فرهنگ ایثار و شهادت

از موانع مهم گسترش فرهنگ ایثار وشهادت، بوجود آمدن زمینه پذیرش و رسوخ فرهنگ بیگانه است که اهم آن عبارتند از:

۱. جایگزینی فرهنگ ها (باتهاجم فرهنگی شروع می شود) «ود کثیر من اهل الکتاب لو یردونکم من بعد ایمانکم کفارا.» (۱)

دراین آیه ی شـریفه خبرازتهـاجم فرهنگی داده شـده است و به نظر می رسـد قـدیمی ترین نمـونه ی تهـاجم فرهنگی، داسـتان هابیل و قابیل است. وقتی قابیل نتوانست فکر و فرهنگ خود را بر هابیل تحمیل کند به تهاجم فیزیکی دست یازید و برادر خود را به قتل رساند و این تقابل فرهنگ ها در طول تاریخ ادامه داشـته و دارد. همیشه اهل باطل در مقابل حامیان فرهنگ اصـیل و انسانی و الهی و مصلحان و انبیاء جبهه گرفته و به آن فرهنگ هجوم آورده اند

۲. جایگزینی فرهنگ ابتذال بجای فرهنگ ایثار و شهادت در فرهنگ فضیلت

«یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلا عظیما.» (۲)

عـدول از ارزش هـا و ایجاد موانع درراه پاکی و سـلامت جامعه اسـلامی، از دیگر شـگردهای اسـتعمارگران، کفار و مشـرکین است.

۳. تلاش در مقابل انتشار فرهنگ فضیلتها: «فرهنگ ایثار وشهادت»:

«یریدون ان یطفؤا نورالله بافواههم و یابی الله الا ان یتم نوره و لو کره الکافرون.» (۳)

۱- . بقره، آیه ۱۰۹.

۲- . نساء، آیه ۲۷

۳- .توبه آیه۲۲.

۴. تهاجم برنامه ریزی شده و دراز مدت:«و لا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان استطاعوا.» (۱)

۵. ایجاد جاذبه های مادی، اقتصادی و جنسی

در تاریخ ۱۴۰۰ ساله ی اسلام، کفار همواره در صدد از بین بردن سیادت مسلمین بوده، با برنامه ریزی دقیق عمل کرده و به نتیجه ی دلخواه نیز رسیده اند از نمونه های آن می توان شکست مسلمین در اندلس (اسپانیای فعلی) در سده های نخستین ظهور اسلام را بیاد آورد که کفار از طریق اغوای جوانان و مردم مسلمان و از راه لهو و لعب و شراب و جاذبه های جنسی مسلمین را شکست دادند .

«اعلموا انما الحیوه الدنیا لعب و زینه وتفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال والاولاد... و مالحیواه الدنیا الامتاع الغرور» (۲)

دراین آیه ی شریفه قرآن انذار می دهد که خواسته ها، برخاسته از هوای نفس، دوستی و محبت به دنیا است.

«و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین.» (۳)

راه کارها

الف) درونی کردن ارزش های فرهنگ ایثارگری و شهادت

ارزش ها و آرمان های حاکم بر جامعه باید توسط نهادهای اجتماعی آن جامعه نهادینه و درونی شود. آموزش و پرورش و نهاد خانواده از مهم ترین نهادهای اجتماعی هستند که مستقیماً به اجتماعی کردن و تعیین نقش مناسب برای نسل جدید می پردازند. در بحث نهادینه کردن ارزش ها باید به این نکته توجه کنیم که چنانچه خانه ومدرسه اهداف، آرمان ها وعملکردهای یکدیگر را تأیید نکنند، نسل جوان دچارتعارض وتضاد شده و از هم نوایی و تعامل با آن پرهیز خواهد کرد. در اینجا درونی کردن ارزش ها و آرمان ها، دچار اشکال شده و بقا و دوام جامعه آرمان گرا نیز تضمین نخواهد شد. این نکته را نیز باید اضافه کنیم که نهادینه کردن مطلوب ارزش های فرهنگ ایثارگری و شهادت حاکم بر جامعه نیازمند بررسی خصوصیات آرمان ها و ارزش هاست. نظام اجتماعی و ارزش ما زمانی خواهد توانست در وجود همه افراد جامعه نفوذ و رخنه نماید که از آرمان هایی برخوردار باشد که بتوانند پاسخگوی همه نیازها مطالبات مشروع افراد جامعه باشد.

مطلوب ترین شیوه درالقای اهداف وآرمان ها، شیوه ای است که از هرگونه اجبار، اکراه، خشم، خشونت و انسداد راه عقل و منطق، منتفی باشد.

استفاده ازعنصرعقل ومنطق،باور قلبی و شهود، ارضا و اقناع توأم با اخلاق و حفظ کرامت نوجوان و جوان مهم ترین نقش در پیاده کردن این روش است. به همراه موارد فوق باید بسترهایی را نیز فراهم کرد که مهم ترین این بسترها آزادی تفکر و اندیشه، تکریم شخصیت، ترویج اخلاق مشارکت جویانه در امور جامعه،

۱- . بقره، آیه.۲

۲- . حدید، آیه ۱۹.

۳- . لقمان، آیه ۶.

ارتباط دو سویه و منطقی بین جوانان و مسئولین و ارایه چهره ای ملایم و زیبا از دین است. برای انتقال آرمان ها و درونی کردن آن در نسل جدید احتیاج به برنامه درازمدت است. بدین منظور برای انجام این مهم شرایط زیر ضروری است و عدم وجود این شرایط، به منزله عدم تحقق درونی شدن ارزش ها و آرمان های جامعه خواهد شد:

۱. قبل از هر چیز باید خود مسؤولین جامعه، آرمان گرا و معتقد به آرمان های جامعه بوده و عامل به انجام و پیگیری آن باشند و صادقانه مشکلات جامعه را با مردم در میان نهاده و از هرگونه پنهان کاری پرهیز کنند.

۲. جلوگیری از تنزل ارزش های دفاع مقدس ازسطح ملی ـ مردمی به سطح ارزش های گروهی (گروه رزمندگان) از طریق شکستن حصر ارزش ها و منحصر ندانستن آنها به گروهی خاص و زمینه سازی برای اهمیت یافتن این ارزش ها از طریق تبیین میانی عقلانی آنها.

۳. باورپذیرکردن ارزش های دفاع مقدس از طریق اجتناب جدی از تبلیغاتی کردن آنهاودرنظر گرفتن مخاطبان این ارزش ها.

۴. استفاده از نمادهای بدیل به منظور بازآفرینی فرهنگی ارزش های دفاع مقدس در عین حفظ روح کلی آنها.

۵. هماهنگی بین بخش فرهنگ با سایر بخش های جامعه.

۶. اطلاع رسانی درست از مسایل جامعه.

۷. از بین بردن تعارض بین صاحب نظران در تعریف ارزش ها و مسائل مختلف فرهنگی و اجتماعی.

۸. از بین بردن جاه طلبی و سابقه الگوهای دینی و فکری جامعه برای رسیدن به قدرت.

۹. از بین بردن مظاهر ضدارزشی در سطوح مختلف جامعه.

۱۰. تعلیم و تربیت غیرمستقیم و جذاب مطالب و مباحث عینی و عملی فرهنگ ایثار و شهادت از جمله: برشمردن برجستگی های مرگ شهادت طلبانه و تفاوت آن با مرگ طبیعی؛ تبیین اصل دفاع مشروع که اصلی عام، عقلایی و انسانی است؛ تبیین این مدعا که آدمیان در کنار حق، نسبت به دیگران مکلف نیز هستند و تقدیر و استدلال عقلی و نقلی بر این مدعا که انسان در مقابل یکدیگر وظیفه دارد؛ تبیین اصل و ضرورت وجود امنیت و پیوند این اصل با فرهنگ ایثار و شهادت؛ استفاده ازادبیات داستانی، فیلم های جذاب، اردوها و بازدیدهایی از مناطق جنگی به منظور تقویت روحیه تعادل، تعامل و تفاهم جوانان و نوجوانان در زندگی اجتماعی و...

مجموعه موارد یادشده راهکارهایی را سامان می دهدکه موشکافی و تبیین دقیق و یافتن ابعاد کاربردی آنها برعهده پژوهشگران فرهنگی کشور است.

ب) الگوها

یکی از مسائل مهم دوره جوانی و نوجوانی کسب هویت است؛ هویت شغلی، فردی، اجتماعی و سیاسی و... نوجوان یا جوان به دنبال هویتی است تا بتواند به خود یا دیگران بگوید، کی هست و چه می خواهد؟ جایش در این دنیا درکجاست؟ اگر در این دوران حساس عمر، نوجوان نتواند هویت مشخص و ثابتی برای خود بیابد دچار بحران خواهد شد و یک احساس سردرگمی، بی خودی و پوچی گریبان گیر او خواهد شد.

یکی از عواملی که می تواند به کسب هویت مناسب نوجوان کمک کند، توجه به الگوهای شخصیتی و الگو برداری از آنهاست.

بی شک آدمی با فطرت میل اجتماعی که در نهاد دارد از همان لحظات آغازین که گروه های کوچک شکل-های قویتر و بزرگتری به خود گرفتند، زیستن و بودن در جمع و قرار گرفته در جماعت سبب شد که حماسه ها، جانفشانی ها، ایثارگری های شکیل و چالاکی و جسارت و جرأت های جمیل افراد برتر آن قبیله و اجتماع برای همه ستودنی، شنیدنی و غرورآفرین شود. چرا که آن مردان جسور و بی باک با آفرینش و خلق صحنه های زیبا و بدیع انسان دوستانه تحسین و تعجب همه را بر می انگیختند و این چنین می شد که به خاطر محبوبیت و جایگاه والا و بزرگشان هر کسی آرزوی چون آنان بودن و دلیری و مقام آنان را در ذهن می پرورانید. بر اثر همین حماسه ها و از خود گذشتکی ها و به خاطر آرامش و نجات دیگران و مقاومت در برابر متخاصمین، کتاب قطور قهرمانان حماسه ساز تاریخ ملت ها شکل گرفت و این گونه آن قهرمانان راستین سرمشق و الگویی برای جوانان و دیگران شدند و در قبیله ها و طایفه های متفاوت به صورت های متناوب و گوناگونی ظهور یافتند.

آدلو، یکی از روانشناسان تربیتی غرب بیان می کند: از بزرگترین مایه های تربیتی روح بشر که انسان ها رااز مرحله پست به مراحل متعالی در راه فضایل بزرگ انسانی کشانده، اعتقاد داشتن به انسان های برجسته(ابرمردها) است.

امروزه در بسیاری از کشورهای مترقی و پیشرفته دنیا سعی بر آن شده است که برای حفظ روحیه حماسه ای و متحرک نمودن جامعه خود به سمت و سوی اهداف دلیران و رزمنده هایی که در جبهه های نبرد جانشان را به خاطر میهن ازدست داده اند، با ساختن مجسمه های یاد بود، برپا نمودن یادواره های متعدد و ایجادوگسترش موزه های جنگی،آن اهداف و دستاوردها را به نسل های بعدی خویش انتقال دهند، چرا که آنان به خوبی دریافته اند که اگر چنین نکنند پس ازاندک زمانی دستاوردهایی که برایش خون ریخته اند دستخوش تغییرات بسیار و فراموشی خواهد شد.

وقتی که حماسه قهرمانی و جانبازی و ایثار در فرهنگ ناب اسلامی مطرح می شود رنگ و بوی متفاوت و متغایر با دیگر اندیش ها و نگرش های دیگران پیدا می کند. در این فرهنگ، هدف و مقصود و انگیزه رزمنده و مجاهد در قالبی الهی ریخته می شود تا ارزشمندی یک حماسه و ایثار مشروط به فی سبیل الله بودن، برای خدا قیام کردن و خدایی شدن صورت پذیرد و اینجاست که همه حرکت ها در راستای قرب الهی مقدس و قابل تکریم می شود در فرهنگ اسلامی و خاصه شیعی که مختص بحث ماست، الگوسازی و الگوپذیری تنها در مکتب اهل بیت عصمت و طهارت معنی می یابد، چرا که پیامبر و عترتش به عنوان اسوه های حسنه متصل به فیوض الهی سببی برای ارزشی شدن جوامع و حرکت کردن آنان به طریق الی الله معرفی می گردند.

آنچنان که حضرت علی در زمینه الگوپذیری خود از پیامبر چنین می فرمایند: وه! چه بزرگ است منّتی که خدا با بعثت پیامبر بر ما نهاده و چنین نعمت بزرگی به ما عطا فرموده، رهبر پیشتازی که باید او را پیروی کنیم و پیشوایی که باید راه او را تداوم بخشیم... پیامبر که گرسنه از دنیا رفت، کاخ های مجلل نساخت

(سنگی بر روی سنگی بنا ننهاد) و اینجاست که امام علی علیه السلام چنان با تعالیم و ویژگی های شخصیتی آن حضرت هضم می شود تا جایی که وصی و برادر و جانشین بر حق و شایسته برای پیامبر قرار می گیرد.

به خدا سوگند! آنقدر این پیراهن پشمین را وصله زدم که از پینه کننده آن شرمسارم. بنابراین در این مکتب امام و پیشوا و الگو بودن تنها در این خاندان مفهومی هدفدار و ارزشی پیدا می کند و هر کسی که غیر از اینان را پیشوای خود قرار دهد در بیابان های گمراه کننده سرگردان می شود. در این خصوص مرحوم دکتر علی شریعتی می گوید: انسانی که امام خود را نمی شناسد به مانند گوسفندی است که شبان خود را گم کرده باشد.

این انسان اگر خدا پرست هم باشد، اگر موحد و مسلمان هم باشد و اگر به دقت همه اصول اسلامی را بشناسد و باور داشته باشد و به همه احکام هم عمل کند، اما در زندگی امامش را نشناسد مانند گوسفندی است که گله خود را گم کرده باشد. این گوسفند آواره است، مدت ها، شب ها و روزها، در صحرا و دشت ها ودر مزرعه های بیگانه سرگردان و آواره می گردد و آنگاه تحت چوپانی بیگانه ای ناآشنا قرار می گیرد. اینجاست که حضرت امام حسین علیه السلام به تبع و تبعیت از راه و سیره بر حق پدر، سیدالشهدا می شود و کتاب شهادت و ایثار را تا سرحد تجلی و عزت، زرین و افتخارآمیز می نماید و با حماسه سازی در کربلا- برای رهروانش هر روزی را عاشورا و هر زمینی را کربلا معرفی می کند و چه شورانگیز و شگفت انگیز است برای این خاندان که همه شهیدند«آن باده منصوری مر ملت یاسین را» گفت حافظ:

من و تو محرم این راز نه ایم از می لعل حکایت کن و شیرین دهان

در اسلام شیعی، سالک و الگوپذیرنده چنان در مسیر معرفت الله سیر می کند که در بوستان عشاق الهی صورت سرخ خونین کفنان خداوندی را به تماشا خواهد نشست.

ج) تقویت روحیه صبر و استقامت

عامل دومی که در تقویت و گسترش فرهنگ شهادت میتواند تأثیر داشته باشد؛ تلاش برای تقویت روحیه صبر و استقامت در مؤمنین است. چرا که مجاهدت و شهادت در راه خدا، مستلزم تحمل مشقات و مصائب فراوان است. قرآن کریم، در مورد تأثیر این عامل بر روحیه و فرهنگ شهادت طلبی در مؤمنین، یکی از ویژگیهای مردان الهی را که همراه پیامبران در جنگها شرکت میکردند، ویژگی صبر دانسته و میفرماید: «آنها هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنها میرسید، سست و ناتوان نشدند و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد.» (۱)

بنابراین با تقویت روحیه محبت و عشق ورزی به خداوند و اولیاء او، که نتیجه تولید و افزایش معرفت نسبت به آنها، در جامعه است، به تدریج دل بستگیهای دنیایی کم رنگ و دل بستگیهای الهی پررنگ میشود و کم کم همه فعالیتها، برای خوشنودی خالق و اولیاء او صورت گرفته و مشقتها و سختیهای ناشی از اجرای فرامینش، به راحتی تحمل میشود. در قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که حاکی از دوستی و محبت عمیق

۱- . آل عمران، ۱۴۶.

مؤمنـان نسـبت به خداونـد، یا نسـبت به مؤمنان دیگر است: ۱. «وَ الَّذِینَ آمَنُوا أَشَـدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (۱) آنـان که ایمان آورده انـد در دوستی خدا سخت ترند:

« والَّذِینَ تَبَوَّؤُا الدَّارَ وَ الْإِیمانَ مِنْ قَبْلِهِمْ یُحِبُّونَ مَنْ هاجَرَ إِلَیْهِمْ وَ لا یَجِدُونَ فِی صُدُورِهِمْ حاجَه مِمَّا أُوتُوا وَ یُؤْثِرُونَ عَلی أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ کانَ بِهِمْ خَصاصَه» (۲)

ایجاد فضایی آکنده از محبت و عشق ورزی به امام زمان حجه بن الحسن العسـکری ـ علیه السّـلام ـ در زمان کنونی در سایه آن تلاش برای جلب رضایت و خشـنودی آن حضـرت در فعالیت ها و در نهایت آمادگی جانبازی در راه حضـرت، راهکاری مناسب و بسیار پرجاذبه است.

تمام کسانی که به نحوی به بشـریت خدمت کرده اند از راه علم، از راه فلسـفه، صـنعت، اکتشافات و اختراعات و... به نوعی بر بشـریت حقی دارند ولی هیچ کس حقی به اندازه شـهدا بر بشریت ندارد، به همین جهت هم عکس العمل احساس آمیز انسان هـا و ابراز عواطف خالصـانه آنها درباره شـهدا بیش از سایر گروههاست... چرا که همه گروه های دیگر مـدیون شـهدا هسـتند ولی شـهدا مـدیون آنها نیسـتند یا کمتر مـدیون هسـتند، هر خدمتگزاری برای ارائه خدمت خود، نیازمند محیطی مساعد و آزاد است تا خدمت خود را انجام دهد ولی شـهید، آن کسـی است که با فداکاری و از خودگذشـتگی خود و با سوختن و خاکستر شـدن خود محیط را برای دیگران مساعد می کند. مثل شـهید، مثل شـمع است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و پرتو افکندن است، تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده بنشـینند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند. آری شهدا، شمع محفل بشریتند.

از آنجا که آدمی فطرتاً طالب کمال و اگر در مسـیری قـدم می نهد بواسـطه آنست که کمال حقیقی را طی طریق در آن مسیر میداند. اگر کمال حقیقی که توسط آگاهترین افراد معلوم شود قاعدتاً آدمی آن مسیر را انتخاب می-کند. در کلمات خداوند و معصومین راه کمال کراراً بیان شـده اما متأسـفانه گاهاً بـدلیل عـدم تبلیغ صـحیح این راه به روشـنی برای افراد مشـخص نمی شود، فلذا دشـمن با روشی بسیار دقیق و حساب شده با برخوردی موزیانه و ریاکارانه افراد را مجذوب برنامه های خود مینماید و فرد را از فرهنگ حقیقی خود جدا می کند.

در کشور مـا اگر حقیقت آموزه مهـدویت بـدرستی تبیین شود و نخبگـان با یافتن طرق صـحیح آشـنایی جوانان با این فرهنگ بتوانند این فرهنگ اصـیل را اشاعه دهند فرهنگ بیگانه نخواهد توانست اثری بر فرهنگ اصـیل شیعی گذارد چرا که هر انسان منصـفی اگر با فرهنگی که اینگونه با خون نگاهداشـته شده تا به سلامت به انتهایی که وعده داده شده برسد نظر نماید خواهد یافت که به چه زیبایی کمال و سعادت حقیقی او را تضمین نموده است.

لذا همانطور که قبلاً نیز بیان شد، غیبت، عامل یک تلاش ویژه در فهم دین می گردد و گفتیم انتظار، اگر حقیقی باشد، بخشی از فرج خواهـد بود؛ چرا که معنایش این است که کسانی، در جهت فهم دین گام بردارند و به آن عمل کنند و جامعه را به آن

سمت سوق دهند، و در نهایت، به آن درجه ای برسند که بخواهند امام را

۱-. بقره، آیه ۱۶۵.

۲-. حشر، آیه ۹.

اطاعت کننـد. اینان برای نیل به آن هـدف والای خود از بذل جان نیز واهمه ای ندارند، وقتی افرادی اینگونه در جامعه حضور داشـته باشند که درخت امید به دستیابی ظهور دولت کریمه میوه هایی چون عشق به شهادت را در درون آنها بارور نموده، در جهت ساختن جامعه و آماده سازی آن برای درک ظهور از هیچ کوششـی دریغ نخواهند نمود. اینان با شـناخت کامل فرهنگ سبز مهـدوی حرکت خود را آغـاز نموده و بـا ابزار فرهنگی که از فرهنـگ ایثـار و شـهادت آوخته انـد اجازه نخواهنـد داد که فرهنگ ضـد دین، تهاجم خود را برعلیه فرهنگ اسـلام ناب محمدی به هدف رساند. فرهنگ مهدوی چنان شور و حرکتی در فرد ایجاد می کند که تا آن را عملی نسازد از پای نخواهد نشست. و البته در این راه پر خطر داشتن برنامه و رهبری آگاه امری اجتناب ناپذیر خواهد بود.

والسلام

ولایت فقیه، نقطه ارتباط عملی فرهنگ جهاد و مهدویت (علی موسی زاده فتیدهی)

چکیده

ولی فقیه به عنوان نایب عام حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت آن حضرت، با فراهم شدن زمینه لازم اقدام به تشکیل حکومت اسلامی می کند و تمام اختیارات حکومتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم را عهده دار می شود. او می تواند جهت مقابله با دشمنان اسلام و حفاظت از کیان اسلام، حکم جهاد صادر نماید. ولی فقیه با تشکیل ارکان حکومت، قوانین اسلامی را به اجرا درآورده و در جامعه شعاعی از عدالت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را منعکس می سازد تا از این طریق، به تقویت بارقه امید در دل منتظران واقعی ظهور بپردازد و فرهنگ مهدویت را ترویج نماید. اهتمام به خودسازی، همیاری های اجتماعی و اصلاح جامعه، تربیت افراد برجسته و یاران خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر حاکمیت ولی فقیه بیشتر می شود و آمادگی لازم جهت ظهور آن حضرت فراهم می گردد.

پژوهنده در تحقیق حاضر در صدد است که فرضیه "ولایت فقیه نقطه ارتباط عملی فرهنگ جهاد و مهدویت " را به اثبات برساند.

کلیدواژه ها: ولایت فقیه، ولی فقیه، فرهنگ جهاد، فرهنگ مهدویت، انتظار، زمینه سازی ظهور.

مقدمه

حاکمیت مطلق در جهان هستی، از آن خداست و بدون اجازه ی خداوند، هیچ فرد یا گروهی حق حاکمیت بر دیگران را ندارد. برای ادای این مسؤولیت سنگین می بایست انسان های کاملی وجود داشته باشند که دارای دو جنبه ی الهی و بشری باشند. پیامبران، همان انسان های کامل هستند که در طول تاریخ، برای هدایت و راهنمایی بشر آمده و حکومت های مختلفی را تشکیل داده اند. آخرین حکومت الهی به دست پیامبر عظیم الشأن اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به عنوان آخرین سفیر الهی تشکیل شد و این حکومت که نشأت گرفته از دین اسلام ـ آخرین و کامل ترین دین الهی ـ است، می بایست در اعصار مختلف ادامه یابد.

« هُوَالَّذی اَرسَلَ رَسُولَهُ بِالهُدی وَدینِ الحَقِّ لِیُظهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَو کَرِهَ المُشرِکُونَ »

«او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند هرچند مشرکان کراهت داشته باشند».

همانند این آیه در دو جای دیگر قرآن نیز آمده وبدیهی است که غلبه ی آیین اسلام بر سایر آیین ها بدون تشکیل حکومت ممکن نخواهد بود.

حکومت اسلامی دارای کادر رهبری مشخص است:

۱.رسول خدا صلی الله علیه و آله ۲. امامان معصوم ۳. در زمان غیبت امام معصوم ، نایب امام ؛ یعنی ولی فقیه.

بنابراین در این زمان که امام معصوم نمی تواند حکومت تشکیل دهد، ولی فقیه باید درصورت ایجاد شرایط دست به تشکیل حکومت بزند و نقطه ی ارتباط عملی تمامی ارزش های اسلامی از جمله فرهنگ جهاد و مهدویت گردد.

از زمانی که جامعه اسلامی به دلیل عدم لیاقت، از دیدار حجت خدا محروم گشت و نتوانست از هدایت مستقیم برخوردار گردد، خداوند حجت خویش را در پشت پرده ی غیبت برای روز موعود ذخیره ساخت تا در زمان مناسب، حکومت عدالت گستر او را در سطح جهان به منکران و مشرکان و مستکبران عالم بنمایاند و جهان غرق در ظلم و جور و بی عدالتی را، پر از عدل و داد نماید و قدرت های پوشالی جهان را سرجایش نشانده ، مستضعفان را بر جهان حاکم سازد.

حال این سئوال مطرح است که آیا در فاصله ی زمانی غیبت تا ظهور، بشریت به حال خود رها شده و نیاز به رهبر و راهنما ندارد؟ آیا بشریت باید تحت حکومت ظالمان و ستمگران بماند و به اعتقاد عده ای منحرف، حتی به

ایجاد ظلم و فساد کمک نموده تا زمینه ی ظهور فراهم آید؟ آیا ممکن است پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله برای جانشینی خویش دوازده وجود پاک را برگزیده، اما در زمان غیبت دستور العملی نداده باشد؟ تصور نویسنده این است که می بایست به این سؤالات و سوالات متعدد دیگری که در خصوص غیبت در اذهان وجود دارد پاسخ داده شود. برای همه ی این سوالات و سوالات مشابه یک پاسخ کوتاه وجود دارد و آن «حاکمیت ولی فقیه» در زمان غیبت است.

در زمان غیبت دو وظیفه بر عهده مکلف است.

اول؛ وظیفه ی فردی.

دوم؛ وظیفه ی اجتماعی.

برای انجام وظیفه ی فردی یا باید خود، مجتهد و اسلام شناس باشیم و بتوانیم از محتوای دین، وظایف خویش را استخراج و بدان عمل نماییم؛ یا باید مقلد باشیم و از مرجع تقلید پیروی نماییم؛ همان گونه که در عصر حاضر در جوامع شیعی عمل می شود. اما برای انجام وظیفه ی اجتماعی، نیاز به تشکیل حکومت اسلامی داریم حکومتی که تحت نظارت فقیه اسلام شناس اداره شود که این اندیشه به ولایت فقیه مشهور است.

ولایت فقیه، نقطه ی ارتباط بین حکومت صدر اسلام با حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که به اعتقاد علمای بزرگ نظیر شیخ مفید، صاحب جواهر و امام خمینی رحمه الله عهده دار تمامی وظایف حکومتی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه می باشد. هر چند در ولایت فقیه، جهاد ابتدایی وجود ندارد و این امر مختص زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است؛ اما در بقیه ی موارد ولی فقیه می تواند اعمال حاکمیت نماید.

با بررسی اجمالی پی می بریم که در اسلام دو فرهنگ عمیق و تاثیرگذار وجود دارد یکی: فرهنگ جهاد و دیگری فرهنگ مهدویت، که اولی هم در زمان صدر اسلام و هم در عصر غیبت وجود دارد. اما دومی در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود آمده است و هر یک دارای خصوصیات و ویژگی هایی است که با بررسی آنها نقش ولی فقیه در این دو فرهنگ به خوبی آشکار می گردد.

ولایت فقیه

۱ـ ولایت درلغت دارای معانی فراوانی است. ولایت به فتح واو به معنای دوستی و نصرت و به کسر واو به معنای امارت و سرپرستی است. برخی آن را به معنای قرابت دانسته اند که بی مناسبت با سلطه و سرپرستی نیست. در اصطلاح به معنی سلطه بردیگری و یا دیگران ازلحاظ جانی یا مالی یا هر دو، به حکم عقل و یا شرع به عنوان اصلی یا عارضی (اولی یا ثانوی) است.

فقیه از کلمه ی فقه گرفته شده و فقه در لغت به معنای فهم و دانایی است و در اصطلاح عبارت است از: علم به احکام اسلام بر اساس ـ کتاب، سنت، اجماع و عقل ـ به صورت تفصیلی.

مقام معظم رهبری درخصوص مفهوم ولایت فقیه سخن اندیشمندانه ای دارند. ایشان می فرمایند:

«ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام وحفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است. این اساسی ترین و محوری ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است. بنابراین ولایت فقیه نه یک امر نمادین وتشریفاتی محض و احیانا نصیحت کننده ـ آن طوری که بعضی از اول انقلاب این را می خواستند و ترویج می کردند ـ نه؛ نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت دارد».

بنابراین ولایت فقیه یعنی: امامت وسرپرستی فقیه جامع الشرایط بر جان و مال مسلمین.

دلایل ولایت فقیه

برای اثبات نظریه ولایت فقیه دلایل عقلی و نقلی بسیاری ارائه شده است:

دلایل عقلی

وجود رهبر برای جوامع بشری، از ضروریات زندگی اجتماعی است و جامعه بدون رهبری دچار هرج ومرج خواهد شد واز آنجا که اسلام، آخرین وکامل ترین دین الهی است لازم است برای تمام قرن ها برنامه داشته باشد و از طرفی، حدود هفتاد درصد قوانین اسلام، اجتماعی است وبرای اجرایی شدن، نیازمند رهبری لایق وشایسته می باشد. در صدر اسلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رهبری جامعه اسلامی را به عهده داشتند. آن حضرت، پس از خود دوازده امام معصوم را به جانشینی برگزیدند که دوازدهمین جانشین آن حضرت، یعنی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت بسر می برند.

در این زمان، فقهای اسلام شناسی که از ویژگی های خاصی برخوردارند، به عنوان نواب عام امام معرفی شده اند که در صورت فراهم شدن زمینه، می بایست سکان هدایت جامعه را به عهده بگیرند .

امام خمینی رحمه الله بنیانگذار حکومت ولایت فقیه در عصر غیبت، می فرماید:

«پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که از دنیا می خواست تشریف ببرد، تعیین جانشین و جانشین ها را تا زمان غیبت کرد و همان جانشین ها، تعیین امام امت را هم کردند. به طور کلی این امت را به خود وانگذاشتند که متحیر باشند. برای آن ها، امام تعیین، رهبر تعیین کردند تا ائمه هدی سلام الله علیهم بودند آن ها بودند و بعد فقها ...»

بنابراین در عصر غیبت، تشکیل حکومت از جانب ولی فقیه، از ضروریات عقلی است؛ چراکه قوانین اسلامی از قبیل حدود، دیات، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و... بدون تشکیل حکومت قابل اجرا نخواهد بود و تعطیل می ماند.

امام علی علیه السلام پس از ذکر آیاتی همچون: آیه ۲۴ سوره انفال ، ۱۷۹ سوره بقره پیشوایی جامعه را از نظر عقلی مورد تأکید قرار داده ، می فرماید:

«و فی هذا اَوضَحُ دلیلٌ علی اَنهُ لابُد لِلامةِ مِن امامٍ یَقُومُ بامرهِم ...»

این آیات دلیل روشنی است بر این که امت باید دارای امام و پیشوا باشد و به انجام کارهای آن ها قیام و اقدام کند ، به آن ها امر و نهی نماید ، حدود الهی را در میان آن ها به پا دارد، با دشمن پیکار کند و غنایم را عادلانه تقسیم نماید و سهام ارث را به اهلش برساند و درهای اصلاح و صلاح را به آن ها نشان دهد و آنان را از آنچه برایشان زیان بخش است بر حذر دارد ، زیرا امر و نهی یکی از اسباب بقای خلق است و گرنه تشویق و ترس ، از بین می رود و هیچ کس از گناه باز نمی ایستد و شیرازه نظام جامعه از هم می گسلد و چنین هرج و مرجی باعث هلاکت بندگان خدا است. »

امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید: «ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن موجب تصدیق می شود و چندان به برهان احتیاج ندارد به این معنی که هرکس عقاید و احکام اسلام را ، حتی اجمالاً دریافته باشد چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور آورد، بی درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت .»

صاحب جواهر نیز می فرماید: «اگر ولایت عامه فقیه نباشد، اکثر امور متعلق به شیعه بی نتیجه خواهد ماند.»

دلایل نقلی

در خصوص ولایت فقیه روایات و احادیث زیادی از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین نقل شده است که به عنوان نمونه به چند روایت اشاره می کنیم :

«قال امیرالمؤمنین: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اللهم ارحم خلفایی – ثلاث مرات – قیل له : یا رسول الله و من خلفاؤون؟ قال: الذین یأتون من بعدی و یرون عنی احادیثی و سنتی فیعلمونها الناس من بعدی .»

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود : «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : پروردگارا خلفای مرا مورد رحمت قرار ده – این سخن را سه بار تکرار فرمود– گفتند: یا رسول الله خلفای شما کیانند؟ فرمود: آن ها که بعد از من خواهند آمد و حدیث و سنت مرا – برای مردم– بازگو می کنند و آن را به مردم یاد می دهند».

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام می فرماید: «انظروا الی من کان منکم قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا...»

به کسی که از شماست نظر نمایید، احادیث ما را روایت می کند و در حلال و حرام ما می نگرد و احکام ما را می شناسد ، به حکم او راضی شوید. به درستی که من او را بر شما حاکم گردانیدم، هر گاه به حکم ما حکم کند و از او پذیرفته نشود، حکم خداوند سبک شده و بر ما رد گردیده و رد کننده بر ما رد کننده بر خداست و رد بر خدا در حد شرک به اوست».

در این حدیث منظور از راوی حدیث، تنها نقل کننده آن نیست؛ بلکه منظور فقها و دانشمندان دینی هستند که در احادیث و روایات تفقه کرده و حلال و حرام خدا را شناخته و به مردم تعلیم می دهند؛ زیرا افرادی که تنها به نقل حدیث می پردازند و به محتوای آن کاری ندارند، قوانین و احکام اسلام را استخراج کرده و به مردم تعلیم دهند. امام خمینی رحمه الله در همین رابطه می فرماید:

« جای تردید نیست که روایت « اللهم ارحم خلفایی» شامل راویان حدیثی که حکم کاتب را دارند نمی شود و یک کاتب و نویسنده نمی تواند خلیفه رسول اکرم صلی الله علیه و آله باشد. منظور از خلفا فقهای اسلام اند؛ نشر و بسط احکام و تعلیم و تربیت مردم با فقهایی است که عادل اند... و اگر فقیه نباشند، نمی توانند بفهمند که فقه چیست و حکم اسلام کدام است؟»

در توقیع مشهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است :

«و اما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواهٔ احادیثنا ، فانهم حجتی علیکم وانا حجهٔالله علیهم.»

اما درباره پدیده ها و رویدادهایی که در مسیر زمان و در طی تحولات اجتماعی به وقوع می پیوندد، به راویان سخن ما ــ دانشمندان و متفکرانی که به سخنان ما هم دانایند وهم آشنا ــ رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان می باشم».

همان طور که از این توقیع شریف بر می آید، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت به دانشمندان دینی که توان فهم و اجتهاد دارند، نیابت عام داده اند و مردم را موظف کرده اند که در مسایل و مشکلات زندگی به آنان مراجعه کنند و زمانی که دسترسی مستقیم به امام زمانشان وجود ندارد، در انجام تکالیف فردی و اجتماعی به ایشان رجوع کرده و تحت رهبری آنان به سعادت و نیک بختی برسند.

حدود واختیارات ولی فقیه

درباره حدود و اختیارات ولی فقیه، آرا و نظرات مختلفی بین فقها و دانشمندان مطرح است که به طور کلی می توان آن را به دو نظریه تقسیم کرد:

ولایت محدود فقیه: برخی معتقدند که ولی فقیه در برخی از احکام و قوانین، نظیر امور حسبیه و برخی موارد دیگر که با دلایل قطعی برای فقیه به اثبات رسیده باشد یارای دخالت دارد. مراد از امور حسبیه اموری است که شارع مقدس راضی به ترک آن ها نیست و باید سر و سامان پیدا کند ولی برای انجام آن ها شخص خاصی مشخص نشده است مانند: حفظ مال یتیم، ولایت بر او، ولایت بر مال مجهول المالک، ولایت بر اموال قاصرین و غائبین، ولایت بر طلاق زنی که همسرش مفقود شده است، ولایت بر صغار و ولایت بر دفن میت بدون صاحب و ولایت بر سفیه و سایر مواردی که بیان داشته اند.

ولایت مطلقه فقیه: براساس این نظریه، فقیه همه اختیارات امام معصوم را دارد و هر نوع ولایتی که برای امام ثابت شده است، برای فقیه نیز ثابت است؛ جز آنچه که به دلیل خاص از مختصات امام معصوم شمرده شده است چنین مواردی نیز مربوط به جنبه ولایت و حاکمیت نیست، بلکه به خاطر جهات شخصیتی و شرافت مقام امامت و عصمت امام معصوم است. حتی در مورد جهاد ابتدایی که برخی فقها از مختصات حکومت امام معصوم دانسته اند، مطلب روشن نبوده و محل تأمل است.

امـام خمینی که از منادیـان سرسـخت ولاـیت مطلقه فقیه می باشـد و با برپایی حکومت ولی فقیه در عصرحاضـر، این نظر را به مرحله عملی رسانده اند، در کتاب ولایت فقیه که سال ها قبل از پیروزی انقلاب نگاشـته اند، تصور این که اختیارات حکومتی ولی فقیه کمتر از اختیارات رسول الله صلی الله علیه و آله باشد را توهمی بیش نمی دانند:

« این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم صـلی الله علیه و آله، بیشتر از حضرت امیر علیه السلام بود یا اختیارات حکومتی حضـرت امیر علیه السـلام ، بیش از فقیه است، باطل و غلط است . البته فضایل حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیش از همه عـالم است و بعـد از ایشـان فضایـل حضـرت امیر علیه السـلام ، از همه بیشتر است . لکن زیادی فضایل معنوی ، اختیارات حکومتی را افزایش نمی دهد. همان اختیارات و ولایتی که حضـرت رسول و دیگر ائمه صـلوات الله علیهم در تدارک و بسـیج سپـاه ، تعیین ولاـت و اسـتانداران ، گرفتن مالیـات و صـرف آن در مصالـح مسـلمانان داشـتند خداونـد همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است؛ منتها شخص معینی نیست. روی عنوان «عالم عادل» است».

بنـابراین مـا بایـد بین مقـام پیـامبر و ائمه صـلوات الله علیهم با جنبه حکومتی ایشان تفکیک قائل شویم. آنان از نظر شأن و مقام قابل مقایسه با هیچ کس نیسـتند؛ اما به لحاظ اختیارات حکومتی، فقیه جامع الشـرایط می تواند همان اختیارات را داشـته باشد. چرا که در غیر این صورت نمی تواننـد بر مسایل حکومتی نظارت کرده و قوانین اسـلام را پیاده نماینـد. محـدود کردن ولایت فقیه موجب می شود که در بسیاری از امور، اجرای احکام حکومتی دچار تعطیلی شود و فقیه نتواند آن گونه که شایسته است، به اجرای قوانین و احکام اسلام که از وظایف اوست بپردازد.

این نظریه فقهـای بزرگی هماننـد شـیخ مفیـد ، شـیخ طوسـی ، شـهید اول و ثانی است. و در میان فقهای متأخر، شخصـیت های برجسـته ای نظیر علامه شـیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر)، علامه کاشف الغطاء، علامه نراقی و میرزای بزرگ شیرازی آن را تأیید نموده اند. ملا احمد نراقی در عوائد الایام می نویسد:

«آن چـه برای پیـامبر و امـام ــ که امـام و پیشـوای مردم بودنـد ــ ثـابت بـود، برای فقیه نیز ثـابت است؛ مگر این که دلیلی نظیر اجماع ، روایت و امثال آن ها حقی را تنها به آن ها اختصاص داده باشد».

صاحب جواهر هم می فرماید:

«ظاهر روایت حاکی از آن است که فقیه به طور کامل اختیار دارد و تمام اختیاراتی که برای امام علیه السلام است، برای او می باشـد و این مقتضـای فرمایش امام است که می فرمایـد: «من او (فقیه) را حاکم قرار دادم یعنی او را در قضا و غیر قضا ، ولی و برخوردار از حق تصرف قرار دادم» و مقتضای سخن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همین است که فرموده است

: «... فقها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنها هستم . منظور امام از این حدیث این است که فقها حجت برشما هستند در همه آن چه من در آن ها، حجت بر شما هستم.»

ولی فقیه با این اختیارات است که می تواند نقطه ارتباط عملی بین قوانین اسلام و فرهنگ هایی نظیر جهاد و مهدویت باشد؛ هر چند ممکن است با وجود مراجع عظام تقلید، برخی از احکام و قوانین به اجرا در آید اما بدون وجود حکومت و ولایت فقیه بسیاری از قوانین مخصوصاً قوانین، اجتماعی اسلام به اجرا در نخواهد آمد.

ویژگی های ولی فقیه

برای اجرای قوانین حیات بخش اسلام در جوامع بشری و گسترش قسط و عدل در روی کره زمین و فراهم کردن زمینه رشد و شکوفایی استعداد انسان ها، به رهبری عادل، مدیر و مدبر، آگاه به زمان و ... نیاز می باشد. چنین رهبری یا باید مستقیماً از طرف خداوند منصوب شده باشد که شامل پیامبران و ائمه معصومین علیهم السلام می گردد و یا می بایست از طرف جانشینان خدای متعال منصوب شوند؛ همان گونه که در زمان غیبت امام معصوم این مسؤولیت خطیر به ولی فقیه واگذار شده است. فقیهی که از شرایط خاصی برخوردار است تا بتواند ولایت جامعه را به عهده بگیرد.

بنابراین هر فقیهی نمی تواند سکاندار ولایت جامعه باشد. چنان که امام راحل می فرماید:

«اسلام هر فقیهی را که ولی نمی کند ، آن که علم دارد ، عمل دارد، مشی اش مشی اسلام است ، سیاستش سیاست اسلام است، آن را ولی می کند و آن هم برای این است که یک آدمی که تمام عمرش را در اسلام گذرانده و آدم معوجی نیست و صحیح است ، این نظارت داشته باشد به این امرها، نگذارد هر کس هر کاری دلش می خواهد بکند.»

شخصیتی که رهبری جامعه اسلامی را در عصر غیبت به عهده می گیرد، باید دارای ویژگی های برجسته ای باشد. برخی از مهم ترین صفات با بهره گیری از سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین مخصوصاً امام علی علیه السلام عبارتند از : عدالت، تقوا و پرهیزگاری، فقاهت و اجتهاد، پیشگامی در عمل، شجاعت و دلیری، بینش سیاسی اجتماعی، آگاهی از زمان، صبر و شکیبایی، اغماض و گذشت ، شرح صدر و ظرفیت روحی، مردم شناسی، مردمداری، فروتنی و تواضع، جاذبه اخلاقی، روحیه سازش ناپذیری در برابر دشمن، قاطعیت در اجرای احکام و حدود الهی، مقبولیت و محبوبیت مردمی، قدرت اداره و تدبیر امور.

همچنین حاکم اسلامی باید از صفات رذیله ای مانند بخل، حرص، طمع، ساده لوحی، زودباوری، بی تفاوتی نسبت به حیف و میل بیت المال و ... مبرا باشد.

فرهنگ جهاد

جهاد از ماده جهد (به فتح یا ضم جیم) مشتق شده است و جهد در لغت به معنی زحمت و مشقت است و در اصطلاح شرع مقدس به معنی کوشش و فداکاری با جان و مال در راه عظمت و سربلندی اسلام و اقامه شعائر ایمان می باشد.

براساس روایت امیرمؤمنین علیه السلام جهاد، چهارمین رکن ایمان شمرده شده است. حضرت در پاسخ کسانی که از معنی ایمان پرسیدند فرمود:

«خداوند ایمان را بر چهار پایه قرارداده است: صبر، یقین، عدل و جهاد.»

اقسام جهاد

صاحب جواهر جهاد با دشمن را به چهار قسم تقسیم نموده که می توان آن را در دو دسته کلی قرار داد:

«۱- جهاد ابتدایی ۲- جهاد دفاعی که به سه قسم تقسیم می شود:

الف- جهاد با کافرانی که قصد تسلط بر مسلمانان را دارند، طوری که آنان خوف این را دارند که اگر کفار بر آن ها مسلط شوند، شهر را تصرف می کنند و اموالشان را می گیرند.

ب- جهاد با کسی قصد کشتن نفس محترمی را دارد یا مالش را بگیرد یا ناموسش را اسیر کند، مانند جهاد به خاطر نجات مسلمانی که به دست دشمن اسیر شده و او از خودش دفاع می کند.

ج- جهاد با کسانی که به قصد کشتن امام بر امام خروج می کنند».

علت نامگذاری جهاد ابتدایی این است که مسلمانان به دستور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام معصوم با هدف نجات مستضعفین و سرکوب مستکبران و آگاه نمودن توده های محروم و مستضعف در اصول حیات بخش اسلام به سوی دشمن حرکت می کنند و با آنان وارد نبرد می شوند. چنان چه در آیه «وَ مالَكُم لا تُقاتِلونَ فی سَبیلِ اللهِ...» مسلمانان به جنگ با کفار و مشرکین ترغیب شده اند.

به اعتقاد فقهای اسلام این نوع جهاد مختص زمان پیامبر وحضور ائمه معصومین علیهم السلام است؛ هرچند امام خمینی رحمه الله در کتاب "البیع"خود این مساله را زیر سوال برده، می فرماید: «حتی در مورد جهاد ابتدایی که برخی فقها از مختصات حکومت امام معصوم دانسته اند، مطلب صاف نبوده و جای تامل و درنگ است».

جهاد دفاعی عبارت است از بیرون راندن دشمنان اسلام از مملکت اسلام، در آن هنگام که دشمن به مملکت اسلامی حمله مند و ترس آن باشد که بر اثر هجوم، اساس و ارکان اسلام به خطر افتد؛ یا دشمن قصد تسلط بر شهرها و کشورهای اسلامی را داشته باشد و یا قصد گرفتن اموال و اسیر کردن مسلمانان را در سر بپروراند که در این صورت به عنوان جهاد دفاعی، بر تمام مسلمانان؛ چه مرد یا زن؛ جه بزرگ یا کوچک و چه سالم یا مریض واجب است که از اسلام و مملکت اسلامی و اموال و ناموس مسلمین دفاع کنند و فرقش با جهاد ابتدایی این است که جهاد دفاعی نیازی به اجازه ی امام یا نایب امام ندارد چون دفاع بر همه ی مسلمانان چه امام و چه غیر امام واجب است.

در صدر اسلام، پس از تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر و نزول آیات جهاد، مسلمانان با شوق و اشتیاق در کنار رسول خدا به جنگ و جهاد با دشمنان پرداختند و عده ای شربت شهادت را در این راه نوشیدند. بر اساس آیات و روایات، شهدا از آنچنان عظمتی برخوردارند که مجاهدان راه خدا با کمال میل و رضا، همیشه گوش به فرمان پیامبر بودند و با اعلام عمومی، به سنگر های مبارزه با دشمن می شتافتند و جهاد به صورت یک فرهنگ در آمده بود و پس از پیامبر نیز مسلمانان سعی داشتند، در رکاب امام عادل قرار گیرند اما گرفتار حکومت های غاصب، همچون بنی امیه و بنی عباس شدند و جامعه از وجود امام راستین که پیامبر صریحا معرفی کرده بود محروم شد تا آنجا که جامعه، صلاحیت بودن در رکاب امام را از دست داد و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از جامعه غایب گردید و دوران سخت غیبت آغاز شد.

در این دوران، فقیهان از جانب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ، به نیابت عام رسیدند تا وظیفه هدایت جامعه را بر عهده گیرند، در صورت فراهم شدن زمینه حکومت اسلامی را برپا نمایند و احکام و قوانین اسلام و از جمله جهاد را زنده کنند اما به دلیل حاکمیت ظلم و جور در جوامع اسلامی، زمینه های مناسبی به وجود نیامد.

تا قبل از حاکمیت ولی فقیه در ایران، جلوه هایی از ولایت فقیه در تاریخ نمود یافته است. حکم تحریم تنباکو توسط میرزای بزرگ شیرازی و حکم جهاد علیه تجاوزگران انگلیسی به کشور عراق، توسط میرزا محمد تقی شیرازی ازجمله ی آن هاست؛ این دو عالم بزرگوار برخلاف علمای قبل، به صدور فتوا اکتفا نکردند بلکه حکم

حکومتی صادر کردند تا نشان دهند که فقهای شیعه در صورت شدن زمینه مناسب، قدرت اعمال حاکمیت در جامعه را دارند.

با ایجاد حکومت ولی فقیه در ایران، فقیهان شیعه به جهانیان ثابت کردند که می توانند به دستورات امام زمان خویش، جامه عمل بپوشانند، هدایت جامعه را به عهده بگیرند، با کمال قدرت، در مقابل حکومت های استکباری شرق و غرب بایستند و نظام اسلامی را به پیش ببرند و با استفاده از فرهنگ جهاد، دوران هشت ساله ی دفاع مقدس را با سرافرازی پشت سر گذارند به گونه ای که دشمنان اسلام ناچار شوند به شکست خود، در جنگ تحمیلی اعتراف کنند.

سخنان امام خمینی رحمه الله در دوران دفاع مقدس، به همراه احکام و دستورات جنگی موجب گردید تا فرهنگ جهاد، در جامعه پیاده شود و جوانان پرشوری که می توانستند به دنبال کار و تفریح و سرگرمی باشند با بهره گیری از دم مسیحایی امام رحمه الله، به سوی جبهه ها بشتابند و به فرهنگ جهاد و شهادت جان تازه ای ببخشند و جامعه را از خطر نابودی و گرفتار آمدن به چنگ دشمنان اسلام نجات دهند. نقطه اوج این حرکت، وجود امام امت رحمه الله در راس حکومت به عنوان ولی فقیه بود و اگرحاکمیت فقیه نبود، چنین حرکتی درجامعه صورت نمی گرفت.

فرهنگ مهدویت

در طول تاریخ بشر در جوامع مختلف با آرا و عقاید گوناگون، همیشه امید به آمدن منجی و نجات بخش که مستضعفان را از یوغ ستمگران رهایی بخشد، وجود داشته است. انسان ستمدیده عمری را با امید ایجاد مدینه فاضله ای و عدالت محور سر بر دامان گور نهاده است. آمدن آخرین و کامل ترین دین الهی، به امیدها، رنگ و بوی تازه ای داد و امید ستمدیدگان جهان رهایی از چنگال مستکبران دو چندان شد. این مهم با تشکیل حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه و پیشرفت های شگرف مسلمانان در طول ده سال حضور پیامبر صلی الله علیه و آله بیش از پیش شد. پیامبر صلی الله علیه و آله در اواخر عمر خویش، جانشینانش را که دوازده تن بودند، به جامعه اسلامی معرفی کرد. او خاطرنشان کرد که آخرین آن ها جهان را در زمانی که پر از ظلم و ستم شده است، پر از عدل و داد خواهد نمود.

توده های مسلمان که به وعده پیامبر صلی الله علیه و آله یقین داشتند، همیشه در انتظار آمدن مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند. با وجود انحرافاتی که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به وجود آمد، آنان امیدوار بودند که روزی جمال دل آرای مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله را زیارت کنند و وعده الهی را در تحقق حکومت عدالت گستر جهانی مشاهده نمایند.

در سال ۲۵۵ هجری قمری با ولادت منجی عالم بشریت، امید شیعیان به برپایی حکومت جهانی بیش از پیش گردید اما زمینه لازم برای برقراری قسط و عدل جهانی فراهم نبود؛ دشمنان اسلام و شیطان صفتان برای حفظ منافع خویش، در صدد بودند تا به محض حضور آن حضرت، او را به قتل رسانند و در مقابل تحقق وعده الهی بایستند. اما از آن جا که وعده الهی حتمی است، خداوند برای مدتی، جامعه بشری را از دیدار آن حضرت محروم نمود تا انسان های تشنه عدالت، با تجدید قوا و فراهم نمودن زمینه های لازم، جهان را برای قدوم مبارک آن وجود مقدس آماده نمایند. در این زمان که به عصر غیبت مشهور شده و ما نیز در آن قرار گرفته ایم؛ وظایف بسیاری بر دوش منتظران واقعی آن حضرت است که باید برای رسیدن به چشمه جوشان عدالت با تمام وجود به وظایف خویش عمل کرد تا بتوان از آب این چشمه سیراب شد.

خوشبختانه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فرهنگ مهدویت، جان تازه ای به خود گرفت و به یک فرهنگ جهانی مبدل گشت و حتی استکبار جهانی با بهره گیری از هنرمندان مشهور هالیوود، به دنبال تحریف این فرهنگ در آمده است و هزینه های بسیاری را جهت منحرف کردن این فرهنگ صرف کرده است. از این رو، وظایف منتظران واقعی بسیار سنگین تر از گذشته شده و می بایست با گسترش فرهنگ مهدویت، وظیفه حساس خویش را انجام داد تا زمینه ی لازم را برای ظهور منجی عالم بشریت فراهم گردد.

مفهوم فرهنگ مهدویت

مهدویت اندیشه و باوری است که پس از غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به تدریج در جوامع اسلامی گسترش یافته و به صورت یک فرهنگ درآمده است. این فرهنگ موجب می شود که جامعه اسلامی حتی در ستمکارترین حکومت ها، و در سخت ترین شرایط بارقه امید خود را به فردایی بهتر، از دست ندهد. مردمی که با این فرهنگ زندگی می کنند، چشم امید به روزی دارند که موعود الهی ظهور کند و وعده خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام را تحقق بخشد و عدالتی را که جهان در انتظارش است، برقرار نماید. ظهور این اندیشه به گونه ای است که مستشرقان غربی نیز بدان اذعان نموده اند. مارتین فیلسوف آلمانی می گوید:«از جمله مسایل اجتماعی بسیار مهم که همیشه]می تواند[موجب امیدواری و رستگاری]باشد[، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور اوست».

مهدویت علاوه بر بعد اجتماعی که بدان اشاره گردید، ابعاد دیگری نیز نظیر بعد سیاسی را در بر دارد؛ این نظریه اندیشه ای جهانی است و برای جهان و اداره آن، طرح و برنامه کاملی دارد و با ظهور آن حضرت، تمام جهان به

صورت یک حکومت واحد در می آید و توسط یاران حضرت که در طول دوران غیبت تربیت شده اند، اداره خواهد شد.

از جنبه تاریخی، مهدویت در راستای امامت و در امتداد نبوت و خاتمیت است. از این رو در مرحله حساسی از تاریخ آغاز شده، تا امروز ادامه یافته و تا آخرین لحظه حیات دنیوی بشر نیز باقی خواهد بود.

فلسفه غیبت طولانی مدت

ممکن است، این سوال در اذهان خطور کند که چرا با وجود ظلم و فساد به این اندازه در جهان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نمی کند؟ راز این غیبت طولانی در چیست؟ پاسخ به این سوال بدین شرح است:

برای تحقق انقلاب همه جانبه جهانی، تنها وجود یک رهبر شایسته انقلابی کافی نیست، بلکه نیاز به یک آمادگی عمومی است و هر زمان که این آمادگی و پیدا شود، قطعاً حضرت ظهور خواهد نمود.

توضیح مطلب این که: اولا؛ برنامه ی قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، هم چون برنامه قیام پیامبران الهی، از راه بهره گیری از وسایل و اسباب طبیعی انجام می شود و اعجاز اساس آن را تشکیل نمی دهد؛ یعنی معجزات در روند برنامه های اصلاحی رهبر آسمانی جنبه استثنایی دارد.

ثانیا؛ برای وقوع انقلاب جهانی، حداقل چند نوع آمادگی لازم است:

آمادگی پذیرش یا آمادگی روانی؛ انسان ها می بایست نارسایی و ضعف قوانین بشری را برای اجرای عدالت اجتماعی لمس کنند؛ مردم جهان باید احساس کنند که بحران های کنونی، زاییده نظام های کنونی است و سرانجام این نظام ها از حل بحران ها عاجز می مانند. مردم جهان باید تشنه عدالت شوند و تا تشنه نشوند، به سراغ چشمه های زلال عدالت نمی روند.

امّا این تشنگی چگونه به وجود می آید و چه عاملی آن را تشدید می کند؟

قسمتی از آن را گذشت زمان ایجاد می کند اما قسمت دیگر بستگی به تعلیم و تربیت دارد و باید با رستاخیز فکری که از طرف اندیشمندان با ایمان و مسؤولان آگاه جامعه به وجود می آید، عملی گردد.

تکامل "فرهنگی و صنعتی"؛ ایجاد اقتصادی سالم و پویا، برای همه انسان ها از یک سو و نیاز به رشد فرهنگی و بالا رفتن سطح دانش بشری از سوی دیگر و نیاز به تکامل وسایل صنعتی اهمیت ویژه ای دارد. وسایلی که بتواند، تمام نقاط جهان را سریع و به صورت دائمی به هم پیوند دهد و گذشت زمان از عوامل این تکامل است.

پرورش نیروی ضربتی انقلابی؛ انقلاب جهانی، نیاز به نیروهایی دارد که بتوانند، پس از ظهورحضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف ، در راس امور قرار گیرند. این افراد آگاه، شجاع، دلسوز، فداکار، و جان برکف می بایست برای این کار تربیت شوند؛ هرچند برای این منظور نسل هایی یکی پس از دیگری بیایند. بدیهی است این امر نیاز به زمان طولانی دارد.

البته در روایات اسلامی، یکی از علل طولانی شدن غیبت امام، مساله امتحان و آزمون عمومی و انتخاب اصلح ذکر شده که ممکن است، اشاره به همین موضوع باشد.

انتظار در فرهنگ مهدویت

متاسفانه به علت طولانی شدن زمان غیبت، عده ای درصدد برآمده اند، انحرافاتی در فرهنگ مهدویت ایجاد کنند و استراتژی انتظار را که عاملی سازنده، جهت زمینه سازی حکومت جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است، به عاملی مخرب، درجامعه بدل کنند. این افراد که از جانب دشمنان اسلام نیز حمایت می شوند، خواسته یا نا خواسته اهداف دشمنان را برآورده می سازند معتقدند منتظران ظهور حضرت بایستی دست به کارهایی بزنند که ظلم و فساد در جامعه زیاد شود و هنگامی که ظلم و فساد در سطح جهان به اوج خود رسید، حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف برای ایجاد قسط و عدل قیام می کند.

در حالی که با بررسی احادیث و روایات، خلاف این امر ثابت می شود و ما نه تنها نباید، به فساد محیط دامن بزنیم بلکه تا آن جا که ممکن است، باید در صدد جلوگیری از آن باشیم. در روایات آثار سازنده ای برای انتظار ذکر شده است.

در روایات آمده است شخصی که در انتظار حکومت عدالت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، دارای اجر افراد ذیل خواهد بود:

با رهبر این انقلاب، در خیمه او (ستاد ارتش) او است.

با پیامبر، در مبارزاتش همراه بوده است.

همانند شمشیرزنی در راه خدا است.

همانند کسی است که زیر پرچم قائم بوده باشد.

همانند کسی است که پیش روی پیامبر صلی الله علیه و آله جهاد کند .

همانند کسی است که با پیامبر صلی الله علیه و آله شهید شود.

در این روایات نوعی رابطه، بین مساله" انتظار" در فرهنگ مهدویت با فرهنگ "جهاد" و مبارزه با دشمن در آخرین شکل خود وجود دارد.

در روایات بسیاری نیز انتظار، بالاترین عبادت معرفی شده است. (اَفضَلُ اَعمال اُمتی اِنتِظار الفَرج مِنَ اللهِ عَزوجل)

کسی که به ظلم و فساد محیط کمک می کند، نمی تواند چنین خصوصیاتی داشته باشد . برخلاف نظر این عده، انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای آثار سازنده ای است:

خودسازی فردی: برای ایجاد این تحول عظیم جهانی، نیاز به عناصر آماده و با ارزش انسانی دارد که بتوانند، بار سنگین آن اصلاحات وسیع را در جهان بر عهده بگیرند. برای این انقلاب عظیم، مردانی بسیار بزرگ، مصمم، نیرومند و شکست ناپذیر،فوق العاده پاک و بلند نظر، کاملا آماده و دارای بینش عمیق لازم است و این امر جز در سایه خودسازی و بکارگیری عمیق ترین برنامه های اخلاقی،فکری و اجتماعی محقق نخواهد شد.

خود یاری های اجتماعی: منتظران راستین، در کنار خودسازی فردی، موظفند، مراقب دیگران و جامعه خویش نیز باشند و هر جا نقطه ی ضعفی مشاهده کردند، به جبران آن بپردازند و هر نقطه ی آسیب پذیری را ترمیم نمایند و قسمت های ضعیف و ناتوان را تقویت کنند. زیرا بدون شرکتِ فعالانه و هماهنگِ تمام مبارزان، پیاده کردن برنامه های عظیم پس از ظهور امکان پذیر نخواهد بود.

حل نشدن در فساد محیط: گاهی فساد فراگیر می شود، بسیاری را آلوده می سازد و افراد پاک را در تنگنا و بن بستی سخت قرار می دهد، به گونه ای که احساس می کنند، راهی برای اصلاح نیست. این نومیدی و یأس ممکن است، آنان را به تدریج به سمت فساد و همرنگی با محیط بکشاند اما کسی که منتظر واقعی است و در انتظار اصلاح نهایی منجی بشریت است، هرگز امیدش را از دست نمی دهد و با این امید به خود سازی و اصلاح دیگران می پردازد و هرگز در فساد محیط حل نمی گردد.

بنابراین، انتظار عاملی سازنده است که موجب می شود تا زمینه های لازم برای ظهور به وجود آید.

مقایسه زمان حضور ولی فقیه در جامعه با غیر آن

قرن ها از زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می گذرد و در طول این مدت، آن حضرت نیابت عام خویش را به فقیهان عالیقدر دادند. آنان نیز به تناسب پذیرش جامعه، به وظایف خویش عمل کرده اند؛ در مقاطعی که آنان اسلام را در معرض خطر نابودی می دیدند، دست به اقداماتی زدند؛ نظیر میرزای بزرگ شیرازی به تحریم تنباکو و یا همانند میرزا محمدتقی شیرازی در عراق علیه انگلیس حکم جهاد صادر کردند.

اما این احکام مقطعی بوده و به جنبه خاصی پرداخته است. منظور از حضور ولی فقیه در جامعه، زمانی است که ولی فقیه در راس حکومت قرار گیرد و تمام وظایف حکومتی را به عهده بگیرد؛ نظیر دوران پس از پیروزی که امام خمینی رحمه الله با انقلاب اسلامی تمام ارکان حکومت را به دست گرفتند و به دوست و دشمن ثابت کردند که ولی فقیه می تواند، با اختیارات حکومتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام حکومت تشکیل دهد و با وجود همه مخالفت های استکبار جهانی، آن را به پیش ببرند؛

در ادامه ی راهش، حضرت آیت الله خامنه ای سکان کشتی انقلاب را به دست گرفته و هم چون پیر مراد خویش، حاکمیت ولی فقیه را به منصه ظهور رساندند. با مقایسه این دوران، با زمانی که ولی فقیه در مسند حکومت نبود مشخص می شود که احکام و معارف اسلامی از نظر عمل و محتوا با یکدیگر تفاوت بسیاری پیدا کرده اند.

"جهاد" در این دوران عملا به درون جامعه اسلامی آمد و موجب گردید، نیروها بسیج شده و به سمت جبهه های نبرد حق علیه باطل بشتابند و حماسه های ماندگاری را خلق نمایند. حتی احکام فردی مانند نماز، روزه، خمس و زکات و... با دوران های غیر حاکمیت فقیه متفاوت است و احساس می شود که احکام و قوانین اسلامی در حال پیاده شدن در جامعه است؛ هرچند نواقص زیادی وجود دارد ولی همین که جهت گیری ارکان حکومت به اجرای عدالت است، تاثیر زیادی در باور آحاد جامعه گذاشته و مردم را به برپایی حکومت قسط و عدل امیدوارتر می نماید.

به اعتقاد امام خمینی رحمه الله، عدالتی که در زمان ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می یابد، با عدالتی که در زمان حاکمیت ولی فقیه به دنبال آن هستیم، از نظر عمل و محتوا تفاوت دارد و آن عدالت در تمام مراتب انسانیت است. امام رحمه الله در توضیح مطلب می فرماید :

«انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی ،انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش، این ایجاد عدالت است در انسان، اگر اخلاقش اخلاق منحرفی باشد از این انحراف، وقتی به اعتدال برگردد این عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید یک انحرافی و کجی هایی باشد برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این عدالت است در عقل انسان».

نقش ارتباطی ولی فقیه با فرهنگ جهاد و مهدویت

وجود ولی فقیه در جامعه، نماد ارزش های اسلامی است. ولایت فقیه یعنی استمرار و تداوم ولایت امام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله؛ ولایت فقیه یعنی مهدویت مجسم، یعنی ولایتی که از یک طرف به ولایت امام متصل است و از زمان غیبت امام آغاز شده است و از طرف دیگر در انتها نیز به ولایت امام ختم می شود و ولی فقیه وظیفه دارد، پرچم هدایت جامعه را به دست صاحب اصلی اش برساند.

ولی فقیه امید را در قلوب زنده می کند و به انتظار منتظران ظهور، معنا و مفهوم می بخشد. آنان را در کارشان مصمم تر و نسبت به آینده امیدوارتر می نماید. با وجود ولی فقیه، مردم ارتباط نزدیکتری با امام زمان احساس می کنند، چرا که نایب امام را در راس حکومت جامعه می بینند. حاکمیت ولی فقیه به احکام و قوانین جامعه رنگ و بوی اسلامی می دهد و جهت حرکت جامعه به سوی حاکمیت خواهد بود. این ها و مسایلی نظیر آن، زمینه ساز حکومتی عدالت گستر جهانی است.

ولی فقیه شخصیتی است که هنگام احساس خطر و برای دفاع از کیان اسلام و جامعه ی مسلمین، حکم جهاد صادر می کند و موجب گسترش فرهنگ جهاد می گردد. با اشاره ولی فقیه مردم علیه دشمن بسیج می شوند و با تمام امکانات، به نبرد و مبارزه بی امان با دشمنان برمی خیزند و در این راه از جان و مال و فرزندان خویش دریغ نمی کنند و این امر موجب می شود که مردم رابطه نزدیک و تنگاتنگی بین ولایت فقیه و فرهنگ جهاد و مهدویت احساس کنند و ولی فقیه را نماد ارزش های اسلامی، از جمله جهاد و مهدویت بدانند.

نتیجه گیری

ولایت فقیه استمرار حکومت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و امام معصوم علیهم السلام است که در زمان غیبت امام عهده دار وظیفه حکومتی آنان می شود و در صورت فراهم شدن زمینه، حاکمیت جامعه مسلمین را به دست می گیرد و از آن جا که عقل حکم می کند، هر جامعه ای جهت پیشبرد کارهای مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و... نیاز به حاکم و رهبر دارد، جامعه اسلامی نیز نیازمند رهبری آگاه و آشنا به احکام و قوانین اسلام است که در زمان غیبت این وظیفه به عهده ولی فقیه گذاشته شده است.

در روایات زیادی نیز ولی فقیه را در زمان غیبت حاکم و پاسخگوی مسایل گوناگون جامعه معرفی کرده اند. ولی فقیه باید دارای ویژگی های زیادی از قبیل ورع، تقوا، فقاهت و اجتهاد، دلیری و شجاعت، صبر و شکیبایی، مردم شناسی و مردم داری، روحیه سازش ناپذیر در برابر دشمن، اراده و تدبیر در امور و... باشد. به عقیده فقهای بزرگی

نظیر شیخ مفید، شیخ طوسی، شهید اول و ثانی، صاحب جواهر، علامه کاشف الغطا، میرزای بزرگ شیرازی و امام خمینی رحمه الله اختیارات حکومتی ولی فقیه همان اختیارات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم است، مگر در مواردی که تنها برای آنان تصریح شده باشد. بنابراین ولی فقیه از اختیارات مطلقه برخوردار است.

به طور کلی ما در اسلام دو نوع جهاد داریم:

الف) جهاد ابتدایی؛ که مسلمانان به دستور پیامبر یا امام ، جهت دفع تجاوز و توطئه دشمن به آنان حمله می کنند.

ب)جهاد دفاعی؛ جهاد با کفاری که قصد تسلط بر مسلمانان را دارند یا جهاد با کسی که قصد کشتن نفس محترمی را دارد یا قصد گرفتن مال یا ناموسش را دارد و جهاد با کسانی که بر امام خروج کرده و قصد کشتن امام را دارند.

در زمان غیبت، هرگاه کیان اسلام در خطر باشد، ولی فقیه می تواند حکم جهاد (که بیشتر جنبه دفاعی دارد) را صادر نماید.

فرهنگ مهدویت که همانا امید به آینده ای بهتر، اعتقاد و باور به ظهور منجی عالم بشریت، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است این اندیشه در زمان حضور ولی فقیه مخصوصا در زمان حاکمیت او ، چنان قدرت می گیرد که روح تازه ای به منتظران ظهور می دهد و آنان را مصمم می کند تا با خودسازی و اصلاح افراد جامعه، بارقه های امید را در دل منتظران راستین زنده نگه دارند و هرچه حکومت ولی فقیه در اجرای قوانین اسلام موفق تر باشد و بتواند عدالت را در سطح وسیع تر به اجرا در آورد، به همان اندازه به نزدیک تر شدن ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف کمک کرده است.

بنابراین رابطه تنگاتنگی بین ولایت فقیه و دو فرهنگ جهاد و مهدویت و دیگر ارزش های اسلامی وجود دارد و تقویت ولایت فقیه موجب تقویت، جهاد و مهدویت می شود و زمینه برای برپایی عدالت همه جانبه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مهیا می شود و آمادگی برای برپایی عدالت همه جانبه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم می آید.

به امید آن روز

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹